

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آئین استعمار

خلاصہ مکیال المکارم

واحد پڑوہش انتشارات مسجد مقدس جمکران

آيين انتظار

خلاصه مكيال المكارم

تلخيص:

واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدّس جمکران

اصفهانى، محمد تقى، ۱۲۶۲ - ۱۳۰۸.

[مکيال المکارم فى فوائد الدعاء للقائم عليه السلام] فارسى، برگزیده.

آيين انتظار: خلاصه مکيال المکارم / واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران. -

قم: انتشارات مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۸۳.

ISBN 964-8484-16-3

۲۴۰ ص. ۱۰۰۰۰ ريال.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. مهدویت - انتظار. ۲. دعاها. ۳. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. الف.

مسجد جمکران (قم). ب. عنوان. ج. عنوان: مکيال المکارم فى فوائد الدعاء للقائم عليه السلام.

فارسى، برگزیده. د. عنوان: خلاصه مکيال المکارم.

۲۹۷ / ۴۶۲

BP ۲۲۴ / الف ۶ م ۷۰۴۲۱۶

۴۸۰۱ - ۸۳ م

۱۳۸۳ - کتابخانه ملی ایران



انتشارات مسجد مقدس جمکران

- | | |
|-------------------------------------|--------------|
| □ آيين انتظار (خلاصه مکيال المکارم) | ■ نام کتاب: |
| □ واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران | ■ مؤلف: |
| □ انتشارات مسجد مقدس جمکران | ■ ناشر: |
| □ تابستان ۱۳۸۴ | ■ تاريخ نشر: |
| □ دوم | ■ نوبت چاپ: |
| □ سرور | ■ چاپ: |
| □ ۵۰۰۰ جلد | ■ تیراژ: |
| □ ۱۰۰۰ تومان | ■ قیمت: |
| □ ۳ - ۱۶ - ۸۴۸۴ - ۹۶۴ | ■ شابک: |

- | | |
|--|--------------------|
| □ انتشارات مسجد مقدس جمکران | ■ مرکز پخش: |
| □ فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران | ■ تلفن و نمابر: |
| □ ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۲۵۱ - ۰ | ■ قم - صندوق پستی: |
| □ ۶۱۷ | |

﴿ حق چاپ مخصوص ناشر است ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۵
بخش اول: شناختن امام زمان علیه السلام واجب است.....	۱۷
۱- دلیل عقلی.....	۱۷
۲- دلیل نقلی.....	۱۹
بخش دوم: اثبات امامت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء.....	۲۱
فصل اول: قسمتی از احادیث متواتره که به طور خاص بر امامت آن حضرت دلالت دارد.....	۲۲
فصل دوم: در بیان معجزات و کرامات متواتر مولا صاحب الزمان علیه السلام.....	۲۴
بخش سوم: قسمتی از حقوق و مراحم آن حضرت.....	۳۱
اول: حق وجود و هستی.....	۳۱
دوم: حق بقاء در دنیا.....	۳۲
سوم: قرابت و خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم.....	۳۳
چهارم و پنجم: حق منعم بر متنعّم و حق واسطه نعمت.....	۳۳
ششم: حق پدر بر فرزند.....	۳۴
هفتم: حق آقا و ارباب بر بنده.....	۳۴
هشتم: حق عالم بر متعلّم.....	۳۴
بخش چهارم: ویژگی‌ها و جهاتی که در امام زمان علیه السلام هست و مایه لزوم دعا برای آن حضرت است.....	۳۶
حرف «الف».....	۳۶
۱- ایمان به خداوند.....	۳۶
۲- اجابت دعای ما به برکت آن حضرت.....	۳۷
۳- احسان به ما.....	۳۸
۴- اباحه [و اجازه تصرف در] حقوقی که از حضرت در دست ماست.....	۳۸
۵- اغاثه [دادرسی] ستمدیدگان.....	۳۹
۶- ادا کردن قرض مؤمنین.....	۳۹
۷- امنیت راه‌ها و شهرها با ظهور آن حضرت.....	۴۰

- ۴۰ ۸- احیاء و زنده کردن دین خدا
- ۴۱ ۹- انتقام آن حضرت از دشمنان خدا
- ۴۱ ۱۰- اقامه و برپا کردن حدود الهی
- ۴۱ ۱۱- اضطرار و ناچاری آن حضرت
- ۴۲ **حرف «ب»**
- ۴۲ ۱- برکات آن حضرت
- ۴۲ **حرف «ت»**
- ۴۲ ۱- تألیف قلوب
- ۴۲ ۲- تَلَطَّف آن حضرت نسبت به ما
- ۴۳ ۳- تحمل اذیت
- ۴۳ ۴- تشییع جنازه مردگان ما
- ۴۵ ۵- تجدید بنای اسلام پس از کهنه و فرسوده شدن آن
- ۴۶ ۶- تعلیم و آموختن قرآنی که امیرالمؤمنین علیه السلام جمع کرده بود
- ۴۷ **حرف «ث»**
- ۴۷ ۱- ثائر خون امام حسین علیه السلام و شهیدانی که با آن حضرت بوده‌اند
- ۴۸ **حرف «ج»**
- ۴۸ ۱- جمال و زیبایی آن حضرت
- ۴۹ ۲- جهاد آن حضرت
- ۵۰ ۳- جمع کلمه بر توحید و اسلام
- ۵۱ ۴- جمع شدن یاران دین از فرشتگان و جنیان و سایر مؤمنان
- ۵۱ ۵- جمع عقول
- ۵۲ **حرف «ح»**
- ۵۲ ۱- حمایت آن حضرت از اسلام
- ۵۲ ۲- حرب (جنگ) آن حضرت با مخالفین
- ۵۳ ۳- حج آن حضرت
- ۵۳ ۴- حیات و زندگی زمین به ظهور آن حضرت
- ۵۴ ۵- حلم آن حضرت
- ۵۴ ۶- حُب (دوستی) آن حضرت نسبت به ما
- ۵۴ ۷- حکم آن حضرت به حق و باطن
- ۵۵ ۸- حکومت آن حضرت
- ۵۶ **حرف «خ»**
- ۵۶ ۱- خَلْق آن حضرت

- ۲ - خوف (بیم) آن حضرت ۵۶
- ۳ - خلافت آن حضرت بر مسلمانان ۵۷
- ۴ - ختم علوم به آن حضرت ۵۷
- حرف «د»** ۵۸
- ۱ - دعای آن حضرت برای مؤمنین ۵۸
- ۲ - دعوت آن حضرت به سوی حق ۵۹
- ۳ - دفع بلا از ما به برکت وجود آن حضرت ۵۹
- ۴ - دفع بلا و عقاب از مردم به برکت شیعیان آن حضرت ۶۰
- ۵ - دفع دشمنان از مؤمنان در غیبت و ظهور آن حضرت ۶۰
- حرف «ذ»** ۶۱
- ۱ - ذلت دشمنان به دست آن حضرت بعد از ظهور ۶۱
- حرف «ر»** ۶۱
- ۱ - راحتی خلایق در دولت آن حضرت ۶۱
- حرف «ز»** ۶۲
- ۱ - زحمت آن حضرت در راه دین خدا ۶۲
- ۲ - زهد آن حضرت ۶۲
- ۳ - زیارت آن حضرت از قبر حضرت ابی عبدالله الحسین و سایر معصومین علیهم السلام ... ۶۳
- حرف «س»** ۶۳
- ۱ - سیره و روش آن حضرت ۶۳
- ۲ - سخاوت آن حضرت ۶۴
- حرف «ش»** ۶۴
- ۱ - شجاعت آن حضرت ۶۴
- ۲ - شفاعت آن حضرت ۶۴
- ۳ - شهادت آن حضرت برای ما ۶۵
- ۴ - شرافت آن حضرت ۶۵
- حرف «ص»** ۶۶
- ۱ - صبر آن حضرت ۶۶
- حرف «ض»** ۶۶
- ۱ - ضیافت (مهمانی) آن حضرت ۶۶
- حرف «ط»** ۶۷
- ۱ - طهارت زمین از ستم به وسیله آن حضرت ۶۷

- ۶۷ ۲ - طلب حقوق ائمه علیهم السلام و طلب خون آنها
- حرف «ظ»** ۶۸
- ۶۸ ۱ - ظفر و پیروزی آن حضرت بر معاندین
- ۶۹ ۲ - ظلم دشمنان بر آن حضرت
- ۶۹ ۳ - ظهور کمالات ائمه علیهم السلام به ظهور آن حضرت
- حرف «ع»** ۶۹
- ۶۹ ۱ - علم آن حضرت
- ۷۰ ۲ - عزّت اولیا با ظهور آن حضرت
- ۷۰ ۳ - عذاب دشمنان آن حضرت
- ۷۱ ۴ - عدالت آن حضرت
- ۷۱ ۵ - عطف [و پیرو ساختن] هوای نفس بر هدایت
- ۷۱ ۶ - عزلت و گوشه گیری آن حضرت از مردم
- ۷۲ ۷ - عبادت آن حضرت
- حرف «غ»** ۷۲
- ۷۲ ۱ - غیبت آن حضرت
- ۷۶ ۲ - غربت آن حضرت
- ۷۶ ۳ - غلبه و پیروزی مسلمین با ظهور آن حضرت
- ۷۷ ۴ - غنا و بی نیازی مؤمنین به برکت ظهور آن حضرت
- حرف «ف»** ۷۷
- ۷۷ ۱ - فصل و جداسازی آن حضرت بین حقّ و باطل
- ۷۷ ۲ - فرج مؤمنین به دست آن حضرت
- ۷۸ ۳ - فتح شهرها و کشورهای کافرین
- حرف «ق»** ۷۸
- ۷۸ ۱ - قتل کافرین به شمشیر آن حضرت
- ۸۰ ۲ - قتل شیطان رجیم
- ۸۰ ۳ - قوّت یافتن ابدان و دل های مؤمنین هنگام ظهور
- ۸۰ ۴ - قضای حوائج مؤمنین
- ۸۲ ۵ - قرابت و خویشاوندی آن حضرت با پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
- ۸۲ ۶ - قسط (= دادگری) آن حضرت
- ۸۲ ۷ - قتل دجال - که رئیس گمراهان است - به دست آن حضرت
- حرف «ک»** ۸۳
- ۸۳ ۱ - کشف علوم برای مؤمنین

۸۴	۲- کشف و برطرف کردن ناراحتی‌ها از مؤمنین
۸۴	۳- کمالات آن حضرت
۸۵	فصل اول: شباهت آن حضرت به پیغمبران <small>علیهم السلام</small>
۸۵	شباهت به آدم علیه السلام
۸۷	شباهت به نوح علیه السلام
۸۸	شباهت به ادریس علیه السلام
۹۰	شباهت به هود علیه السلام
۹۰	شباهت به ابراهیم علیه السلام
۹۱	شباهت به اسماعیل علیه السلام
۹۲	شباهت به لوط علیه السلام
۹۲	شباهت به یعقوب علیه السلام
۹۲	شباهت به یوسف علیه السلام
۹۳	شباهت به خضر علیه السلام
۹۴	شباهت به الیاس علیه السلام
۹۵	شباهت به شعیب علیه السلام
۹۵	شباهت به موسی علیه السلام
۹۸	شباهت به داود علیه السلام
۹۹	شباهت به سلیمان علیه السلام
۹۹	شباهت به ایوب علیه السلام
۱۰۰	شباهت به یحیی علیه السلام
۱۰۰	شباهت به عیسی علیه السلام
۱۰۰	شباهت به خاتم النبیین صلی الله علیه وآله وسلم
۱۰۱	فصل دوم: شباهت به ائمه معصومین <small>علیهم السلام</small>
۱۰۱	شباهت به امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۰۱	شباهت به امام حسن علیه السلام
۱۰۱	شباهت به امام حسین علیه السلام
۱۰۲	شباهت به امام سجّاد علیه السلام
۱۰۲	شباهت به امام باقر علیه السلام
۱۰۳	شباهت به امام صادق علیه السلام
۱۰۳	شباهت به امام کاظم علیه السلام
۱۰۳	شباهت به امام رضا علیه السلام
۱۰۴	شباهت به امام جواد علیه السلام
۱۰۴	شباهت به امام هادی علیه السلام

- ۱۰۴ شباهت به امام حسن عسکری علیه السلام
- ۱۰۵ فصل سوم: شباهت به حضرت سید الشهداء علیه السلام
- ۱۰۷ حرف «ل»
- ۱۰۷ ۱- لوای آن حضرت
- ۱۰۷ حرف «م»
- ۱۰۷ ۱- معجزات آن حضرت
- ۱۰۸ ۲- محنت آن حضرت
- ۱۰۸ ۳- مصایب آن حضرت
- ۱۰۸ ۴- محبت متقابل آن حضرت
- ۱۰۹ حرف «ن»
- ۱۰۹ ۱- نفع آن حضرت
- ۱۱۱ ۲- نور آن حضرت
- ۱۱۴ درخشندگی نور آن حضرت در دنیا
- ۱۱۸ و اما اشراق نور آن حضرت در آخرت
- ۱۱۹ ۳- نعمت‌های آن حضرت
- ۱۱۹ ۴- نصرت اسلام و نهی از منکر و امر به معروف آن حضرت
- ۱۲۰ ۵- نصیحت آن حضرت برای خدا و رسول و برای مؤمنین
- ۱۲۱ حرف «و»
- ۱۲۱ ۱- ولایت آن حضرت
- ۱۲۲ ۲- وصال آن حضرت
- ۱۲۳ حرف «ه»
- ۱۲۳ ۱- هم آن حضرت
- ۱۲۳ ۲- هدم بناهای کفر و شقاق و نفاق
- ۱۲۴ ۳- هدایت بندگان
- ۱۲۴ ۴- هجران آن حضرت
- ۱۲۴ حرف «ی»
- ۱۲۴ ۱- یمن آن حضرت
- ۱۲۵ بخش پنجم: نتایج دعا برای فرج
- ۱۲۶ ۱- عمل به فرموده امام علیه السلام در توفیق
- ۱۲۷ ۲- زیاد شدن نعمت
- ۱۳۱ ۳- اظهار محبت قلبی

- ۴ - نشانه انتظار ۱۳۲
- ۵ - زنده کردن امرائمه اطهار علیهم السلام ۱۳۲
- ۶ - رنجش و وحشت شیطان ۱۳۲
- ۷ - نجات از فتنه‌های آخر الزمان و ایمنی از دام‌های شیطان ۱۳۳
- ۸ - ادا کردن بعضی از حقوق آن حضرت ۱۳۳
- ۹ - دعا کردن امام علیه السلام در حق او ۱۳۴
- ۱۰ - رستگاری به شفاعت آن حضرت در قیامت ۱۳۶
- ۱۱ - رستگاری به شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۷
- ۱۲ - وسیله به سوی خداوند متعال ۱۳۸
- ۱۳ - مستجاب شدن دعا ۱۳۹
- ۱۴ - ادای اجر رسالت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۹
- ۱۵ و ۱۶ - دفع بلا و وسعت روزی ۱۴۰
- ۱۷ - آمرزش گناهان ۱۴۰
- ۱۸ - مبدل شدن سیئات به حسنات ۱۴۱
- ۱۹ - تشرّف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب ۱۴۱
- ۲۰ - بازگشت به دنیا در زمان ظهور ۱۴۱
- ۲۱ - برادری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۴۲
- ۲۲ - تعجیل در امر فرج صاحب الزمان علیه السلام ۱۴۲
- ۲۳ - پیروی از پیغمبران و امامان علیهم السلام ۱۴۳
- ۲۴ - وفا به عهد الهی ۱۴۴
- ۲۵ - آثار نیکی به والدین برای دعا کننده ۱۴۵
- ۲۶ - رعایت و اداء امانت ۱۴۶
- ۲۷ - اشراق نور امام در دل دعا کننده ۱۴۶
- ۲۸ - مایه طول عمر ۱۴۷
- ۲۹ - تعاون در نیکی‌ها و تقوی ۱۴۸
- ۳۰ - یاری خداوند متعال ۱۴۸
- ۳۱ - هدایت به نور قرآن مجید ۱۴۹
- ۳۲ - شناخته شدن نزد اصحاب اعراف ۱۴۹
- ۳۳ - ایمنی از عقوبت‌های اخروی ۱۵۰
- ۳۴ - بشارت و مدارا هنگام مرگ ۱۵۱
- ۳۵ - قرار گرفتن در درجه امیر المؤمنین علیه السلام ۱۵۱
- ۳۶ - محبوب‌ترین خلایق نزد خداوند ۱۵۱
- ۳۷ - گرامی‌ترین خلایق نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۵۲
- ۳۸ - داخل شدن به بهشت به ضمانت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۵۲

- ۳۹ - مشمول دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ۱۵۳
- ۴۰ - مشمول تأیید خداوند در عبادت ۱۵۳
- ۴۱ - دفع عقوبت از اهل زمین ۱۵۴
- ۴۲ - ثواب کمک و یاری مظلوم ۱۵۵
- ۴۳ - آثار تواضع و تجلیل بزرگتر ۱۵۵
- ۴۴ - ثواب خونخواهی امام حسین علیه السلام ۱۵۷
- ۴۵ - درخشندگی نور او در قیامت ۱۵۹
- ۴۶ - شفاعت او درباره هفتاد هزار تن از گناه کاران ۱۶۱
- ۴۷ - بی حساب داخل بهشت شدن ۱۶۱
- ۴۸ - در امان بودن از تشنگی قیامت ۱۶۲
- ۴۹ - خراش صورت ابلیس ۱۶۳
- ۵۰ - تحفه و هدیه ویژه در قیامت ۱۶۳
- ۵۱ - خدمتگزاران بهشتی ۱۶۳
- ۵۲ - سایه گسترده خداوند ۱۶۴
- ۵۳ - ثواب خیرخواهی مؤمن ۱۶۴
- ۵۴ - حضور فرشتگان ۱۶۴
- ۵۵ - مباحات خداوند متعال ۱۶۵
- ۵۶ - اطاعت اولی الامر ۱۶۶
- ۵۷ - خرسندی خداوند متعال و رسول او ۱۶۶
- ۵۸ - محبوب ترین اعمال ۱۶۶
- ۵۹ - حکومت در بهشت ۱۶۷
- ۶۰ - به آسانی به حساب او رسیدگی می شود ۱۶۷
- ۶۱ - دعا در عصر غیبت بهتر از زمان ظهور امام است ۱۶۸
- ۶۲ - دعای فرشتگان در حق او ۱۶۸
- ۶۳ - دعای حضرت سجّاد علیه السلام برای دعا کنندگان ۱۶۹
- ۶۴ - تمسک به ثقلین ۱۶۹
- ۶۵ - چنگ زدن به ریسمان الهی ۱۷۰
- ۶۶ - کمال ایمان ۱۷۰
- ۶۷ - ثواب عبادت کنندگان ۱۷۱
- ۶۸ - ثواب شهادت در رکاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و زیر پرچم قائم علیه السلام ۱۷۲
- ۶۹ - ثواب گرامی داشت و ادای حق عالم ۱۷۲
- ۷۰ - محشور شدن در زمره امامان علیهم السلام ۱۷۲
- ۷۱ - بالا رفتن درجات در بهشت ۱۷۲
- ۷۲ - ایمنی از سختی حساب قیامت ۱۷۳

۱۷۳	۷۳ - رستگاری به عالی‌ترین درجات شهدا
۱۷۴	۷۴ - رستگاری به شفاعت صدیقه کبری علیها السلام
۱۷۴	۷۵ - ثواب احسان به مولا صاحب الزمان علیه السلام
۱۷۸	بخش ششم: اوقات و حالات تأکید شده برای دعا
۱۷۸	۱ - بعد از هر نماز واجب
۱۷۹	۲ - بعد از نماز ظهر
۱۸۱	۳ - بعد از نماز عصر
۱۸۲	۴ - بعد از نماز صبح
۱۸۲	۵ - در قنوت نمازها
۱۸۴	۶ - در حال سجده
۱۸۴	۷ - هر صبح و شام
۱۸۴	۸ - آخرین ساعت از هر روز
۱۸۵	۹ - روز پنج‌شنبه
۱۸۵	۱۰ - شب جمعه
۱۸۶	۱۱ - روز جمعه
۱۸۶	۱۲ - روز نوروز
۱۸۷	۱۳ - روز عرفه
۱۸۷	۱۴ - روز عید فطر و عید قربان
۱۸۷	۱۵ - روز غدیر
۱۸۸	۱۶ - روز دحو الارض (گسترده شدن زمین)
۱۸۸	۱۷ - شب و روز نیمه شعبان
۱۸۸	۱۸ - تمام ماه رمضان
۱۸۹	۱۹ - پس از گریستن از ترس خدای تعالی
۱۹۰	۲۰ - چهل روز مداومت به دعا برای فرج
۱۹۰	مکان‌هایی که دعا در آنها بیشتر تأکید شده
۱۹۰	۱ - مسجد الحرام
۱۹۱	۲ - عرفات
۱۹۱	۳ - سرداب
۱۹۱	۴ - حرم حضرت سید الشهداء علیه السلام
۱۹۲	۵ - حرم مولایمان حضرت رضا علیه السلام
۱۹۲	۶ - حرم عسکریین علیهما السلام
۱۹۲	۷ - جاهای منسوب به آن حضرت

- بخش هفتم: چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر ارواحنا له الفداء ۱۹۳
- مقصد اول: در یادآوری مطالب مهم ۱۹۳
- مقصد دوم: در چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت ۱۹۵
- مقصد سوم: در ذکر بعضی از دعاهای روایت شده از امامان علیهم السلام ۱۹۵
- بخش هشتم: تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت ۱۹۸
- ۱- تحصیل شناخت صفات و آداب و ویژگی‌های آن جناب ۱۹۸
- ۲- رعایت ادب نسبت به یاد او ۱۹۹
- ۳- محبت او به طور خاص ۱۹۹
- ۴- محبوب نمودن او در میان مردم ۲۰۲
- ۵- انتظار فرج و ظهور آن حضرت ۲۰۲
- ۶- اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار ۲۰۴
- ۷- ذکر مناقب و فضایل آن حضرت ۲۰۵
- ۸- تشکیل مجالس فضایل و مناقب آن حضرت ۲۰۵
- ۹- اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت ۲۰۶
- ۱۰- سرودن و خواندن شعر در فضایل آن حضرت ۲۰۷
- ۱۱- قیام، هنگام یاد شدن نام یا القاب آن حضرت ۲۰۷
- ۱۲- گریستن و گریانیدن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن بر فراق آن حضرت ۲۰۷
- ۱۳- درخواست معرفت امام عصر علیه السلام از خداوند ۲۰۸
- ۱۴- مداومت به خواندن دعای غریق ۲۰۸
- ۱۵- شناختن علامت‌های ظهور آن حضرت ۲۰۹
- ۱۶- تسلیم بودن و عجله نکردن ۲۱۱
- ۱۷- صدقه دادن به نیابت از آن حضرت ۲۱۲
- ۱۸- حج رفتن به نیابت از آن حضرت یا فرستادن نایب که از طرف آن جناب حج کند ۲۱۲
- ۱۹- زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه معصومین علیه السلام به نیابت از آن حضرت ۲۱۳
- ۲۰- سعی در خدمت کردن به آن حضرت ۲۱۳
- ۲۱- اهتمام ورزیدن به یاری آن جناب ۲۱۵
- ۲۲- تصمیم قلبی بر یاری آن جناب در زمان حضور و ظهور ۲۱۶
- ۲۳- تجدید بیعت با حضرت بعد از فرایض همه روزه و هر جمعه ۲۱۷
- ۲۴- صلوة آن حضرت به وسیله مال ۲۱۸
- ۲۵- خیر خواهی برای آن حضرت ۲۲۰
- ۲۶- زیارت کردن آن حضرت ۲۲۰
- ۲۷- درود فرستادن بر آن حضرت ۲۲۰
- ۲۸- هدیه کردن ثواب نماز به آن جناب ۲۲۱

- ۲۲۱ ۲۹ - اهداء قرائت قرآن به آن حضرت
- ۲۲۲ ۳۰ - توسل و طلب شفاعت و عرض حاجت بر آن حضرت
- ۲۲۳ ۳۱ - دعوت کرن مردم به آن حضرت
- ۲۲۵ ۳۲ - رعایت حقوق آن حضرت و مواظبت بر ادای آنها
- ۲۲۵ ۳۳ - عالم باید علمش را آشکار سازد
- ۲۲۵ ۳۴ - تهذیب نفس
- ۲۲۶ ۳۵ - پیوسته به یاد آن حضرت بودن و به آدابش عمل کردن
- ۲۲۷ ۳۶ - مقدم داشتن خواسته آن حضرت بر خواسته خود
- ۲۲۷ ۳۷ - احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت
- ۲۲۷ ۳۸ - بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت زینت یافته‌اند
- ۲۲۸ ۳۹ - وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقت گذاران
- ۲۳۰ ۴۰ - تکذیب مدعیان نیابت خاصه در زمان غیبت کبری
- ۲۳۱ ۴۱ - درخواست دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان
- ۲۳۳ ۴۲ - اقتدا و تأسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت
- ۲۳۴ ۴۳ - حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن
- ۲۳۴ ۴۴ - نماز آن حضرت
- ۲۳۵ ۴۵ - گریستن در مصیبت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام
- ۲۳۵ ۴۶ - زیارت قبر مولایمان امام حسین علیه السلام
- ۲۳۵ ۴۷ - بسیار لعنت کردن بر بنی امیه در آشکار و پنهان
- ۲۳۶ ۴۸ - مهیا کردن سلاح در انتظار ظهور آن جناب



پیشگفتار

السلام على القائم المنتظر والعدل المشتهر

کتاب گران قدر «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» نوشته دانشمند بزرگوار و عالم پرهیزکار حاج سید محمد تقی موسوی اصفهانی رحمته الله توسط حجّة الاسلام والمسلمین حاج سید مهدی حائری قزوینی دام توفیقاته به فارسی ترجمه شده است.

آنچه در پیش رو دارید، خلاصه‌ای است از این کتاب، که مشتمل بر علل و فوائد و نتایج دعا برای حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و نیز وظایف دیگر ما نسبت به آن حضرت می‌باشد. با توجه به اینکه کتاب مکیال المکارم تقریباً استدلالی است، سعی شده تمام دلایل عقلی و نقلی مربوط به بحث ذکر شود، و اینکه در بعضی موارد دعاهای طولانی در آن آمده است و این باعث حجیم شدن آن گشته بود، لذا برای اینکه کلیه عاشقان حضرت بتوانند از مطالب نفیس این کتاب استفاده نموده و از جواهرات آن توشه بگیرند، این کتاب را تلخیص نمودیم.

قابل ذکر است که در این کتاب، سعی شده مطالب به همان صورت اصلی حفظ شود و فقط مقداری از حالت استدلالی خارج گردد، به همین منظور در مطالب مورد بحث، معمولاً به آوردن چند روایت اکتفا و از آوردن دعاهای طولانی خودداری کرده و فقط به ذکر منابع آن بسنده نمودیم.

امید است این اثر مقبول درگاه خداوند متعال و حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء قرار گیرد، و برکات معنوی آن به روح پرفتوح بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمته الله و شهدای والامقام انقلاب اسلامی اهدا می‌گردد.

واحد پژوهش

انتشارات مسجد مقدس جمکران

بخش اول

شناختن امام زمان علیه السلام واجب است

تحقق ایمان بدون شناخت امام زمان علیه السلام ممکن نیست؛ بر این مطلب، هم دلیل عقلی وجود دارد و هم دلیل نقلی.

۱ - دلیل عقلی:

همه علت‌ها و فلسفه‌هایی که برای ضرورت و لزوم وجود پیامبر گفته‌اند، برای ضرورت وجود جانشین و وصی پیغمبر نیز صادق است. بنابراین پس از وفات آن حضرت لازم است تا مردم به جانشین پیغمبر در شؤون مختلف زندگی خود مراجعه کنند، همان‌گونه که به پیغمبر مراجعه می‌کردند. پس بر خداوند لازم است که او را نصب فرماید و بر مردم نیز واجب است آن امام را بشناسند؛ زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد.

سؤال: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند قواعد و احکامی را که مردم در امور معاش و شؤون زندگی مادی و جنبه‌های اخروی و امور مربوط به معاد نیاز داشتند برای مردم بیان نمود، دیگر چه نیازی به وجود امام علیه السلام است؟

جواب: پیغمبر صلی الله علیه و آله قواعد را به طور «کلی» بیان فرموده و دستورات دین را به مقدار مورد نیاز عموم در «آن زمان» تشریح کرده است، و این مطلب با مراجعه به احادیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روشن می‌گردد. بنابراین احتیاج مردم با

آن مقدار از بیان برطرف نشده، بلکه پاره‌ای از مسائل حتی بر علما و دانشمندان بزرگ پوشیده می‌ماند - تا چه رسد به دیگران - پس افراد بشر از وجود امام و پیشوای معصوم بی‌نیاز نبوده و ناگزیر هستند تا به او مراجعه کنند و مطالب مورد نیاز خویش را از او بیاموزند.

تردید نیست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تمام احکام و علوم را به وصی خود سپرده که پس از ایشان، رهبری مردم را - از طرف خداوند - به عهده داشته باشند، و هر امامی به امام بعد از خودش سپرده تا اینکه نوبت به امام زمان ما - عجل الله فرجه الشریف - رسیده است.

علاوه بر این، اگر فرض کنیم تمام علما و دانشمندان به تمام احکام عمل کنند، باز هم وجود ایشان ما را از وجود امام بی‌نیاز نمی‌سازد، زیرا که آنان از سهو و اشتباه معصوم نیستند. پس در هر زمان به وجود شخص معصومی که از خطا و اشتباه محفوظ باشد نیاز هست، تا مرجع و پناه مردم بوده، حقایق احکام را برایشان بیان فرماید. و آن شخص معصوم هیچ کس جز امام نیست.

سؤال: نبودن امام با بودنش در حالی که از دیدگان مردم پنهان و غایب باشد چه فرق می‌کند؟

جواب: اولاً: مانع ظهور و آشکار بودن امام علیه السلام، ناشی از خود مردم است، و غیبت آن حضرت دلیل نمی‌شود بر اینکه احتیاجی به وجود آن حضرت نیست، بلکه بر مردم واجب است که موانع ظهور را برطرف سازند تا از نور مقدّسش بهره‌مند شوند و از انواع علوم و معارفش استفاده کنند.

ثانیاً: غیبت آن حضرت در همه زمان‌ها و از همه انسان‌های مؤمن نیست، بلکه برای بسیاری از بزرگان مؤمنین اتفاق افتاده است که به خدمت حضرتش

شرفیاب شده و به محضر مقدّسش راه یافته‌اند. جریانات آنان در کتاب‌های علمای بزرگوار ما ضبط است، و بیان آنها فعلاً از بحث ما خارج است.

ثالثاً: منافع وجود مبارک آن حضرت منحصر در بیان علوم نیست، بلکه همه آنچه از مبدأ و سرچشمه فیض الهی به مخلوقات می‌رسد، از برکات وجود او می‌باشد که در بخش سوم کتاب این موضوع را بیان خواهیم کرد.

۲ - دلیل نقلی:

روایات بسیاری - که در حدّ تواتر^۱ است - در این باره وارد شده که ما به خاطر رعایت اختصار به ذکر قسمتی از آنها اکتفا می‌کنیم:

۱ - امام صادق علیه السلام درباره آیه مبارکه ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾^۲ و برای خداوند نیکوترین نام‌ها است، پس او را با آنها بخوانید. فرمود: «به خدا قسم، ما آن اسماء حسنی (نیکوترین نام‌ها) هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد، مگر با شناخت و معرفت ما»^۳.

۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: «قله و بلندی مقام و کلید آن و راه اشیاء و رضایت پروردگار اطاعت از امام است. اگر شخصی شب‌ها به عبادت برخیزد و روزها را روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه سال‌های عمرش حجّ خانه کعبه را انجام دهد، اما ولایت ولیّ خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او انجام پذیرد، برای او حقّ ثواب نزد خداوند نیست و او از اهل ایمان نمی‌باشد»^۴.

۱. خبر متواتر خبری است که افراد زیادی آنرا نقل کرده‌اند بطوری که توافق آنها بر دروغ گفتن در این خبر عقلاً محال باشد، که موجب یقین به مضمون خبر است. (ملخص)

۲. سوره اعراف، آیه ۱۸۰. ۳. اصول کافی: ۲/۲۴۹.

۴. اصول کافی: ۱/۱۸۵.

۳- حارث بن مغیره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟!». «

فرمود: آری. عرضه داشتم: این کدام جاهلیت است، آیا جاهلیت مطلق یا جاهلیت کسی که امامش را نشناخته؟ فرمود: «جاهلیت کفر و نفاق و ضلال».^۱

۴- امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «هرکس منکر قائم از فرزندانم شود، مرا انکار کرده است».^۲

البته اخبار بسیار دیگری از ائمه اطهار علیهم السلام در این باب آمده است.

اما منظور از معرفت و شناخت:

اولاً: شناختن شخص امام با اسم و نسب او است.

ثانیاً: شناخت صفات و خصوصیات او که با آنها از دیگران امتیاز می یابد. که

ان شاء الله در اول باب هشتم خواهد آمد.

بخش دوم

اثبات امامت حضرت ولی عصر علیه السلام

از جمله شرایط امام، عصمت است چون اگر امام معصوم نباشد، هدف از نصب او تحقق نمی‌یابد و به اصطلاح نقض غرض لازم می‌آید. عصمت، حالتی است نفسانی و مرتبه‌ای است که از نظر مردم پوشیده است و کسی آن را نمی‌داند مگر خداوند و کسانی که خداوند علم آن را به آنها الهام فرموده باشد. در این رابطه بر خداوند است که امام معصوم را از دو راه به مردم معرفی کند:

۱- به وسیله پیغمبر صلی الله علیه و آله و یا امام قبلی.

۲- به وسیله معجزه‌ای که به دست او انجام شود.

و چون امام برای مردم معین شده، بر آنها واجب است که به او مراجعه کنند و اعتماد نمایند که: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾^۱؛ و برای هیچ مرد و زن مؤمنی این حق نیست که هرگاه خدا و رسول او کاری را لازم کنند، ایشان در کارشان اختیار [و گزینشی] داشته باشند. و هرآنکه خدا و رسول او را نافرمانی نماید، حقا که در گمراهی آشکاری افتاده است.

شایان ذکر است که امامت مولی و سید ما حجّة بن الحسن العسکری صاحب الزمان -عجل الله فرجه الشریف- به هر دو راه (نصر و معجزه) به وسیله روایات متواتره ثابت است که در دو فصل قسمتی از آنها را می آوریم تا این کتاب از دلیل خالی نباشد.

فصل اوّل: قسمتی از احادیث متواتره

که به طور خاصّ بر امامت آن حضرت علیه السلام دلالت دارد.

۱- یونس بن عبد الرحمن گوید: به محضر امام موسی بن جعفر علیه السلام مشرف شدم و عرضه داشتم: یا بن رسول الله! آیا تو قائم به حقّ هستی؟ فرمود: «من نیز قائم به حقّ هستم، ولی آن قائم که زمین را از دشمنان خدای عزّوجلّ پاک کند و آن را پر از عدالت نماید همچنان که از جور و ستم پر شده باشد، پنجمین فرزند من است که غیبتی طولانی دارد، زیرا که بر جان خود می ترسد، در این مدت [که او از نظر غایب است] عده‌ای از حقّ برگشته و عده‌ای دیگر ثابت قدم می مانند».

سپس فرمود: «خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چسبیده و به دوستی ما ثابت و استوار مانده و از دشمنان ما بیزار بوده باشند، آنان از ما هستند و ما از آنان هستیم که البته ما را به امامت پسندیده‌اند و ما هم ایشان را به شیعه بودن پسندیده‌ایم. خوشا به حالشان! باز هم خوشا به حالشان! به خدا که ایشان روز قیامت در درجات ما خواهند بود».

۲- محمد بن مسلم گوید: خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب بودم، معلی بن خنیس گریه کنان وارد شد، حضرت فرمود: چرا گریه می کنی؟ گفت: بیرون

خانه شما کسانی هستند که می‌پندارند شما را بر ما فضیلتی نیست و شما و آنها یکسان هستید. امام صادق علیه السلام کمی ساکت ماند، سپس دستور داد طبقی خرما بیاورند، آنگاه یک دانه خرما برگرفت و آن را دو نیم کرد، سپس آن خرما را تناول فرمود و هسته‌اش را در زمین کاشت، پس آهسته رشد کرد و خرمای نارس داد، حضرت از آن برگرفت و تناول کرد، آنگاه پوست نوشته‌ای از آن برآورد و به معلی داد و فرمود: بخوان! در آن نوشته شده بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ الْمُزْتَضَى وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ...» نام یک به یک امامان تا امام حسن عسکری و فرزندش (مهدی) علیه السلام در آن بود.^۱

۲- ریان بن الصلت گوید: به امام رضا علیه السلام عرضه داشتم: شما صاحب امر هستید؟ فرمود: «من نیز صاحب امر [امامت] هستم، ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل پر کند، همان‌طور که پر شده باشد از جور و ستم. و چگونه او باشم و حال آنکه می‌بینی بدنم ضعیف است! اما قائم علیه السلام آن است که وقتی ظهور نماید، سنّ پیران و سیمای جوانان دارد، به قدری بدنش نیرومند است که اگر به بزرگ‌ترین درخت دست اندازد، آن را از جای برگند و اگر در میان کوه‌ها فریاد برآورد، سنگ‌های آنها فروریزد، عصای موسی وانگشتی سلیمان با اوست، او چهارمین فرزند من است که خداوند او را هر قدر که مشیتش تعلق گیرد در پشت پرده غیب مستور می‌سازد، سپس او را آشکار می‌گرداند تا زمین را از عدل و داد پر کند، چنان‌که از ستم و بیداد پر شده باشد.»^۲

شیخ علی بن محمد بن علی الخزاز قمی رحمته الله در کتاب «کفایة الاثر فی النصّ

علی الأئمة الاثني عشر» یکصد و هفتاد حدیث از طریق شیعه و سنی روایت کرده که همه آنها به امامت حضرت قائم منتظر علیه السلام تصریح دارد. ما نیز بعضی از آنها را در سایر ابواب کتاب خواهیم آورد. إن شاء الله.

فصل دوم: در بیان مقدار کمی از

معجزات و کرامات متواتر مولا صاحب الزمان علیه السلام

۱- سعد بن عبد الله اشعری گوید: به یک نفر ناصبی که از همه ناصبی ها در مجادله قوی تر بود، دچار شدم. روزی هنگام مناظره به من گفت: مرگ بر تو و هم مسلکانت باد. شما رافضی ها، مهاجرین و انصار را مورد طعن قرار می دهید و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به آنان انکار می کنید، و حال آنکه صدیق [ابوبکر] بالاترین افراد اصحاب است که به اسلام سبقت جسته، مگر نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را شب هجرت از ترس بر جان او، با خود به غار برد. برای اینکه می دانست که او خلیفه و جانشین آن حضرت خواهد شد، لذا خواست که جان او را مانند جان خود حفظ کند تا مبادا وضع دین بعد از خودش مختل شود، در همان حال علی را در رختخواب خود قرار داد، چون می دانست که اگر او کشته شود، وضع اسلام مختل نمی گردد؛ زیرا کسانی از اصحاب بودند که جای او را بگیرند، لذا خیلی به کشته شدنش اهمیت نمی داد.

سعد می گوید: من جوابش را دادم، ولی جواب ها دندان شکن نبود. سپس گفت: شما رافضیان می گوئید: اولی و دومی منافق بوده اند و به ماجرای لیلۃ العقبه استدلال می کنید. آن گاه گفت: بگو بینم آیا مسلمان شدن آنها از روی خواست و رغبت بود، یا اکراه و اجباری در کار بود؟

من در اینجا از جواب خودداری کردم، چون با خود اندیشیدم که اگر بگویم از روی اجبار و اکراه مسلمان شدند که در آن هنگام اسلام نیرومند نشده بود تا این احتمال داده شود، و اگر بگویم از روی خواست و رغبت اسلام آوردند که ایمان آنها از روی نفاق نخواهد بود.

از این مناظره با دلی پُر درد بازگشتم. چهل و چند مسأله‌ای که حلّ آنها برایم دشوار بود، نوشتم و نامه را به نماینده امام عسکری علیه السلام (احمد بن اسحاق) که ساکن قم بود، تسلیم کردم و جریان مناظره را نیز با او در میان گذاشتم. احمد بن اسحاق به من گفت: بیا با هم به سامراء برویم تا از مولایمان حسن بن علی علیه السلام در این باره سؤال کنیم. پس با او به آنجا رفتیم تا به درب خانه مولایمان رسیدیم و اجازه ورود خواستیم، اجازه داده شد، داخل خانه شدیم. چون چشممان به جمال حضرت ابومحمد حسن بن علی علیه السلام افتاد، دیدیم صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشد و بر روی رانش کودکی نشسته که در حسن و جمال مانند ستاره مشتری است. پس احمد بن اسحاق کوله‌باری را که صد و شصت کیسه از پول‌های طلا و نقره در آن قرار داشت و بر هر یک از آنها مهر صاحبش بود، نزد امام حسن عسکری علیه السلام گشود، پس از آن، حضرت نظری به کودک افکند و گفت: مهر از هدایای شیعیان و دوستانت بگیر. [کودک] عرضه داشت: ای مولای من! آیا جایز است دست پاک به سوی هدایای نجس و اموال پلید دراز شود؟

آن حضرت به احمد بن اسحاق فرمودند: آنچه در کوله‌بار هست بیرون آور تا حرام و حلال از هم جدا شود. پس او کیسه‌ای را بیرون آورد، کودک گفت: این مربوط به فلان بن فلان از فلان محله قم است که شصت و دو دینار دارد،

از پول منزلی که فروخته و ارث از پدرش بوده چهل و پنج دینار است و از پول هفت پیراهن چهارده دینار و اجرت سه دکان سه دینار.

مولای ما فرمود: راست گفتی فرزندانم، حرام از آن را بیان کن. کودک گفت: در این کیسه دیناری است که در فلان سال در ری سگه خورده، نیمی از نقشش رفته و سه قطعه مقراض شده که وزن آنها یک داتق و نیم است، حرام در این اموال همین مقدار است که صاحب این کیسه در فلان سال، فلان ماه نزد نساجی که همسایه‌اش بود، یک من و ربع پشم رسیده شده داشت که مدّت زیادی بر آن گذشته بود، پس آن را سارقی دزدید، نساج به او ابلاغ کرد، ولی او سخن نساج را نپذیرفت و به جای آن به مقدار یک من و نیم پشم نرم‌تر از مال خودش که به سرقت رفته بود، تاوان گرفت و سپس سفارش داد برایش پیراهنی از آن بافتند، این دینار و آن مقراض شده‌ها از پول آن پیراهن است.

احمد بن اسحاق گره از کیسه گشود، دینار و مقراض شده‌ها را همان‌طور که خبر داده بود، در آن دید. سپس کیسه دیگری بیرون آورد. آن کودک فرمود: این مال فلان بن فلان است از فلان محله قم، پنجاه دینار در آن هست، شایسته نیست برای ما که به آنها دست بزنیم. احمد بن اسحاق گفت: چرا؟ فرمود: به خاطر اینکه این دینارها از پول گندمی است که صاحب این پول با کشاورزانش قرارداد داشت، ولی قسمت خودش را با پیمانۀ کامل برداشت و قسمت آنها را با پیمانۀ ناقص داد.

امام عسکری علیه السلام فرمود: راست گفتی فرزندانم. سپس گفت: ای پسر اسحاق! این کیسه را بردار و به صاحبانش گوشزد کن و آنها را سفارش نما که به صاحبان اصلی (= کشاورزان) برسانند که ما به آن نیاز نداریم.

سپس مولایمان به من نظر افکند و فرمود: چه عجب اینجا آمدی؟! عرضه داشتم: احمد بن اسحاق مرا تشویق کرد که به دیدار شما بیایم. فرمود: پس سؤالاتی که داشتی چه شد؟ عرضه داشتم: به همان حال است ای مولای من! فرمود: از نور چشمم هر چه می خواهی بپرس. - و به کودک اشاره کرد - سؤالاتم را عرضه داشتم^۱ و پاسخ آنها را دریافت کردم.

سپس فرمود: «ای سعد! خصم تو ادعا می کند پیامبر ﷺ برگزیده این امت را با خود به غار برد، چون بر جان او می ترسید همان طور که بر جان خود می ترسید؛ زیرا می دانست خلیفه بر امت بعد از خودش اوست. چون لازمه مخفی شدن جز این نبود که او را با خود ببرد، اما علی علیه السلام را در جای خود خوابانید، چون می دانست خللی که با کشته شدن ابوبکر وارد می شود، با کشته شدن علی علیه السلام نیست؛ چون افرادی هستند که بتوانند جای او را پر کنند.

چنین پاسخ بده: مگر نه شما معتقدید که پیامبر ﷺ فرمود: بعد از من خلافت سی سال است و خلافت را بر مدت این چهار تن ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام مخصوص گردانید. خصم به ناچار جواب دهد: آری. به او بگو: اگر این مطلب درست است، پس چرا با یک خلیفه - فقط ابوبکر - به غار رفت و آن سه نفر دیگر را نبرد؟! با این حساب معلوم می شود که پیامبر ﷺ آنان را سبک شمرده؛ چون لازم بود که با ایشان همان طور رفتار می کرد که با ابوبکر. پس چون این کار را نکرد در حقوق آنان سهل انگاری نموده و مهربانی از آنان دریغ داشته با اینکه واجب بود به ترتیب خلافتشان با ایشان هم مثل ابوبکر رفتار می کرد.

۱. برخی از این سؤالات همراه پاسخ آنها در اصل حدیث ذکر شده که ما جهت اختصار از ذکر خودداری کردیم. (ملخص)

و اما اینکه خصم به تو گفت: آن دو نفر آیا از روی خواست و رغبت مسلمان شدند یا از روی اکراه؟ چرا نگفتی: بلکه از روی طمع اسلام آوردند؛ زیرا آنان با یهود معاشرت داشتند و از برآمدن و پیروزی محمد ﷺ بر عرب باخبر بودند، یهود از روی کتاب‌های گذشته و تورات و ملاحم، آنان را از نشانه‌های جریان حضرت محمد ﷺ آگاه می‌کردند و به ایشان می‌گفتند که تسلط او بر عرب نظیر تسلط بخت النصر است بر بنی اسرائیل، با این فرق که او ادعای پیغمبری نیز می‌کند، ولی پیغمبر نیست.

پس هنگامی که امر رسول خدا ﷺ ظاهر گشت، به او کمک کردند بر شهادت «لا إله إلا الله و محمد رسول الله» به طمع اینکه وقتی اوضاع خوب شد و امور منظم گردید، فرمانداری و ولایت جایی هم به آنها برسد و چون از رسیدن به ریاست به دست آن حضرت مأیوس شدند، با بعضی از همفکران خود همراه شدند تا در شب عقبه شتر پیغمبر ﷺ را رم بدهند و شتر در آن گردنه هولناک، حضرت ﷺ را بیفکند و کشته شود و صورتشان را پوشانند مثل دیگران. ولی خداوند پیغمبرش را از نیرنگ آنان ایمن قرار داد و حفظ کرد و نتوانستند آسیبی برسانند. آن دو نفر حالشان نظیر طلحه و زبیر است که آمدند و با علی علیه السلام بیعت کردند به طمع اینکه هر کدامشان فرماندار یک استان بشوند، اما وقتی مأیوس شدند بیعت را شکستند و علیه آن حضرت قیام کردند، تا اینکه عاقبت کارشان بدانجا کشید که عاقبت کار افرادی است که بیعت را بشکنند».

سخن که به این جا رسید، مولایمان امام حسن بن علی علیه السلام برای نماز برخاست، قائم علیه السلام نیز با او برخاست و من از خدمتشان بازگشتم.^۱

۲ - محمد بن عثمان عمّری می گوید: وقتی حضرت مهدی علیه السلام متولد شد، نوری از بالای سرش تا فراز آسمان درخشید، سپس روی بر زمین نهاد و برای پروردگارش به سجده افتاد و بعد سر برداشت در حالی که می گفت: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ﴾^۱؛ خداوند به یکتایی خود شهادت دهد، و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهند.

۳ - روایت شده: وقتی آن حضرت متولد شد، پرندگان سفیدی از آسمان فرود آمدند و بال‌های خود را بر سر و صورت و سایر اعضای بدنش کشیدند، سپس به آسمان پرواز کردند، آن‌گاه امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «آنها فرشتگان بودند که برای تبرک به این نوزاد فرود آمدند و هرگاه این فرزند ظهور کند، آنها یاران اویند»^۲.

۴ - محمد بن شاذان بن نعیم می گوید: مقدار پانصد درهم بیست درهم کم از مال حضرت قائم -عجل الله فرجه الشریف- نزد من جمع شد که خوش نداشتم آن را ناقص بفرستم، لذا بیست درهم کسری را از مال خودم تکمیل کردم و پانصد درهم را نزد محمد بن جعفر فرستادم، ولی ننوشتم که بیست درهم از من است. پس محمد بن جعفر قبض آن را از ناحیه مقدسه حضرت قائم -عجل الله فرجه الشریف- برایم فرستاد که در آن نوشته شده بود: پانصد درهم که بیست درهمش از خودت بود رسید.^۳

۵ - علی بن محمد سیمری به محضر مقدّس قائم -عجل الله فرجه الشریف- نامه نوشت و درخواست کفن کرد. جواب آمد: در سال هشتاد یا هشتاد و یکم به

۱. کمال الدین: ۴۳۳/۲؛ و آیه‌ای که امام مهدی علیه السلام تلاوت کرد. (سوره آل عمران، آیه ۱۸).

۲. کمال الدین: ۴۳۱/۲.

۳. کمال الدین: ۴۸۵/۲؛ و اصول کافی: ۵۲۳/۱.

آن نیازمند خواهی شد. پس در همان وقتی که آن حضرت برایش تعیین کرده بود، وفات یافت و یک ماه پیش از فوتش کفن برایش فرستاده شد.^۱

خوانندگان عزیز! اگر بخواهید بیشتر بر معجزات آن حضرت مطلع شوید، به کتاب‌هایی که برای این منظور نوشته شده، از جمله کتاب‌های: کمال الدین، خرایج، بحار الانوار و نجم الثاقب مراجعه فرمایید.

بخش سوم

قسمتی از حقوق و مراحم آن حضرت علیه السلام

حقوق آن بزرگوار بر ما بسیار و الطاف و مراحمش بیرون از شمار است، بلکه همچون دریای خروشان و مواجی است که غواصی در آن نتوانیم کرد، ولی به مقدار کف دستی از آن برمی‌گیریم و در پی تقرّب به درگاهش ره می‌پوییم.

اول: حق وجود و هستی

خداوند به برکت وجود آن حضرت علیه السلام، ما و هر موجودی را آفرید و اگر او نبود هیچ کس نبود، بلکه اگر او نبود نه زمین وجود می‌یافت و نه فلک، شاهد این گفتار روایاتی است که اشاره می‌شود.

از توقیعات شریفه آن حضرت است که فرمود: «نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا...»^۱؛ همانا ما ساخته شده پروردگاران هستیم و مردم برای ما ساخته شده‌اند.

البته معنی این سخن بر دو وجه وارد است: وجه اول اینکه: امام زمان و پدران بزرگوارش علیهم السلام واسطه رساندن فیض‌های الهی به سایر مخلوقات هستند و به همین معنی در دعای ندبه اشاره شده: «أَيُّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»؛ کجاست آن وسیله‌ای که فیوضات آسمان را به اهل زمین می‌رساند؟

وجه دوم اینکه: مقصود از آفرینش تمام آنچه خداوند متعال آفریده، آن حضرت و پدران طاهرینش می باشند، یعنی اینها علت غایی و هدف اصلی آفرینش هستند و آنچه هست به خاطر اینها آفریده شده است.

مؤید این وجه روایتی است که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده: «فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا»^۱؛ همانا ما ساخته شده پروردگاران هستیم و مردم برای ما ساخته شده اند.

و احادیث فراوانی بر این معنی دلالت دارد.

دوم: حق بقاء در دنیا

دلیل بر این معنی روایاتی است که به برخی اشاره می شود.

۱ - حسن بن علی الوشاء گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: آیا زمین به غیر امام باقی می ماند؟ فرمود: نه. گفتم: این طور روایت کرده اند که در حالی زمین [بدون امام] باقی بماند که خداوند بر بندگان خشم گرفته باشد؟ فرمود: خیر، باقی نماند، در این صورت درهم فروریزد.^۲

۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر زمین بدون امام بماند، از هم می پاشد».^۳

۳ - امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «و بدانید زمین از حجت الهی خالی نمی ماند و لیکن خداوند چشم باطن بندگان را از شناختن امام به خاطر ظلم و ستم و اسراف آنان بر خودشان کور می کند و اگر زمین یک ساعت از حجت الهی خالی بماند اهلش را فرو می برد».^۴

و اخبار در این باره بسیار زیاد است.

۱ - نهج البلاغه، نامه ۲۸.

۲ - اصول کافی: ۱/۱۷۹.

۳ - اصول کافی: ۱/۱۷۹.

۴ - الغیبة، نعمانی: ۱۴۱.

سوم: قرابت و خویشاوندی پیامبر ﷺ

در سوره مبارکه شوری آمده: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۱؛ بگو: من از شما بر تبلیغ رسالت توقع مزدی ندارم جز اینکه در مورد خویشاوندانم مودت ورزید.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که منظور از (القربی) در این آیه امامان هستند.^۲ و در حدیث ندای حضرت قائم -عجل الله فرجه الشریف- هنگام ظهورش آمده: «و از شما می خواهم شما را به خدا و حق رسول خدا و حق خودم بر شما، که مرا بر شما حق قرابت و خویشاوندی پیغمبر هست...»^۳.

چهارم و پنجم: حق منعم بر متنعم و حق واسطه نعمت

تمام بهره ها و استفاده هایی که به مردم می رسد به برکت وجود امام آن زمان است. در زیارت جامعه درباره امامان علیهم السلام می خوانیم: «وَأَوْلِيَاءَ النَّعْمِ». امام صادق علیه السلام فرمود: «به برکت ما درخت ها بارور گردیده و میوه ها رسیده و نهرها جاری شده و باران از آسمان باریده و گیاه از زمین روئیده است و به عبادت ما خداوند عبادت شده، و اگر ما نبودیم خداوند پرستش نمی شد».^۴ و در حدیث دیگری آمده است: «دنیا و هر چه در آن هست از خدای تبارک و تعالی و رسول او و ما است، پس هر که بر چیزی از آن دست یافت، تقوی پیشه کند و حق خداوند (خمس و زکات و...) را ادا نماید و به برادران ایمانی خود احسان کند، و اگر چنین نکند خدا و رسول او و ما (خاندان پیغمبر) از او بیزاریم».^۵

۲. تفسیر برهان: ۱۲۱/۲.

۴. اصول کافی: ۱۴۴/۱.

۱. سوره شوری: آیه ۲۳.

۳. الغیبة، نعمانی: ۱۴۹.

۵. اصول کافی: ۴۰۸/۱.

ششم: حق پدر بر فرزند

همان طوری که فرزند از پدر به وجود می آید، شیعیان هم از باقیمانده گِل خاندان وحی آفریده شده اند. امام باقر علیه السلام فرمود: «به تحقیق خداوند ما را از اعلی علین خلق فرموده و دل های شیعیان ما را از خمیر مایه خلقت ما و تنشان را از پایین تر از آن آفرید، پس دل هایشان در هوای ما است؛ زیرا از آنچه ما آفریده شدیم آنها نیز آفریده شده اند».^۱

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من و علی دو پدر این امت هستیم».^۲

و از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: «الإمام: الأئیس الرفیق والوالد الشفیق»^۳؛ امام همدم همراه و پدر مهربان است.

هفتم: حق آقا و ارباب بر بنده

معنی سیادت آن بزرگواران این است که: ایشان از خود ما در تمام امور اولی و شایسته تر هستند، چنان که خداوند متعال فرموده: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ...﴾^۴؛ پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

و در زیارت جامعه آمده است: «وَالسَّادَةُ الْوَلَاةُ»؛ و سروران سرپرست.

و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق اهل سنت وارد شده: «ما فرزندان عبدالمطلب

سروران اهل بهشت هستیم؛ من و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی علیهم السلام».

هشتم: حق عالم بر متعلم

در چند روایت از امام صادق علیه السلام آمده، که امام زمان و پدران طاهرینش

۱. اصول کافی: ۱/۳۹۰.

۲. بحار الانوار: ۱۱/۳۶.

۳. اصول کافی: ۱/۲۰۰.

۴. سوره احزاب، آیه ۶.

راسخین در علم هستند، و نیز خداوند متعال دستور فرموده تا مردم هر چه می خواهند از خاندان وحی پرسند که ایشان (اهل الذکر) اند: ﴿فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱؛ پس از اهل ذکر سؤال کنید، اگر نمی دانید.

بخش چهارم

ویژگی‌ها و جهاتی که در امام زمان علیه السلام هست

و مایه لزوم دعا برای آن حضرت است.

در اینجا اموری بیان می‌شود که اگر یکی از آنها در شخصی یافت گردد، به حکم عقل یا شرع یا فطرت انسانی بر ما واجب و لازم است که برای او دعا کنیم. در صورتی که تمام این امور در وجود مقدس امام زمان -عجل الله فرجه الشریف- جمع است. که قسمتی از این امور به ترتیب حروف الفبا ذکر می‌شود.

حرف «الف»

۱ - ایمان به خداوند

شایسته است که مؤمن برای مؤمنینی که هم‌کیش و هم‌عقیده او هستند دعا کند. و این مطلب به حکم عقل و شرع ثابت است. [پس دعا کردن برای آن بزرگوار که سالار مؤمنین است بر ما لازم می‌باشد].

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مؤمنی برای مرد یا زن مؤمنی که از اول روزگار تا روز قیامت آمده یا خواهد آمد، دعا کند، خداوند متعال آنچه که او برای آنها خواسته است، مانند آن را به سوی او برگرداند. و چه بسا روز قیامت بنده مؤمنی را دستور دهند تا به آتش افکنده شود و او را می‌کشند تا به دوزخ ببرند، ولی مؤمنین و مؤمنات عرضه می‌دارند: پروردگارا! این همان شخصی است

که برای ما دعا می‌کرد، شفاعت ما را درباره او بپذیر. پس خداوند شفاعت آنها را درباره او قبول می‌فرماید و او نجات می‌یابد».^۱

و از عیسی بن ابی منصور روایت است که گفت: من و ابن ابی یعفور و عبدالله بن طلحه خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که آن حضرت چنین فرمود: ای پسر ابی یعفور! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: شش خصلت است که در هر کس باشد، در نزد خداوند و طرف راست [عرش] او خواهد بود.

ابن ابی یعفور عرضه داشت: فدایت شوم، آنها چیست؟ فرمود: «فرد مسلمان برای برادردینی خود بخواهد آنچه برای عزیزترین خاندانش می‌خواهد، و بد بدارد آنچه برای عزیزترین خاندانش بد می‌دارد، و با پاکی و خلوص با او دوستی کند».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «سه تا مربوط به شماست [همان‌که گذشت] و سه تا مربوط به ماست: اینکه فضیلت ما را بشناسید و دنبال ما گام بردارید و منتظر عاقبت امر و برنامه [حکومت] ما باشید، هر کس چنین بود، در پیشگاه خدای - تعالی - خواهد بود و کسانی که در مراتب پایین تر هستند، از نور ایشان استفاده می‌کنند».^۲

۲ - اجابت دعای ما به برکت آن حضرت علیه السلام

از جمله نعمت‌های بزرگ خداوند متعال بر ما این است که به ما اجازه داده تا او را بخوانیم و دعا کنیم. چون تمام نعمت‌های الهی به برکت وجود امام زمانان به ما می‌رسد و پُر واضح است که اجابت دعا از بهترین نعمت‌هاست، زیرا به وسیله این نعمت به نعمت‌های دیگر دست می‌یابیم، اهمیت حق مولایمان امام زمان علیه السلام بر ما روشن می‌شود، پس بر ما واجب است که با دعا و یا کارهای دیگر جبران این لطف را بنماییم.

امام باقر علیه السلام فرموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: آنچه بر تو دیکته می‌کنم بنویس. علی علیه السلام عرضه داشت: ای پیامبر خدا! آیا می‌ترسی فراموش کنم؟ فرمود: نمی‌ترسم فراموش کنی، من از خداوند خواسته‌ام که تو را حفظ کند و فراموشت ننماید، ولی برای شریکان بنویس. عرضه داشت: شرکای من کیانند؟ فرمود: «امامان از فرزندان تو که خداوند به سبب آنان بر امت من باران می‌فرستد و به سبب آنان دعای ایشان را مستجاب می‌کند و به سبب آنان بلا را از آنها دور می‌سازد و به سبب آنان رحمت از آسمان نازل می‌شود و این نخستین آنان است - به امام حسن علیه السلام اشاره کرد - سپس به امام حسین علیه السلام اشاره کرد و فرمود: امامان از فرزندان تو اند.»^۱

۳ - احسان به ما

احسان امام زمان - عجل الله فرجه الشریف - به ما نحوه‌های گوناگون دارد. و از جمله آنها دعا کردن آن حضرت در حق ما و دفع شر دشمنان و برطرف ساختن محنت‌ها و... می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾^۲؛ آیا پاداش احسان جز احسان است.

۴ - اباحه [و اجازه تصرف در] حقوقی که از حضرت در دست ماست

مسمع از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ای ابویسار! به تحقیق تمام زمین برای ما است و هر چه خداوند از آن برآرد، همه از برای ما است.»

ابویسار می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم: پس همه مال را برای شما بیاورم؟ فرمود: «ای ابویسار! البته ما آن را بر تو حلال کردیم و مباح گردانیدیم،

۱. بصائر الدرجات: ۱۶۷.

۲. سوره الرحمن، آیه ۶۰.

پس مال خودت را برگیر و هر آنچه از زمین در دست شیعیان ما هست بر آنها حلال است تا هنگامی که قائم ما بپاخیزد و مالیات آن را از آنان بگیرد و زمین را در دست ایشان واگذارد. اما آنچه در دست غیر شیعیان است هر سودی که از آن ببرند بر آنها حرام است و هنگامی که قائم ما بپاخیزد زمین را از دستشان بگیرد و آنها را به خواری از آن بیرون راند.^۱

۵ - اغاثه [دادرسی] ستمدیدگان

در توقیع آن حضرت علیه السلام به شیخ مفید رحمته الله آمده: «ما نظر خود را از شما بر نمی‌گیریم [که به حال خود وا بمانید] و فراموشتان نمی‌کنیم، اگر چنین بود گرفتاری‌ها شما را از پای می‌انداخت و دشمنان، شما را از بین می‌بردند».^۲

نمونه‌های فریادرسی و گره‌گشایی از کار شیعیان به دست آن حضرت علیه السلام به قدری مشهور است که نیاز به ذکر نیست و طالب آن می‌تواند به کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده، مراجعه نماید.

۶ - ادا کردن قرض مؤمنین

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: «... سپس به سوی کوفه می‌آید، منزلش در آنجا خواهد بود. پس هیچ برده مسلمان را نخواهد گذاشت مگر اینکه او را بخرد و آزاد سازد، و هیچ قرض‌داری نماند مگر اینکه قرضش را ادا کند، و هیچ حق ضایع شده از کسی را وانگذارد تا اینکه به صاحبش برگرداند و هیچ شخصی کشته نشود مگر اینکه قرضش را ادا نماید».^۳

۲. الاحتجاج: ۲/۳۲۳.

۱. اصول کافی: ۱/۴۰۷.

۳. بحار الانوار: ۵۲/۲۲۴.

و امام صادق علیه السلام فرمود: «اولین کاری که مهدی علیه السلام انجام می دهد، این است که در همه جای عالم ندا می کند: توجه کنید! هرکس برعهده یکی از شیعیان ما قرضی داشته باشد آن را بگوید. تا اینکه دانه سیر و خردل را هم به صاحبان آنها برساند، چه رسد به طلاها و نقره ها و املاک زیاد که همه را ادا می کند».^۱

۷ - امنیت راهها و شهرها با ظهور آن حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت قائم - عجل الله فرجه الشریف - قیام کند، به عدالت حکم می کند و در زمان او ظلم و ستمگری برچیده می شود، به وسیله آن حضرت امنیت در راهها برقرار می گردد و زمین برکاتش را برمی آورد و هر حقی به حق دار می رسد».

۸ - احیاء و زنده کردن دین خدا

در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ»؛ کجاست آنکه نشانه ها و آثار دین و اهل دین را زنده کند؟
و در تفسیر آیه: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۲؛ تا او را بر همه [مجموعه های] دین پیروز گرداند. آمده است: با ظهور حضرت قائم علیه السلام این کار انجام خواهد شد.^۳
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «نهمین آنها قائم خاندان من و مهدی امت من است، بعد از غیبتی طولانی ظاهر خواهد شد و دین خدا را آشکار خواهد کرد و با کمک الهی تأیید و حمایت و به وسیله فرشتگان خداوند یاری خواهد شد. پس زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد».^۴

۲. سوره فتح، آیه ۳۸.

۱. بحار الانوار: ۳۴/۵۳.

۴. بحار الانوار: ۳۷۹/۵۲.

۳. الکافی: ۴۳۲/۱.

۹- انتقام آن حضرت علیه السلام از دشمنان خدا

از جمله القاب امام زمان -عجل الله فرجه الشریف- «المنتقم» است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه قائم ما بپا خیزد، برای خدا و رسول او و همه ما خاندان پیغمبر انتقام خواهد گرفت».^۱

۱۰- اقامه و برپا کردن حدود الهی

در دعایی که از آن حضرت روایت شده، چنین آمده: «وَأَقِمَّ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ»؛ و به وسیله او حدود تعطیل شده و احکام کنار مانده را برپا کن. امام صادق علیه السلام ضمن تشریح زمان ظهور آن حضرت فرمود: «و در آن زمان حدود الهی برپا می شود».^۲

۱۱- اضطرار و ناچاری آن حضرت علیه السلام

در دعای ندبه آمده است: «أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا»؛ کجاست آن مضطرّ که هرگاه دعا کند به اجابت می رسد؟ و امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»^۳؛ آیا [جز خدا] کیست که دعای مضطرّ [ناچار] را به اجابت رساند و شما را جانشینان زمین قرار دهد؟! فرمود: «این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شده است، آن مضطرّی که هرگاه در مقام [ابراهیم] دو رکعت نماز بگذارد و خداوند را بخواند و دعا کند، خداوند دعای او را اجابت فرماید و او را خلیفه در زمین قرار دهد».^۴

۱. بحار الانوار: ۳۷۶/۵۲.

۲. کمال الدین: ۲/۴۷۶.

۳. سوره نمل، آیه ۶۲.

۴. تفسیر القمی: ۴۹۷.

حرف «ب»

۱ - برکات آن حضرت علیه السلام

در بخش سوم گفتیم: تمام نعمت‌های ظاهری و باطنی، آشکار و نهان که در زمان آن حضرت به بندگان می‌رسد، از برکات وجود اوست، احادیث در این باره بیش از حدّ تواتر است. و در توقیع آن حضرت علیه السلام آمده است: «و اما نحوه بهره‌وری از من به هنگام غیبتم همانند استفاده از خورشید است موقعی که ابر آن را از دیده‌ها پنهان کند».^۱

حرف «ت»

۱ - تألیف قلوب

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به وسیله آن حضرت بین دل‌های پراکنده و مخالف یکدیگر ائتلاف می‌بخشد».^۲

در دعای امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره آن حضرت آمده: «و پراکندگی امت را با او جمع فرمای».^۳

۲ - تَلَطَّفَ آن حضرت علیه السلام نسبت به ما

زید شحّام گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، به من فرمود: «ای زید! تو از شیعیان ما هستی، صراط و میزان و حساب شیعیان ما مربوط به ما است و البته که ما به شما از خودتان مهربان‌تریم».^۴

و نیز آن حضرت فرمود: «هرگاه روز قیامت شود، خداوند حساب شیعیان ما را برعهده ما قرار می‌دهد، پس آنچه از گناهان بین آنها و بین خدا باشد، محمد صلی الله علیه و آله از

۱. الاحتجاج: ۲۸۴.

۲. الکافی: ۳۳۲/۱.

۳. بحار الانوار: ۱۱۵/۵۱.

۴. بصائر الدرجات: ۲۵۶.

درگاه الهی برایشان طلب بخشش می‌کند و آنچه بین آنها و بین مردم بوده باشد از مظالم، محمد ﷺ آن را از طرف ایشان ادا خواهد ساخت و آنچه بین آنها با ما باشد، ما به آنها می‌بخشیم تا بدون حساب وارد بهشت شوند»^۱.

۳ - تحمل اذیت

در توقیعی از آن حضرت روایت است که: «جاهلان شیعه و احمق‌های آنان و کسانی که دینشان [مانند] بال پشه‌ای هست، همانا ما را اذیت کرده‌اند»^۲.

۴ - تشییع جنازه مردگان ما

در بحار نقل شده است که: «شیعیان نیشابور - در زمان امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام - جمع شدند، و شخصی به نام محمد بن علی نیشابوری را انتخاب کردند تا به مدینه برود و حقوق شرعی و هدایای شیعیان را به خدمت امام زمانشان ببرد، در این میان [یکی از بانوان باایمان به نام] شطیطه یک درهم و یک تکه پارچه پیش آورد و گفت: خداوند از حق خجالت نمی‌کشد (یعنی حقوق امام علیه السلام را گرچه کم باشد، باید پرداخت).

آن‌گاه آن جمعیت جزوهای آوردند و سؤالاتی نوشتند تا جواب زیر آن نوشته شود. و آن را مهر زدند و گفتند: این جزوه را شب هنگام به خدمت امام علیه السلام ببر و فردای آن بازگیر. مهرها را نگاه کن، اگر شکسته بود پنج تا از آنها را بشکن و ببین آیا جواب سؤال‌ها را داده است یا نه، که اگر بدون شکسته شدن مهرها جواب داده بود، او همان امام است و مستحق این اموال و گرنه اموال را به ما بازگردان.

محمد بن علی نیشابوری به مدینه مشرف شد و نزد عبد الله افطح رفت، او را امتحان کرد و دانست که او شایستگی مقام امامت را ندارد، از خانه او بیرون رفت، در حالی که می‌گفت: «رَبِّ اهْدِنِي إِلَى سَوَاءِ الصَّرَاطِ»؛ خدایا مرا به راه راست هدایت فرما. همان‌طور که در حیرت ایستاده بود، کودکی آمد و گفت: کسی را که می‌خواهی اجابت کن. و او را به خانه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برد، تا چشم حضرت بر او افتاد، فرمود: «ای ابو جعفر! چرا ناامید می‌شوی و چرا به سوی یهود و نصاری پناه می‌بری؟! به من روی کن که حجّت و ولیّ خدا هستم. سؤال‌هایی که در جزوه بود، دیروز جواب دادم. آنها را نزدم بیاور و درهم شطیطه را هم که در کیسه است و وزن درهمش یک درهم و دو دانق می‌باشد، برایم بیاور. و آن کیسه چهارصد درهم می‌باشد که از آن وی است و پارچه او با جامه دو برادر بلخی یک جا بسته شده».

می‌گوید: از سخنان آن حضرت عقلم حیران شد، رفتم و آنچه امر فرموده بود، آوردم و در پیشگاهش قرار دادم، درهم و پارچه شطیطه را برگرفت و رو به من کرد و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ». ای ابو جعفر! سلام مرا به شطیطه برسان و این کیسه پول را - در آن کیسه چهل درهم بود - به او بده».

آن‌گاه فرمود: «قطعه‌ای از کفن‌هایم را نیز به او هدیه کردم، پنبه این کفن از روستای ما صیدا است، قریه فاطمه علیها السلام که خواهرم حلیمه آن را رشته است. به شطیطه بگو: تو از هنگام رسیدن ابو جعفر و پول و قطعه کفن، تا نوزده روز بیشتر زنده نمی‌مانی. پس شانزده درهم از این پول را برای خودت خرج کن و بیست و چهار درهم آن را صدقه و لوازم تجهیز برای خودت قرار بده و من بر جنازه تو نماز خواهم خواند. ای ابو جعفر هرگاه [در آن وقت] مرا دیدی، مطلب را مخفی بدار که برای حفظ جان‌ت بهتر است».

سپس فرمود: «این اموال را به صاحبانشان برگردان و مهر از این جزوه بگشای و بین آیا جواب سؤال‌ها را پیش از آنکه جزوه را بیاوری، داده‌ایم یا نه؟»
می‌گوید: به مهرها نگاه کردم، دیدم دست نخورده است، یکی از مهرها را از وسطشان شکستم، دیدم حضرت جواب آن را نوشته. مهر دومی را گشودم دیدم جواب آن را هم نوشته‌اند. سومین مهر را گشودم دیدم جواب نوشته‌اند، تا پنجمین مهر.

هنگامی که ابو جعفر محمد بن علی نیشابوری به خراسان بازگشت، دید کسانی که آن حضرت اموالشان را رد کرده به مذهب فطحیه وارد شده‌اند، ولی شیطیه بر همان مذهب حق باقی مانده، سلام حضرت کاظم علیه السلام را به او رساند و کیسه پول و قطعه کفن را به او داد. پس همان‌طور که حضرت فرموده بود، به مدت نوزده روز شیطیه زنده ماند و چون از دنیا رفت، امام علیه السلام سوار بر شتری آمد. پس از پایان مراسم او بر شتر خود سوار شد و راه بیابان پیش گرفت و فرمود: «به اصحاب خودت مطلب را در میان بگذار و سلام مرا به آنها برسان و به ایشان بگو: من و امامان نظیر من باید که پای جنازه‌های شما حاضر شویم در هر جا که از دنیا بروید، پس تقوای خدا را در خود حفظ کنید».^۱

۵ - تجدید بنای اسلام پس از کهنه و فرسوده شدن آن

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم بپاخیزد مردم را بار دیگر به اسلام دعوت کند و آنها را به امری که از بین رفته و عموم مردم از آن جدا گشته و به گمراهی افتاده‌اند، هدایت فرماید. برای این جهت حضرت قائم علیه السلام را مهدی نامیده‌اند که به امری که از آن وامانده‌اند، هدایت می‌کند».^۲

و نیز آن حضرت علیه السلام در پاسخ به سؤال کسی که از شیوه و شگرد حضرت مهدی -عجل الله فرجه الشریف- پرسید، فرمود: «همان برنامه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله پیش گرفت، حضرت قائم علیه السلام انجام می‌دهد. بنیادهای پیشین را منهدم و ویران می‌سازد، چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله نظام جاهلیت را ریشه کن کرد و اسلام را از نو آغاز نمود».^۱

۶ - تعلیم و آموختن قرآنی که امیر المؤمنین علیه السلام جمع کرده بود

از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «چون قائم -عجل الله فرجه الشریف- بپاخیزد، خیمه‌هایی نصب می‌شود برای کسانی، تا قرآن را همان‌گونه که خداوند -جل جلاله- آن را نازل فرموده، به مردم بیاموزند. پس دشوارترین کار برای کسانی است که آن را حفظ کرده‌اند، زیرا با این تألیف اختلاف دارد».^۲

و در احتجاج آمده: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات یافت، علی علیه السلام قرآن را جمع کرد و آن را نزد مهاجرین و انصار برد و بر آنان عرضه کرد، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را به این کار وصیت فرموده بود. پس چون ابوبکر آن را گشود، در اولین صفحه‌ای که باز کرد، رسوایی‌های قوم آشکار شد. عمر برآشفت و گفت: ای علی! آن را بازگردان که ما را به آن نیازی نیست. پس حضرت امیر علیه السلام آن را گرفت و رفت.

آن‌گاه زید بن ثابت را که قاری قرآن بود، احضار کردند. عمر به او گفت: علی قرآن را نوشته بود، آورد، ولی در آن رسوایی‌های مهاجرین و انصار بود و ما نظرم‌ان بر این است که قرآن را جمع کنیم و فزاحت‌های مهاجرین و انصار را از آن بیندازیم. زید رأی موافق داد، ولی گفت: اگر من قرآن را آن‌طور که شما می‌خواهید جمع کردم و بعد از آن علی قرآن خودش را آشکار کرد،

۱. غیبت نعمانی: ۱۲۱.

۲. بحار الانوار: ۳۳۹/۵۲.

آیا زحمت‌های شما هدر نمی‌رود؟ عمر گفت: چاره‌ای جز این نیست که او را بکشیم و از او راحت شویم. پس حيله‌ای به کار بردند تا به دست خالد بن ولید آن حضرت را بکشند ولی نتوانستند.

چون عمر به خلافت رسید، از علی علیه السلام خواست آن قرآن را بیاورد تا میان خودشان آن را تحریف کنند. به آن حضرت گفت: یا اباالحسن! خوب بود قرآنی که نزد ابی بکر آوردی، حالا بیاوری تا بر آن اجتماع کنیم.

علی علیه السلام فرمود: «هیئات! هیچ‌راهی به سوی آن نیست، من در آن موقع آن را آوردم تا حجّت بر شما تمام کرده، روز قیامت نگویید ما از این قرآن غافل بودیم، یا به من نگویید که تو آن را نیاوردی. البته قرآنی که نزد من است جز پاکیزگان و اوصیا از فرزندان من هیچ‌کس به آن دست نمی‌یابد».

عمر گفت: آیا وقت معینی برای آشکار ساختن این قرآن هست؟ فرمود: «آری؛ هنگامی که قائم از فرزندان ما قیام کند، آن را ظاهر نماید و مردم را بر آن وامی‌دارد، پس سنت بر آن جاری می‌گردد».^۱

حرف «ث»

۱ - نثر خون امام حسین علیه السلام و شهیدانی که با آن حضرت بوده‌اند

نثر، کسی است که به هیچ وجه قرار و آرام نمی‌گیرد تا اینکه خون‌بهای خویش را بگیرد.^۲ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾^۳؛ و هر که مظلوم کشته شود، البته ما برای ولی او تسلط و حکومت قرار داده‌ایم، پس در کشتن اسراف نکند که او یاری شده است.

۱. الاحتجاج: ۲۲۵/۱.

۲. مجمع البحرین: ۲۳۴/۳ و ۲۳۵.

۳. سوره اسراء، آیه ۳۳.

فرمود: «او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شده و ما اولیای او هستیم، هنگامی که قائم ما بپا خیزد به خونخواهی حسین علیه السلام می پردازد، پس آن قدر می کشد تا جایی که گفته می شود: در کشتن اسراف کرد.»^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که جدم حسین علیه السلام کشته شد، فرشتگان به درگاه خداوند - عزوجل - صدا به گریه و ناله بلند کردند و عرضه داشتند: بار الها! صاحب اختیار! آیا غفلت می ورزی از کسی که برگزیده تو و فرزند برگزیده ات و بهترین خلق را به قتل رسانیده است؟ پس خداوند - عزوجل - به آنها وحی فرمود: ای ملائکه من! آرام باشید، به عزت و جلالم سوگند! که حتماً از آنها انتقام خواهم گرفت، هر چند پس از مدت ها باشد. سپس خداوند - عزوجل - برای فرشتگان از روی امامان از فرزندان حسین پرده برداشت، ملائکه خوشحال شدند و متوجه شدند که یکی از آنها ایستاده نماز می خواند، خداوند فرمود: به این قائم، از آنها انتقام می گیرم.»^۲

حرف «ج»

۱ - جمال و زیبایی آن حضرت علیه السلام

مولای ما صاحب الزمان علیه السلام زیباترین و خوش صورت ترین مردم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی طاووس اهل بهشت است.»^۳

و نیز فرمود: «مهدی، مردی از فرزندان من است، رنگ او رنگ مردم عرب و بدن او بدن بنی اسرائیل (قوی و درشت استخوان)، بر گونه راستش خالی است که مثل ستاره درخشنده است.»^۴

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «مهدی از فرزندان

۱. تفسیر العیاشی: ۲/۲۹۰.

۲. علل الشرایع: ۱۶۰.

۳. بحار الانوار: ۹۱/۵۱.

۴. بحار الانوار: ۹۵/۵۱.

من است، نام او نام من و کنیه‌اش کنیه من است، از نظر خَلق و خُلُق شبیه‌ترین مردم به من است»^۱.

و رسول خدا ﷺ زیباترین و خوش صورت‌ترین مردم بوده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا ﷺ رخسارش سپید آمیخته به سرخی و چشمانش سیاه و درشت و ابروانش به هم پیوسته، و کف دست و پایش پُرگوشت و درشت بود، بدان سان که گویی طلا بر انگشتانش ریخته باشد. استخوان دو شانهاش بزرگ بود، چون به کسی روی می‌کرد به خاطر مهربانی شدیدی که داشت با همه بدن به جانب او توجه می‌نمود. یک رشته موی از گودی گلو تا نافش رویده، انگار که میانه صفحه نقره خالص خطی کشیده شده باشد، و گردن و شانهاش بسان گلاب‌پاش سیمین بود. بینی کشیده‌ای داشت که هنگام آشامیدن آب، نزدیک بود به آب برسد، هنگام راه رفتن محکم قدم برمی‌داشت که گویا به سرازیری فرود می‌آید. باری، نه قبل و نه بعد از پیغمبر خدا کسی مثل او دیده نشده است»^۲.

۲ - جهاد آن حضرت ﷺ

امام باقر علیه السلام فرمود: «او خونخواه است، با تأسف و غضبناک خروج می‌کند به خاطر غضب خداوند بر این خلق، پیراهنی که رسول خدا ﷺ روز احد پوشیده بود بر اندام اوست، و عمامه سحاب و زره سابغه و شمشیر ذوالفقار پیغمبر با اوست، شمشیر بر شانه می‌گذارد و تا شش ماه از کشته پشته می‌سازد»^۳.

بشیر نبال گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آنها می‌گویند: «هرگاه مهدی علیه السلام قیام کند، خود به خود امور برایش درست می‌شود و به قدر یک

۲. کافی: ۱/۴۴۳.

۱. کمال الدین: ۱/۲۸۶.

۳. بحار الانوار: ۵۲/۳۶۱.

حجامت هم خون نمی ریزد؟ فرمود: «نه، سوگند به آنکه جانم به دست اوست! اگر برای کسی امور خود به خود درست می شد برای پیغمبر ﷺ این امر واقع می گشت که دندان هایش خون آلود و پیشانی اش شکسته شد، نه؛ سوگند به آنکه جانم در دست اوست [کار به جایی رسد که] ما و شما عرق و علق (= خون بسته شده) را از چهره پاک کنیم، و دستی به پیشانی کشید».^۱

علق یعنی: خون، و پاک کردن عرق و خون کنایه از محنت ها و رنج ها است که باعث می شود انسان عرق کند، و یا جراحت هایی که خون ها را جاری می سازد.

۳ - جمع کلمه بر توحید و اسلام

در دعای ندبه آمده است: «أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى»؛ کجاست آنکه سخنان را به تقوا جمع می نماید.

امیر مؤمنان علی عليه السلام درباره آیه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۲؛ برای آنکه او را بر همه دین برتری بخشد، فرمود: «تا جایی که هیچ آبادی نماند مگر اینکه هر صبح و شام بانگ شهادت لا إله إلا الله و محمد رسول الله در آن بلند شود».^۳

و امام صادق عليه السلام درباره آیه: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً»^۴؛ و هر آنکه در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه برای او تسلیم است. فرمود: «هنگامی که قائم -عجل الله فرجه الشریف- قیام کند هیچ زمینی باقی نمی ماند مگر اینکه در آن، شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله اعلام می شود».^۵

۱. بحار الانوار: ۵۷/۵۲.

۲. سوره فتح، آیه ۲۸.

۳. المحجة: ۸۶.

۴. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۵. المحجة: ۵۰.

۴ - جمع شدن یاران دین از فرشتگان و جنیان و سایر مؤمنان

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «به خدا قسم وقتی قائم ما بپا خیزد، خداوند از همه شهرها و بلاد، شیعیان ما را به سوی او جمع می‌نماید»^۱.

و امام صادق علیه السلام فرمود: «بر او سی هزار فرشته و ۳۱۳ فرشته فرود می‌آیند».

ابان بن تغلب عرضه داشت: تمام این فرشتگان؟ فرمود: «آری فرشتگانی که با نوح در کشتی بودند و فرشتگانی که با ابراهیم بودند هنگامی که به آتش افکنده شد، و آنهایی که با موسی بودند هنگامی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت، و آنهایی که با عیسی بودند هنگامی که خداوند وی را به سوی خود بالا برد، و چهار هزار فرشته نشاننداری که با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند، و هزار فرشته‌ای که پی در پی فرود آمدند و سیصد و سیزده فرشته‌ای که در بدر بودند و چهار هزار ملائکه که فرود آمدند تا به همراه حسین بن علی علیه السلام با دشمنان نبرد کنند، ولی به آنها اجازه داده نشد، آنها کنار قبر آن حضرت پریشان و غبارآلود و گریان هستند تا روز قیامت. رئیس آنان فرشته‌ای است که منصور خوانده می‌شود، هیچ کس آن حضرت را زیارت نکند مگر اینکه اینها به استقبال او می‌روند و یا هنگام وداع او را مشایعت می‌کنند، و هیچ بیماری نیست مگر اینکه به عیادتش می‌روند، و هیچ کس از دنیا نرود مگر آنکه بر بدنش نماز می‌گزارند و پس از مرگ برای او طلب مغفرت می‌کنند. و همه اینها در زمین منتظر قیام قائم - عجل الله فرجه الشریف - هستند تا هنگام ظهورش فرا رسد»^۲.

۵ - جمع عقول

امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجُمِعَ بِهَا

عُقُولُهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»^۱؛ هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان قرار دهد، پس عقل هایشان جمع و بردباریشان کامل گردد.

حرف «ح»

۱ - حمایت آن حضرت علیه السلام از اسلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «گویا می بینم دین شما پیوسته رو به ضعف و از بین رفتن خواهد نهاد و در خون خود دست و پا خواهد زد و کسی آن را به شما باز نمی گرداند مگر مردی از ما اهل البیت»^۲.

۲ - حرب (جنگ) آن حضرت علیه السلام با مخالفین

امام صادق علیه السلام فرمود: «سیزده شهر و طایفه است که قائم علیه السلام با آنها جنگ می کند، و آنها هم با آن حضرت می ستیزند: اهل مکه، اهل مدینه، اهل شام، بنی امیه، اهل بصره، اهل دمیسان، کردها، اعراب، ضبّه، غنی، باهله، آزد و اهل ری»^۳.

و امام باقر علیه السلام فرمود: «در صاحب این امر شیوه و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله هست: اما سنت از موسی، اینکه ترسان و برحذر است. و اما از عیسی، اینکه درباره اش گفته می شود آنچه درباره عیسی گفته شد. و اما از یوسف، زندان و غیبت است. و اما از محمد صلی الله علیه و آله قیام با شمشیر و روش آن حضرت را پیروی می کند، و آثارش آشکار گردد، آن گاه شمشیر خود را تا هشت ماه با دست راست و بر شانه حمایل می نماید و پیوسته دشمنان را خواهد کشت تا خداوند - عزّو جلّ - راضی گردد»^۴.

۲. بحار الانوار: ۳۵۲/۵۲؛ غیبت نعمانی: ۱۲۵.

۱. کافی: ۲۵/۱.

۴. کمال الدین: ۳۲۹/۱.

۳. بحار الانوار: ۳۶۳/۵۲.

اخبار در این باره بسیار است که بعضی از آنها در بحث «قتل کافرین» خواهد آمد، ان شاء الله تعالی.

۳ - حج آن حضرت علیه السلام

از محمد بن عثمان عمّری روایت شده که گفت: «صاحب این امر هر سال در مراسم حج حاضر می‌شود، پس مردم را می‌بیند، آنها را می‌شناسد و آنها او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند».^۱

از جمله روایاتی که دلالت بر استحباب دعا کردن برای حُجّاج دارد، حدیثی است از امام صادق علیه السلام که فرمود: «هنگامی که شامگاه عرفه شود، خداوند متعال دو فرشته را می‌فرستد که چهره‌های مردم را جستجو کند، پس هرگاه کسی که خودش را به حج عادت داده بود نیابد، یکی از آن دو فرشته به دیگری می‌گوید: فلان شخص در چه حال است؟ جواب می‌دهد: خدا بهتر می‌داند. پس می‌گوید: پروردگارا! اگر فقر مانع از آمدنش شده او را غنی گردان و اگر قرض دارد از او ادا فرمای و اگر بیماری سبب نیامدنش شده او را شفا بخش و اگر از دنیا رفته پس او را بیامرزد و رحمتش فرمای».^۲ این حدیث دلالت می‌کند بر استحباب دعا کردن برای کسی که خودش را به حج عادت داده باشد.

۴ - حیات و زندگی زمین به ظهور آن حضرت علیه السلام

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه ﴿يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾؛ فرمود: «نه به وسیله باران، بلکه خداوند - عزّوجلّ - مردانی برمی‌انگیزاند، پس زمین به خاطر برپایی و زنده شدن عدالت، احیا می‌شود».^۳

۲. من لا يحضره الفقيه: ۱۲/۲.

۱. کمال الدین: ۴۴۰/۲.

۳. المحجة: ۲۲۲.

و امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند متعال: ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ فرمود: «یعنی به وسیله عدالت پس از جور و ستم».^۱

۵ - حلم آن حضرت علیه السلام

در ضمن بیان خلق و خوی آن حضرت خواهد آمد، ان شاء الله تعالی.

۶ - حب (دوستی) آن حضرت علیه السلام نسبت به ما

از بحثی که درباره لطف آن حضرت نسبت به ما در حرف «تاء» گذشت، دوستی آن حضرت نیز واضح می شود، زیرا لطف، میوه محبت است. همچنین در بخش سوم، حق پدر بر فرزند و تشییع مردگان ما، در این زمینه مطالبی گذشت.

به هر حال همه احسان آن حضرت در حق ما ثمره و نتیجه محبتش نسبت به ما است ان شاء الله تعالی. ولی نباید غافل بود که محبت او در حق ما جز از جهت ایمان و اطاعت ما نسبت به خداوند - عزوجل - نیست.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که به جابر جعفی فرمود: «بنده جز با اطاعت، به خداوند - تبارک و تعالی - نزدیک نمی شود، دوری از آتش با ما نیست، آنکه مطیع و فرمانبردار خدا باشد، دوست و ولی ماست. و هر که خداوند را معصیت کند، دشمن ماست. و ولایت ما جز با عمل و دوری از گناه به دست نمی آید».^۲

۷ - حکم آن حضرت علیه السلام به حق و باطن

آن حضرت علیه السلام به مقتضای علمش، حکم به باطن می کند. از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «چون قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، در میان مردم به حکم

۱. المحجة: ۲۲۲.

۲. دارالسلام: ۲۳۹/۳.

حضرت داوود علیه السلام حکم می‌فرماید، نیازی به شاهد و بیّنه ندارد، خدای تعالی او را الهام می‌کند؛ پس به علم خود داوری فرماید و هر قومی را به آنچه در باطن مخفی داشته‌اند، خبر می‌دهد و دوست خود را از دشمن، به نشانه تشخیص می‌دهد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «در مسجد شما - یعنی مسجد مکه - سیصد و سیزده مرد خواهد آمد که اهل مکه می‌دانند آنها از پدران و اجدادشان نیستند، ... پس خداوند - تبارک و تعالی - بادی می‌فرستد که به هر وادی ندا می‌کند: این مهدی است که به قضاوت داوود و سلیمان علیهما السلام قضاوت می‌کند و بر آن بیّنه و شاهد نمی‌طلبد».^۲

و از امام ابو جعفر باقر علیه السلام منقول است که فرمود: «در قضایایی حضرت قائم علیه السلام قضاوت می‌کند، بعضی از کسانی که در خدمتش شمشیر زده‌اند، آن را رد و انکار می‌نمایند و آن قضاوت آدم است. پس دستور می‌دهد آنها را بیاورند و گردنشان را می‌زنند. سپس دوباره قضاوتی می‌کند که قضاوت داوود است و عده‌ای از کسانی که همراه آن حضرت شمشیر زده‌اند، اعتراض و انکار می‌کنند که آنها را پیش می‌آورد و گردنشان را می‌زند. سپس بار سوم قضاوتی می‌کند و آن قضاوت ابراهیم علیه السلام است، گروه دیگری از کسانی که در پیشاپیش آن حضرت شمشیر زده‌اند، اشکال و رد می‌کنند. پس آنها را جلو می‌آورد و گردنشان را می‌زند. آن‌گاه مرتبه چهارم قضاوتی می‌کند که قضاوت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد، پس هیچ کس علیه او انکار نمی‌نماید».^۳

۸ - حکومت آن حضرت علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت بپا نشود تا اینکه مردی از خاندان من حکومت

۲. کمال الدین: ۶۷۱/۲

۱. بحار الانوار: ۳۳۹/۵۲

۳. بحار الانوار: ۳۸۹/۵۲

کند، قسطنطنیه و جبل الدیلم را فتح نماید. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند متعال آن روز را آن قدر طولانی کند تا آن را فتح فرماید.^۱

و امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم سیصد و نه سال حکومت می‌کند، همان مقدار که اهل کهف در غار ماندند، زمین را پر می‌کند از عدل و قسط، چنان‌که از ظلم و ستم پر شده باشد. پس خداوند برای او شرق و غرب زمین را می‌گشاید و مردم را می‌کشد تا اینکه جز دین محمد صلی الله علیه و آله باقی نماند. به شیوه سلیمان بن داوود سلوک نماید، آفتاب و ماه را صدا می‌کند، او را جواب می‌دهند، و زمین برای او نوردیده شود و به او وحی می‌رسد، پس به امر الهی به وحی عمل می‌کند».^۲

حرف «خ»

۱ - خُلق آن حضرت علیه السلام

همانطور که در بخش جمال و زیبایی آن حضرت گفته شد، خُلق آن حضرت مانند خُلق پیامبر صلی الله علیه و آله است و شباهت آن حضرت به پیامبر صلی الله علیه و آله در عموم صفات و خویهای پسندیده است، و خداوند متعال درباره اخلاق پیامبر می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۳؛ و تو در حقیقت بر نیک خلقی عظیمی آراسته‌ای. بنابراین اخلاق آن حضرت مانند جدشان بهترین اخلاق‌ها است.

۲ - خوف (بیم) آن حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای آن جوان پیش از قیامت غیبتی خواهد بود». گفتم: چرا؟ فرمود: «می‌ترسد - و به شکمش اشاره کرد - یعنی از کشته شدن می‌ترسد».

۲. بحار الانوار: ۲۹۰/۵۲.

۱. غایة المرام: ۶۹۵.

۳. سوره قلم، آیه ۴.

و نیز حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «او پنجمین فرزند من است، او را غیبتی است طولانی به خاطر ترس بر خودش».

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد خواهد گفت: ﴿فَقَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾^۱؛ پس آن هنگام از شما فرار کردم وقتی که از شما ترسیدم، پس خداوند به من حکمت آموخت و مرا از فرستادگان قرار داد.».

۳ - خلافت آن حضرت علیه السلام بر مسلمانان

از طریق عامه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «خلفای بعد از من دوازده نفرند، نه تن آنان از نسل حسین هستند، نهمین ایشان قائم و مهدی آنان است، پس خوشا به حال دوستان و وای به حال دشمنانشان!»^۲.

و نیز از طریق عامه از آن حضرت صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «مهدی علیه السلام خروج می‌کند در حالی که بر سرش ابری هست که در آن منادی ندا می‌کند: این مهدی خلیفه الله است از او پیروی کنید.»^۳.

۴ - ختم علوم به آن حضرت علیه السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «یا کَمِيلُ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ، وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ يَخْتِمُهُ»^۴؛ ای کمیل! هیچ علمی نیست مگر اینکه من افتتاح کننده آنم و هیچ سری نیست مگر اینکه قائم، آن را به پایان می‌رساند و خاتمه می‌دهد.

منظور از «سرّ» در این روایت، یا علم است به قرینه اول حدیث و یا تمام

۱. سوره شعراء، آیه ۲۱.

۲. کفایة الاثر: ۲۹۲.

۳. بحار الانوار: ۸۱/۵۱.

۴. بحار الانوار: ۲۶۹/۷۷.

کمالات و اخلاق نیک و علوم و معارف حقه است که سایر امامان علیهم السلام بعضی از آنها را به مقتضای صلاح زمان خودشان آشکار کرده‌اند.

حرف «د»

۱ - دعای آن حضرت علیه السلام برای مؤمنین

سید اجل علی بن طاووس می‌گوید: من در سامرا بودم، پس سحرگاهان دعای آن بزرگوار را شنیدم، این مقدار از آن، که راجع به زندگان و مردگانی است که از آنها یادی به میان آورد، حفظ کردم: «وَأَبْقِهِمْ - أَوْ قَالَ - وَأَخِيهِمْ فِي عِزِّنا وَ مَلِكِنَا وَ سُلْطَانِنَا وَ دَوْلَتِنَا»؛ و آنان را باقی بدار - یا فرمود - زنده بدار در (روزگار) عزت ما و ملک ما و حکومت ما و دولت ما.

امام رضا علیه السلام به موسی بن سیار فرمود: «ای موسی بن سیار! مگر نمی‌دانی که بر ما امامان، اعمال شیعیانمان هر صبح و شام عرضه می‌شود، پس هر تقصیری که در اعمال آنها باشد، از خداوند متعال گذشت از آن را خواهیم خواست، و هر کار خوب و پیشرفت در برنامه‌های دینی باشد، از خداوند پاداش برای صاحب آن عمل خواهیم خواست».^۱

و نیز امیر المؤمنین علیه السلام به زمیله فرمود: «ای زمیله! هیچ مؤمنی نیست که بیمار شود مگر اینکه به مرض او مریض می‌شویم و اندوهگین نشود مؤمنی مگر اینکه به خاطر اندوه او اندوهگین گردیم و دعایی نکند مگر اینکه برای او آمین گوئیم و ساکت نماند مگر اینکه برایش دعا کنیم».^۲

۱. بحار الانوار: ۹۸/۴۹؛ از مناقب ابن شهر آشوب: ۳۴۱/۴.

۲. مشارق الانوار: ۴۵۲.

۲- دعوت آن حضرت علیه السلام به سوی حق

در زیارت آن حضرت آمده: «سلام بر تو ای دعوت‌گر الهی! و ای مظهر و آئینه صفات ربّانی!».^۱

امام رضا علیه السلام فرمود: «امام، امین خداوند در خلق او است و حجّت او است بر بندگانش و خلیفه او در بلاش، و دعوت‌گر به سوی او و مدافع از حقوق او است».^۲
و از امام باقر علیه السلام در خبر طولانی آمده: «... سپس می‌رود مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان دعوت می‌کند».^۳

۳- دفع بلا از ما به برکت وجود آن حضرت علیه السلام

نصر خادم گوید: بر صاحب الزمان علیه السلام وارد شدم در حالی که در گهواره بود، پس به من فرمود: آیا مرا می‌شناسی؟ عرضه داشتم: آری، تو آقای من و فرزند سرورم هستی. فرمود: از این نپرسیدم. گفتم: برایم تفسیر فرمای. فرمود: «من خاتم اوصیا هستم و تنها به وسیله من بلا از خانواده و شیعیانم دفع می‌شود».^۴
و امام حسین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود: «آگاه باشید که اهل بیت من امان هستند برای شما، پس آنها را به خاطر دوستی من دوست بدارید و به آنان متمسک شوید که هیچ‌گاه گمراه نخواهید گشت».^۵

و از سید العابدین علیه السلام روایت شده که فرمود: «ما امامان مسلمین و حجّت‌های الهی بر عالمیان و سادات و آقایان مؤمنین و امیر روسفیدان و نیکویان جهان و سرور اهل ایمان و مایه ایمنی اهل زمین هستیم، چنان‌که ستارگان برای اهل آسمان‌ها امان

۲. کافی: ۱/۲۰۰؛ کمال الدین: ۲/۶۷۸

۴. الخراج: ۶۷

۱. احتجاج: ۲/۲۷۷

۳. بحار الانوار: ۵۲/۳۴۲

۵. کفایة الاثر: ۳۱۰

هستند. خداوند به واسطه ما آسمان را نگه داشته تا بر زمین نیفتد مگر به اذن او، به سبب ما زمین را نگه داشته تا اهلش را نلرزاند مگر به اذن او، به خاطر ما باران فرو می‌فرستد و به واسطه ما رحمت را منتشر می‌سازد و برکات زمین را بیرون می‌آورد، و اگر در زمین حجّت ما نباشد زمین اهلش را فرو می‌برد».

سپس فرمود: «از روزی که خداوند آدم را آفریده زمین از حجّت الهی خالی نبوده که یا ظاهر است و مشهود و یا غایب است و [در پرده] مستور، و تا روز قیامت نیز از حجّت الهی خالی نخواهد ماند و گرنه خداوند پرستش نمی‌شود».^۱

۴ - دفع بلا و عقاب از مردم به برکت شیعیان آن حضرت علیه السلام

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «زمانی بر مردم فرا می‌رسد که امام آنها از نظرشان غایب می‌شود. خوشا به حال آن کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت بمانند، کمترین چیزی که از ثواب به آنها می‌رسد اینکه خداوند جلّ جلاله آنان را ندا می‌کند و می‌فرماید: ای بندگان و کنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید و غیب مرا باور داشتید، پس بشارت باد شما را به نیکی و ثواب از من که شما به حقّ، بندگان و کنیزان من هستید، از شما می‌پذیرم و شما را عفو می‌کنم، و گناهانتان را می‌آمرزم، و به سبب شما باران به بندگانم می‌رسانم، و بلا را از ایشان دفع می‌کنم، اگر شما نبودید عذاب خود را بر آنان نازل می‌کردم».^۲

۵ - دفع دشمنان از مؤمنان در غیبت و ظهور آن حضرت علیه السلام

این کار در زمان غیبت آن حضرت به دعای آن حضرت خواهد بود، چنان‌که گذشت. و اما در حضور آن بزرگوار، در بحث جهاد و جنگ آن حضرت با دشمنان بیان گردید. و در بحث ذلت دشمنان بیشتر اشاره می‌شود.

حرف «ذ»

۱ - ذلت دشمنان به دست آن حضرت علیه السلام بعد از ظهور

امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه قائم بپاخیزد، ایمان را بر هر ناصبی عرضه می‌کند، پس اگر به طور حقیقی آن را پذیرفت (که هیچ) و گرنه گردنش را می‌زند، یا باید جزیه بدهد؛ چنان‌که امروزه اهل ذمه جزیه می‌دهند و همیان بر کمر می‌بندد و آنها را از شهرها به سوی شهرهای بزرگ می‌راند».^۱

و امام صادق علیه السلام فرمود: «حق را دولتی و باطل را دولتی است و هر کدام از آنها در دولت دیگری ذلیل و خوار است».^۲

و امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾^۳؛ ذلت آنان را فراگیرد، این همان روزی است که [رسولان حق] به آنان وعده می‌دادند. فرمود: «یعنی روز خروج قائم علیه السلام».^۴

حرف «ر»

۱ - راحتی خلائق در دولت آن حضرت علیه السلام

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «اگر قائم ما بپاخیزد، آسمان، بارانش را فرو می‌ریزد و زمین، گیاهانش را بیرون می‌دهد، و کینه‌ها و کدورت‌ها از دل‌های بندگان زایل می‌گردد، و درندگان و بهائم با هم سازگار می‌شوند تا به حدی که یک زن، راه عراق و شام را طی می‌کند در حالی که جز بر سبزه و گیاه پا نگذارد و زینت‌های خود را بر سر دارد و هیچ درنده‌ای او را به وحشت نمی‌اندازد».^۵

۲. غیبت نعمانی: ۳۱۹.

۱. روضه کافی: ۲۲۷/۸.

۴. بحار الانوار: ۶۱/۵۱.

۳. سوره معارج، آیه ۴۴.

۵. بحار الانوار: ۳۱۶/۵۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «... ساکنین زمین و آسمان از حکومت او راضی خواهند بود و اموال را به طور صحاح میان مردم تقسیم می‌کند». مردی پرسید: صحاح یعنی چه؟ فرمود: «یعنی به طور مساوی».^۱

حرف «ز»

۱- زحمت آن حضرت علیه السلام در راه دین خدا

از مطالبی که درباره جهاد و جنگ آن حضرت با دشمنان و کافرین گذشت، این معنی به دست می‌آید.

۲- زهد آن حضرت علیه السلام

حماد بن عثمان گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، مردی به آن حضرت عرضه داشت: أصلحك الله! یاد کرده‌ای علی علیه السلام لباس خشن و زیر می‌پوشید، لباس چهار درهمی به تن می‌کرد و امثال اینها... و حال آنکه لباس نو در بر تو می‌بینم؟ فرمود: «علی علیه السلام در زمانی آن‌طور لباس می‌پوشید که انگشت‌نما و مورد انکار مردم نبود، ولی اگر امروز مثل آن لباس پوشیده شود انگشت‌نما می‌شود. پس بهترین لباس هر زمان لباس همان زمان است، مگر اینکه وقتی قائم ما اهل البیت علیهم السلام بپاخیزد لباس‌های علی علیه السلام را در بر می‌کند و روش او را پیش می‌گیرد».^۲

و حضرت رضا علیه السلام فرمود: «شما امروزه راحتی بیشتری دارید از آن هنگام». راوی عرضه داشت: چطور؟ فرمود: «اگر قائم علیه السلام بپاخیزد، جز خون و عرق و رنج چیزی نیست. مردم سوار بر اسب‌ها هر سوی خواهند تاخت. لباس قائم علیه السلام زیر و غذایش سخت خواهد بود».^۳

۲. کافی: ۴۱۱/۱.

۱. بحار الانوار: ۸۱/۵۱.

۳. بحار الانوار: ۳۵۸/۵۲.

۳- زیارت آن حضرت علیه السلام از قبر حضرت ابی عبد الله الحسین و سایر

معصومین علیهم السلام

در واقعه جزیره خضراء آمده: سید شمس الدین در پاسخ راوی که پرسید: آیا امام -عجل الله فرجه الشریف- حج انجام می‌دهد؟ فرمود: «آری! او هر ساله حج بجا می‌آورد و پدرانیش را در مدینه و عراق و طوس زیارت می‌کند».^۱

اما رجحان دعا برای زوار قبور ائمه معصومین علیهم السلام؛

معاویه بن وهب گوید: امام صادق علیه السلام برای زائرین حسین علیه السلام با دعایی طولانی دعا کرد، و برای آنان ثواب جزیل از درگاه خداوند درخواست نمود. آن‌گاه فرمود: «ای معاویه! کسانی که در آسمان برای زائرین آن حضرت دعا می‌کنند، از کسانی که در زمین برای ایشان دعا می‌کنند بیشترند».^۲

حرف «س»

۱- سیره و روش آن حضرت علیه السلام

از آنچه درباره زهد آن حضرت گذشت، شیوه او نیز معلوم می‌شود. اضافه بر آن، از امام باقر علیه السلام در وصف امام قائم علیه السلام آمده که: «هرگاه قیام کند، شیوه پیغمبر صلی الله علیه و آله را پیش خواهد گرفت».^۳

و از عبد الله بن عطا روایت شده که گفت: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد، با چه شیوه‌ای در میان مردم عمل خواهد کرد؟ فرمود: «اساس پیش از خود را ویران می‌سازد، همان‌طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد و اسلام را از نو شروع می‌کند».^۴

۲. کامل الزیارات: ۱۱۶.

۱. بحار الانوار: ۱۷۴/۵۲.

۴. بحار الانوار: ۳۵۴/۵۲.

۳. بحار الانوار: ۳۴۷/۵۲.

۲ - سخاوت آن حضرت علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «گویا می بینم که این دین شما از شما روی گردان و در خون خود غوطه ور است، و هیچ کس نتواند آن را به شما بازگرداند مگر مردی از اهل البیت علیهم السلام که هر سال دو بار بر شما بخشش خواهد کرد و هر ماه دو نوع روزی به شما خواهد داد».

و در حدیث دیگری از آن حضرت علیه السلام آمده که: «تمام اموال دنیا از ظاهر و باطن زمین به نزد آن حضرت جمع می گردد و به مردم گفته می شود: بیایید این چیزی است که شما به خاطر آن خویشاوندیتان را قطع کردید و خون های به ناحق ریختید و در راه به دست آوردن آن، حرام ها مرتکب شدید. پس آن حضرت ثروتی به آنها می بخشد که هیچ کس پیش از او چنین نبخشیده باشد».^۱

و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود: «مردی نزد مهدی می آید و می گوید: به من عطایی فرمای. پس به مقداری که آن شخص بتواند حمل نماید، لباسش را پر می کند».^۲

حرف «ش»

۱ - شجاعت آن حضرت علیه السلام

از آنچه در بحث جنگ و جهاد آن حضرت آوردیم، و نیز در بحث قتل کافرین به دست آن حضرت بیان خواهیم داشت، این مطلب واضح می گردد.

۲ - شفاعت آن حضرت علیه السلام

از طریق اهل سنت از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. بحار الانوار: ۳۹۰/۵۲.

۲. بحار الانوار: ۸۸/۵۱.

فرمود: «من آورنده [و رساننده] شما به حوض [کوثر] هستم و تو ای علی! ساقی هستی و حسن حمایت کننده، و حسین فرمان دهنده، و علی بن الحسین تقسیم کننده، و محمد بن علی نشر دهنده، و جعفر بن محمد بسیج کننده، و موسی بن جعفر شمارنده محبان و مبغضان و بازدارنده منافقان، و علی بن موسی زینت بخش مؤمنان، و محمد بن علی فرود آورنده اهل بهشت به منزلگاه‌هایشان و درجاتشان، و علی بن محمد خطیب و سخنور شیعیانش و تزویج کننده آنها با حورالعین، و حسن بن علی چراغ اهل بهشت است که از آن روشنی می‌گیرند، و مهدی شفاعت کننده آنها است روز قیامت، روزی که خداوند اجازه نمی‌دهد شفاعت را جز به کسی که شفاعت او را بخواهد و به او راضی باشد».^۱

۳ - شهادت آن حضرت علیه السلام برای ما

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾^۲؛ پس چگونه است حال، آن‌گاه که از هر طایفه‌ای گواهی آریم و تو را برایشان گواه آوریم. فرمود: «تنها درباره امت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، در هر قرنی امامی از ما بر این امت شاهد و ناظر است و محمد صلی الله علیه و آله گواه بر ما است».^۳

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «ما شاهدان بر مردم هستیم، پس هر آنکه ما را تصدیق کند روز قیامت تصدیقش نماییم و هر آنکه ما را تکذیب کند روز قیامت تکذیبش نماییم».^۴

۴ - شرافت آن حضرت علیه السلام

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا قائم علیه السلام متولد شده است؟ فرمود: «خیر،

۱. غایة المرام: ۶۹۲

۲. سوره نساء، آیه ۴۱.

۳. کافی: ۱/۱۹۰.

۴. کافی: ۱/۱۹۰.

البته اگر زمان او را درک می‌کردم در طول زندگی همراهی اش می‌نمودم.^۱
 خواننده عزیز! در این فرمایش دقت کن و با این تأدیب تربیت شو تا مبادا
 -خدای ناکرده- به جای خدمت و همراهی در طول زندگی، آن حضرت علیه السلام را
 با کردارهای ناپسند و گفتارهای شمشیر مانند، اذیت کنی و آزار دهی.

حرف «ص»

۱- صبر آن حضرت علیه السلام

در حدیث لوح، در وصف حضرت قائم -عجل الله فرجه الشریف- آمده: کمال
 موسی، و درخشندگی عیسی، و صبر ایوب، در وجود اوست. و در بحث
 تحمل اذیت آن حضرت علیه السلام مطالبی در این زمینه گذشت و چه خوش گفته‌اند:

فَحُزْنِي مَا يَعْقُوبُ بَثَّ أَقْلَهُ وَكُلُّ بَلَاءِ أَيُّوبَ بَعْضُ بَلِيَّتِي

اندوهی که من دارم کم‌ترین مقدارش را یعقوب نداشت، و همهٔ بلای ایوب قسمتی از
 ابتلای من است.

زیرا که انواع بلا بر آن حضرت جمع شده و طولانی شدن آن موجب شدت
 مصیبت و ابتلا می‌باشد. ساعتی بیندیشید، حقیقت مطلب برایتان روشن
 می‌شود. پس بر شما باد که برای دل پر خون آن حضرت دعا کنید و فرجش را
 از خداوند متعال بخواهید.

حرف «ض»

۱- ضیافت (مهمانی) آن حضرت علیه السلام

در دارالسلام نقل کرده که ابراهیم علیه السلام را ابوالضیفان کنیه داده بودند، او

چنان بود که ناهار و شام جز با مهمان نمی‌خورد، و چه بسا یک فرسنگ یا دو فرسنگ و یا بیشتر راه می‌رفت تا مهمانی بیابد، و ضیافت او تا روز قیامت برپا است و همین شجره مبارکه‌ای که خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾^۱؛ از درخت مبارکی روشنی می‌یابد.

البته این ضیافت و مهمانی، ضیافت به وسیله علوم و سنت‌ها است^۲ که به وجود پیغمبر و امام تا روز قیامت برپا است. در زیارت روز جمعه چنین می‌خوانیم: «وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ»؛ و من، ای آقایم! در این روز مهمان تو و در پناه تو هستم. و در بخش سوم آنچه مناسب این معنی بود گذشت.

حرف «ط»

۱ - طهارت زمین از ستم به وسیله آن حضرت علیه‌السلام

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «خداوند - تبارک و تعالی - چهارده نور را، چهارده هزار سال پیش از خلقت خلق آفرید که آنها ارواح ما هستند».

عرض شد: یابن رسول الله! چهارده نور کیانند؟ فرمود: «محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، و امامان از فرزندان حسین و آخرین آنها قائم است که پس از غیبت پیامی خیزد، آن‌گاه دجال را می‌کشد و زمین را از هرگونه ستم و ظلمی پاک می‌کند».^۳

۲ - طلب حقوق ائمه علیهم‌السلام و طلب خون آنها

امیر المؤمنین علیه‌السلام فرمود: «قسم به خدا که البته من و این دو فرزندم کشته

۱. سوره نور، آیه ۳۵.

۲. شاید هم ضیافت مادی و هم ضیافت معنوی باشد که هرچه به ما می‌رسد به فیض وجود آن

۳. کمال الدین: ۲/۳۳۵.

حضرت است. (مترجم)

می‌شویم و حتماً خداوند مردی از فرزندانم را در آخر الزمان برمی‌انگیزد که خون‌های ما را مطالبه می‌کند».^۱

امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه: ﴿وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ﴾^۲؛ و هر آنکه پس از ظمی که بر او رفته انتقام‌جویی کند. فرمود: «یعنی قائم و اصحاب آن حضرت، زیرا آنهاوند که هیچ راهی علیه ایشان نیست، و هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد، از بنی امیه و تکذیب‌کنندگان و ناصبیان - او و اصحابش - انتقام خواهند گرفت».^۳

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾^۴؛ به کسانی که در معرض جنگ قرار گرفته‌اند، اذن جهاد عطا شده است چون که مورد ستم واقع هستند و خداوند بر یاری‌شان توانا است. فرمود: «این آیه درباره ... قائم علیه السلام است که چون خروج کند برای حسین علیه السلام خونخواهی نماید، و این است [معنی] فرمایش او که: ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم».^۵

حرف «ظ»

۱ - ظفر و پیروزی آن حضرت علیه السلام بر معاندین

امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که از ما امام پیروز مخفی هست که هرگاه خداوند - عزوجل - بخواهد امرش را آشکار سازد».^۶

و درباره آیه: ﴿لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ﴾^۷؛ چرا تا مهلتی نزدیک این امر را به تأخیر نینداختی. فرمود: «تا زمان ظهور قائم که نصرت و پیروزی با اوست».^۸

۲. سوره شوری، آیه ۴۱.

۴. سوره حج، آیه ۳۹.

۶. کافی: ۳۴۳/۱.

۸. المحجّة: ۶۰.

۱. بحار الانوار: ۱۱۲/۲.

۳. تفسیر القمی: ۶۰۴.

۵. تفسیر القمی: ۹۳/۳.

۷. سوره نساء، آیه ۷۷.

۲ - ظلم دشمنان بر آن حضرت علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام هنگامی که ظهور می‌کند، به بیت الله الحرام به پشت تکیه می‌زند و در حالی که پناهنده به آن شده باشد، ندا می‌کند: ... تا آنجا که می‌گوید: و شما را به حق خدا و به حق رسول او و حق من که حق قرابت و خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله است سوگند می‌دهم که ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ستم نمایند از ما دور سازید، زیرا ما ترسانیده شدیم و به ما ستم نمودند و از شهر و فرزندانمان در بدر شدیم و مورد سرکشی قرار گرفته‌ایم»^۱.

و امام حسین علیه السلام فرمود: «قائم این ائمت، نهمین نسل از فرزندان من است، و اوست صاحب غیبت و اوست در حالی که زنده باشد، میراثش تقسیم می‌گردد»^۲.

۳ - ظهور کمالات ائمه علیهم السلام به ظهور آن حضرت علیه السلام

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف حضرت قائم علیه السلام است که فرمود: «نهمین آنان قائمشان می‌باشد و اوست ظاهر آنها و اوست باطن آنها^۳ و معنی آن - والله العالم - این است که: آن حضرت آشکارکننده علوم ظاهر و باطن است که خداوند متعال به پیغمبر و امامان علیهم السلام عطا فرموده و مظهر تمام کمالات و شؤون آنان است».

حرف «ع»

۱ - علم آن حضرت علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «علم به کتاب خدای - عزوجل - و سنت رسول او، در قلب مهدی ما رشد می‌کند، همچنان که گیاه به بهترین وجه می‌روید. پس هرکدام از شما

۲. کمال الدین: ۳۱۷/۱.

۱. بحار الانوار: ۲۳۸/۵۲.

۳. کمال الدین، ۱ / ۲۸۱.

باقی بماند تا او را دیدار نماید، هنگام دیدنش عرضه بدارد: سلام بر شما ای اهل خانه رحمت و نبوت و کانون علم و جایگاه رسالت!». ^۱

۲ - عزت اولیا با ظهور آن حضرت ﷺ

در دعای ندبه می خوانیم: «أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ؛ كَجَاسْتِ عَزِيزِ كُنْدَةَ أَوْلِيَا وَخَوَارِ سَازَنْدَةَ دَشْمَنَانَ».

امام باقر علیه السلام فرمود: «گویی یاران قائم علیهم السلام را می بینم سراسر شرق و غرب عالم را پر کرده باشند، همه چیز حتی حیوانات درنده و پرندگان وحشی از آنان اطاعت خواهند کرد، و در هر چیزی رضایت ایشان را می جویند تا آنجا که سرزمینی بر سرزمین دیگر فخر می فروشد و می گوید: امروز یکی از یاران قائم بر من گذشت». ^۲

۳ - عذاب دشمنان آن حضرت ﷺ

امام صادق علیه السلام درباره آیه: «وَلَيُنْزِلُنَا أَخْرَبْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» ^۳؛ و چنانچه عذاب را از آنان به تأخیر اندازیم تا به دست گروه معدود. فرمود: «عذاب، خروج قائم؛ و امت معدوده، اهل بدر و اصحاب آن حضرت علیه السلام می باشند».

امام باقر علیه السلام در مورد آیه: «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» ^۴؛ سؤال کننده ای از عذاب حتمی الوقوع پرسید. فرمود: «آتشی است که از سوی مغرب برمی آید، ... پس خانه ای برای بنی امیه باقی نمی گذارد مگر اینکه آن را و اهل آن را می سوزاند، و خانه ای که در آن خونی از آل محمد علیهم السلام [ستمگری نسبت به آل محمد] باشد، رها نمی کند مگر اینکه آن را می سوزاند و او مهدی علیه السلام است». ^۵

۱. کمال الدین: ۶۵۳/۲

۲. کمال الدین: ۶۷۳/۲

۳. سوره هود، آیه ۸

۴. سوره معارج، آیه ۱.

۵. تفسیر القمی: ۳۸۵/۲

۴ - عدالت آن حضرت علیه السلام

بارزترین صفات نیکویش «عدالت» است، لذا به «عدل» ملقب گردیده، چنان‌که در دعای افتتاح که از خود آن حضرت روایت شده، آمده است: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِي الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ؛ پروردگارا و درود بفرست بر ولیّ امرت که قیام کننده است و امید مردم و عدل منتظر است».

و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف امام قائم علیه السلام آمده: «أَوَّلُ الْعَدْلِ وَآخِرُهُ...؛ اوّل و آخر عدل است...». و کم‌تر حدیثی درباره آن حضرت آمده که عدلش در آن یادآوری نشده باشد.

۵ - عطف [و پیرو ساختن] هوای نفس بر هدایت

در سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف امام قائم علیه السلام آمده: «هرگاه مردم هدایت را معطوف هوی و هوس نمایند، او هوای نفس را مطیع و تابع هدایت می‌کند».^۱

۶ - عزلت و گوشه‌گیری آن حضرت علیه السلام از مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: «به ناچار صاحب این امر را غیبتی خواهد بود، در هنگام غیبت، ناچار از عزلت و گوشه‌گیری است».^۲

و در قضیه علی بن مهزیار از آن حضرت آمده که فرمود: «پدرم از من پیمان گرفته که جز در سرزمین‌های پنهان و دور منزل نگیرم، تا مخفی بمانم و جایگاهم از نیرنگ‌های اهل ضلالت و سرکشان امت‌های تازه به دوران رسیده مصون باشد».^۳

۲. بحار الانوار: ۱۵۷/۵۲.

۱. بحار الانوار: ۱۳۰/۵۱.

۳. کمال الدین: ۴۴۷/۲.

۷ - عبادت آن حضرت علیه السلام

امام موسی کاظم علیه السلام در وصف آن حضرت فرمود: «بر رنگ گندم گونش، از بیداری شب‌ها زردی نیز عارض می‌شود ... پدرم فدای آنکه شبش را با مراقبت ستارگان و در حال رکوع و سجود می‌گذراند».^۱

مؤلف گوید: معنی فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که در وصفش فرمود: «وَجْهُهُ كَالدِّينَارِ»^۲ چهره‌اش مانند طلا است. یعنی از بیداری شب.

حرف «غ»

۱ - غیبت آن حضرت علیه السلام

این غیبت از دیدگان، به حکم پروردگار واقع شده و پیغمبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام از وقوع این غیبت خبر داده‌اند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از فرزندان من است... او را غیبت و حیرتی است که در آن امت‌ها گمراه می‌شوند».^۳

و امام صادق علیه السلام فرمود: «از برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی خواهد بود...».

سپس فرمود: «هنگامی که قائم ما بپا خیزد برای هیچ کس در گردن او بیعتی نیست، لذا ولادتش مخفی و خودش غایب می‌گردد».^۴

و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام روایت شده که فرمود: «برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر است».^۵

۱. فلاح السائل، ۲۰۰ و بحار الانوار، ۸۶ / ۸۱.

۲. بحار الانوار، ۵۱ / ۷۷.

۳. کمال الدین: ۲۸۶ / ۱.

۴. کمال الدین: ۳۰۳ / ۱.

۵. کمال الدین، ۱ / ۳۲۳.

اخبار ائمه اطهار علیهم‌السلام درباره غیبت آن حضرت علیه‌السلام جداً زیاد است. در اینجا شایسته است چند نکته را ذکر کنیم:

نکته اول: سبب غیبت آن حضرت علیه‌السلام، که دو قسم است:

قسم اول: آن است که برای ما بیان نشده و پس از ظهور برای ما فاش خواهد شد. از عبد الله بن الفضل هاشمی روایت شده که گفت: شنیدم امام صادق علیه‌السلام فرمود: «به تحقیق صاحب این امر را غیبتی طولانی است و گریزی از آن نیست که در زمان غیبت هر فرد باطل جویی به تردید می‌افتد».

عرض کردم: چرا؟ فدایت شوم! فرمود: «به خاطر امری که فاش کردن آن به ما اذن داده نشده است».^۱

قسم دوم: آنکه ائمه معصومین علیهم‌السلام برای ما بیان کرده‌اند که چند وجه است:

۱- ترس از کشته شدن: چنانکه در بحث خوف و ترس آن حضرت گذشت. و این از علل خروج آن حضرت و قیام با شمشیر نیز هست، همان‌طور که در حدیث امیر المؤمنین علی علیه‌السلام آمده که فرمود: «اگر خروج نکند، گردنش را می‌زنند».

۲- هیچ‌کدام از طاغوت‌ها بر گردن آن حضرت بیعتی نداشته باشند: که این وجه در توقیع آن حضرت و در حدیث امام صادق علیه‌السلام ذکر گردیده است.

۳- امتحان و آزمایش بندگان: چنانکه از حضرت رضا علیه‌السلام مروی است که فرمود: «سوگند به خدا! آنچه چشم بدان دوخته‌اید نخواهد شد تا اینکه آزمایش شوید و مؤمن و منافق از هم جدا گردید، و تا اینکه از شما باقی نماند مگر نادرترین پس نادرترین».

۴ - سنن پیغمبران الهی را در آن حضرت جاری گرداند: امام صادق علیه السلام

فرمود: «قائم ما را غیبتی است که مدّت آن به طول می انجامد». عرضه داشتم: چرا یابن رسول الله؟! فرمود: «زیرا خداوند - عزوجل - می خواهد سنت های پیغمبران را در غیبت هایشان بر او نیز جاری سازد».^۱

۵ - ودایع خداوند ضایع نشود: یعنی مؤمنانی که از پشت کافران متولد

می شوند، چنان که امام صادق علیه السلام در جواب شخصی که پرسید: چرا علی علیه السلام با مخالفین خود در ابتدای امر جنگ نکرد؟ فرمود: «به خاطر آیه ای که در کتاب خدای - عزوجل - آمده: ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾^۲؛ چنانچه [کافران از مؤمنان] جدا می شدند، به راستی که کافران از آنان را عذابی دردناک می نمودیم. عرضه داشتم: منظور از (تزئیل = پاک شدن) چیست؟ فرمود: «مؤمنانی که به امانت در اصلاب و پشت های کافران بودند. و همین طور قائم علیه السلام ظهور نمی کند تا اینکه ودایع خداوند - عزوجل - از پشت کافرین بیرون آیند که چون خارج گردند بر دشمنان خداوند - عزوجل - چیره خواهد شد و آنها را می کشد».^۳

۶ - قبایح و زشتی های اعمال ما: چنان که در توفیق حضرت حجّت - عجل الله

فرجه الشریف - به شیخ مفید چنین آمده: «و اگر شیعیان ما - که خداوند در اطاعتش آنان را یاری دهد - در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، مصمم و جدی باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی افتد و سعادت دیدار ما با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیل می گشت، پس تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده می دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد و از آنان انتظار نمی رود».^۴

۲. سوره فتح، آیه ۲۵.

۴. احتجاج: ۳۲۵/۲.

۱. بحار الانوار، ۵۱ / ۱۴۲.

۳. علل الشرایع: ۱۴۷.

نکته دوم: برای غیبت کبری وقت و انتهای معینی نیست، بلکه فرمان و حکم ظهور آن حضرت -عجل الله فرجه الشریف- به دست خداوند است. اخبار زیادی بر این معنی دلالت دارد.

فضیل گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا برای این امر وقتی هست؟ فرمود: «كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ^۱؛ کسانی که وقت آن را تعیین می‌کنند دروغ گفتند، دروغ گفتند، دروغ گفتند».

نکته سوم: اینکه غیبت آن حضرت علیه السلام با لطف الهی که موجب آشکار کردن امام است، منافات ندارد. البته نسبت به مجرمین به خاطر اینکه خودشان سبب مخفی شدنش هستند. و اما نسبت به صالحان برای دو وجه: ۱- اینکه خداوند متعال آن قدر عقل و فهم به آنان عطا فرموده که غیبت برای ایشان مانند مشاهده و دیدار است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «والبته خداوند می‌داند که اولیایش به تردید نمی‌افتند و اگر می‌دانست که به تردید می‌افتند حجت خود را از آنان یک چشم برهم زدنی مخفی نمی‌داشت».^۲

۲- اینکه دیدار آن حضرت علیه السلام برای بعضی از صالحان ممنوع نیست، چنان‌که فرمایش خود آن حضرت در توقیعی که در وجه ششم از علل غیبت آوردیم، این معنی را می‌رساند. اضافه بر این، مسلم است که جمعی از گذشتگان صالح ما به فیض دیدار آن حضرت علیه السلام نایل شده‌اند، که بیان آن قضایا از محدوده بحث ما خارج است. و طالب آن می‌تواند به کتاب‌های «نجم الثاقب» و «جنة المأوی» مراجعه کند.

۲ - غربت آن حضرت ﷺ

بدان که غربت دو معنی دارد:

یکی، دوری از خاندان و وطن و شهر و دیار و دیگری، کمی یاران و اعوان. و آن حضرت - روحی فدا - به هر دو معنی غریب است. پس ای بندگان خدا! یاری اش نمایید، و او را کمک کنید.

مطالبی که در عزلت آن حضرت ﷺ آوردیم بر معنی نخستین غربت نیز دلالت می‌کند و آنچه امام جواد ﷺ فرمود: «هرگاه سیصد و سیزده نفر از اهل اخلاص برایش جمع شدند، خداوند امر او را ظاهر می‌سازد»^۱ بر معنی دوم غربت دلالت می‌کند. پس ای انسان خردمند! کمی تأمل کن و ببین که چگونه سال‌ها و قرن‌ها گذشته و این تعداد برای آن حضرت میسر و جمع نشده است که این قوی‌ترین شاهد بر غربت اوست.

و فرمایش امیرالمؤمنین علی ﷺ بر هر دو معنی غربت دلالت می‌کند که فرمود: «صاحب این امر همان رانده شده فراری یگانه و تنهاست»^۲.

۳ - غلبه و پیروزی مسلمین با ظهور آن حضرت ﷺ

امام باقر ﷺ راجع به آیه: ﴿وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾^۳ و تمام دین برای خداوند باشد. فرمود: «هنوز تاویل این آیه نرسیده است، و هرگاه قائم ما بپاخیزد، آنکه زمان او را دریابد آنچه از پی تاویل این آیه خواهد بود درک می‌کند و دین محمد ﷺ تا هر کجا که شب سایه افکند خواهد رسید، تا جایی که هیچ‌گونه شرکی بر روی زمین نخواهد ماند، همچنان که خداوند فرموده است».

۲. کمال الدین: ۳۰۳/۱.

۱. کمال الدین: ۳۷۷/۲.

۳. سوره انفال، آیه ۳۹.

۴ - غنا و بی‌نیازی مؤمنین به برکت ظهور آن حضرت علیه السلام

از امام صادق علیه السلام در حدیثی آمده: «... و یک مرد از شما در جستجوی کسی خواهد شد که از مال خودش به او احسان کند و از زکات مالش به او بدهد، احدی را نخواهد یافت که از او بپذیرد. مردم به آنچه خداوند از راه تفضل به آنان روزی فرموده بی‌نیاز می‌شوند...».

حرف «ف»

۱ - فصل و جداسازی آن حضرت علیه السلام بین حق و باطل

امام صادق علیه السلام فرمود: «روزها و شب‌ها به پایان نمی‌رسد تا اینکه منادی از جانب آسمان ندا می‌کند: ای اهل حق! جدا شوید. ای اهل باطل! جدا شوید. پس هر کدام از دیگری جدا می‌شوند.».

راوی می‌گوید: عرض کردم: أصلحك الله! آیا پس از این ندا باز هم اینها به هم مخلوط خواهند شد؟ فرمود: «خیر، خداوند در کتاب خود می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾^۱؛ چنین نیست که خداوند مؤمنان را بر این حال که هستید واگذارد تا پلید را از پاکیزه جدا سازد.^۲

۲ - فرج مؤمنین به دست آن حضرت علیه السلام

در توفیق شریف آمده که: «وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۳؛ و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج، زیرا که آن فرج شماست.».

و در زیارت روز جمعه می‌خوانیم: «وَهَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ

۲. بحار الانوار: ۲۲۲/۵۲؛

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۹.

۳. احتجاج: ۲۸۴/۲.

ظُهُورُكَ وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ؛ و امروز روز جمعه است که آن روز توست، و ظهور تو و فرج مؤمنان بر دست تو و کشته شدن کافران به شمشیر تو در این روز انتظار می‌رود».

ابراهیم کرخی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «... ای ابراهیم او (حضرت ولی عصر - عجل الله فرجه الشریف) پس از سختی بسیار و آزمایش‌های طولانی و هراس و ترس، غم‌ها را از شیعیانش برطرف می‌سازد. پس خوشا به حال آنکه آن زمان را درک نماید».^۱

۳ - فتح شهرها و کشورهای کافرین

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «امامان بعد از من دوازده نفرند، اولشان تو هستی یا علی و آخریشان قائم است که خداوند - عزوجل - به دست او شرق و غرب زمین را فتح می‌کند».^۲

و نیز فرمود: «مهدی از فرزندان من است در چهرهٔ چهل سالگی، گویی صورتش ستارهٔ درخشان است، در گونهٔ راستش خال سیاهی است ... گنجینه‌ها را بیرون می‌آورد و کشورهای شرک را می‌گشاید».^۳

حرف «ق»

۱ - قتل کافرین به شمشیر آن حضرت علیه السلام

روایات بسیار زیادی در این باره آمده، که به برخی اشاره می‌شود. امام صادق علیه السلام به معاویه دهنی دربارهٔ آیه **﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالتَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ﴾**^۴؛ مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند که از موهای پیشانی و

۱. کمال الدین: ۳۳۴/۱

۲. کمال الدین: ۲۸۲/۱

۳. غایة المرام: ۶۹۳

۴. سوره الرحمن، آیه ۴۱

پاهای آنان گرفته می‌شوند [و به دوزخ افکنده شوند]. فرمود: ای معاویه! در این باره چه می‌گویند؟ گفتم: می‌پندارند خداوند در قیامت مجرمین را به چهره‌هایشان می‌شناسد، پس امر می‌کند از پیشانی و پاهایشان آنان را می‌گیرند و به آتش می‌افکنند. فرمود: چگونه خداوند به شناختن خلایقی که آنها را آفریده، نیاز دارد؟ گفتم: فدایت شوم پس [معنی] این [آیه] چیست؟ فرمود: «هرگاه قائم ما بپاخیزد، خداوند شناخت چهره‌ها را به آن حضرت عطا فرماید. آن‌گاه امر می‌کند کافران را با پیشانی‌هایشان و قدم‌هایشان بگیرند. سپس از دم شمشیر می‌گذرانند».^۱

و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾^۲؛ و هر آن کس که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه فرمانبردار اویند. فرمود: «در باره قائم علیه السلام نازل شده، هنگامی که علیه یهود و نصاری و صابئین و زنادقه و اهل ارتداد و کفر که در شرق و غرب زمین هستند قیام می‌کند، و اسلام را به آنها پیشنهاد می‌نماید. هر کس با طوع و رغبت مسلمان شود، او را دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکات بپردازد و آنچه بر هر مسلمان واجب است، انجام دهد و هر کس مسلمان نشد گردنش را می‌زنند تا اینکه در مشارق و مغارب زمین یک نفر غیر موحد باقی نماند».^۳

و امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند -عزوجل-: ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾^۴؛ و به آنان از عذاب نزدیک‌تر پیش از عذاب بزرگ می‌چشانیم. فرمود: «عذاب ادنی (= نزدیک‌تر) عذاب سقر است، و عذاب اکبر قیام مهدی علیه السلام با شمشیر است».^۵

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۳

۴. سوره سجده، آیه ۲۱.

۱. بحار الانوار: ۳۲۰/۵۲.

۳. تفسیر العیاشی: ۱۸۳/۱.

۵. تفسیر البرهان: ۲۸۸/۳.

۲ - قتل شیطان رجیم

اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اینکه خداوند به شیطان تا وقت معلوم مهلت داد و در کتاب خود فرموده: ﴿فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۱؛ البته تو از مهلت یافتگانی تا روز هنگام معین. چه وقت است؟ فرمود: «وقت معلوم روز قیام قائم آل محمد علیهم السلام است، هرگاه خداوند او را برانگیزد در مسجد کوفه باشد که ابلیس با خواری و زبونی می آید و می گوید: ای وای از این روزگار! آن گاه از پیشانی اش گرفته و گردنش زده می شود. آن هنگام روز وقت معلوم است که مهلت او به پایان می رسد».^۲

۳ - قوت یافتن ابدان و دل های مؤمنین هنگام ظهور

حضرت سید الساجدین علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما -عجل الله فرجه الشریف- بپاخیزد، خداوند -عز و جل- از شیعیان ما آفات را دور می سازد و دل هایشان را مانند قطعه ای از آهن قرار می دهد و نیروی هر یک از مردانشان را به مقدار چهل مرد می گرداند و آنها حکام و سران زمین خواهند بود».^۳

و امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه امر ما واقع شود و مهدی ما بیاید، هر مردی از شیعیان ما از شیر قوی تر و از نیزه برنده تر خواهد بود. دشمنان ما را با پاهای خود لگد می کند و آنها را با دست خود می زند. در این هنگام است نزول رحمت و فرج خداوند بر بندگان».^۴

۴ - قضای حوائج مؤمنین

مطالبی که بر این معنی دلالت داشت، گذشت. در اینجا به بیان واقعه ای که

۱. سوره حجر، آیه ۳۷؛

۲. بحار الانوار: ۳۷۶/۵۲.

۳. بحار الانوار: ۳۱۶/۵۲.

۴. بصائر الدرجات: ۲۴.

برای مؤلف کتاب واقع شده اکتفا می‌کنم: «سه سال پیش از تألیف کتاب، قرض‌های زیادی بر عهده‌ام جمع شد، پس در یکی از شب‌های ماه رمضان به آن حضرت و پدرانش علیهم‌السلام متوسل شدم و حاجتم را ذکر کردم، بعد از طلوع آفتاب که از مسجد مراجعت نمودم و خوابیدم، آن حضرت در خواب به من فرمود: قدری باید صبر کنی تا از مال دوستان خاص خود بگیریم و به تو برسانیم. خوشحال و مسرور از خواب بیدار شدم و شکر خدای را به جای آوردم و چون مدت کوتاهی گذشت، یکی از برادران که او را به صلاح و خوبی می‌شناختم و از وی نسیم دل‌انگیز می‌شنیدم به نزد من آمد و مبلغی داد و گفت: این از سهم امام علیه‌السلام است. پس خیلی مسرور گشتم و با خود گفتم: ﴿هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا﴾^۱؛ این تعبیر خواب پیشین من است که خداوند آن را به حقیقت رسانید.

ای برادران دینی! شما را سفارش می‌کنم که: حوائج خودتان را بر آن حضرت عرضه کنید، هرچند که هیچ امری بروی پوشیده نیست. چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «امام در شکم مادر می‌شنود و چون متولد شود بین دو شانهاش نوشته شده: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۲؛ و سخن [وعده] پروردگارت به درستی و عدل به انجام رسیده است، کلمات او را دگرگون کننده‌ای نیست و او شنوای داناست. و هنگامی که امر [امامت] به او واگذار می‌شود خداوند عمودی از نور برای او قرار می‌دهد که به وسیله آن، آنچه اهل هر شهر انجام می‌دهند، ببیند»^۳.

۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۰.

۲. سوره انعام، آیه ۱۱۵.

۳. کافی: ۲۸۷/۱.

۵ - قرابت و خویشاوندی آن حضرت با پیغمبر ﷺ

دعا از اقسام مودت است و خداوند متعال فرموده: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۱؛ بگو: برای رسالت از شما مزدی نمی‌طلبم مگر دوست‌داری در حق نزدیکان [اهل بیت].

و پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من چهار نفر [و گروه] را روز قیامت شفاعت می‌کنم، هر چند که به گناهان اهل زمین به نزد من بیایند: کمک‌کننده به اهل بیت من و برآورنده حوائج آنها هنگامی که به آن ناچار باشند، و دوست دارنده آنها به دست و زبانش، و کسی که با دستش رنجی را از آنان دفع کرده باشد».^۲

۶ - قسط (= دادگری) آن حضرت ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بشارت می‌دهم شما را به مهدی که ... زمین را پر می‌کند از قسط و عدل، چنان‌که از جور و ظلم پر شده باشد. بنابراین ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند».

۷ - قتل دجال - که رئیس گمراهان است - به دست آن حضرت ﷺ

امام صادق ﷺ فرمود: «خداوند - تبارک و تعالی - چهارده نور را چهارده هزار سال پیش از آفرینش خلق آفرید که آنها ارواح ما بودند: محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامانی از ذریه حسین که آخرین آنها قائم - ﷺ - است که پس از غیبتی بپاخیزد و دجال را بکشد و زمین را از هرگونه جور و ظلمی پاک گرداند».^۳

در اینجا چند فایده را شایسته است تذکر دهیم:

۲. الخصال: ۱/۱۹۶.

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. کمال الدین: ۲/۳۳۵.

۱ - دَجَّالٌ - علیه اللعنه - ساحر خواهد بود، و دلیل بر آن، فرمایش آن حضرت است که: [مردم خیال می‌کنند نان است]، و اینکه می‌فرماید: زمین زیر پایش تَوَرْدیده می‌شود، به خاطر عظمت الاغ (مرکب) اوست! و این کنایه از سرعت سیر است.

۲ - از اینکه در حدیث دَجَّال آمده: چشم راستش مسخ شده...، وجه نامیده شدنش به مسیخ معلوم می‌شود.

۳ - در بعضی از اخبار آمده که از اصفهان خروج می‌کند و در اخبار بسیاری آمده که او از سیستان خروج می‌نماید. و می‌شود این اخبار را به این صورت جمع کرد که مکرر خروج خواهد داشت، چنان‌که احوال مختلفی دارد.^۱

۴ - از رسول اکرم ﷺ روایت شده که فرمود: «هرکس ده آیه از سوره کُهِف را از حفظ بخواند، فتنه دَجَّال به او ضرری نخواهد رساند و هرکس تمام سوره را بخواند، داخل بهشت می‌شود».^۲

حرف «ک»

۱ - کشف علوم برای مؤمنین

این کشف و پرده‌برداری بی‌سابقه از علوم معارف جز در زمان ظهور نخواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «علم بیست و هفت حرف است، تمام آنچه پیغمبران آورده‌اند دو حرف است که مردم تا به امروز جز دو حرف ندانسته‌اند و چون قائم ما بپاخیزد، بیست و پنج حرف دیگر را برآورد؛ و به ضمیمه آن دو حرف دیگر در میان افراد بشر آشکار و پراکنده سازد».^۳

۲. مجمع البیان: ۴۴۷/۶.

۱. الانوار النعمانیه: ۱۱۰/۲.

۳. بحار الانوار: ۳۳۶/۵۲.

و امام باقر علیه السلام فرمود: «... در زمان او به شما حکمت عطا می شود، به حدی که زن در خانه خودش نشسته و از روی کتاب خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله حکم می نماید».

۲- کشف و برطرف کردن ناراحتی ها از مؤمنین

امام عصر - ارواحنا له الفداء - با دعا کردن برای مؤمنین به طور عموم از آنها بدی ها و ناراحتی ها را دور می سازد.

۳- کمالات آن حضرت علیه السلام

اگر بشنوی مردی که کمال یا کمالاتی دارد، به ناراحتی یا ناراحتی هایی دچار شده، عقل تو را وامی دارد که به یاری اش برخیزی و برای خلاصی او اقدام کنی. و اگر نتوانی این کار را انجام دهی، مبادرت به دعا می نمایی که برای او فرج و خلاصی حاصل آید، حال بدان که مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام تمام مرزهای کمال را احاطه کرده و به برترین مراتب جمال و جلال دست یافته است، با این همه او مبتلا به اهل ضلالت و گمراهی است و دور مانده از اهل و عیال و خانه و وطن، و عظمت مصیبت آن حضرت علیه السلام به مقدار عظمت خود اوست. و اما کمالاتش، زبان از بیان آن الکن و اندیشه ها از پرواز به قله های رفیع آن ناتوان می باشد. آن حضرت مجموعه ای از کمالات پیامبران و امامان و مظهر آنان است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ معجزه ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست مگر اینکه خداوند - تبارک و تعالی - مثل آن را به دست قائم علیه السلام ظاهر می گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند».^۱

و چه خوش گفته‌اند: «آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری».

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «و در آن هنگام آقای ما قائم علیه السلام پشت خود را به خانه خدا تکیه زده، می‌گوید: ای مردم! هر کس می‌خواهد آدم و شیث را ببیند، بداند که من آدم و شیث هستم، و هر کس می‌خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، بداند که من همان نوح و سامم. و هر کس مایل است ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل می‌باشم. و هر کس می‌خواهد موسی و یوشع را ببیند، من همان موسی و یوشع هستم. و هر کس می‌خواهد عیسی و شمعون را ببیند، من همان عیسی و شمعون هستم. و هر کس می‌خواهد محمد و امیر المؤمنین علی را ببیند، بداند که من همان محمد و علی هستم. و هر کس می‌خواهد حسن و حسین را ببیند، بداند که من همان حسن و حسین هستم. و هر کس می‌خواهد امامان از ذریه حسین را ببیند، بداند که من همان ائمه اطهار هستم [صلوات الله علیهم أجمعین]. دعوتم را بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه گفته‌اند و هر چه نگفته‌اند را به شما خبر می‌دهم».^۱

این حدیث دلالت دارد بر اینکه تمام صفات انبیای عظام و مکارم ائمه اطهار علیهم السلام در وجود امام زمان ما - ارواحنا له الفداء - جمع است و از آن حضرت آشکار می‌گردد. بنابراین خوب است این مطلب را در سه فصل بیان نماییم:

فصل اول: شباهت آن حضرت علیه السلام به پیغمبران علیهم السلام

شباهت به آدم علیه السلام

شباهت اول: خداوند آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت و فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۲؛ همانا من در زمین

۲. سوره بقره، آیه ۳۰.

۱. بحار الانوار: ۹/۵۳.

جانشینی قرار می‌دهم. و خداوند حضرت حجّت علیه السلام را نیز وارث زمین و خلیفه خود در زمین قرار خواهد داد، چنان‌که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾^۱؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده که آنان را در زمین خلافت بخشد. فرمود: «او قائم و اصحابش می‌باشند».

شباهت دوم: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آدم علیه السلام آن قدر بر فراق بهشت گریست تا اینکه اشک از دو گونه‌اش مانند آبراه جاری شد».^۲

حضرت قائم علیه السلام نیز - مانند آدم - گریه بسیار دارد، چنان‌که در زیارت ناحیه از آن حضرت است که - خطاب به جدش حسین علیه السلام - می‌گوید: «شب و روز برایت ندبه می‌کنم و به جای اشک بر تو خون می‌گیریم».

شباهت سوم: خداوند تمام اسم‌ها را به آدم تعلیم فرمود.^۳ و اما قائم - عجل الله فرجه الشریف - خداوند آنچه به آدم آموخت به او نیز آموخته و اضافه بر آن هم مطالب دیگری آموخته است، چه اینکه آدم علیه السلام بیست و پنج حرف از اسم اعظم را آموخته بود - چنان‌که در حدیث آمده - و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هفتاد و دو حرف از آن را آموخت، و تمام اموری که خداوند متعال به پیامبرش داده، به اوصیای آن حضرت نیز داده شده است.

شباهت چهارم: آدم علیه السلام زمین را پس از آنکه جنیان با کفر و طغیان‌شان میرانده بودند با عبادت خدا زنده کرد. قائم علیه السلام نیز زمین را با دین خدا و عبادت و عدالت و برپایی حدودش زنده خواهد کرد، بعد از مردن آن به کفر و

۲. بحار الانوار: ۱۱/۲۰۴.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۳. سوره بقره، آیه ۳۱.

معصیت اهل زمین. چنان‌که امام باقر علیه السلام درباره آیه: ﴿يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾^۱؛ زمین را پس از مرگ آن زنده می‌سازد. فرمود: «خداوند - عزوجل - به وسیله قائم علیه السلام زمین را بعد از مرگش زنده گرداند و منظور از مرگ آن، کفر اهل آن می‌باشد که کافر در حقیقت مرده است».^۲ با این همه تا چند، آدم و قائم را با هم مقایسه کنم، در حالی که آدم به خاطر قائم خلق شد.

شباهت به نوح علیه السلام

شباهت اول: نوح، شیخ الأنبياء است. از امام صادق و امام هادی علیهما السلام روایت است که حضرت نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال عمر کرد. و حضرت قائم علیه السلام شیخ الأوصیاء است؛ در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد^۳ و تاکنون زنده است.

و امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «در قائم علیه السلام، روشی از آدم و نوح است و آن طول عمر می‌باشد».^۴

شباهت دوم: نوح علیه السلام زمین را با سخن خود از کافرین پاک کرد و گفت: پروردگارا! بر روی زمین احدی از کافران برجای مگذار.^۵ قائم - عجل الله فرجه الشریف - نیز زمین را با شمشیر از لوث وجود کافرین پاک می‌گرداند تا جایی که هیچ اثری از آنها باقی نماند.

شباهت سوم: نوح علیه السلام ۹۵۰ سال صبر کرد، قائم - عجل الله فرجه الشریف - نیز از اول امامتش تاکنون صبر کرده و نمی‌داند تا کی صبر خواهد کرد.

۲. بحار الانوار: ۵۴/۵۱.

۴. کمال الدین: ۳۲۲/۱.

۱. سوره روم، آیه ۱۹.

۳. اصول کافی: ۵۱۴/۱.

۵. سوره نوح، آیه ۲۶.

شبهت چهارم: هر که از نوح علیه السلام تخلف جست، هلاک شد. هر که از قائم عجل الله فرجه الشریف - تخلف جوید، نیز هلاک می شود.

شبهت پنجم: خداوند آن قدر فرج نوح علیه السلام و اصحابش را به تأخیر انداخت تا اینکه بیشتر معتقدین به آن حضرت از او برگشتند. فرج قائم عجل الله فرجه الشریف - را نیز خداوند آن قدر به تأخیر می اندازد که بیشتر معتقدین به آن حضرت از او بر می گردند.^۱

شبهت ششم: ادریس علیه السلام به ظهور نوح علیه السلام بشارت داد، و خداوند تعالی به ظهور قائم علیه السلام فرشتگان را بشارت داد و پیغمبر و امامان علیهم السلام بلکه پیغمبران گذشته ظهورش را بشارت دادند.

شبهت هفتم: ندهای نوح علیه السلام به شرق و غرب عالم می رسید و این یکی از معجزات آن حضرت علیه السلام بود - چنانکه در کتاب زیدة التصانیف آمده - . قائم علیه السلام نیز هنگام ظهور، بین رکن و مقام می ایستد و فریادی بر می آورد و صدای آن حضرت به انصارش می رسد در حالی که در محرابها و بر فرشها و رختخوابهایشان باشند.^۲

شبهت به ادریس علیه السلام

شبهت اول: خداوند ادریس علیه السلام را بر بال فرشتهای نشانید که در فضای آسمان او را به پرواز درآورد، چنانکه علی بن ابراهیم قمی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «خداوند - تبارک و تعالی - بر فرشتهای از فرشتگان غضب کرد و بالهایش را بُرید، و او را در یکی از جزیرههای دریا افکند؛ پس زمانی طولانی در آن دریا ماند. چون خداوند ادریس علیه السلام را به رسالت برانگیخت، آن فرشته نزد وی

۱. چکمال الدین: ۳۸۵/۲.

۲. بحار الانوار: ۷/۵۳.

آمد و گفت: ای پیغمبر خدا! دعا کن خداوند از من راضی شود و بال‌هایم را برگرداند. ادریس فرمود: آری، [چنین خواهم کرد]. آن‌گاه از پروردگار درخواست نمود، و خداوند بال‌های آن فرشته را بازگرداند و از او راضی شد، سپس آن فرشته به ادریس گفت: آیا حاجتی داری؟ فرمود: آری. دوست دارم مرا به آسمان بالا ببری تا به ملک الموت نگاه کنم، چون با یاد او زندگی ندارم. پس فرشته او را برگرفت و بر بال‌های خود به آسمان‌ها برد تا به آسمان چهارم رسید که ناگهان دید ملک الموت سر خود را از روی تعجب حرکت می‌دهد. ادریس بر ملک الموت سلام کرد و به او گفت: چرا سرت را تکان می‌دهی؟ گفت: چون خداوند به من امر فرمود که تو را بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح کنم. گفتم: پروردگارا! چگونه این کار را انجام دهم و حال آنکه غلظت آسمان چهارم به مقدار پانصد سال راه است و از آسمان چهارم تا آسمان سوم مقدار پانصد سال راه است و هر آسمان از مابین آن به همین ترتیب است، این چگونه شدنی است؟ سپس او را بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح نمود. و همین است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾^۱؛ و ما او را به جایگاه بلندی رسانیدیم.»

قائم علیه‌السلام را هم روح القدس بر بال خود گرفت و به آسمان‌ها برد. در حدیثی آمده است: «... پس امام حسن عسکری علیه‌السلام فرزندش را گرفت، در حالی که کبوترها بالای سرش پرواز می‌کردند، آن‌گاه امام به یکی از کبوترها بانگ زد: او را بردار و حفظ کن و هر چهل روز به ما برگردان. آن کبوتر او را برگرفت و به سوی آسمان پرواز کرد؛ بقیه کبوترها نیز پیروی کردند...». حکیمه گوید: عرض کردم: این پرنده چیست؟ فرمود: این روح القدس است.^۲

شبهت دوم: هنگامی که خواستند ادریس علیه السلام را بکشند، از قومش غایب شد، قائم علیه السلام نیز هنگامی که دشمنان می خواستند او را بکشند، غایب شد.

شبهت سوم: غیبت ادریس علیه السلام به طول انجامید به حدی که شیعیان و پیروان او در سختی و شدت و فشار واقع شدند. قائم علیه السلام نیز غیبتش طولانی است تا جایی که شیعیانش به مُنتهای سختی و فشار و مشقت واقع شوند.

شبهت به هود علیه السلام

شبهت اول: نوح علیه السلام ظهورش را بشارت داد.^۱ قائم علیه السلام، پدران بزرگوارش نیز ظهورش را با تمام خصوصیات مژده داده‌اند.

شبهت دوم: خداوند -عزوجل- کافرین را هنگام ظهور هود با باد هلاک کرد.^۲ قائم علیه السلام نیز چنان است که خداوند متعال به وجود او جمعی از کافرین را به وسیله باد سیاهی نابود می‌کند.

شبهت به ابراهیم علیه السلام

شبهت اول: ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود. قائم علیه السلام نیز حمل و ولادتش مخفی بود.

شبهت دوم: ابراهیم علیه السلام در یک روز به قدری رشد می‌کرد که دیگران در یک هفته رشد می‌کنند، و در یک هفته آن قدر رشد داشت که دیگران در یک ماه رشد می‌نمایند، و در یک ماه به مقداری که دیگران در یک سال رشد دارند.^۳ قائم علیه السلام نیز چنین بود.^۴

۲. سوره ذاریات، آیه ۴۱ و ۴۲.

۱. کمال الدین: ۱/۱۴۵.

۴. بحار الانوار: ۲۷/۵۱.

۳. بحار الانوار: ۱۲/۱۹.

شبهت سوم: ابراهیم علیه السلام از مردم عزلت گزید. ^۱ قائم علیه السلام نیز از مردم اعتزال جسته است.

شبهت چهارم: ابراهیم علیه السلام دو غیبت داشته، قائم علیه السلام نیز دو غیبت دارد.

شبهت پنجم: ابراهیم علیه السلام هنگامی که در آتش افکنده شد، جبرئیل برایش جامه‌ای از بهشت آورد. قائم -عجل الله فرجه الشریف- نیز همان جامه را هنگامی که قیام کند، خواهد پوشید. ^۲

شبهت ششم: ابراهیم علیه السلام خانه کعبه را بنا کرد و حجر الأسود را در جایش نصب فرمود. ^۳ قائم علیه السلام نیز مانند آن را دارد. ^۴

شبهت هفتم: ابراهیم علیه السلام را خداوند از آتش نجات داد. ^۵ قائم علیه السلام نیز به همین ترتیب خواهد شد، چنان‌که از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «وقتی قائم علیه السلام خروج می‌کند، شخصی نزد آن حضرت می‌آید، و معجزه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را تقاضا می‌کند. پس آن حضرت دستور می‌دهد آتش عظیمی برافروزند ... سپس داخل آتش می‌شود و آن‌گاه به سلامت از آن بیرون می‌آید».

شبهت به اسماعیل علیه السلام

شبهت اول: اسماعیل علیه السلام چشمه زمزم از زمین برایش جوشید. قائم علیه السلام نیز آب از سنگ سخت برایش خواهد جوشید - چنان‌که در بحث شبهت آن حضرت به موسی علیه السلام خواهد آمد - و چندین بار نیز آب از زمین برای آن بزرگوار جوشیده است. ^۶

۲. کمال الدین: ۱/۱۴۲.

۴. البرهان: ۱/۱۵۳.

۶. سوره انبیاء، آیه ۶۹

۱. سوره مریم، آیه ۴۸.

۳. سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۵. بحار الانوار: ۵۲/۶۳۸.

۷. بحار الانوار: ۵۲/۵۵.

شبهات دوم: اسماعیل علیه السلام گوسفند چرانی می‌کرد. قائم علیه السلام نیز این برنامه را خواهد داشت.^۱

شبهات به لوط علیه السلام

شبهات اول: فرشتگان برای یاری اش نازل شدند.^۲ قائم علیه السلام نیز، فرشتگان برای یاری اش فرود خواهند آمد.^۳

شبهات دوم: لوط علیه السلام از بلاد فاسقین بیرون رفت، قائم علیه السلام نیز، از بلاد فاسقین بیرون رفته است.

شبهات به یعقوب علیه السلام

یعقوب علیه السلام برای یوسف آن قدر گریست تا اینکه چشمانش از اندوه سفید شد در حالی که خشم خود را فرو می‌برد.^۴ قائم علیه السلام نیز برای جدش حسین علیه السلام گریسته [و می‌گرید] و در زیارت ناحیه فرموده است: «وَلَا بُكَيْنًا عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا»^۵؛ به جای اشک بر تو خون می‌گیریم.

شبهات به یوسف علیه السلام

شبهات اول: یوسف علیه السلام زیباترین اهل زمان خود بود. قائم علیه السلام نیز زیباترین اهل زمان خود می‌باشد.

شبهات دوم: یوسف علیه السلام مدتی طولانی غایب شد تا اینکه برادران بر او داخل شدند پس آنان را شناخت در حالی که آنها او را نشناختند.^۶ قائم علیه السلام نیز

۱. بحار الانوار: ۵۳/۶

۲. سوره هود، آیه ۸۱

۳. کمال الدین: ۴۳۱/۲

۴. سوره یوسف، آیه ۸۴

۵. بحار الانوار: ۳۲۰/۱۰۱

۶. کمال الدین: ۳۲۹/۱

از خلق غایب شده، در عین حالی که در میان آنها راه می‌رود و آنان را می‌شناسد، ولی آنها او را نمی‌شناسند.

شبهت سوم: خداوند امر یوسف را یک شبه اصلاح فرمود، که پادشاه مصر آن خواب را دید. قائم علیه السلام نیز امرش را خداوند متعال در یک شب اصلاح می‌فرماید.^۱

شبهت چهارم: یوسف علیه السلام دچار زندان شد. و در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده که فرمود: «در صاحب این امر سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد - صلوات الله علیهم أجمعین - هست - تا آنجا که فرمود: ... و اما سنت از یوسف، زندان و غیبت است».^۲

ای دوست خاندان عصمت! در این روایت دقت کن و در عظمت مصیبت و محنت مولایت اندیشه کن که دنیا با همه فراخی و زمین با همه پهناوری‌اش برای او زندان شده، به طوری که از ستم معاندین و مخالفتشان ایمن نیست. از درگاه خداوند متعال می‌خواهیم که فرجش را تعجیل و خروجش را سهل و آسان گرداند.

شبهت به خضر علیه السلام

شبهت اول: خداوند عمر ایشان را طولانی نموده. قائم علیه السلام نیز، خداوند عمرش را طولانی قرار داده، بلکه از بعضی روایات استفاده می‌شود که حکمت اینکه عمر حضرت خضر علیه السلام طولانی شده این است که دلیل بر طول عمر قائم علیه السلام باشد.^۳

۲. کمال الدین: ۱/۳۲۹.

۱. بحار الانوار: ۲۸۰/۵۲.

۳. کمال الدین: ۲/۳۵۷ و ۳۹۰.

شبهات دوم: خداوند متعال به او قدرت و نیرویی عنایت فرموده که به هر شکل که بخواهد، در می آید. چنانکه از امام صادق علیه السلام روایت شده^۱، خداوند به قائم علیه السلام نیز همین قدرت را عنایت فرموده، روایات و حکایاتی که بر این معنی دلالت می کند، بسیار است.

شبهات سوم: خضر علیه السلام مأمور به علم باطن بود، چنانکه به موسی علیه السلام گفت: ﴿إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا﴾^۲؛ قائم علیه السلام نیز مأمور به علم باطن است، چنانکه در علم و حکم آن حضرت گذشت.

شبهات چهارم: خضر علیه السلام هر سال در مراسم حج شرکت می کند و تمام مناسک را انجام می دهد. قائم علیه السلام نیز، هر سال در مراسم حج شرکت می کند.

شبهات به الیاس علیه السلام

شبهات اول: خداوند عمر آن حضرت را همچون خضر علیه السلام طولانی کرد.

شبهات دوم: هر سال به حج می رود.

شبهات سوم: هفت سال غایب شد.

شبهات چهارم: الیاس علیه السلام به اذن خدای تعالی برایش از آسمان مائده

آمده.^۳ قائم علیه السلام نیز برایش مائده از آسمان نازل شد.^۴

شبهات پنجم: خداوند متعال به دعایش حضرت یونس علیه السلام را در حالی که

کودک بود، بعد از چهارده روز از فوتش زنده کرد - چنانکه در حدیث آمده -.

قائم علیه السلام نیز، خداوند متعال به برکتش و به دعایش مردگان بسیاری را پس از

گذشت سالها از مرگشان زنده خواهد کرد، از جمله اصحاب کهف، و بیست

۱. تفسیر القمی: ۴۰۴.

۲. سوره کهف، آیه ۶۷ و ۶۸.

۳. البرهان: ۳۳/۴.

۴. بحار الانوار: ۶۸/۵۲.

و پنج نفر از قوم موسی، و یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام، و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانة انصاری و مالک اشتر، که در بحار و غیر آن از امام صادق علیه السلام روایت شده است.^۱

شباهت به شعیب علیه السلام

شعیب علیه السلام قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد تا اینکه عمرش طولانی و استخوان‌هایش کوفته شد، سپس از نظرشان غایب گشت و دوباره به صورت جوانی به آنها بازگشت.^۲ قائم علیه السلام نیز با وجود طول عمر به صورت جوانی ظاهر می‌شود که کمتر از چهل سال دارد.^۳

شباهت به موسی علیه السلام

شباهت اول: موسی علیه السلام دوران حملش مخفی بود، قائم علیه السلام نیز همین‌طور.
شباهت دوم: موسی علیه السلام ولادتش مخفیانه بود، قائم علیه السلام نیز همین‌طور.
شباهت سوم: موسی علیه السلام از قومش دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی‌تر بود، غیبت اول از مصر بود و غیبت دوم هنگامی که به سوی میقات پروردگارش رفت.

شباهت چهارم: خداوند تعالی با او سخن گفت، قائم علیه السلام نیز همین‌طور.^۴

شباهت پنجم: موسی علیه السلام از قوم خود از ترس دشمنانش غایب شد.^۵
 قائم علیه السلام نیز همین‌طور.

۲. بحار الانوار: ۳۸۵/۱۲.

۴. بحار الانوار: ۲۷/۵۱.

۱. بحار الانوار: ۹۰/۵۳.

۳. بحار الانوار: ۳۱۹/۵۲.

۵. سوره قصص، آیه ۲۱.

شبهات ششم: موسی علیه السلام وقتی غایب شد، قومش در محنت‌ها و فشار و مشقت و ذلت واقع شدند. قائم علیه السلام نیز شیعیان و دوستانش در زمان غیبتش در مُنتهای سختی و فشار و ذلت می‌افتند.^۱

شبهات هفتم: خداوند متعال درباره‌اش می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ﴾^۲؛ ما به موسی کتاب را دادیم پس در آن اختلاف شد. یعنی در صحت کتابی که بر او فرود آمد.^۳ قائم علیه السلام نیز همین‌طور. در کتابی که با او است - یعنی قرآنی که امیرالمؤمنین علیه السلام جمع کرد - اختلاف می‌شود.^۴

شبهات هشتم: امام صادق علیه السلام فرمود: «اصحاب موسی به نهري آزمایش شدند که خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾^۵؛ همانا خداوند شما را به نهر آبی خواهد آزمود. اصحاب قائم علیه السلام نیز به مانند آن مبتلا خواهند شد.^۶

شبهات نهم: موسی علیه السلام، خداوند دشمنش - قارون - را به زمین فرو برد.^۷ قائم علیه السلام نیز، لشکر سفیانی را به زمین فرو خواهد برد.

شبهات دهم: موسی علیه السلام، از سنگ برایش دوازده چشمه جوشید. قائم علیه السلام نیز، از سنگ برایش آب و غذا بیرون می‌آید.^۸

شبهات یازدهم: خداوند متعال به منظور امتحان قومش، ظهور آن حضرت را تأخیر انداخت. تا آنان که گوساله پرستیدند از خداپرستان جدا شوند. در مورد قائم علیه السلام نیز، خداوند به همین منظور ظهورش را به تأخیر انداخته است.

۲. سوره هود، آیه ۱۱۰.

۴. روضه کافی: ۲۸۷.

۶. بحار الانوار: ۳۳۲/۵۲.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۴۱.

۳. مجمع للبیان: ۱۹۸/۵.

۵. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۷. سوره قصص، آیه ۸۱.

۸. بحار الانوار: ۳۵۱/۵۲؛ و غیبت نعمانی: ۲۳۸.

شبهات دوازدهم: خداوند متعال به موسی علیه السلام عصایی عنایت فرمود، و آن را معجزه آن حضرت قرار داد. قائم علیه السلام، به همان عصا اختصاص یافته است.^۱ چنین گفته‌اند: عصای موسی دو سر داشت که بیخ هر یک از آنها کژی داشت و نیزه آهنینی در انتهایش بود، پس هرگاه موسی علیه السلام شب هنگام به بیابانی وارد می‌شد و مهتاب نبود، دو سر عصا تا آنجا که چشم کار می‌کرد روشنایی می‌داد، هرگاه با کمبود آب مواجه می‌شد، آن را در چاه وارد می‌کرد که تا ژرفای چاه امتداد می‌یافت، و سر آن مانند دلو می‌شد، و هر وقت به غذا نیاز داشت، با عصای خود به زمین می‌کوفت خوردنی‌ها از آن بیرون می‌آمد و چنان بود که هرگاه میوه‌ای اشتها می‌کرد آن را در زمین می‌نشانند، پس غنچه‌های همان درختی که موسی اشتها کرده بود در آن ظاهر می‌شد و همان موقع میوه می‌داد.

و گفته می‌شود: عصای موسی از چوب بادام بود، هرگاه گرسنه می‌شد آن را در زمین می‌نشانند برگ و میوه می‌داد و از آن بادام می‌خورد، و هرگاه با دشمن خود مقاتله می‌کرد بر دو شاخه عصا دو مار آشکار می‌شد که با هم نبرد می‌کردند، عصا را بر کوه سخت ناهموار و نیز به درخت‌ها و خارها و گیاه‌ها می‌زد راه باز می‌شد، و هر وقت می‌خواست از رودی بدون کشتی عبور کند عصا را بر آن می‌زد، راه وسیعی برایش باز می‌شد که در آن می‌رفت. آن حضرت علیه السلام گاهی از یک شاخه عصا شیر می‌نوشید و از دیگرش عسل، و چون در راه خسته می‌شد بر آن می‌نشست و به هر جا می‌خواست بدون دویدن و پا زدن او را می‌رسانند، و نیز راه را نشان می‌داد و با دشمنانش

۱. کمال الدین: ۶۷۳/۲ و بحار الانوار: ۳۱۸/۵۲ و کافی: ۲۳۱/۱.

مقابله می کرد. هنگامی که موسی علیه السلام به بوی خوش نیازمند می شد، از آن عصا بوی خوشی بیرون می زد تا جایی که لباس های او را خوشبو می کرد، اگر در راهی بود که دزدانی داشت که مردم از آنها ترس داشتند، عصا با او تکلم می کرد و به او می گفت: به فلان سمت راحت را تغییر ده. به وسیله آن برگ های درختان را برگوسفندان خود فرو می ریخت، با آن درندگان و مارها و حشرات را از خود دفع می کرد. چون به سفر می رفت آن را برگرده می نهاد و وسائل و لباس و غذا و آب و... را به آن می آویخت.^۱

شباهت به داود علیه السلام

شباهت اول: خداوند آهن را برایش نرم کرد.^۲ قائم علیه السلام نیز، خداوند آهن را برایش نرم کرده، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی به خدمت صاحب الزمان علیه السلام می آید و عرض می کند: آهن برای داود علیه السلام نرم شد اگر تو هم مانند او [معجزه] بیاوری تصدیقت می کنیم. پس آن حضرت معجزه داود علیه السلام را به او نشان می دهد، ولی آن شخص منکر می شود، پس قائم علیه السلام عمود آهنینی به گردن او می اندازد که هلاک می شود و می فرماید: این سزای کسی است که آیات خدا را دروغ انگارد».

شباهت دوم: سنگ با او سخن گفت و صدا زد: ای داود! مرا بگیر و جالوت را با من به قتل برسان. قائم علیه السلام نیز، علم و شمشیرش او را صدا می کنند و می گویند: ای ولی خدا! خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.^۳

شباهت سوم: داود علیه السلام به الهام در میان مردم حکم می کرد. قائم علیه السلام به حکم داود قضاوت خواهد کرد و از بیّنه و شاهد نمی پرسد و نیازی به آن ندارد.

۱. بحار الانوار: ۶۰/۱۳

۲. سوره سبأ، آیه ۱۰.

۳. کمال الدین

شباهت به سلیمان علیه‌السلام

شباهت اول: حضرت داود علیه‌السلام، سلیمان را جانشین خود قرار داد در حالی که هنوز به سنّ بلوغ نرسیده بود.^۱ قائم علیه‌السلام را خداوند - عزوجل - خلیفه خود قرار داد و حال آنکه کودکی تقریباً پنج ساله بود.

شباهت دوم: خداوند به سلیمان علیه‌السلام ملکی عنایت کرد که برای هیچ‌کس بعد از او از نظر کیفیت نبود. چه اینکه سلاطین جهان حکومتشان آمیخته به جور و فساد است، ولی سلیمان می‌خواست حکومتش آن‌طور نباشد، و نیز سلطنت و حکومت پادشاهان و امرای زمین تنها بر انسان‌ها است، ولی حکومت سلیمان بر جنّ و انس و پرندگان بود.^۲ همچنین خداوند متعال مُلک و حکومتی به قائم علیه‌السلام عنایت خواهد فرمود که برای احدی از اولین و آخرین - از نظر کمّیت و کیفیت - مانندش نبوده. اما کمّیت: برای اینکه آن حضرت مابین شرق و غرب را می‌گیرد. و اما کیفیت: برای اینکه محض عدالت است.

شباهت به ایوب علیه‌السلام

شباهت اول: ایوب علیه‌السلام هفت سال بر بلا صبر کرد.^۳ قائم علیه‌السلام نیز، از هنگام وفات پدرش تاکنون صبر کرده و نمی‌داند تا کی این صبر ادامه خواهد داشت!

شباهت دوم: ایوب علیه‌السلام یک یا دو چشمه از زمین برایش جوشید.^۴ قائم علیه‌السلام نیز، برایش چشمه از زمین جوشیده است.^۵

شباهت سوم: خداوند - عزوجل - مردگانی را برایش زنده کرد.^۶ قائم علیه‌السلام نیز، خداوند مردگانی را برایش زنده می‌کند.

۲. سوره نمل، آیه ۱۷.

۴. سوره ص، آیه ۴۴.

۶. سوره انبیاء، آیه ۸۴.

۱. کمال الدین: ۱/۱۵۶.

۳. بحار الانوار: ۳۴۷/۱۲.

۵. الخرایج: ۷۰.

شباهت به یحیی علیه السلام

شباهت اول: یحیی علیه السلام، پیش از ولادت به آمدنش بشارت و مژده داده شده بود. قائم علیه السلام نیز چنین بود.

شباهت دوم: یحیی علیه السلام در شکم مادر سخن گفت.^۱ قائم علیه السلام نیز، در شکم مادر سخن گفت و سوره قدر را قرائت کرد.^۲

شباهت به عیسی علیه السلام

شباهت اول: عیسی علیه السلام، فرزند بهترین زنان زمانش می باشد. قائم علیه السلام نیز، فرزند بهترین زنان زمانش می باشد.

شباهت دوم: عیسی علیه السلام در شکم مادر تکلم کرده. قائم علیه السلام نیز همین طور:

شباهت سوم: عیسی علیه السلام در گهواره سخن گفت. قائم علیه السلام نیز همین طور.^۳

شباهت چهارم: عیسی علیه السلام، خداوند حکمت و ویژگی های نبوت را در کودکی به او عنایت فرمود. قائم علیه السلام نیز، خداوند حکمت و ویژگی های امامت را در کودکی به حضرت عنایت کرد.

شباهت پنجم: عیسی علیه السلام، خداوند متعال او را به سوی خود بالا برد. قائم علیه السلام نیز، خداوند او را به سوی خود بالا برد.

شباهت ششم: عیسی علیه السلام به اذن خداوند متعال مرده زنده می کرد.^۴ قائم علیه السلام نیز، مردگانی را زنده خواهد کرد. چنان که گذشت.

شباهت به خاتم النبیین صلی الله علیه و آله

سخن جامع در این باب فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که فرمود: «مهدی

۲. کمال الدین: ۲/۴۲۸.

۴. سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۱. بحار الانوار: ۱۴/۱۸۷.

۳. کمال الدین: ۲/۴۲۵.

از فرزندان من است، اسم او اسم من، و کنیه‌اش کنیه من، از نظر خلق و خُلق شبیه‌ترین مردم به من است...»^۱

فصل دوم: شباهت به ائمه معصومین علیهم‌السلام

نظر به اینکه بیان کردن هر یک از این ویژگی‌ها و صفات و احوال و معجزات پدران پاک آن حضرت و تطبیق آنها با صفات و حالات و معجزات آن حضرت، شرحی طولانی و میدان وسیعی می‌خواهد، به ناچار در ذکر هر یک از امامان علیهم‌السلام به آشکارترین و مشهورترین اوصاف اکتفا می‌کنیم:

شباهت به امیر المؤمنین علیه‌السلام

اظهر صفاتش علم و زهد و شجاعت می‌باشد، و تمام آنها در حضرت قائم علیه‌السلام نمودار است، که گذشت.

شباهت به امام حسن علیه‌السلام

بارزترین صفاتش حلم و بردباری است، و از جمله آثار این صفت: سکون و آرامش داشتن و سبکسری نکردن در مواقعی است که شخص از دیگران نارواها ببیند.

و اگر در ناراحتی‌ها و ابتلاهای شدید مولا حضرت حجّت -صلوات الله علیه- از دست رعیتش تأمل کنی، حلم و بردباری آن بزرگوار برایت روشن می‌شود، به طوری که از احدی به این کیفیت، این صفت ظاهر نگردیده است.

شباهت به امام حسین علیه‌السلام

شباهت به آن حضرت در فصل آینده خواهد آمد، ان شاء الله تعالی.

شباهت به امام سجاده علیه السلام

بارزترین صفاتش عبادت می باشد که به زین العابدین و سید العابدین و ذوالثفنات نامیده شد، وجه نامیده شدنش به ذوالثفنات، این بود که بینی آن حضرت ساییده، و پیشانی و زانوها و کف دست هایش از اثر عبادت مداوم، برآمدگی پیدا کرده بود، چنان که از فاطمه بنت علی بن ابی طالب علیها السلام آمده که از یکی از کنیزان امام سجاده علیه السلام راجع به حالات آن حضرت پرسید، در جواب گفت: مختصر کنم یا مفصل بگویم؟ گفت: مختصر کن. گفت: هیچ گاه در روز برایش غذا نبرده و در شب رختخواب نگستردم.^۱

و مولای ما حضرت حجّت - عجل الله فرجه الشریف - از جدّ بزرگوارش سید العابدین علیه السلام الگوی خوبی دارد، که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در وصف حضرت قائم علیه السلام فرمود: «با آن چهره گندمگون، زردی بی خوابی شب نیز آمیخته است، پدرم فدای آن کس که شبش را در حال سجود و رکوع و ستاره شماری (کنایه از بیداری) خواهد گذراند...»^۲

شباهت به امام باقر علیه السلام

بارزترین صفاتش، شباهت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. لذا جابر انصاری هنگامی که نگاهش به آن حضرت افتاد گفت: به پروردگار کعبه قسم! شمایل پیغمبر صلی الله علیه و آله است.^۳ با اینکه جابر پیش از امام باقر، حسن و حسین و علی بن الحسین - علیهم السلام - را دیده، ولی چنین سخنی درباره آنها نگفته بود. مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز شبیه به پیغمبر است، بلکه شباهتش به پیغمبر بیشتر و کامل تر می باشد.

۱. بحار الانوار: ۶۲/۴۶

۲. بحار الانوار: ۸۱/۸۶

۳. بحار الانوار: ۲۲۳/۴۶

شباهت به امام صادق علیه السلام

بارزترین صفاتش، کشف علوم و بیان احکام برای مردم بود به طوری که برای امامان پیش از آن حضرت این امر میسر نشد. یکی از اهل حدیث گفته: چهار هزار نفر از افراد مورد اعتماد از آن حضرت روایت کرده‌اند.^۱ با این حال تمام علومی که نزد آن حضرت بود، کشف نشده و برای ظهور قائم علیه السلام به تأخیر افتاده که آن حضرت تمام احکام را بیان خواهد ساخت و آنچه گذشتگان از امامان و پیغمبران، اهلّیت و شایستگی آن را در مردم ندیدند فاش خواهد کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام گاهی به سینه خود اشاره می‌کرد و می‌فرمود: «إِنَّ هَيْهَنَا لِعِلْمًا جَمًّا لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً...»؛ در اینجا علم بسیاری هست اگر برای آن حاملانی بیابم....

شباهت به امام کاظم علیه السلام

آن حضرت علیه السلام دچار تقیّه و شدت ترس از دشمنان بود - بیش از آنچه پدران گرامی اش بدان دچار بودند - و این مطلب برای کسی که در احوال زندگی آن حضرت دقت کند، واضح است. مولای ما حضرت قائم علیه السلام نیز همین طور است، - چنان‌که به آن اشاره شد -.

شباهت به امام رضا علیه السلام

خداوند ریاست و مقام ظاهری را برای آن حضرت قرار داد، به طوری که برای پدران طاهرینش واقع نشده بود، و تقیّه و ترس در زمان آن حضرت تا حدودی برداشته شد، قائم علیه السلام نیز خداوند متعال ترسش را به امنیت بدل

خواهد ساخت و او را در زمین اقتدار و تسلطی خواهد داد که برای احدی از پیشینیان میسر نشده است، و غلبه آن حضرت بر تمام جهان مانند غلبه سلطان روز است بر سلطان شب تار.

از امام باقر علیه السلام درباره آیه: «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى»^۱؛ سوگند به روز آن گاه که تجلی نماید. آمده که فرمود: «روز، همان قائم ما اهل البيت است که هرگاه بپاخیزد، بر دولت باطل پیروز می شود...»^۲.

شباهت به امام جواد علیه السلام

وقتی امامت به آن حضرت رسید که به سنّ مردان نرسیده و عمرش از هشت بهار نگذشته بود، حضرت حجّت علیه السلام نیز همین طور بود، که در سنین طفولیت لوای امامت را به دست گرفت.

شباهت به امام هادی علیه السلام

هیبتی داشته که نظیر آن را احدی نداشته، به طوری که دشمنان آن حضرت احترامها و تعظیمهایی برای آن حضرت انجام می دادند که برای هیچ کس آن احترامها را انجام نمی دادند، که این امر بر اثر هیبت آن حضرت بود، نه از روی محبت و علاقه به آن بزرگوار، قائم علیه السلام نیز همین طور است که - به ویژه در دل دشمنان - هیبت و رعب خاصی دارد.

شباهت به امام حسن عسکری علیه السلام

آن حضرت علیه السلام نیز، همین صفت را داشته است که بجاست این بحث را با بیان روایت شریفی که در بحار آمده به پایان بریم.

۱. سوره لیل، آیه ۴.

۲. تفسیر القمی: ۴۲۵/۲.

مرحوم مجلسی رحمته الله آورده: عباسیان و صالح بن علی و گروهی از منحرفین از مسیر اهل بیت علیهم السلام بر صالح بن وصیف - هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام نزد او زندانی بود - بر او وارد شدند و به او گفتند: بر آن حضرت سخت بگیر و در وضع او رفاه و آسایشی فراهم مکن. در جواب گفت: با او چه کار کنم در حالی که از بدترین افرادی که توانسته‌ام بر او گماشته‌ام، ولی آنان در نماز و عبادت به جایگاه بلندی رسیده‌اند. سپس آن دو نفر گماشته را احضار کرد و به آنها گفت: وای بر شما! درباره این شخص چه فکر می‌کنید؟ گفتند: چه بگوییم درباره مردی که روزش را روزه‌دار و شبش به عبادت می‌گذرد، نه سخن می‌گوید و نه غیر عبادت به کاری مشغول می‌شود. هرگاه به ما نظری بیفکند، لرزه بر اندام ما افتد، و به طوری هیبت او در دلمان واقع شود که خودداری نتوانیم کرد. هنگامی که عباسیان این گفتار را شنیدند با خواری و سرافکنندگی رفتند.^۱

فصل سوم: شباهت به حضرت سیدالشهداء علیه السلام

در امور بسیاری این شباهت وجود دارد، از جمله:

شباهت اول: شدت اهتمام در یاد شدن آنها در قرآن کریم و سنت پیغمبران و کتاب‌های آسمانی.

شباهت دوم: اهتمام پیغمبران گذشته به گریستن برای امام حسین علیه السلام و برپا نمودن مجالس سوگواری و مرثیه پیش از شهادت آن حضرت، نظیر اهتمام امامان گذشته است در دعا کردن برای فرج مولى حجة بن الحسن - عجل الله فرجه الشریف - و طلب ظهور آن بزرگوار پیش از وقوع غیبت.

شبهات سوم: شدت اهتمام هر دو (امام حسین و امام عصر علیهما السلام) در امر به معروف و نهی از منکر.

شبهات چهارم: نبودن بیعت طاغوت زمان بر آن دو، که در اوصاف امام حسین علیه السلام آمده که روز عاشورا به آن حضرت عرض شد: به حکم و حکومت عموزادگان سر فرود آور. فرمود: «به خدا قسم! هرگز دستم را از روی خواری و ذلت به شما ندهم و مانند بردگان فرار نمی‌کنم». در بحث علل غیبت حضرت حجت علیه السلام مطالبی که دلالت بر مقصود داشت، گذشت.

شبهات پنجم: فرشتگان هر دو بزرگوار (امام حسین و حضرت قائم علیهما السلام) را به اذن خداوند متعال به آسمان بالا بردند.

شبهات ششم: آرزو و تصمیم به یاری کردن امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، ثواب شهید شدن با آن حضرت را دارد. آرزوی بودن با امام قائم علیه السلام در زمان ظهور و قصد یاری کردن آن حضرت و جهاد با دشمنانش در رکابش نیز ثواب شهادت را دارد، چنان‌که درباره هر دو روایت آمده است که ان شاء الله تعالی خواهد آمد.

شبهات هفتم: امام حسین علیه السلام ترسان از مدینه بیرون رفت و در مکه نزول کرد، سپس به سوی کوفه حرکت فرمود. حضرت حجت علیه السلام نیز نظیر همین برایش اتفاق می‌افتد.^۱

شبهات هشتم: مصیبت آن دو بزرگوار سخت‌ترین مصیبت‌هاست. اما مصیبت امام حسین علیه السلام، در گفتگوی آدم و جبرئیل آمده که گفت: ای آدم این فرزند تو به مصیبتی دچار می‌گردد که مصیبت‌ها در کنار آن کوچک خواهد بود.^۲ و اما قائم علیه السلام از این جهت که مصیبتش طولانی و محتشش شدید است.

۱. بحار الانوار: ۲۳۸/۵۲.

۲. بحار الانوار: ۲۴۵/۴۴.

حرف «ل»

۱ - لوای آن حضرت علیه السلام

از جمله امور مهم، دعا کردن برای برافراشته شدن پرچم و لوای آن حضرت است که به خاطر آن، دل‌ها مسرور و تمام غصه‌ها دور می‌گردد، چنان‌که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمده که فرمود: «مردی از فرزندانم در آخر الزمان ظهور می‌کند... نام مخفی‌اش احمد و نام آشکارش محمد است، هرگاه پرچم خود را به اهتزاز درآورد شرق و غرب را روشن سازد، دست بر سر بندگان خدا کشد، پس هیچ مؤمنی باقی نماند مگر اینکه دلش از کوه آهنین هم محکم‌تر گردد و خداوند متعال قوت چهل مرد به او بدهد، و هیچ میتی نماند مگر آنکه در قبر اثری از خوشحالی ظهور به او برسد که مؤمنین در قبر از هم دیدن کنند و به ظهور قائم علیه السلام یکدیگر را مژده دهند».^۱

حرف «م»

۱ - معجزات آن حضرت علیه السلام

شدت اهتمام و کوشش آن حضرت در ترویج دین خدا و هدایت بندگان الهی باعث ابراز معجزات می‌شود. دعا کردن برای چنین کسی که در ترویج دین و ارشاد بندگان کوشش و سعی بلیغ دارد، عقلاً و نقلاً ممدوح و مطلوب است. و اما معجزات آن حضرت علیه السلام؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ معجزه‌ای از معجزات پیغمبران و اوصیا نیست مگر اینکه خداوند متعال مثل آن را بر دست قائم ما آشکار خواهد کرد، برای اتمام حجت بر دشمنان».^۲

۲. اثبات الهداة: ۳۵۷/۷.

۱. کمال الدین: ۶۵۳/۲.

۲ - محنت آن حضرت علیه السلام

فضیل گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «به درستی که وقتی قائم ما -عجل الله فرجه الشریف- بپاخیزد، بیشتر از آنچه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردم جاهلیت دید به ناراحتی‌ها برخوردار می‌کند». گفتم: چطور؟ فرمود: «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی مردم مبعوث شد در حالی که سنگ و چوب و تخته‌ای به صورت بت می‌تراشیدند و پرستش می‌کردند، ولی قائم ما -عجل الله فرجه الشریف- در حالی بپاخیزد و به سوی مردمی آید، که همگی آنها علیه او کتاب الله را تأویل نموده و احتجاج می‌کنند»^۱ و در روایت دیگری از همان حضرت آمده: «پس علیه آن حضرت، کتاب الله را تأویل و بر مبنای آن با آن حضرت مقاتله می‌کنند»^۲.

۳ - مصایب آن حضرت علیه السلام

مصایب آن حضرت بسیار است، مانند مصایب پدران و اجداد بزرگوارش -به ویژه حضرت سید الشهداء علیه السلام- بر او نیز وارد است، که ولی خون آنها است -چنان‌که در تفسیر آمده-. دعا کردن برای مصیبت دیده مستحب است، چنان‌که در اخبار و احادیثی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده منقول است.

۴ - محبت متقابل آن حضرت علیه السلام

محبت آن حضرت علیه السلام به مؤمنان و محبت مؤمنان به آن حضرت از مهم‌ترین انگیزه‌های دعا کردن برای آن حضرت و درخواست تعجیل فرج آن حضرت از پروردگار متعال است. و اما محبت آن حضرت علیه السلام نسبت به مؤمنین: دسته‌های مختلفی از اخبار بر آن دلالت دارد، از جمله:

۱. بحار الانوار: ۳۶۲/۵۲.

۲. بحار الانوار: ۳۶۳/۵۲.

۱. احادیثی که دلالت می‌کند امام نسبت به مؤمنین به منزله والد مهربان و پدر شفیق، بلکه برای آنها از پدر هم مهربان‌تر است.
۲. روایاتی آمده که امام به خاطر حزن شیعیانش محزون و در مصایب آنها متأثر و در بیماری آنها متألم می‌گردد.
۳. احادیثی که دلالت می‌کند امام علیه السلام برای شیعیانش دعا می‌کند.
۴. اخباری دلالت می‌کند که امام علیه السلام برای دوستانش دادرسی می‌کند.
۵. آنچه دلالت می‌کند که امام علیه السلام در تشییع جنازه مؤمن حاضر می‌شود.
۶. احادیثی که حاکی از گریستن امامان علیهم السلام هنگام گرفتاری دوستانشان و هنگام وفاتشان و غیر اینها می‌باشد.

حرف «ن»

۱ - نفع آن حضرت علیه السلام

بدان که منافع وجود مبارک آن حضرت بر چند گونه است:

قسم اول: منافع آن حضرت - چه غایب و چه ظاهر -، و آن بر دو نوع است: نوع اول: تمام خلائق در آن شریک هستند، مانند: زندگی و بقای در جهان و... که همه‌اش از برکات و فیوضات وجود شریف آن حضرت است.

نوع دوم: افاضات علمی و عنایات ربّانی که به مؤمنین اختصاص دارد، مانند: واضح نمودن وقت نمازهای یومیه و مانند آن است.^۱

قسم دوم: منافع زمان غیبت آن حضرت علیه السلام که آن هم بر دو نوع است:

نوع اول: مخصوص به مؤمنین است و آن بسیار است، از جمله: ثواب‌های بسیاری که بر انتظار زمان ظهور آن حضرت مترتب است و نیز آنچه از

ثوابها بر صبر و شکیبایی آنان در عصر غیبت مترتب است که در بخش هشتم خواهیم آورد، و نیز دو برابر شدن ثواب کارهای نیک آنها در چنین زمانی، چنانکه از امام صادق علیه السلام روایت شده.^۱

نوع دوم: مخصوص کافرین و منافقین است، و آن مهلت دادن و تأخیر عذاب آنها است، چنانکه در تفسیر آیه شریفه: ﴿فَمَهَّلِ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُوَيْدًا﴾^۲؛ آمده است.^۳

قسم سوم: منافع زمان ظهور او و آن بر دو نوع است:

نوع اول: شامل تمام خلائق و موجودات می شود، مثل انتشار نور، ظهور عدل، امنیت راههای بلاد، ظهور برکات زمین، صلح و آشتی درندگان و چارپایان، آزار نرساندن هیچ نیش داری به کسی، برکات فراوان و منافع بی کران دیگر....^۴

نوع دوم: مخصوص مؤمنین است و آن بر دو گونه است:

گونه اول: برای زندگان آنها، و آن انتفاع و بهره‌وری از شرف حضور آن حضرت و استفاده از نور آن جناب و فراگرفتن از علوم آن بزرگوار و برطرف شدن بیماری‌ها و گرفتاری‌ها و بلاها از بدن‌های ایشان است.^۵

گونه دوم: برای مردگان ایشان، از جمله: خوشحالی و فرح ظهور آن حضرت به قبرهایشان داخل می شود. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه: ﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ﴾^۶ فرمود: «در قبرهایشان به ظهور قائم علیه السلام». ^۷

۱. کافی: ۳۳۳/۱.

۲. سوره طارق، آیه ۱۷.

۳. تفسیر القمی: ۴۱۶/۲.

۴. بحار الانوار: ۸۵/۵۳.

۵. بحار الانوار: ۵۲/.

۶. سوره روم، آیه ۴.

۷. المحجة: ۱۷۲.

و از جمله منافع زمان ظهور آن حضرت برای اموات مؤمنین، زنده شدن آنها است بعد از مرگشان.^۱

۲- نور آن حضرت ﷺ

از مهم‌ترین اموری که انگیزه دعا کردن برای آن حضرت می‌شود، نور اوست، دلیل بر آن عقل است. به این بیان که: اگر در شب تاریکی در راه پرپیچ و خمی بودید و در آن راه، لغزندگی‌های هولناک و خلاصی از آن جز به وسیله چراغی که راه را روشن کند، میسر نبود. آن‌گاه کسی برای شما چراغی آورد که به وسیله آن خلاص شدید و از گمراهی‌های یافتید، عقل بلکه - طبع و فطرت - شما را برمی‌انگیزد که برای او دعا کنید، چون کار او سبب خلاصی و هدایت شما شد.

«نور» اسم است برای چیزی که خودش ظاهر است و اشیاء غیر خودش را ظاهر می‌کند. امام ﷺ نور است. و هر دو خصوصیت نور را دارد. زیرا امام ﷺ به حسب کمالات و دلالاتی که دارد آشکارترین و ظاهرترین مخلوقات است. البته شخص امام گاهی ممکن است از گروهی غایب شود، ولی او در عین حال که غایب است در منتهای ظهور و آشکاری است، همان‌طور که امام صادق ﷺ به مفضل بن عمر - هنگامی که از آن حضرت شنید که پرچم‌های مشتبّه در زمان غیبت افراشته می‌گردد گریه کرد - فرمود: «این آفتاب را می‌بینی؟ عرض کرد: آری. فرمود: «والله! امر ما از این آفتاب روشن‌تر است».

و اما دلیل بر ظهور موجودات دیگر به وجود امام ﷺ، روایتی است از امام صادق ﷺ که فرمود: «محمد و علی - صلوات الله علیهما - از دو هزار سال پیش از

آفرینش خلق، در پیشگاه خداوند - عزوجل - نور بودند، هنگامی که فرشتگان آن نور را دیدند، ریشه و شاخه درخشنده‌ای برایش مشاهده کردند، پس گفتند: ای پروردگار و خدای ما! این نور چیست؟ خداوند - عزوجل - به وحی فرمود که: این نوری از نور من است، اصل آن نبوت و شاخه آن امامت است، نبوت برای محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیغمبر من، و امامت برای علی علیه السلام، حجت و ولی من خواهد بود، و اگر این دو نبودند، آفریدگانم را خلق نمی‌کردم.^۱

روایات صریحی نیز در این باره هست که بعضی از آنها را می‌آوریم:

۱ - ابو خالد گوید: از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه: ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾^۲؛ پس به خداوند و پیامبرش و نوری که ما نازل کردیم، ایمان آورید. پرسیدم، فرمود: «ای ابو خالد! این نور، به خدا قسم! نور امامان از آل محمد علیهم السلام است تا روز قیامت، آنان - به خدا سوگند! - نوری هستند که نزول یافته، به خدا قسم که نور خدا در آسمان‌ها و زمین آنها هستند».^۳

۲ - همچنین امام صادق علیه السلام راجع به فرموده خداوند متعال ﴿وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۴؛ و از نوری که با او نزول یافت، پیروی کردند، آنان رستگارند. فرمود: «نور در اینجا امیر المؤمنین و امامان علیهم السلام هستند».^۵

البته امامان علیهم السلام به طور عموم نور هستند، ولی در برخی موارد بر وجود حضرت بقیه الله - ارواحنا فداء - به طور خصوص نور اطلاق شده است. که به آن اشاره می‌شود:

۱. بحار الانوار: ۱۱/۱۵.
 ۲. سوره تغابن، آیه ۸.
 ۳. کافی ۱ / ۱۹۴.
 ۴. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.
 ۵. کافی: ۱۹۵/۱.

- ۱- در زیارت روز جمعه آن حضرت آمده: سلام بر تو ای نور خداوند که هدایت جویان به وسیله او هدایت می‌شوند.^۱
- ۲- جابر انصاری گوید: داخل مسجد کوفه شدم دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام با انگشت چیزی می‌نویسد و تبسم می‌کند. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! چه چیز موجب خنده شما شده؟ فرمود: «در شگفتم از کسی که این آیه را می‌خواند، ولی به معنی آن به طوری که شایسته است، معرفت ندارد». عرض کردم: کدام آیه یا امیرالمؤمنین؟! فرمود: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ - مشكوة محمد صلی الله علیه و آله است - فِيهَا مِصْبَاحٌ - مصباح من هستم (امیرالمؤمنین) - فِي زُجَاةٍ - حسن و حسین علیه السلام می‌باشند - كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ - علی بن الحسین علیه السلام است - يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ - محمد بن علی علیه السلام است - زَيْتُونَةٍ - جعفر بن محمد علیه السلام است - لَا شَرْقِيَّةٍ - موسی بن جعفر علیه السلام است - وَلَا غَرْبِيَّةٍ - علی بن موسی علیه السلام است - يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ - محمد بن علی علیه السلام است - وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ - علی بن محمد علیه السلام است - نُورٌ عَلَى نُورٍ - حسن بن علی علیه السلام است - يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ - قائم مهدی علیه السلام است - وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». ^۲
- نکته جالب اینکه: همان‌گونه که وجود آن حضرت نور است و او از نور است و به نور هدایت می‌کند و پیروانش در نور هستند، تاریخ ولادتش هم از نظر عدد حروف به حساب ابجد مطابق کلمه نور است.^۳
- اکنون که نور بودن حضرت ولی عصر - عجل الله فرجه الشریف - مشخص شد، به اشراقات ظاهری و باطنی نور آن حضرت علیه السلام می‌پردازیم.

۱. بحار الانوار: ۲۱۵/۱۰۲.

۲. تفسیر البرهان: ۱۳۶/۳؛ ذیل سوره نور، آیه ۳۵.

۳. در حساب ابجد: عدد (ن) پنجاه، و عدد (و) شش، و عدد (ر) دویست می‌باشد. (مترجم)

اما اشراقات نور آن حضرت علیه السلام به دو گونه است: یکی نور آن حضرت در دنیا و دیگری نور آن حضرت در آخرت. که هر کدام را جداگانه ذکر می‌کنیم.

درخشندگی نور آن حضرت علیه السلام در دنیا

درخشندگی نور شریف آن حضرت در دنیا چند قسم است:

اول: قبل از ولادت

دوم: هنگام ولادت

سوم: قبل از غیبت

چهارم: زمان غیبت

پنجم: زمان حضور

قسم اول: قبل از ولادت

در عالم ملکوت اشراق نور آن حضرت برای ابراهیم علیه السلام آشکار گردید، هنگامی که ملکوت آسمان‌ها برای ابراهیم علیه السلام کشف شد. و نیز نور آن حضرت برای فرشتگان آشکار شد، هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید. همچنین شب معراج برای حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله آشکار شد.^۱

قسم دوم: هنگام ولادت

نور آن حضرت علیه السلام هنگام ولادت به طوری بود که تا آسمان رسید. چنان‌که از محمد بن عثمان عمّری رضی الله عنه روایت شده که گفت: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام متولد شد، نوری از بالای سرش تا بر فراز آسمان ساطع گشت، سپس به رو به سجده افتاد و برای پروردگار متعال سجده به جا آورد.^۲

۱. غایة المرام: ۱۹۴.

۲. کمال الدین: ۴۳۳/۲.

و در روایت دیگری از کنیز امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده: وقتی سید علیه السلام متولد شد، نوری از آن حضرت دید که تا افق آسمان ساطع است، و پرندگان سفیدی نیز دید که از آسمان فرود می‌آیند و بال‌های خود را بر سر و صورت و سایر قسمت‌های بدنش می‌کشند، سپس پرواز می‌کنند. وقتی به جناب ابومحمد این مطلب را خبر دادیم، خندید و فرمود: «آنها ملائکه بودند، به خاطر تبرک به این نوزاد فرود آمدند، و هنگامی که خروج نماید یاران او هستند».

قسم سوم: قبل از غیبت

جمعی از مؤمنین که تشرّف دیدار آن حضرت قبل از غیبت نصیبشان شده، درخشندگی نور آن حضرت را مشاهده نموده‌اند. از جمله آنان ابراهیم بن محمد نیشابوری است که می‌گوید: هنگامی که عمرو بن عوف قصد کشتن مرا کرد، ترس شدیدی بر من عارض گردید، می‌خواستم فرار کنم، به خانه امام عسکری علیه السلام رفتم، وقتی بر آن حضرت وارد شدم نوجوانی دیدم در کنارش نشسته بود، چهره‌اش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید، از آن نور و روشنایی تعجب کردم، و نزدیک بود وضع و حال خودم را هم فراموش نمایم که به من فرمود: ای ابراهیم! فرار مکن که خداوند شرّ او را از تو دور خواهد ساخت. بر حیرتم افزود، به ابومحمد علیه السلام عرض کردم: ای فرزند پیغمبر! مولای من! این کیست که از باطن من خبر داد؟ فرمود: او پسر و خلیفه من است.^۱

قسم چهارم: اشراق نور آن حضرت در زمان غیبت

بر دو قسم است: باطنی و ظاهری.

اشراق باطنی: اشراق باطنی در دل مؤمنین است که امام خود را با حقایق

ایمان مشاهده می‌کنند. چنان‌که از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «والله، نور امام در دل‌های مؤمنین از خورشید تابان در روز نورانی‌تر است، و آنان (= امامان) به خدا سوگند دل‌های مؤمنین را نورانی می‌کنند، و خداوند - عزوجل - نور ایشان را از هر که بخواهد منع می‌کند که دلشان تاریک گردد».^۱

اشراق ظاهری: اشراق ظاهری نور آن حضرت برای بعضی از اخیار اتفاق افتاده که ما به ذکر جریانی بسنده می‌کنیم:

در کتاب جنة المأوی - به نقل از شخصی که خدمت حضرت رسیده - آمده: شنیده بودم هر کس چهل شب چهارشنبه متوالی در مسجد سهله به نیت دیدن حضرت قائم علیه السلام بماند، این توفیق برایش حاصل می‌شود، من هم به این امر اشتیاق یافتم و نیت کردم که هر شب چهارشنبه این عمل را انجام دهم تا اینکه نزدیک به یک سال از مداومت من گذشت.

عصر روز سه‌شنبه‌ای بود که بر حسب عادت پیاده راه افتادم، ایام زمستان بود و هوا خیلی تاریک، ابرهای تیره آسمان را پوشانده بود و باران نم‌نم می‌بارید. من با اطمینان به اینکه مردم به عادت همیشگی خواهند آمد، حرکت کردم، ولی هنگامی که به در مسجد رسیدم، آفتاب غروب کرده و هوا تاریک شده و رعد و برق شدت یافته بود. ترس زیادی مرا گرفت، چون اصلاً هیچ کس نبود، حتی خادمی که هر شب چهارشنبه می‌آمد، هم نبود. خیلی وحشت کردم، ولی بعد با خود گفتم: لازم است نماز مغرب را بخوانم و مراسم مخصوص را بجای آورم و زودتر به مسجد کوفه بروم. برای نماز مغرب برخاستم، پس از نماز مغرب شروع به انجام مراسم مخصوص نمودم.

در اثنای نماز به مقام شریف معروف به مقام صاحب الزمان علیه السلام ملتفت شدم، روشنایی کاملی در آن دیدم و قرائت نمازگزاری را شنیدم، دلم خوش و خاطر کملاً آسوده و مطمئن گشت، پس برنامه‌ام را با کمال اطمینان به پایان رساندم. سپس به سوی مقام شریف رفتم، هنگامی که داخل شدم روشنایی عظیمی دیدم ولی هیچ چراغی به چشمم نخورد، اما از اندیشیدن در این باره غفلت داشتم، سیدی جلیل با هیبتی در لباس اهل علم دیدم که ایستاده نماز می‌خواند، دلم به وجود او آسایش یافت. به زیارت مولی حضرت حجت الاسلام مشغول شدم و نماز زیارت را خواندم. وقتی فراغت یافتم، چهره گرامی اش را با رأفت و تبسم به سویم گرداند و به من فرمود: دوست داری به مسجد کوفه بروی؟ عرض کردم: آری سرورم! عادت ما اهل نجف این است.

برخاست و فرمود: برخیز برویم، با او بیرون رفتم. در روشنایی و هوای خوش و زمین خشک راه می‌رفتیم، و من از وضع باران و تاریکی که پیش‌تر دیده بودم غفلت داشتم، تا اینکه به آن مسجد رسیدیم و آن حضرت - روحی فداه - با من بود و من در نهایت خوشحالی و ایمنی در خدمتش نه تاریکی دیدم نه باران.

در خروجی مسجد را - که قفل بود - کوبیدم. خادم گفت: کیست کوبنده در؟ گفتم: در را باز کن. گفت: در این تاریکی و باران شدید از کجا آمدی؟ گفتم: از مسجد سهله، وقتی خادم در را گشود به سوی آن سید جلیل ملتفت شدم، ولی او را ندیدم و ناگهان همه جا تاریکی شدید بود و باران خوردم، شروع کردم صدا کردن: آقای ما! مولانا! بفرمایید در باز شد، و به پشت سر، در جستجوی او برگشتم و صدا می‌زد، ولی اصلاً کسی را ندیدم و در همان مقدار کم هوای

سرد و باران ناراحت‌کننده کرد. داخل مسجد شدم، آن وقت از غفلت بیرون آمدم، گویی خواب بودم و بیدار شدم، از امور عجیب که از آن سید دیدم برایم یقین شد که او حضرت حجّت صاحب الزمان علیه السلام است که از فضل الهی تمنا داشتم به دیدارش مشرف شوم پس شکر خداوند متعال را بر این توفیق بزرگ بجای آوردم، والحمد لله.^۱

قسم پنجم: اشراق نور آن حضرت علیه السلام در زمان ظهور

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۲؛ و زمین به نور پروردگارش روشنی یافت. فرمود: رَبِّ الْأَرْضِ یعنی امام الأرض؛ پروردگار [مربی] زمین یعنی امام زمین. راوی عرض کرد: هرگاه ظهور کند چه می‌شود؟ فرمود: «آن هنگام مردم از نور آفتاب و نور ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام اکتفا می‌کنند».^۳

و آن حضرت فرمود: «وقتی قائم علیه السلام بپا خیزد، زمین به نور پروردگار درخشان می‌شود و بندگان از نور خورشید بی‌نیاز می‌گردند و شب و روز یکی می‌شود».^۴

و اما اشراق نور آن حضرت علیه السلام در آخرت

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: ﴿يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾^۵؛ نور آنان پیشاپیش و در سمت راستشان در حرکت است. فرمود: «اِنَّهُمْ مَعْصُومِينَ علیهم السلام روز قیامت پیشاپیش و سمت راست مؤمنین می‌روند تا به منازل اهل بهشت آنان را منزل دهند».^۶

۲. سوره زمر، آیه ۶۹

۱. جنّة المأوی: ۳۰۹

۴. المحجّة: ۱۸۴

۳. تفسیر القمی: ۲/۲۵۳

۶. کافی: ۱/۱۹۵

۵. سوره حدید، آیه ۱۲

۳- نعمت‌های آن حضرت علیه‌السلام

در بخش سوم معلوم شد، آنچه از نعمت‌ها که بندگان در آن غوطه‌ورند از نعمت‌های ظاهری و باطنی همه به برکت وجود شریف حضرت حجّت علیه‌السلام است، و این امر از عظیم‌ترین چیزهایی است که موجب دعا کردن برای آن حضرت است.

امام صادق علیه‌السلام درباره آیه مبارکه: ﴿ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾؛ آن‌گاه در آن روز از آن نعمت [ویژه] بازپرسی می‌شوید. فرمود: «این ائمت، از نعمت‌هایی که خدا به واسطه پیامبر و اهل بیتش به ایشان ارزانی داشته، بازخواست می‌شود».^۱

و نیز درباره همین آیه فرمود: «آن نعیم (= نعمت / نعمت خاص) ما هستیم».^۲

البته نعمت‌های آن حضرت علیه‌السلام در زمان ظهورش ویژگی خاصی دارد، چنان‌که اخباری در این باره وارد شده است، از جمله از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منقول است که فرمود: «ائمت من در زمان مهدی علیه‌السلام به نعمتی متنعم خواهند شد که هیچ‌گاه به مثل آن متنعم نگشته‌اند، آسمان باران رحمتش را بر آنها می‌بارد و زمین هیچ گیاهی را رها نمی‌کند مگر اینکه آن را برآورد».^۳

۴- نصرت اسلام و نهی از منکر و امر به معروف آن حضرت علیه‌السلام

هرکدام از این امور به حکم عقل و شرع موجب دعا کردن برای انجام‌دهنده آنها می‌باشد، چون آمران به معروف و ناهیان از منکر پاسداران دین و دژهای مسلمین هستند، و آیات و روایات در انگیزش به امر به معروف و نهی از منکر بسیار است.

۱. تفسیر البرهان، ۴ / ۵۰۲.

۲. تفسیر البرهان: ۴ / ۵۰۳.

۳. بحار الانوار: ۵۱ / ۸۳.

امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و روش صلحا است، فریضه مهمی است که به وسیله آن فرائض برپا، گرایش‌ها ایمن و کسب‌ها حلال می‌شود، مظالم دفع می‌گردد و زمین آباد می‌گردد، از دشمنان - به طریق انصاف - انتقام گرفته می‌شود و امر دین استقامت می‌یابد، پس با دل‌هایتان انکار کنید و به زبان آورید و به روی اهل گناه بزنید و در راه خدا از ملامت و سرزنش کسی نترسید».^۱

و پوشیده نیست که سعی و کوشش آن حضرت در امر به معروف و نهی از منکر، آن چنان است که هیچ کس مانندش نیست، زیرا امام عصر علیه السلام از جانب خداوند متعال مأمور است که تمام منکرات را از همه جای دنیا بردارد، به طوری که دیگر احدی باقی نماند که برای فعل منکر خود پناهی داشته باشد. در تفسیر آیه شریفه: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۲؛ کسانی که هرگاه در زمین، آنان را توانایی دهیم، نماز را پیادارند، و زکات [به مستحق] برسانند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «این برای آل محمد علیهم السلام است، خدای متعال مشارق و مغارب زمین را به تصرف مهدی و اصحابش درآورد، و دین را آشکار سازد و خدای متعال به وسیله او و یارانش بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد... تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود».

۵ - نصیحت آن حضرت علیه السلام برای خدا و رسول و برای مؤمنین

در زیارت آن حضرت آمده که: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ»؛ سلام بر تو

ای سرپرست خیرخواه.

۱. فروع کافی: ۵/۵۶.

۲. سوره حج، آیه ۴۱.

و در یکی از توقیعات شریف آن حضرت چنین است: «تقوای خدا را پیشه کنید و به ما تسلیم شوید... تمایل به راست و انحراف به چپ نداشته باشید، و ما را مقصد خود سازید با دوستی بر مبنای سنت روشن، که من شما را نصیحت و خیرخواهی کردم و خداوند بر من و شما شاهد و گواه است»^۱.

حرف «و»

۱- ولایت آن حضرت ﷺ

ولایت آن حضرت برای خداوند و ولای ما نسبت به آن حضرت و نیز ولایت آن حضرت بر ما، از مهم‌ترین اموری است که به دلیل عقلی و شرعی موجب و انگیزه دعا برای آن حضرت است. در اینجا سه موضوع بحث می‌شود:

موضوع اول، ولایت آن حضرت ﷺ نسبت به خداوند: ولایت در اینجا - به

فتح واو- به معنی محبت است، پس هر که خداوند او را دوست می‌دارد، ولی خداست، بنابراین همه مؤمنین شایسته و صالح، اولیای خداوند - عزوجل - می‌باشند به دلیل این آیه که می‌فرماید: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾^۲؛ آگاه باشید که اولیای خدا نه ترسی بر آنان هست و نه اندوهگین شوند، آنان که ایمان آورده و تقوی پیشه ساختند.

موضوع دوم: ولایت ما نسبت به آن حضرت ﷺ: دوستی ما مقتضی این

است که در دعا کردن برای آن حضرت کوشش و جدیت داشته باشیم. چون دعا کردن برای محبوب در نهاد افراد بشر نهفته و با سرشت آنان آمیخته است، و این امر کاملاً واضح است. حتی لازم است دعا برای آن حضرت را بر

۱. احتجاج: ۲/۲۷۹.

۲. سوره یونس، آیه ۶۲ و ۶۳.

هر دعایی مقدم بداریم. زیرا تمام منافع و بهره‌ها به برکت وجود آن حضرت به خلائق می‌رسد، اضافه بر منافع و آثار مخصوصی که متوقف بر ظهور آن حضرت است، و هر که معرفتش نسبت به خیرات وجود شریف آن حضرت بیشتر باشد، دعا کردن در نظر او مهم‌تر است، زیرا اهتمام و کوشش در دعا از کمال محبت و دوستی سرچشمه می‌گیرد، و کمال محبت از کمال معرفت حاصل می‌شود و این یکی از وجوه شدت اهتمام ائمه علیهم‌السلام در دعا کردن برای آن حضرت و درخواست تعجیل فرجش از درگاه خداوند می‌باشد.

نتیجه اینکه: دوستی و محبت و ولای ما نسبت به آن حضرت موجب اهتمام و کوشش ما در دعا برای فرجش می‌باشد، که بیشتر و پیش‌تر از دعا کردن برای خودمان و آنچه مربوط به ما است، لازم است برای آن حضرت دعا کنیم ان شاء الله تعالی.

موضوع سوم: ولایت آن حضرت علیه‌السلام بر ما: ولایت در این جا - به کسر واو -

به معنی سلطه و استیلاء و سرپرستی است، و منظور از ولایت آن حضرت بر ما همان است که در آیه شریفه: «الْأَنْبِيَّيْ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به مؤمنان از آنان نسبت به خودشان سزاوارتر است. به آن تصریح شده، و هرگاه یقین و باور داشته باشیم که آن حضرت در تمام آنچه متعلق به ما است، از خود ما شایسته‌تر و اولی است، بر خود لازم خواهیم دانست که در همه چیزهایی که مورد علاقه ما است، از جمله دعا کردن که کلید هر خیر و صلاح است، آن حضرت را اولی و شایسته‌تر بدانیم و مقدم بداریم.

۲- وصال آن حضرت علیه‌السلام

وصال اهمّ حوائج دوستان و آخرین آرزوی مشتاقان، و نهایت خواسته

عارفان است، که بیشترین دعا‌های آنان و مهم‌ترین حوائج ایشان پیرامون مسأله تعجیل در وصال امام زمان حجّة بن الحسن - عجل الله فرجه الشریف - دور می‌زند، چه خوش گفته‌اند:

فَوَادِي وَطَرْفِي يَا سِفَانِ عَلَيْنِكُمْ وَعِنْدَكُمْ رُوحِي وَذِكْرُكُمْ عِنْدِي
وَلَسْتُ أَلْدُ الْعَيْشَ حَتَّى أَرَاكُمْ وَلَوْ كُنْتُ فِي الْفِرْدَوْسِ أَوْ جَنَّةِ الْخُلْدِ

دل و دیده‌ام بر شما اسف بار است، و جان و دلم پیش شما و یاد شما نزد من است. من از زندگی لذت نمی‌برم تا اینکه شما را ببینم، هرچند که در فردوس یا بهشت جاودان باشم.

حرف «هـ»

۱ - هم آن حضرت عليه السلام

همّ و اندوه آن حضرت به خاطر ضعف و ناتوانی اهل اسلام و به تردید افتادن دل‌های مردم و گناهانی که مرتکب می‌شویم و اصراری که بر معاصی داریم می‌باشد، چنان‌که این امر از بعضی توقیعات آن حضرت معلوم می‌شود. پس بر ما باد که برای برطرف شدن اندوه آن بزرگوار دعا کنیم.

۲ - هدم بناهای کفر و شقاق و نفاق

از جمله موجبات دعا کردن برای آن حضرت می‌باشد، زیرا از لوازم بغض دشمنان است. در دعای ندبه - که از امام صادق عليه السلام مروی است - آمده: «کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و نفاق».

و نیز آن حضرت عليه السلام فرمود: «قائم عليه السلام پس از آنکه شرق و غرب زمین را زیر پا می‌گذارد، به کوفه و مسجد آن می‌آید و مسجدی که یزید بن معاویه - لعنة الله عليه - پس

از کشتن حسین بن علی علیه السلام بنا کرده، ویران می‌سازد. و نیز مسجدی که برای خدا نیست، هر که آن را بسازد ملعون است ملعون^۱.

۳ - هدایت بندگان

هدایت و راهنمایی بندگان خدا به راه صحیح و روش استوار، از عظیم‌ترین حقوقی است که موجب دعا برای آن حضرت علیه السلام می‌باشد، زیرا این امر از مهم‌ترین انواع احیا و زنده کردن بندگان است، چنان‌که در حدیثی که از امام باقر علیه السلام روایت شده به این معنی تصریح گشته است.^۲

۴ - هجران آن حضرت علیه السلام

هجران، از شدیدترین انواع شکنجه و فشار برای دوستان مخلص آن حضرت است، از همین روی برای صبر و تحمل این فشار در زمان غیبت، پاداش بسیار وعده فرموده‌اند. البته تردیدی نیست که جدّیت و اهتمام در دعا برای برطرف شدن عذاب و ناراحتی، فطری خردمندان است. و در بعضی از احادیث است که: «دل مؤمن از آنچه در زمان غیبت می‌بیند، آب می‌شود».

حرف «ی»

۱ - یمن آن حضرت علیه السلام

میمنت وجود امام عصر علیه السلام از آنچه در این کتاب آوردیم، معلوم می‌گردد.

۱. بحار الانوار: ۳۴/۵۳.

۲. بحار الانوار: ۲۰/۲.

بخش پنجم

نتایج دعا برای فرج

هدف اصلی در این بخش این است که هرچه خوبی و ثمره و فایده مهم بر مسأله تعجیل فرج مولی صاحب الزمان -عجل الله فرجه الشریف- مترتب است، اینجا بیاوریم، البته نمی توان گفت که فواید این دعا منحصر در همین مطالبی است که می آوریم، بلکه چه بسا اضافه بر آنچه آورده ایم، مطالبی یافته شود. اما قبل از اینکه به ذکر این نتایج پردازم، لازم می دانم شبهه ای که ممکن است به نظر بعضی افراد برسد، را جواب بدهم.

ممکن است برای بعضی توهم شود که چون امام زمان علیه السلام وسیله رسیدن برکات به مخلوقات است، بنابراین از مردم بی نیاز و مستغنی است، بنابراین چه نیازی به دعای مردم هست؟

به این توهم به چند وجه پاسخ می دهیم:

الف) اینکه دعای ما برای آن حضرت از باب هدیه شخص حقیر فقیری به رادمرد بزرگواری است، و تردیدی نیست که این نشانه نیاز این فقیر به بخشش آن بزرگ است و این شیوه بندگان نسبت به ارباب می باشد.

چه خوش گفته اند:

به عیدی مورچه ران جرادی نمودی هدیه از بهر سلیمان
چه خوش گفتا که قدر خویش هرکس نماید هدیه ای تقدیم سلطان

ب) چون تأخیر ظهور مولای ما صاحب الزمان علیه السلام به سبب موانعی است که از ناحیه خود ما سرچشمه گرفته، بر ما است که از خداوند متعال برطرف کردن آن موانع را بخواهیم. پس دعا کردن برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام در حقیقت دعا برای خودمان و سودمند به حالمان می باشد. خود آن حضرت هم به این معنی اشاره فرموده. در توقیعی از آن حضرت آمده است: «و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن فرج شما است»^۱. و این اشاره به بی نیازی آن حضرت علیه السلام از ما می باشد.

ج) تردیدی نیست که امامان علیهم السلام - به مقتضای وضع انسانی خود - به بیماری ها و غم ها و اندوه ها دچار می شوند که برای رفع آنها وسایلی است که برخی از آن وسایل از اهل ایمان ساخته است، و از مهم ترین وسایل دفع بلا و گرفتاری، جدیت و اهتمام در دعا کردن و از خدا خواستن است. اکنون به بیان آثار و فواید و ویژگی هایی که بر دعا کردن برای تعجیل فرج مترتب است، می پردازیم:

۱ - عمل به فرموده امام علیه السلام در توقیع

در توقیع شریفی که از آن حضرت روایت شده، چنین آمده است: «و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن فرج شما است»^۲.

قبل این گفتار چنین است: و اما علت آنچه از غیبت واقع شده، پس خداوند عز و جل - می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوَةٌ كُمْ﴾^۳؛ ای کسانی که ایمان آورده اید سؤال نکنید از چیزهایی که اگر برایتان افشا

۱. کمال الدین: ۴۸۵/۲؛ و احتجاج: ۲۸۴/۲؛ و بحار الانوار: ۱۸۱/۵۳.

۲. کمال الدین: ۴۸۵/۲؛ ۳. سوره مائده، آیه ۱۰۱.

شود، به ضرر شما است. به درستی که هیچ یک از پدرانم نبودند مگر اینکه بیعتی از طاغوت زمانش برگردنشان قرار داشت، و حال آنکه من هنگامی که خروج می‌کنم، هیچ کدام از طاغوت‌ها برگردنم بیعتی ندارند. و اما نحوه بهره‌وری از من در دوران غیبتم همانند بهره‌وری از خورشید است هنگامی که ابر آن را از دیدگان پوشانده باشد. و من البته مایه ایمنی اهل زمین هستم همچنان که ستارگان مایه ایمنی اهل آسمانند، پس از آنچه برای شما فایده‌ای ندارد پرسید، و برای آگاه شدن از آنچه تکلیف ندارید خود را به زحمت میندازید، و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن فرج شماست، و سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب و بر هر که پیرو راه حق باشد»^۱.

۲ - زیاد شدن نعمت

سخن در این باره در چند فصل بیان می‌گردد:

الف) اینکه وجود آن حضرت علیه السلام نعمت است.

ب) شکر نعمت واجب است.

ج) شکر نعمت مایه فزونی آن است.

د) اقسام شکر و اینکه دعا کردن از اقسام شکر است.

الف) وجود آن حضرت علیه السلام نعمت است.

تردیدی نیست که مهم‌ترین و ارزنده‌ترین نعمت‌ها آن است که مایه رستگاری به شناختن معارف ربّانی و علوم سودمند، و رسیدن به درجات والا و نعمت‌های جاودانه اخروی می‌شود، و این نعمت همان امام است که به واسطه او خداوند شناخته می‌شود و عبادت می‌گردد، و بندگان به سبب او به آنچه بخواهند از مقامات عالیه و عنایات خاصّه نایل می‌آیند.

لذا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه: ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^۱؛ و خداوند نعمت‌های ظاهر و باطن خویش را بر شما عنایت کرد. فرمود: «نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطن امام غایب است».

ب) شکر نعمت واجب است.

گذشته از اینکه عقل سلیم به وجوب شکر نعمت حکم می‌کند، آیاتی از قرآن نیز بر این معنی دلالت دارد از جمله: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾^۲؛ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و برای من شکر گزارید و [نعمت‌های مرا] کفران نکنید.

﴿وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾^۳؛ و شکر خدای را به جای آورید، اگر او را عبادت می‌کنید.

و آیات بسیار دیگر....

ج) شکر نعمت مایهٔ فزونی آن است.

علاوه بر آیه شریفه: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۴ روایات بسیار بر این معنی دلالت می‌کند. از جمله اینکه از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: «در تورات نوشته شده: هر که تو را نعمتی داد، سپاسگزاری کن و به هر که تو را سپاس گفت، انعام بنمای. که اگر نعمت‌ها شکرگزاری شوند، از بین نمی‌روند و اگر ناسپاسی گردند، پایدار نمانند، شکر مایهٔ فزونی نعمت‌ها و ایمنی از دگرگونی‌ها است».^۵

۱. سوره لقمان، آیه ۲۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۳. سوره ابراهیم، آیه ۷.

۴. سوره بقره، آیه ۱۷۲.

۵. کافی: ۹۴/۲.

د) اقسام شکر و اینکه دعا کردن از اقسام شکر است.

پُر واضح است که شکر احسان، احسان است، و احسان انواع و اقسام مختلفی دارد، و ریشه آنها، شکر قلبی و شکر زبانی و شکر با اعضای بدن است. شکر قلبی با شناختن نعمت و دانستن اینکه از سوی خداوند است تحقق می پذیرد، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که خداوند نعمتی به او داد، پس به قلب و دل خود آن را شناخت، شکرش را ادا کرده است».^۱

البته از آثار این شناخت، در صدد تعظیم آن نعمت بودن، و آشکار نمودن مقصود به زبان و بدن - که دو قسم دیگر از اقسام شکرند - می باشد، و از آثار شکر به زبان، حمد و ثنا گفتن و بازگو نمودن نعمت و دعا کردن برای پایداری آن است. و از آثار شکر بدنی، جدّیت و اهتمام به اطاعت و عبادت می باشد. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «شکرانه نعمت، دوری از محرّمات است و تمام شکر آن است که کسی بگوید: ﴿الحمد لله رب العالمین﴾».

از ظاهر این حدیث چنین بر می آید که اصل شکر با دوری از محرّمات حاصل می شود و حمد به زبان آن را کامل می کند.

حال که وجوب شکر نعمت و اقسام شکر معلوم شد، بدان که وجود مولای ما حضرت حجّت علیه السلام از مهم ترین نعمت های الهی بر ماست، و معرفت داشتن ما نسبت به این نعمت خود نعمت بزرگی است، بلکه نعمتی است که هیچ نعمتی با آن مقایسه نمی شود، زیرا جزء تکمیل کننده ایمان و علّت تامّه آن می باشد، و بیان کردیم که تمام نعمت های ظاهری و باطنی از شاخه های این نعمت بزرگ - یعنی وجود امام علیه السلام - است، پس بر ما واجب است که بیشترین

کوشش و اهتمام را در اداء شکر این نعمت به کار بندیم، تا به نعمت‌های بزرگ دیگر هم نایل شویم، زیرا خداوند -عزوجل- وعده داده که هرکس شکر نعمت به جای آورد نعمتش افزون کند، و وعده الهی تخلف ناپذیر است.

البته ادا کردن تمام حقوق این بزرگ نعمت الهی برای ما مقدور نیست؛ ولی آنچه از دست ما ساخته است باید انجام دهیم که به چند امر حاصل می‌شود:

۱ - شناخت قلبی و معرفت این نعمت والای الهی

۲ - بیان کردن فضایل و نشر دلایل آن بزرگوار

۳ - صدقه دادن برای سلامتی وجود آن حضرت

۴ - روی آوردن به سوی او، با انجام دادن کارهایی که مورد پسند و مایه

نزدیک شدن به درگاهش می‌باشد.

۵ - درخواست معرفت او از خداوند تا از اهل شکر و اقبال به سوی او گردیم.

۶ - اهتمام به دعاهای خالصانه برای تعجیل فرج آن حضرت و برچیده

شدن پرده ابتلای غیبت. و این یکی از اقسام شکر نعمت است.

پیامبر ﷺ فرمود: «هرکس به شما نیکی کرد، به او پاداش دهید، اگر پاداشی

نداشتید، در حق او دعا کنید تا از خود بدانید که نیکی او را پاداش داده‌اید»^۱.

و از امام سجاده علیه السلام در رساله الحقوق آمده است که فرمود: «و اما حق کسی

که در باره‌ات نیکی نماید آن است که او را سپاس گویی و کار نیکش را بازگو نمایی و

جایگاهش را والا شماری و با اخلاص بین خود و خدایت در حقش دعا کنی، پس

اگر این کار را کردی شکر او را در سر و علن به جای آورده‌ای، و اگر روزی توانستی

پاداشش را بده»^۲.

۳- اظهار محبت قلبی

بدان که محبت، گرچه امری پوشیده و مخفی است، ولی آثار بسیار دارد که بعضی از آثار آن در زبان، و بعضی در اعضا و جوارح انسان آشکار می‌گردد و همان‌طور که نمی‌توان درخت را از بروز دادن گل‌هایش منع کرد، نشاید که صاحب محبت را از اظهار آثار آن منع نمود.

گویند که در سینه غم عشق نهان ساز در پنبه چسان آتش سوزنده پیوشم؟! از آثار محبت در چشم، بی‌خوابی و اشکباری است. و از نشانه‌های محبت در زبان، یاد کردن محبوب است همیشه و همه جا و نیز یادآوری خوبی‌ها و زیبایی‌های محبوب - به هرگونه که خوشایند باشد - از همین روی روایات متعددی در فضیلت شعر گفتن در مدح ائمه اطهار علیهم‌السلام وارد شده است. همچنین از دلایل فضیلت اظهار محبت به زبان، روایاتی است که در آداب معاشرت با برادران دینی وارد شده است. امام صادق علیه‌السلام به هشام بن سالم فرمود: «اگر کسی را دوست داشتی او را از این امر مطلع ساز که دوستی بین شما را محکم‌تر می‌گرداند».^۱

و مخفی نیست که اهتمام ورزیدن به دعا برای تعجیل فرج امام علیه‌السلام اظهار محبت نسبت به آن حضرت است و سبب می‌شود که آن حضرت نیز نسبت به دعا کننده دوستی بیشتری پیدا کند بلکه موجب محبت پدران بزرگوارش هم می‌شود. چون دعا کردن برای امام عصر - ارواحنا له الفداء - ابراز دوستی نسبت به تمام این خاندان است.

۴ - نشانه انتظار

دعا کردن برای تعجیل فرج نشانه انتظار است که در بسیاری از روایات به آن دستور داده شده است.

۵ - زنده کردن امر ائمه اطهار علیهم السلام

این دعا زنده کردن امر امامان معصوم علیهم السلام است، حضرت رضا علیه السلام فرمود: «هرکس در مجلسی که امر ما در آن احیا می شود بنشیند، روزی که دل ها می میرد دل او نخواهد مرد».^۱

۶ - رنجش و وحشت شیطان

دعا کردن برای تعجیل فرج، مایه فزع و ناراحتی شیطان لعین و دوری او از دعا کننده می شود. چون این عمل شریف عبادت ارزنده ای است که موجب کمال و تقرب به درگاه پروردگار سبحان می باشد، و پُر واضح است که هر چه مؤمن به درگاه خداوند نزدیک تر شود، شیطان از او دورتر و بیزارتر می گردد. امام صادق علیه السلام می فرماید: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: «آیا خبر دهم شما را به چیزی که اگر آن را انجام دهید شیطان از شما دور می شود، دوری مشرق از مغرب؟» گفتند: آری. فرمود: «روزه رویش را سیاه می کند و صدقه کمرش را می شکند و دوستی کردن در راه خدا و همکاری در راه نیک، دنباله اش را قطع می نماید و استغفار رگ حیاتش را می بُرد».^۲

و تردید نیست که دعا برای آن حضرت علیه السلام دوستی در راه خداست.

۱. بحار الانوار: ۲۷۸/۴۴.

۲. امالی صدوق، مجلس ۱۵، ح ۱ - چاپ بیروت.

۷ - نجات از فتنه‌های آخر الزمان و ایمنی از دام‌های شیطان

احمد بن اسحاق می‌گوید: امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «ای احمد بن اسحاق! او در این امت بسان خضر و بسان ذوالقرنین است، به خدا قسم! غایب می‌شود غایب شدنی که در آن زمان از هلاکت نجات نمی‌یابد مگر کسی که خداوند - عزوجل - او را بر اعتقاد به امامتش ثابت بدارد و در دعا کردن برای تعجیل فرجش توفیق دهد».

۸ - ادا کردن بعضی از حقوق آن حضرت علیه السلام

به حکم عقل، ادای حقوق کسانی که حق بر گردن انسان دارند، از مهم‌ترین امور است و این واضح است. و به حکم شرع نیز، ادای حقوق از مهم‌ترین امور می‌باشد و روایات متعددی بر آن دلالت دارد، از جمله: امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به چیزی بهتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است».^۱ و از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن دیگر دعا کردن برای او است. امام رضا علیه السلام فرمود: «بدان! خداوند تو را رحمت کند، حق برادران واجب و فرض است. - تا اینکه فرمود: - و توجه به سوی خدا به وسیله دعا کردن برای آنها...».^۲ و نیز از معلی بن خنیس روایت شده که: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق مؤمن بر مسلمان چیست؟ فرمود: «هفت حق واجب دارد، هیچ کدام غیر واجب نیست. اگر از این حقوق چیزی را ضایع کند از ولایت و طاعت خداوند خارج شده است و خدای را در او قسمتی نخواهد بود».

گوید: عرض کردم: فدایت شوم! این حقوق چیست؟ فرمود: «ای معلی! من به تو مهربانم، می‌ترسم آنها را تزییع نموده و رعایت نکنی، بدانی و عمل نمایی».

عرض کردم: لا قوّة إلاّ بالله! به خواست و قوّه الهی عمل خواهم کرد. فرمود: «آسان‌ترین حق آن است که آنچه برای خود دوست می‌داری برای برادرت دوست بداری و آنچه برای خود بد می‌دانی برای او هم نپسندی.

حقّ دوم: از خشمگین ساختن او اجتناب ورزی و موجبات خرسندی‌اش را فراهم آوری و امرش را اطاعت نمایی.

حقّ سوم: او را با جان و مال و زبان و دست و پایت کمک نمایی.

حقّ چهارم: چشم او و راهنما و آینه او باشی.

حقّ پنجم: سیر نشوی در حالی که او گرسنه بماند و سیراب نگردی در حالی که او تشنه باشد و نپوشی در حالی که او برهنه و نپوشیده باشد.

حقّ ششم: اگر خدمت‌گذاری داشتی و برادرت نداشت، واجب است خدمت را بفرستی که لباس‌هایش را بشوید و غذا برایش فراهم سازد و جایش را آماده سازد.

حقّ هفتم: سوگندش را باور کنی، دعوتش را اجابت نمایی، در بیماری به عیادتش روی، در تشییع جنازه‌اش حاضر شوی، اگر بدانی حاجتی دارد به انجام آن مبادرت ورزی پیش از آنکه ناچار شود از تو درخواست کند، بلکه پیش از آنکه به تو اظهار نماید به انجامش سرعت کنی. اگر این کارها را انجام دهی، ولایت به ولایت او، و نیز ولای او به ولایت تو متصل گردیده است»^۱.

بدون تردید این حقوق برای مولای ما صاحب الزمان علیه السلام بر تمام اهل ایمان ثابت است. و دعا کردن برای آن حضرت از مصادیق یاری با زبان است.

۹ - دعا کردن امام علیه السلام در حق او

بدون شک دعا برای آن حضرت و برای تعجیل فرجش، تبعیت و نصرت

است، چون یکی از اقسام نصرت صاحب الزمان علیه السلام، یاری کردن به زبان است، و اگر مؤمن برای مولای خود خالصانه دعا کند مولایش هم برای او خالصانه دعا می نماید، و دعای آن حضرت کلید هر خیر و داس هر شرّ است. در کتاب خرایج آمده است: شخصی به نام عبد الرحمن مقیم اصفهان شیعه بود. از او پرسیدند: چرا به امامت حضرت علی النقی علیه السلام معتقد شدی؟ گفت: چیزی دیدم که موجب شد من این چنین معتقد شوم، من مردی فقیر ولی زبان دار و پُرجرات بودم، در یکی از سالها اهل اصفهان مرا با جمعی دیگر برای شکایت به دربار متوکل بردند، در حالی که در آن دربار بودیم دستوری از سوی او بیرون آمد که علی بن محمد بن الرضا علیه السلام - احضار شود. به یکی از حاضران گفتم: این مرد کیست که دستور احضارش داده شده؟ گفت: او مردی علوی است که رافضیان معتقد به امامتش هستند. سپس گفت: چنین می دانم که متوکل او را برای کشتن احضار می کند. گفتم: از اینجا نمی روم تا این مرد را بینم چگونه شخصی است؟ گوید: آن گاه او سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ راه، در دو صف ایستاده به او نگاه می کردند. هنگامی که او را دیدم، محبتش در دلم افتاد، بنا کردم در دل برای او دعا کردن که خداوند شرّ متوکل را از او دفع نماید، او در بین مردم پیش می آمد و به کاکل اسبش نگاه می کرد، و به چپ و راست نظر نمی افکند. من در دل پیوسته برایش دعا می کردم. هنگامی که کنارم رسید صورتش را به سویم گردانید، آن گاه فرمود: «خداوند دعایت را مستجاب کند، عمرت را طولانی و مال و فرزندان را زیاد سازد». از هیبت او به خود لرزیدم و در میان رفقایم افتادم، پرسیدند: چه شد؟ گفتم: خیر است و به هیچ مخلوقی نگفتم. پس از این ماجرا به

اصفهان بازگشتیم، خداوند به برکت دعای او راه‌هایی از مال بر من گشود، به طوری که امروز من تنها هزار هزار درهم ثروت در خانه دارم غیر از مالی که خارج از خانه ملک من است، و ده فرزند دارا شدم، و هفتاد و چند سال از عمرم می‌گذرد، من به امامت این شخص قائلم که آنچه در دلم بود دانست و خداوند دعایش را دربارهام مستجاب کرد.^۱

ای خردمند! نگاه کن چگونه امام هادی علیه السلام دعای این مرد را پاداش داد به اینکه در حق او دعا کرد به آنچه دانستی. با اینکه در آن هنگام او از اهل ایمان نبود، حال چگونه درباره حضرت صاحب الزمان علیه السلام فکر می‌کنی؟

۱۰ - رستگاری به شفاعت آن حضرت علیه السلام در قیامت

برای رستگاری به شفاعت شافعان روز قیامت لازم است رابطه‌ای میان شفاعت کننده و مشفوع له در دنیا بوده باشد، مثل اینکه خدمت یا کمک یا برآوردن حاجت یا دعا کردن یا اظهار محبت خالصانه یا دفع اذیت نسبت به وی انجام گردد.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «خداوند نسبت به بندگانش مهربان است، از جمله مهربانی‌هایی که در حق آنها دارد اینکه صد رحمت خلق کرده و یک رحمت را در میان تمامی خلایق قرار داده که به سبب آن مردم بر یکدیگر رحم آرند و به واسطه آن، مادر فرزندش را رحم کند و حیوانات بر فرزندان‌شان مهر ورزند، پس چون روز قیامت شود این رحمت را به نود و نه رحمت دیگر بیفزاید و با آن، امت محمد صلی الله علیه و آله را رحم کند و به آنها در حق هر کس که بخواهند - از اهل آیین اسلام - شفاعت

۱. الخرائج: باب حادی عشر فی معجزات الامام علی بن محمد الهادی علیه السلام.

دهد، تا جایی که یک نفر نزد مؤمن شیعه می‌آید و می‌گوید: برای من شفاعت کن. می‌پرسد: چه حقی بر من داری؟ می‌گوید: یک روز به تو آب نوشاندم. پس یادش می‌آید و درباره‌اش شفاعت می‌کند. و یکی دیگر و می‌آید می‌گوید: در یک روز گرم ساعتی از سایه دیوار من استفاده کردی. پس برایش شفاعت می‌نماید، و پیوسته شفاعت می‌کند تا اینکه درباره همسایگان و دوستان و آشنایانش شفاعت می‌نماید. مؤمن از آنچه شما گمان می‌کنید نزد خدا گرامی‌تر است»^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که مؤمن از شما روز قیامت، مردی را که در دنیا با او آشنا بوده از کنارش می‌گذرانند، در حالی که امر شده به سوی آتش ببرند، فرشته او را می‌برد، او به این مؤمن می‌گوید: به فریادم برس که در دنیا به تو نیکی می‌کردم و در حوائجی که به من رجوع می‌کردی یاری‌ات می‌نمودم، آیا امروز پاداشی برای من داری؟ پس مؤمن به فرشته گماشته او می‌گوید: او را رها کن».

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس خداوند سخن مؤمن را می‌شنود، به آن فرشته امر می‌کند که فرمان مؤمن را بپذیرد، و آن شخص را آزاد می‌سازد»^۲.

وقتی وضع مؤمن با کسی که رابطه جزئی با او دارد چنین باشد، بدون تردید مولای ما صاحب الزمان علیه السلام در حق کسی که پیوسته برای آن حضرت دعا نماید، شفاعت می‌کند و او را روز قیامت در عذاب رها نمی‌سازد.

۱۱ - رستگاری به شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من برای چهار گروه شفاعت می‌کنم، هرچند با گناهان اهل دنیا بیایند: مردی که ذریه‌ام را یاری کرده باشد، مردی که مال خودش را هنگام

۱. بحار الانوار: ۴۴/۸.

۲. بحار الانوار: ۴۱/۸.

سختی به ذریه‌ام بذل نماید، مردی که ذریه‌ مرا با زبان و دل دوست بدارد، مردی که در نیازهای ذریه‌ام اهتمام ورزد هنگامی که رانده و فراری شوند.^۱

پُر واضح است که سه عنوان از اینها بر دعا برای تعجیل فرج مولی صاحب الأمر -عجل الله فرجه الشریف- صدق می‌کند، زیرا دعا نوعی یاری کردن، محبت زبانی و برآوردن حاجت است.

۱۲ - وسیله به سوی خداوند متعال

خدای -عزوجل- فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۲؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله برگزید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

در این آیه سه چیز سبب رستگاری و نجات معرفی شده که هر سه در دعا برای حضرت صاحب الزمان -عجل الله فرجه الشریف- جمع است، زیرا اولین مراتب تقوی ایمان است و بدون تردید دعا برای آن حضرت نشانه ایمان و سبب کمال آن است، و نیز از اقسام جهاد با زبان است، همچنین وسیله به سوی پروردگار رحمان می‌باشد، زیرا منظور از وسیله -در آیه شریفه- همان امام علیه السلام است، چنان‌که امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد این آیه فرمود: «من وسیله او هستم»^۳.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «امامان از آل محمد علیهم السلام وسیله به سوی خداوند و رشته اتصال به عفو و گذشت او هستند»^۴.

۲. سوره مائده، آیه ۳۵.

۱. المنتهی: ۵۴۴/۱.

۴. مرآة الانوار: ۳۳۱.

۳. البرهان: ۴۶۹/۱.

۱۳ - مستجاب شدن دعا

هرگاه دعا کننده دعایش را با دعا برای مولی صاحب الزمان علیه السلام مقرون گرداند، به سبب دعا برای آن حضرت، دعای خودش نیز مستجاب می شود. چون بدون شک دعای بنده برای مولایش صاحب الزمان - عجل الله فرجه الشریف - مستجاب است، زیرا مقتضی موجود و مانع مفقود می باشد، پس اگر شخص آغاز و فرجام دعایش را به حضرت صاحب الامر علیه السلام اختصاص دهد، مقتضای کرم خداوند اکرم الأکرمین آن است که مابین آنها را نیز به هدف اجابت برساند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس به درگاه خداوند حاجتی داشته باشد، باید اول با درود بر محمد و آل او آغاز کند، سپس حاجت خود را بطلبد و آن گاه با درود بر محمد و آل او دعایش را پایان برد، که خداوند گرامی تر از آن است که دو طرف را بپذیرد و وسط آن را رها کند، زیرا از استجابت صلوات و درود بر محمد و آل او هیچ مانعی نیست»^۱.

علاوه بر این، از فواید دعا برای امام زمان علیه السلام آن است که آن حضرت در حق دعا کننده دعا می نمایند، و بدون تردید دعای آن حضرت برای برآورده شدن حاجت های آن دعا کننده، مقتضی استجابت هر دعایی است که او از درگاه الهی مسألت نموده است.

۱۴ - ادای اجر رسالت پیغمبر صلی الله علیه و آله

خداوند در سوره شوری می فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي

الْقُرْبَىٰ»^۱؛ [ای پیامبر!] بگو من از شما بر انجام آن [رسالت] چیزی درخواست نمی‌کنم مگر مودّت و دوستی خاندانم.

تردیدی نیست که نزدیک‌ترین ذی‌القربی در زمان ما کسی جز حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام نیست. پس مودّت آن حضرت بر همگان واجب است و منظور از مودّت همان محبّت قلبی است، که از آثار آن، دوستی به زبان است و دعا کردن یکی از اقسام دوستی با زبان است.

۱۵ و ۱۶ - دفع بلا و وسعت روزی

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «دعای مرد برای برادرش در غیاب او، روزی را فراوان و ناگواری‌ها را دور می‌سازد».^۲

و نیز فرمود: «دعا برای برادرت در غیاب او، روزی را به سوی دعاکننده سوق می‌دهد و بلا را از او برمی‌گرداند و فرشته به او می‌گوید: مثل همین برای تو است».^۳

۱۷ - آمرزش گناهان

در تفسیر امام عسکری علیه‌السلام، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده که فرمود: «سوگند به آن که مرا به حق، به پیامبری برانگیخت که مردی از پیروان ما گناهان و خطاهایی دارد که از کوه‌های احد و از زمین و آسمان چندین برابر بزرگ‌تر است، به مجرد اینکه توبه می‌کند و بر خودش ولایت ما را تجدید می‌نماید، گناهانش به زمین زده می‌شود، شدیدتر از کوبیدن عمّار، این صخره را بر زمین است».^۴

۲. کافی: ۵۰۷/۲.

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. وسائل الشیعه: ۱۱۴۸/۴.

۴. تفسیر امام عسکری: ۵۱۸؛ و حکایت صخره (= سنگ بزرگی که عمّار یاسر به پیشنهاد یهود و به

اعجاز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را برداشت و محکم بر زمین زد) به تفصیل در آن آمده است. (مترجم)

ظاهراً منظور از تجدید ولایت اظهار اموری است که بر التزام انسان به ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و توجه او نسبت به آنان دلالت کند و این امر با دعا برای فرج مولی صاحب الزمان - عجل الله فرجه الشریف - حاصل می شود.

۱۸ - مبدل شدن سیئات به حسنات

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ قومی به ذکر خدای - عزوجل - نشینند مگر اینکه فرشته‌ای از آسمان، آنان را آواز دهد که: برخیزید! به تحقیق که سیئات شما مبدل به حسنات شد و همگی تان آمرزیده شدید».^۱

و دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام از اقسام ذکر خداوند است. امام باقر علیه السلام فرمود: «ذکر ما از [اقسام] ذکر خدا است، و یاد دشمنان ما از [مصادیق] یاد شیطان می باشد».^۲

۱۹ - تشرّف به دیدار آن حضرت علیه السلام در بیداری یا خواب

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ...»، امام م ح م د بن الحسن - علیه و علی آباءه السلام - را در خواب یا بیداری خواهد دید».^۳

۲۰ - بازگشت به دنیا در زمان ظهور

در کتاب حدیقه الشیعه روایتی از امام صادق علیه السلام آورده که مضمون آن چنین است: «هر مؤمنی آرزوی خدمتش را داشته باشد و برای تعجیل فرجش دعا کند، کسی بر قبر او می آید و او را به نامش صدا می زند که: فلانی! مولایت صاحب

۱. عده الداعی: ۲۳۸. ۲. وسائل الشیعه: ۱۱۸۰/۴؛ و کافی: ۴۹۶/۲.

۳. این دعا را شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان بعد از دعای ندبه آورده است. (ملخص)

الزمان عليه السلام ظهور کرده، اگر می‌خواهی بپاخیز و به خدمت امام شرفیاب شو، و اگر می‌خواهی تا روز قیامت بیارام. پس عده بسیاری به دنیا باز می‌گردند و فرزندان از آنها متولد می‌شود».

۲۱ - برادری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

امام باقر عليه السلام فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که جمعی از اصحابش در خدمتش بودند، دو بار گفت: خدایا! برادرانم را به من بنمایان. اصحابی که دور و برش بودند عرض کردند: ما برادران تو نیستیم یا رسول الله؟ فرمودند: نه، شما اصحاب من هستید و برادرانم قومی در آخر الزمان می‌باشند که به من ایمان آورند در حالی که مرا ندیده باشند، خداوند نام‌های آنان و نام‌های پدرانشان را به من شناسانده پیش از آنکه آنان را از پشت پدران و رجم مادرانشان بیرون آورده باشد. نگهداری هریک از آنان از دین خود بیشتر و شدیدتر از دست کشیدن بر بوته خار در شب تاریک و یا به دست گرفتن آتش فروزان می‌باشد، آنان چراغ‌هایی در تاریکی هستند، خداوند آنان را از هر فتنه و آشوب تیره‌ظلمانی نجات می‌دهد».^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث برادری را شاخه و فرع کمال ایمان معرفی کرده است و قبلاً ذکر کردیم که دعا برای حضرت صاحب الزمان عليه السلام نشانه ایمان و مایه کمال ایمان در انسان است.

۲۲ - تعجیل در امر فرج صاحب الزمان عليه السلام

اهتمام و مداومت در دعا برای تعجیل فرج مولای ما صاحب الزمان عليه السلام با شرایط آن به قدر امکان، سبب می‌شود که این امر زودتر واقع گردد و ظهور سریع‌تر تحقق یابد.

زیرا ظهور حضرت صاحب الزمان -عجل الله فرجه الشریف- از اموری است که قابل تقدیم و تأخیر است که به سبب بعضی از علل و جهات، زودتر یا دیرتر واقع می شود. و از جمله اسبابی که زمینه جلو افتادنش را فراهم می سازد؛ اهتمام مؤمنین در دعا برای تعجیل ظهور و فرج است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: پس هنگامی که فشارها و شکنجه ها بر بنی اسرائیل طول کشید، چهل روز به درگاه خداوند ضجّه و ناله کردند. خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از فرعون خلاص نمایند پس صد و هفتاد سال را از آنها برداشت. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: «هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذْ لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَيَّ مُنْتَهَاهُ»؛ همچنین شما، اگر انجام دهید هرآینه خداوند بر ما فرج خواهد داد ولی اگر چنین نباشید البته این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد.^۱

۲۳ - پیروی از پیغمبران و امامان علیهم السلام

دعا برای تعجیل فرج مولای غایب ما حضرت ولی عصر -ارواحنا له الفداء- تأسی جستن به پیغمبر اکرم و امامان -صلوات الله علیهم اجمعین- می باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: چون شب جمعه شود پروردگار متعال فرشته ای را به آسمان دنیا می فرستد، وقتی فجر طالع گشت آن فرشته روی عرش بر فراز بیت المعمور می نشیند، و برای محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام منبرهایی از نور نصب می شود که بر آنها بالا می روند، و فرشتگان و پیامبران و مؤمنین برای آنها جمع می گردند، و درهای آسمان گشوده می شود، هنگامی که خورشید به وقت زوال می رسد رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید: پروردگارا! وعده ات

را که در کتاب خود آن را آورده‌ای وفا کن و آن این آیه است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده باشند، وعده کرده که در زمین خلافت دهد، همچنان که به کسانی که پیش از شما بوده‌اند خلافت بخشید و دینشان را که پسندیده، تمکین و تسلط خواهد داد و ترسشان را به امنیت مبدل خواهد ساخت.

فرشتگان و پیغمبران هم همین را می‌گویند. سپس محمد و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام به سجده می‌افتند و می‌گویند: پروردگارا! غضب کن که به تحقیق حرمت درهم شکسته و برگزیدگان کشته شده و بندگان صالحت خوار گردیده‌اند، پس خداوند آنچه بخواهد می‌کند و آن روز معلوم است.^۲

۲۴ - وفا به عهد الهی

دعا کردن برای فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام وفا نمودن به عهد و پیمان الهی است که از اهل ایمان گرفته شده. و تردیدی نیست که وفای به عهد خداوند واجب است، خداوند - عزوجل - می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾^۳؛ وفای به عهد کنید که از عهد پرسیده می‌شود.

در روایات متعددی عهد، به ولایت امامان تفسیر گردیده است، چنان‌که از امام صادق علیه‌السلام آمده که فرمودند: و ما ذمه و حرمت خدا هستیم و ما عهد الهی هستیم، پس هر که به پیمان ما وفا کند عهد الهی را وفا نموده، و هر کس آن را بشکند حرمت و عهد الهی را شکسته است.^۴

۲. غیبت نعمانی: ۱۴۷.

۴. کافی: ۲۲۱/۱.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۳. سوره اسراء، آیه ۳۴.

وفای به عهد یاد شده با شش امر حاصل می‌گردد:

- ۱- یقین قلبی به امامت و ولایت آنها و تسلیم به آنچه از آنها وارد شده است.
- ۲- مودت قلبی نسبت به آنان.
- ۳- بغض دشمنانشان و کسانی که خلافت را غصب کردند.
- ۴- اطاعت و پیروی از آنان در تمام اوامر و نواهی ایشان.
- ۵- اظهار اعتقاد قلبی به آنان به وسیله زبان و اعضای بدن - به مقدار توانایی و استطاعت -.

۶- یاری کردن آنها در هر حال به مقتضای آن.

و این عناوین شش‌گانه در دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام و درخواست تعجیل فرج آن حضرت از خداوند تحقق می‌یابد.

۲۵- آثار نیکی به والدین برای دعا کننده

تمام آثار و فواید و نتایج دنیوی و اخروی که بر نیکی به والدین هست، برای دعا کننده به حضرت قائم علیه السلام خواهد بود.

زیرا امام علیه السلام پدر حقیقی تمام مردم است، پس هر که بر او ظلم کند عاق پدر حقیقی خویش گشته، و هر که به او نیکی نماید به تمام آنچه بر نیکی کردن به پدر ظاهری مترتب است رستگار می‌شود. و تردیدی نیست که والد حقیقی حقش عظیم‌تر و مقامش بالاتر است.

از تفسیر امام عسکری علیه السلام روایت شده که فرمودند: و البتّه حقّ ما بر شما عظیم‌تر است از حقّ پدر و مادری که از آنها متولد شده‌اید، که ما - اگر اطاعت‌مان کنید - شما را از آتش به سوی خانه آرام و جاویدان نجات می‌دهیم....

اما آثار و فواید نیکی به والدین از موضوع بحث ما در این کتاب خارج است، طالبین به کتاب‌های علمای بزرگ از قبیل کافی و بحار مراجعه کنند.

۲۶ - رعایت و اداء امانت

امام علیه السلام امانت الهی است، چنان‌که در ضمن زیارت جامعه آمده: شما باید روشن‌ترین مسیر و... امانت حفاظت شده.^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند: ماییم آن امانتی که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه شد...^۲

و رعایت امانت‌ها - به حکم عقل و آیات و روایات - واجب است. البته رعایت‌ها و حفاظت‌ها نسبت به انواع و اصناف گوناگون امانت‌ها مختلف می‌باشد. بنابراین هر امانتی به نحوه خاص خودش رعایت می‌گردد، و رعایت این امانت الهی به اظهار محبت و جدیت در نصرت و اطاعت است. و چون این عناوین با مداومت و جدیت در دعا برای تعجیل فرج مولای ما صاحب الزمان علیه السلام تحقق می‌یابند، به طور حتم با این عمل رعایت این امانت انجام می‌گیرد.

۲۷ - اشراق نور امام علیه السلام در دل دعاکننده

برای انسان به سبب اعمالی که از او صادر می‌شود، حالت‌ها و تغییرات مختلفی در دل او حاصل می‌گردد، و این را با وجدانمان درک می‌کنیم. هر قدر که عمل صالح نزد خداوند ارزنده‌تر و عظیم‌تر باشد، تأثیرش هم در روشنائی دل بیشتر و تمام‌تر است. لذا بعد از معرفت خداوند و معرفت پیغمبر صلی الله علیه و آله

۱. بحار الانوار: ۱۰۲/۱۲۹.

۲. تفسیر فرات: ۱۴۷.

چیزی مهم‌تر از محبت و ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم‌السلام نیست. به همین جهت امام باقر علیه‌السلام به ابوخالد کابلی فرمود: «ای ابوخالد! به خدا سوگند! که نور امام در دل‌های مؤمنین از آفتاب درخشانده در روز، روشن‌تر است و آنها (امامان) به خدا قسم! دل‌های مؤمنین را نورانی می‌کنند. خداوند -عز و جل- نورشان را از هر که بخواهد باز می‌دارد، پس دل‌های آن کسان تاریک می‌گردد. والله ای ابوخالد! هیچ بنده‌ای ما را دوست ندارد و به ما تولی نجوید مگر آنکه خداوند دلش را پاک سازد، و خداوند دل هیچ بنده‌ای را پاک نمی‌نماید تا اینکه تسلیم ما شود و با ما سازگاری کند، پس هرگاه چنین شد که با ما سازگاری نمود، خداوند او را از سختی حساب نگه دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنی بخشد»^۱.

و چون دعا برای حضرت ولی عصر -ارواحنا له الفداء- تولی آن حضرت است بنابراین موجب پاکی دل و مایه زیاد شدن اشراق نور امام علیه‌السلام در دل دعاکننده خواهد شد. ان شاء الله تعالی.

۲۸ - مایه طول عمر

اهتمام و مداومت در دعا برای حضرت قائم علیه‌السلام و تعجیل فرج و ظهور شریفش، مایه طول عمر، و نیز سایر آثار و فواید صله رحم است، زیرا به طور عام در فضیلت صله رحم و احسان به نزدیکان رسیده که مایه طول عمر است، به ضمیمه آنچه در روایات آمده که صله نزدیکان پیغمبر و امیرالمؤمنین -علیهم‌السلام- از صله خویشاوندان نسبی بهتر است. پس هرگاه صله رحم و محترم شمردن پیوندهای نسبی موجب طول عمر باشد، احسان به نزدیکان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به طریق اولی این اثر را دارد، و در نزدیکان پیغمبر و

امیر مؤمنان - علیه السلام - کسی بهتر از مولای ما صاحب الزمان علیه السلام نیست. بنابراین آن حضرت از مهم‌ترین مصادیق این عنوان است.

و دعا از مصادیق صله و احسان است. به این بیان که: احسان و صله به دو امر حاصل می‌شود: یکی: منفعت رساندن به دیگری. دوم: دفع زیان از غیر، و این دو با دعا کردن حاصل می‌گردد، زیرا از منافع بزرگ و ارزشمند احترام است، و بدون تردید دعا کردن نوعی احترام است، همچنین قبلاً گذشت که دعا برای تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام با شروطی که مقرر شده، سبب جلو افتادن آن است و با آن، همه‌گونه خیر و برکت آشکار می‌گردد و همه ضررها از بین می‌رود. و نیز از جمله آثار دعا مسرت و خرسندی کسی است که برایش دعا می‌شود، و سرور آن حضرت خود منفعتی عظیم است.

۲۹ - تعاون در نیکی‌ها و تقوی

دعا کردن برای تعجیل فرج حضرت قائم علیه السلام کمک و تعاون بر نیکی و تقوی است که خداوند متعال به آن امر فرموده است: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾؛ در نیکی و تقوی یکدیگر را یاری کنید.

۳۰ - یاری خداوند متعال

دعا از اقسام نصرت و یاری به زبان است، امام رضا علیه السلام به دعبل فرمود: «مَوْحِبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ؛ آفرین به یاری کننده ما به دست و زبانش».

و نیز از حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام آمده که در شب عاشورا فرمود: «جَدَّمْ بِهٖ مِنْ خَبَرِ دَادِ كِهٖ فَرَزَنْدَمِ حَسِينِ علیه السلام دَر تَفِ كَرِبَلَا غَرِيبِ، تَنْهَا وَ تَشْنَهٗ كَشْتَهٗ»

می‌شود، پس هر که او را یاری کند مرا یاری کرده و فرزندش قائم علیه السلام را نیز یاری نموده است، و هر کس با زبان ما را یاری کند روز قیامت در حزب ما خواهد بود». بنابراین دعا برای آن حضرت علیه السلام نوعی نصرت و یاری ایشان است که همان نصرت خداوند است، که موجب نصرت و یاری خداوند برای دعا کننده، و پیروزی او بر دشمنانش می‌باشد، زیرا خدای تعالی فرموده: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾^۱؛ و به تحقیق هر که خدا را یاری کند، خدای متعال او را کمک خواهد کرد.

۳۱ - هدایت به نور قرآن مجید

قبلاً بیان داشتیم که اهتمام در دعا برای مولایمان حضرت صاحب الزمان -عجل الله فرجه الشریف- از اموری است که مایه کمال ایمان است، و شکی نیست که هر قدر ایمان کامل تر و تمام تر باشد، استفاده شخص از قرآن و بهره‌وری اش از آثار آن بیشتر و بهتر است، زیرا خدای -عزوجل- می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۲؛ آن کتاب که هیچ تردیدی در آن نیست، روشنگر راه تقوی پیشگان است. بنابراین هدایت شدن کامل به قرآن مترتب بر دعا بر آن حضرت علیه السلام می‌باشد.

۳۲ - شناخته شدن نزد اصحاب اعراف

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾^۳؛ و بر اعراف رجالی هستند که هر یک را به چهره‌هایشان می‌شناسند. فرمود: «اعراف بلندی‌ای است بین بهشت و جهنم، و رجال امامان علیهم السلام می‌باشند...»^۴.

۱. سوره حج، آیه ۴۰.

۲. سوره بقره، آیه ۲.

۳. سوره اعراف، آیه ۴۶.

۴. تفسیر قمی: ۲۳۱/۱.

و نیز ابن الکوا دربارۀ آیه ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ...﴾ از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید. آن حضرت فرمود: «خدا بر تو رحم آورد ای ابن الکوا! ما روز قیامت بین بهشت و جهنم می ایستیم، پس هرکه ما را [در دنیا] یاری کرده از چهره اش می شناسیم و او را وارد بهشت می کنیم و هرکه ما را دشمن داشته از چهره اش می شناسیم و به جهنم روانه می سازیم».^۱

گفتیم دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام از اقسام یاری آن حضرت به زبان است، و طبق این روایت وسیله رستگاری به شفاعت و شناخته شدن نزد اصحاب اعراف است.

۳۳ - ایمنی از عقوبت های اخروی

امام صادق علیه السلام فرمود: «خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهورش باشند و در زمان ظهور، فرمان بردار و مطیع او، آنان هستند اولیای خدا که نه ترسی بر ایشان هست و نه محزون می شوند».^۲ و پوشیده نیست که دعا کردن برای تعجیل فرج نشانه انتظار است.

و امام باقر علیه السلام دربارۀ آیه: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾^۳؛ آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام دادند. فرمود: «یعنی آنان که ایمان آوردند به خدا و به رسول او و امامان اولی الامر علیهم السلام و ایشان را اطاعت کردند که آن، ایمان و عمل صالح است...».^۴

و شکی نیست که دعاکننده برای تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام در هر دو عنوان داخل است.

۱. مجمع البیان: ۴۲۳/۲.

۲. کمال الدین: ۳۵۷/۲.

۳. سوره بقره، آیه ۸۲.

۴. مرآة الانوار: ۲۰۸.

۳۴ - بشارت و مدارا هنگام مرگ

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس به مؤمنی سروری رساند، خداوند - عزوجل - از آن سرور مخلوقی می آفریند که به هنگام مرگ دیدارش کند و به او گوید: مژده باد تو را ای دوست خدا به کرامت و رضوان او! و همچنان با او خواهد بود تا اینکه داخل قبرش شود، باز همان سخن را گوید و چون از قبرش برخیزد، باز آن سخن را تکرار نماید. سپس همواره با او بماند و در مواقع ترس او را مژده دهد و همان سخن را بگوید. مؤمن از او پرسد: تو کیستی خدایت رحمت کند؟! می گوید: من آن سرور و شادمانی هستم که بر فلانی وارد ساختی».^۱

بدون تردید مولایمان صاحب الزمان و پدران گرامی اش علیهم السلام از این دعا خرسند و مسرور می شوند، پس این ثواب به طور کامل بر آن مترتب است.

۳۵ - قرار گرفتن در درجه امیر المؤمنین علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «قائم ما را غیبتی است که مدتش طول می کشد، گویی شیعه را می بینم که در دوران غیبت او بسان گوسفندی که دنبال چراگاه می گردد، دنبال چراگاهند، اما آن را نمی یابند. توجه کنید که هر یک از آنان بر دین خود ثابت بماند و دلش بر اثر طول غیبت امامش قساوت نگیرد، روز قیامت با من در درجه ام خواهد بود».^۲ و دعا برای آن حضرت علیه السلام سبب ثابت ماندن ایمان در زمان غیبت است. که موجب می شود دعاکننده در درجه امیر المؤمنین علیه السلام باشد.

۳۶ - محبوب ترین خلائق نزد خداوند

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خلائق عیال

۱. کافی: ۱۹۱/۲.

۲. کمال الدین: ۳۰۳/۱.

خداوند هستند، پس محبوب‌ترین افراد نزد خداوند آن است که به عیال خداوند نفع رساند و خاندانی را سرور نماید.^۱

بنابراین دعاکننده برای مولای ما صاحب الزمان علیه السلام و برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت محبوب‌ترین افراد نزد خدای تعالی است، زیرا که او به عموم مؤمنین نفع رسانیده، چون تمام اهل عالم به ظهور آن حضرت نفع می‌برند، پس دعا برای تعجیل آن، سودرسانی به اهل جهان است. اضافه بر اینکه شادمانی و سرور را بر ائمه اطهار و آل رسول علیهم السلام وارد ساخته است.

۳۷- گرامی‌ترین خلائق نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله

از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را دریابد در حالی که پیش از قیامش به او اقتدا کرده باشد، دوست او را دوست بدارد و از دشمنش بیزاری جوید و ولایت امامان هدایت‌کننده پیش از او را داشته باشد. آنها رفقای من و اهل دوستی و مودت من و گرامی‌ترین افراد امتم بر من و گرامی‌ترین خلق خدا نزد من می‌باشند».^۲

۳۸- داخل شدن به بهشت به ضمانت رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس پنج چیز را برای من ضامن شود، بهشت را برای او ضمانت کنم». گفته شد: یا رسول الله! آنها چیست؟ فرمود: «نصیحت برای خداوند - عزوجل - و نصیحت [و خیرخواهی] برای رسول او، و نصیحت برای کتاب خدا، و نصیحت برای دین خدا، و نصیحت برای جامعه مسلمین».^۳

۱. کافی: ۱۶۴/۲.

۲. بحار الانوار: ۱۲۹/۵۲.

۳. خصال صدوق: ۲۹۴/۱.

نصیحت، خیرخواهی است. و تردیدی نیست که تمام اقسام پنج‌گانه فوق با دعا کردن برای تعجیل فرج مولایمان صاحب الزمان علیه السلام حاصل می‌شود، زیرا با ظهور آن حضرت، غم و ناراحتی از اولیای خدا برطرف شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله مسرور گشته و احکام کتاب الهی آشکار می‌شود. و دین خدا بر جهان غالب، و فرج برای جامعه مسلمین حاصل خواهد گشت.

۳۹ - مشمول دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله

روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از یاد کردن ائمه اطهار علیهم السلام، دست‌های خود را به دعا برداشت و گفت: «خدایا! دوست بدار هرکس خلفای مرا دوست بدارد و ولای امامان امتم را پس از من داشته باشد، و دشمن بدار هر آنکه با آنها دشمنی کند. و هر که آنها را یاری کند یاری اش کن و هرکس خواری‌شان را بخواهد خوارش گردان...»^۱

و بدون شک دعا برای مولی صاحب الزمان علیه السلام، موالات و یاری آن حضرت و تمام امامان برحق است. [و چنین کسی مشمول دعای خیر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شود].

۴۰ - مشمول تأیید خداوند در عبادت

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند سبحان می‌فرماید: هرگاه بدانم اشتغال به من در بندهام غالب است، شهوتش را در سؤال و مناجات خودم قرار می‌دهم، و هرگاه بندهام چنین شد، پس اگر خواست اشتباه کند، بین او و اشتباه کردنش جایل شوم. حقا که آنان اولیای من هستند، حقا که آنان قهرمانان اند»^۲.

آیات و روایات دلالت دارند که دعا از مهم‌ترین اقسام عبادت‌ها می‌باشد و شکی نیست که ارزنده‌ترین و عظیم‌ترین انواع دعا آن است که برای کسی باشد که خداوند حقش را بر تمام خلایق واجب ساخته و به برکت وجود او فیض به همه موجودات رسیده است. و نیز بدون تردید مراد از اشتغال به خداوند، مشغول بودن به عبادت او است، و همان است که مداومت بر آن سبب می‌شود که خداوند انسان را در عبادت تأیید و مدد نماید و او را از اولیای خود قرار دهد.

نتیجه اینکه: مواظبت و مداومت در دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام و درخواست فرج و ظهور آن حضرت از خداوند موجب حصول این فایده عظیم می‌گردد.

۴۱ - دفع عقوبت از اهل زمین

خداوند متعال به برکت دعا کنندگان برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام عذاب و عقوبت را از اهل زمین دفع می‌نماید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی بر مردم خواهد آمد که امام آنها از نظرشان غایب می‌گردد، خوشا به حال پایداران بر امر ما در آن زمان. به درستی که کمترین ثوابی که برای آنان خواهد بود، آن است که آفریدگار - عزوجل - ایشان را ندا خواهد کرد: بندگان من! به سر من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید، پس مژده باد شما را به ثواب نیکو از سوی من، شما یید به حق بندگان و کنیزان من، از شما می‌پذیرم و شما را می‌بخشم و می‌آمزم، و به خاطر شما باران بر بندگانم می‌بارم و بلا را از آنان دفع می‌نمایم، و اگر شما نبودید، هرآینه عذاب را بر ایشان فرو می‌فرستادم...»^۱

و مخفی نیست اهتمام و مداومت در دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام سبب پایدار ماندن بر سنت و شیوه امامان علیهم السلام است.

۴۲ - ثواب کمک و یاری مظلوم

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس به فریاد برادر مؤمن ستمدیده خود برسد - به قدر توانش - و غم او را برطرف سازد و او را در برآورده شدن حاجتش یاری نماید، بدین کار نزد خداوند هفتاد و دو رحمت برای او خواهد بود، یکی از آنها را به زودی به او رساند که زندگی اش را سامان دهد و هفتاد و یک رحمت را برای احوال و صحنه‌های ترسناک قیامت ذخیره نماید».^۱

بر کسی پوشیده نیست که امام عصر - ارواحنا له الفداء - مظلوم است، بنابراین دعا کننده برای آن حضرت و تعجیل فرج و ظهور آن حضرت، شامل این روایت می شود، چون دعا از اقسام اعانت و کمک می باشد.

۴۳ - آثار تواضع و تجلیل بزرگتر

تواضع آن است که شخص پیش خودش نسبت به غیر حقیر باشد. و تکبر آن است که شخص در پیش خود نسبت به دیگری بزرگ جلوه کند و دیگری را نسبت به خودش حقیر بداند. و این از جهل سرچشمه می گیرد که شخص، بدی های خودش و خوبی های دیگران را نشناسد یا از آنها غفلت ورزد.

اما آثار و فواید تواضع

۱ - تجلیل خدای تعالی

امام صادق علیه السلام فرمود: «از اقسام تجلیل خداوند - عزوجل - احترام مؤمن محاسن

سفید است، و هرکس مؤمنی را گرامی بدارد به کرامت خداوند آغاز کرده است، و هرآنکه مؤمن موسفیدی را سبک کند، خداوند کسی را به سوی او فرستد که پیش از مرگش او را سبک شمارد»^۱.

البته باید توجه داشت که چون شرافت و عظمت اسلام از هر شرفی بالاتر و بزرگتر است، آنان که سابقه بیشتری در آن دارند تعظیم و احترامشان نزد خدا شایسته تر است.

۲ - ایمنی از ترس روز قیامت

امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس امتیاز و برتری شخص بزرگی را به خاطر سنش بشناسد و او را احترام کند، خداوند وی را از ترس روز قیامت ایمن نماید»^۲.

۳ - تقرب به درگاه خداوند متعال

امام صادق علیه السلام فرمود: «از جمله چیزهایی که خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود، این بود که: ای داوود! همان طور که نزدیکترین مردم نزد خداوند متواضعان هستند، دورترین مردم از خداوند متکبران می باشند»^۳.

۴ - رفعت و بزرگی در پیشگاه خداوند

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «... تواضع به صاحبش رفعت و بلندی بیشتری دهد، پس تواضع کنید که خداوند شما را رفعت بخشد»^۴.
حال که آثار و فواید تواضع معلوم شد، بدان که تواضع برای امام علیه السلام بر دو گونه است: قلبی و بدنی. تواضع قلبی آن است که مؤمن معتقد باشد که

۱. وسائل الشیعه: ۴۶۸/۸.

۲. وسائل الشیعه: ۴۶۷/۸.

۳. کافی: ۱۲۳/۲.

۴. کافی: ۱۲۱/۲.

امام علیه السلام از خودش و از تمام ماسوی الله بعد از حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله افضل و اشرف است، از فرشتگان و پیغمبران گرفته تا دیگران. و نیز باور داشته باشد که خدای -عزوجل- مخلوقی برتر از رسول خدا و خاندان طاهرینش -علیهم السلام- نیافریده، این اعتقاد ما است، که اخبار متواتره قطعیه بر آن دلالت دارد.^۱

و اما تواضع بدنی برای امام علیه السلام بر دو قسم است: واجب و مستحب.

تواضع واجب، آن است که ترک آن مایه هتک حرمت امام علیه السلام و استخفاف به ساحت مقدس آن حضرت است. مانند: ترک به پا ایستادن هنگام ذکر نام قائم علیه السلام در مجلس عمومی به قصد استخفاف و سبک شمردن -العیاذ بالله- با وجود به پا خاستن اهل مجلس^۲، زیرا که سبک شمردن امام علیه السلام مستلزم سبک شمردن خدای -عزوجل- می باشد.

و اما تواضع مستحب مانند: به پا خاستن هنگام ذکر نام مقدسش و درود فرستادن بر او و نیز دعا کردن برای او، زیرا دعا برای تعجیل فرج و ظهور مولا صاحب الزمان علیه السلام توقیر و تعظیم و احترام آن حضرت در غیاب و حضور است.

۴۴ - ثواب خونخواهی امام حسین علیه السلام

از جمله اموری که با دعا کردن برای تعجیل فرج مولا صاحب الزمان علیه السلام حاصل می شود: ثواب خونخواهی مولای مظلوم غریب شهیدمان حضرت

۱. سید جزایری - رحمه الله - در انوار النعمانیه، ۱ / ۳۳ گفته است: اخباری که بر این معنی دلالت دارد جداً زیاد است و آنچه ما به دست آوردیم حدود هزار حدیث می شود.

۲. البته اصل قیام هنگام ذکر حضرت قائم علیه السلام مستحب است همانطوری که مؤلف محترم - رحمه الله - به آن اشاره می کنند، ولی اگر عدم قیام به خاطر استخفاف به حضرت علیه السلام باشد یا موجب استخفاف شود حرام است. (ملخص)

سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام است، و خونخواهی آن حضرت وظیفه هر مؤمن است، زیرا آن حضرت پدر حقیقی آنان می باشد و این امری است که احدی جز خدا ثواب آن را نمی تواند شماره کند. زیرا عظمت شأن خون به مقدار عظمت صاحب آن است. پس همان طور که کسی جز خدا نمی تواند بر شئون حسینی احاطه یابد، همچنین کسی غیر او نمی تواند ثواب خونخواهی او را احصا نماید، زیرا حسین علیه السلام همان است که در زیارتش آمده: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ»؛ سلام بر تو ای آنکه خونخواه او خداوند است، و فرزند کسی که خونخواهش خدا است.

و اگر در دعا برای تعجیل فرج مولا صاحب الزمان علیه السلام جز این ثواب نبود، همین در فضیلت و شرافت آن کافی بود، و حال آنکه فضل و ثواب بی شماری در آن هست.

و اما بیان اینکه با این دعا ثواب خونخواهی امام حسین علیه السلام حاصل می شود؛ خونخواهی مراتب متعدّد و درجات چهارگانه ای دارد:

اول: ولیّ خون قوّت و حکومت و استیلا داشته باشد، که به زیردستانش دستور می دهد قاتل را بکشند، و بدین ترتیب خون بهای مظلوم را می گیرد.

دوم: خودش قاتل آن مظلوم را بکشد.

سوم: کسی که خونخواه است ضعیف باشد و نتواند خونخواهی کند، مگر با تظلم و شکایت نزد سلطان و زمامدار مقتدری که حقّ او را از ظالمش بگیرد، و این نیز واضح است که نوعی خونخواهی محسوب می گردد.

چهارم: به خاطر ضعیف بودن نتواند خونخواهی کند، مگر با کمک گرفتن از دیگرانی که قدرتی دارند که با یاری یکدیگر این کار را انجام دهند. به عبارت دیگر: کمک در آمادگی وسایل خونخواهی، نوعی از خونخواهی می باشد.

و چون ما در این زمان قدرت نداریم برای مولایمان حسین علیه السلام خونخواهی کنیم، جز به این دو قسم اخیر، لازم است - به حکم وظیفه‌ای که بر ما هست - به همین دو قسم مبادرت ورزیم. و این دو با دعا برای تعجیل فرج و ظهور مولا صاحب الزمان علیه السلام حاصل می‌گردد، که خدای قادر منتقم از هر سلطانی قدرتمندتر، و انتقام گیرنده از هر ظالم و ستمگر است. زیرا با اخبار متواتری دانسته‌ایم که خداوند قادر متعال مولای ما صاحب الامر علیه السلام را برای این خونخواهی ذخیره نموده است. پس بر ما لازم است که شب و روز به درگاه الهی تضرع و استغاثه کنیم که ظهور و فرج آن حضرت را تعجیل فرماید تا خونخواهی نماید و از جباران کافر انتقام بگیرد، زیرا در زمان غیبت آن حضرت راه دیگری به جز این قسم از خونخواهی نداریم.

۴۵ - درخشندگی نور او در قیامت

بیان این مطلب به دو وجه تقریر می‌شود:

اول: مؤمن روز قیامت نورش درخشان می‌گردد.

و روایات بسیاری بر این امر دلالت دارد. از جمله امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مردم به مقدار ایمانشان در قیامت نور تقسیم می‌گردد، و به منافق هم تقسیم می‌شود پس نور او بر ابهام پای چپش خواهد بود، نورش خاموش می‌شود و [به مؤمنین] می‌گوید: به جای خود باشید تا از نورتان بهره گیرم. گفته شود: بازگردید پشت سر و نوری درخواست کنید. یعنی از همانجا که نور تقسیم شده. پس وقتی برمی‌گردند بین آنان حجابی قرار داده می‌شود».^۱

و گفتیم که دعا برای حضرت ولی عصر علیه السلام موجب کمال ایمان می‌گردد، بنابراین موجب درخشندگی بیشتر نور مؤمن در قیامت خواهد شد.

دوم: امام صادق علیه السلام فرمود: «ای پسر یعفور! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شش خصلت در هرکس باشد، در پیشگاه خداوند و سمت راست او خواهد بود».

ابن ابی یعفور عرضه داشت: فدایت شوم آنها چیست؟ فرمود: «۱. مرد مسلمان دوست بدارد برای برادرش آنچه را که برای عزیزترین خاندانش دوست می‌دارد. ۲. و اکراه دارد برای برادرش آنچه را که برای عزیزترین خاندانش خوش ندارد. ۳. و در دوستی با او صمیمیت داشته باشد».

ابن ابی یعفور گریه کرد و گفت: چگونه با او صمیمیت کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه به آن مرتبه برسد، همه آنچه در دل دارد به او می‌گوید، پس اگر خوشحال باشد، او هم مسرور می‌گردد و هرگاه اندوهگین باشد، او نیز محزون می‌شود و اگر بتواند ناراحتی‌هایش را برطرف می‌سازد و گرنه برای او به درگاه خداوند دعا کند».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز از آن شما و سه چیز از آن ما است، و آن ۱. شناختن فضیلت ما. ۲. و گام برداشتن در پی ما ۳. و انتظار داشتن عاقبت ما می‌باشد. پس هرکس چنین باشد در پیشگاه خدای - عزوجل - خواهد بود، و کسانی که درجه‌شان پایین‌تر از ایشان است، از نور اینان پرتوگیرند».^۱

از این حدیث معلوم می‌شود که دعاکننده برای تعجیل فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام، مصداق این سه عنوان است، زیرا دعا در حق آن حضرت نشانه معرفت او و پدران گرامی‌اش می‌باشد، و علامت پیروی از آنها در این امر ارزنده و دلیل انتظار عاقبت امر ایشان و انتظار دولت ایشان است.

۴۶ - شفاعت او دربارهٔ هفتاد هزار تن از گناه کاران

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می کند که فرمود: «بهشت را هشت در است، از یک در پیغمبران و صدیقین داخل می شوند، و از در دیگر شهدا و صالحین و از پنج در شیعیان و دوستان ما داخل می شوند، پیوسته بر صراط خواهیم ایستاد. دعا می کنم و می گویم: پروردگارا! شیعیان و دوستان و یاران مرا و کسانی که در دنیا از من پیروی کردند، به سلامت بدار. پس از باطن عرش ندا می رسد: دعایت را مستجاب کردم و دربارهٔ شیعیانت شفاعت دادم. پس هر مرد از شیعیانم و کسانی که از من پیروی کرده اند و مرا یاری نموده و با آنها که با من سر جنگ داشته اند، به عمل یا قول جنگ کرده است در حق هفتاد هزار تن از همسایگان و نزدیکانش شفاعت می کند. و از در دیگر سایر مسلمانان - کسانی که شهادت لا اله الا الله را می گفته اند و در دلشان ذره ای بغض ما اهل بیت نبوده - داخل می شوند.»^۱

مخفی نیست دعا کردن در حق مولا صاحب الزمان علیه السلام و خواستن فرج آن حضرت، از اقسام نصرت و یاری امیر مؤمنان علیه السلام به زبان است. زیرا یاری حضرت حجّت علیه السلام یاری پدر بزرگوارش می باشد، و چون صاحب الزمان علیه السلام انتقام گیرنده از دشمنان و ستمگران نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام است، پس هر آنچه در گرفتن این انتقام مؤثر باشد، در اقسام نصرت آن حضرت داخل است، که از آن جمله دعا است.

۴۷ - بی حساب داخل بهشت شدن

امام صادق علیه السلام در آخر وصایای خود به عبد الله بن جنذب فرمود: «... پس

باقی نمی ماند احدی از کسانی که مؤمنی از دوستان ما را با یک کلمه کمک کرده باشد، مگر اینکه خداوند او را بدون حساب داخل بهشت گرداند.^۱

به توضیح اینکه مکرر گفته ایم: دعا از جمله اقسام یاری کردن به زبان است، بنابراین دعا برای تعجیل فرج مولای ما صاحب الزمان علیه السلام در کامل ترین افراد این عنوان داخل می باشد.

۴۸ - در امان بودن از تشنگی قیامت

چون از کسانی خواهد بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را سیراب می نماید، چنان که در حدیث پرچم هایی که روز قیامت بر آن حضرت وارد می شود، چنین آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سپس پرچمی بر من وارد می شود که (افراد آن) رخسارشان از نور برق می زند، به آنها می گویم: شما کیستید؟ می گویند: ما اهل کلمه توحید و تقوی از امت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله هستیم، و ما ایم بازماندگان اهل حق، کتاب پروردگاران را برگرفتیم و حلال آن را حلال و حرامش را تحریم نمودیم، و ذریه پیغمبران صلی الله علیه و آله را دوست داشتیم، و آنان را با همه وسایلی که برای خودمان به کار می بردیم یاری کردیم، و در خدمت آنان با دشمنانمان جنگ نمودیم. پس به آنها خواهم گفت: بشارت باد شما را که من پیامبر شما محمد صلی الله علیه و آله هستم و به تحقیق که در دنیا همین طور بودید که گفتید. سپس از حوض خودم به آنان آب می دهم. آن گاه سیراب می روند و به یکدیگر اظهار سرور و بشارت می کنند، بعد از آن داخل بهشت می شوند و تا ابد در آن جاودان خواهند ماند».

می گویم: وجه دلالت اینکه گفتیم دعا از اقسام نصرت و یاری است، و نیز این حدیث بر مکرمات دیگری - که خلود در بهشت است - نیز دلالت دارد.

۴۹ - خراش صورت ابلیس

امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمود: «ای اسحاق! تا می توانی به دوستانم نیکی کن که هیچ مؤمنی به مؤمن دیگر احسان یا کمک نکند، مگر اینکه صورت ابلیس را خراشیده و به دلش زخم زده است»^۱.

دعا برای تعجیل فرج مولا صاحب الزمان علیه السلام کمک و احسان است، و آن حضرت اصل ایمان و ریس اهل دین است، پس این فایده بر اعانت و احسان به آن حضرت به نحو اکمل حاصل می گردد.

۵۰ - تحفه و هدیه ویژه در قیامت

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا مؤمن به برادرش تحفه می دهد». عرض کردم: تحفه چیست؟ فرمود: «از قبیل جای نشستن و متکا و غذا و پوشاک و سلام، پس بهشت برای پاداش او گردن می کشد، و خدای - عزوجل - به بهشت وحی فرماید: من خوراک تو را بر اهل دنیا حرام کردم مگر بر پیغمبر و وصی پیغمبر. و چون روز قیامت شود، خداوند به بهشت وحی فرماید که دوستانم را در برابر تحفه هایشان پاداش ده».

و دعا برای تعجیل فرج و ظهور مولا صاحب الزمان علیه السلام هم از مصادیق تحفه است. چنان که پوشیده نیست.

۵۱ - خدمتگزاران بهشتی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر بنده ای در امت من به برادرش در راه خدا مهربانی و لطفی انجام دهد، خداوند از خدمتگزاران بهشتی به خدمتش خواهد گمارد»^۲.

۱. کافی: ۲/۲۰۷.

۲. کافی: ۲/۲۰۶.

۵۲ - سایه گسترده خداوند

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس برادر مسلمانش را با کلمه‌ای گرامی بدارد که به وسیله آن کلمه به او لطف کند و غصه‌اش را برطرف سازد، پیوسته در سایه گسترده خداوند خواهد بود و تا وقتی که در آن حال باشد، رحمت بر او فرود می‌آید».^۱

بنابراین دعا کننده برای فرج مولا صاحب الزمان علیه السلام زیر سایه گسترده خداوند قرار می‌گیرد و مادامی که به دعاگویی آن حضرت مشغول باشد، رحمت بر او نازل می‌گردد.

۵۳ - ثواب خیرخواهی مؤمن

امام صادق علیه السلام فرمود: «بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب، خیرخواه مؤمن باشد».^۲

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عظیم‌ترین مردم از لحاظ منزلت نزد خداوند در روز قیامت کسی است که برای نصیحت و خیرخواهی آفریدگان در زمین بیشتر تلاش نماید».^۳

پُر واضح است که درخواست تعجیل فرج و ظهور برای مولا صاحب الزمان علیه السلام اخلاص و خیرخواهی برای بهترین مؤمنین و نیز برای همه است.

۵۴ - حضور فرشتگان

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر به بوستان‌های بهشت گذرتان افتاد، در آنها به

۱. کافی: ۲/۲۰۶.

۲. کافی: ۲/۲۰۸.

۳. کافی: ۲/۲۰۸.

گردش و تنعم بپردازید». عرض کردند: یا رسول الله! بوستان‌های بهشت چیست؟ فرمود: «حلقه‌های ذکر، خداوند را کاروان‌هایی از فرشتگان است که در پی حلقه‌های ذکر می‌گردند. پس وقتی به آنها برسند پیرامونشان را می‌گیرند».^۱

و امام صادق علیه السلام فرمود: «سه نفر به بالا از مؤمنین جمع نشوند، مگر اینکه به مثل آنها از فرشتگان حاضر گردند. پس اگر دعای خیر کنند، آمین گویند، و اگر از شری به خدا پناه ببرند، فرشتگان از خداوند می‌خواهند که آن شر را از آنان دور نماید و اگر حاجتی بخواهند، به درگاه الهی شفاعت کنند و قضای آن را تقاضا نمایند...».^۲

بنابراین مجلسی که در آن برای حضرت قائم علیه السلام دعا شود، جایگاهی برای حضور فرشتگان گردد، و فرشتگان اهل آن مجالس را در دعا یاری می‌دهند.

۵۵ - مباحث خداوند متعال

امام صادق علیه السلام به داود بن سرحان فرمود: «ای داود! سلام مرا به دوستان و پیروانم برسان. و اینکه می‌گویم: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که با دیگری جمع بشود پس امر ما را مذاکره نمایند که سومی آنان فرشته‌ای خواهد بود که برای آن دو طلب مغفرت کند، و هیچ‌گاه دو نفری بر یاد ما جمع نشوند مگر اینکه خدای تعالی به جهت [اجتماع] آنان به فرشتگانش مباحث می‌نماید. پس هرگاه اجتماع کردید به یادآوری و گفت و شنود امر ما بپردازید، که در جمع شدن و مذاکره شما احیای امر ما است و بهترین مردم بعد از ما کسی است که امر ما را مذاکره کند و به یاد ما دعوت نماید».^۳

۲. کافی: ۱۸۷/۲.

۱. بحار الانوار: ۲۰۵/۱.

۳. بحار الانوار: ۲۰۰/۱.

۵۶ - اطاعت اولی الامر

امام صادق علیه السلام در مورد آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱ فرمود: «خصوص ما منظور هستیم».^۲
و امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمود: «[اولی الامر] امامان از فرزندان علی و فاطمه - علیهم السلام - تا روز قیامت».^۳

بنابراین عمل به روایاتی که از امامان علیهم السلام در امر به دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام رسیده، اطاعت از اولی الامر است. و اطاعت اولی الامر بهترین چیزی است که بندگان به سوی خدا بدان تقرب می جویند.
امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین چیزی که بندگان به وسیله آن به خداوند تقرب جویند، اطاعت خداوند و اطاعت فرستاده او و اطاعت اولی الامر است».^۴

۵۷ - خرسندی خداوند متعال و رسول او

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مؤمنی را مسرور سازد، همانا مرا مسرور کرده، و هر کس مرا مسرور کند، همانا خدا را مسرور نموده است».^۵
بنابراین، این دعا از موجبات سرور و رضای الهی و رسول او است، زیرا که وقتی مؤمن در حق امام خود دعا کند امام خویش را مسرور نموده است، و خرسندی امام علیه السلام مایه سرور خدا و رسول اوست.

۵۸ - محبوبترین اعمال

این دعا بهترین اعمال به سوی خدای تعالی است، زیرا موجب خوشحالی

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲. تفسیر برهان: ۱/۳۸۴.

۳. تفسیر برهان: ۱/۳۸۳.

۴. کافی: ۱/۱۸۷.

۵. کافی: ۱/۱۸۸.

امام و پیشوای مؤمنین و افضل آنان می باشد. از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «همانا محبوبترین کارها نزد خداوند - عزوجل - خوشی رساندن به مؤمنین می باشد».^۱

۵۹ - حکومت در بهشت

امام باقر علیه السلام فرمود: «از جمله چیزهایی که خداوند - عزوجل - با بنده اش موسی علیه السلام مناجات کرد این بود که فرمود: همانا بندگان برای من هستند که بهشت خود را بر آنها مباح نمایم و در آن ایشان را حکومت دهم. موسی گفت: پروردگارا! اینها کیانند که بهشت را بر آنها مباح نمایی و در آن حکومتشان دهی؟ فرمود: هرکس به مؤمنی خوشحالی برساند...».^۲

۶۰ - به آسانی به حساب او رسیدگی می شود

امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمود: «هنگامی که خداوند مؤمن را از قبرش برانگیزد، صورتی با او خارج شود که پیشاپیش وی راه رود، که هرگاه مؤمن یکی از احوال قیامت را بنگرد، آن مثال به او گوید: هراسان و غمگین مباش، مژده باد تو را به خوشی و کرامت خداوند متعال، تا اینکه در پیشگاه خدا بایستی، پس به آسانی او را محاسبه نماید و به سوی بهشتش فرمان دهد، در حالی که آن صورت پیش روی اوست. مؤمن به آن گوید: خدا رحمت کند! چه خوب کسی بودی که از قبر همراهم در آمدی و همواره مرا به شادمانی و کرامت الهی مژده دادی تا آن را دیدم. پس از آن گوید: تو کیستی؟ می گوید: من همان شادمانی و سروری هستم که در دنیا بر برادر مؤمنت وارد کردم. خدای تعالی مرا از آن سرور آفرید تا تو را مژده دهم».^۳

۲. کافی: ۱/۱۸۸.

۱. کافی: ۱/۱۸۹.

۳. کافی: ۱/۱۹۰.

بدون تردید مولای ما صاحب الزمان و پدران بزرگوارش - علیهم السلام - بر اثر دعای مؤمن برای تعجیل ظهور و فرج مولا صاحب الزمان علیه السلام خوشحال و مسرور می شوند. بنابراین به نحو تامی تمام آثاری که بر خرسند کردن مؤمنین مترتب است بر این دعای شریف مترتب می گردد.

۶۱ - دعا در عصر غیبت بهتر از زمان ظهور امام علیه السلام است

امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! صدقه در سرّ از صدقه آشکارا بهتر است. همین طور به خدا قسم! عبادت شما در پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنان و یا صلح با او بهتر است از کسی که خدا را در زمان ظهور حق با امام برحق ظاهر در دولت حق عبادت نماید. و عبادت توأم با ترس از دولت باطل همچون عبادت و امنیت در دولت حق نیست».^۱ شایان ذکر اینکه دعا از بهترین و مهم ترین عبادت ها است،^۲ به خصوص دعا در حق صاحب الزمان علیه السلام.

۶۲ - دعای فرشتگان در حق او

امام باقر علیه السلام فرمود: «نزدیک ترین دعایی که زود به اجابت برسد دعای برادر دینی برای برادر خویش در غیاب او است، اینکه با دعا برای برادرش آغاز کند، پس فرشته ای که موکل بر او است بگوید: آمین و برای تو دو چندان آن باشد».^۳

۱. کافی: ۳۳۳/۱.

۲. کلینی در اصول کافی: ۴۶۶/۲، باب فضیلت دعا و تأکید بر آن، به سند صحیحی از زراره از امام باقر علیه السلام آورده که فرمودند: خدای - عز و جل - می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾؛ همانا آنان که از پرستش من سر برافرازند، زود است که با سرافکنندگی داخل جهنم شوند. فرمودند: [منظور از پرستش] دعاست و بهترین عبادت دعا است. عرض کردم: کلمه اوّاه در فرموده خداوند: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾، معنایش چیست؟ فرمودند: اوّاه یعنی بسیار دعا کننده. (مؤلف)

۳. کافی: ۵۰۷/۲.

و نیز حضرت سید الساجدین علیه السلام فرمود: «همانا فرشتگان اگر بشنوند که مؤمن برای برادر مؤمنش در غیاب او دعا می‌کند یا به خوبی یادش می‌نماید، گویند: خوب برادری هستی برای برادرت، برایش به نیکی دعا می‌کنی در حالی که از تو غایب است، و از او به خوبی یاد می‌آوری، خدای -عزوجل- دو برابر آنچه برایش خواستی به تو عنایت فرماید، و دوچندان که او را به نیکی یاد کردی بر تو ثنا گوید...»^۱

۶۳ - دعای حضرت سجّاد علیه السلام برای دعاکنندگان

امام سجّاد علیه السلام در دعای روز عرفه پس از دعا کردن دربارهٔ مولایمان صاحب الزمان علیه السلام چنین دعا کرده است: «بارالها! درود و صلوات فرست بر دوستان، آنان که مقامشان را اعتراف دارند و از روش ایشان تبعیت نمایند، و از آثارشان پیروی کنند، و به آنان دست یابند، و به ولایتشان تمسک جویند، و به امامتشان اقتدا کنند، و تسلیم امرشان باشند، و در اطاعتشان کوشش نمایند، و منتظر روزگار حکومتشان باشند، و دیده‌ها به سوی ایشان بدوزند، صلوات‌های مبارک پا کیزهٔ نموکننده در هر صبح و شام، بر آنان و ارواح ایشان سلام فرست، و امرشان را بر تقوی جمع گردان، و وضعشان را به سامان برسان، و توبهٔ ایشان را بپذیر که تویی توبه‌پذیر و مهربان، و بهترین آمرزندگان، و ما را در دارالسلام (سرای سلامت بهشت) با آنان قرار ده، به رحمت خودت ای مهربان‌ترین مهربانان».

و البته هرگاه مؤمن برای تعجیل فرج مولایش دعا کند، از مصادیق یاد شدگان در این دعا می‌شود، و این دعا درباره‌اش به اجابت می‌رسد.

۶۴ - تمسک به ثقلین

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام دربارهٔ معنی فرمودهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله: «إِنِّي مُخَلَّفٌ

فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي»؛ من در میان شما ثقلین - دو شیء نفیس - را ترک می‌گویم، کتاب خدا و عترتم را. سؤال شد: عترت پیامبر کیانند؟ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «من و حسن و حسین و امامان نه گانه از فرزندان حسین، نهمین مهدی و قائم ایشان است. از کتاب خداوند جدا نشوند و آن نیز از ایشان جدا نشود تا اینکه برکنار حوض (کوثر) بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگردند».

تمسک به عترت با متابعت از ایشان حاصل می‌گردد، و چون دعا کردن برای تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان - عجل الله فرجه الشریف - متابعت با زبان از ایشان است و از اعتقاد به آنان و ثابت بودن بر آن سرچشمه می‌گیرد، بنابراین دعا کننده از مصادیق متمسک به ثقلین است.

۶۵ - چنگ زدن به ریسمان الهی

از امام صادق علیه السلام روایت آمده که فرمود: «ماییم ریسمان خداوند، که خدای تعالی فرموده: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۱».^۲

۶۶ - کمال ایمان

نظر به اینکه دعا برای تعجیل فرج حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - اظهر محبت زبانی نسبت به امیر مؤمنان علیه السلام است، مایه کمال ایمان می‌باشد. در روایات متعددی آمده است: هر کس آن حضرت را به زبان دوست بدارد، یک سوم ایمان در او کامل می‌گردد.^۳

و نیز امام رضا علیه السلام از جد بزرگوارش علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «برادرم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: هر کس دوست دارد خدای - عزوجل - را در حالی

۲. غایة المرام: ۲۴۲.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳. البرهان: ۵۲۱/۴ - ۵۲۲.

ملاقات کند که به او روی نموده و از او اعراض نکرده باشد، باید ولایت علی را دارا شود،... (تا جایی که فرمود:) و هر کس دوست می‌دارد خدای -عزوجل- را در حالی ملاقات کند که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، ولای حجت صاحب الزمان منتظر را پیشه کند...^۱ مراد از تولی هر یک از امامان علیهم‌السلام - که در این حدیث آمده - اظهار محبت نسبت به ایشان می‌باشد، و تردیدی نیست که دعا از مصادیق بارز اظهار محبت است.

۶۷ - ثواب عبادت کنندگان

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «همانا مثل تو همچون قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ است، هر کس آن را یک بار بخواند، مانند آن است که یک سوم قرآن را خوانده باشد، و هر کس آن را دو بار بخواند مثل این است که دو سوم قرآن را خوانده باشد، و هر کس آن را سه بار بخواند، مانند کسی است که تمام قرآن را خوانده باشد. تو نیز چنین هستی که هر کس در دل دوستت بدارد، یک سوم ثواب بندگان را خواهد داشت، و هر کس به دل و زبانش دوستت بدارد، دو سوم ثواب بندگان را خواهد داشت، و هر کس به دل و زبان و دستش دوستت بدارد، ثواب تمام بندگان را خواهد داشت».

بنابر این حدیث، هر کس به خاطر محبت نسبت به امیرمؤمنان علیه‌السلام، برای مولایمان صاحب الزمان علیه‌السلام درخواست یاری و فرج کند و دست‌هایش را به سوی آسمان بردارد و از خداوند این حاجت بزرگ را تقاضا نماید، از مصادیق دوست‌داران امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و دوستی آن حضرت را با دست و زبان ابراز می‌دارد.

۶۸ - ثواب شهادت در رکاب رسول خدا ﷺ و زیر پرچم قائم ﷺ

امام باقر علیه السلام فرمود: «آنکه از شما این امر را شناخته و منتظر آن باشد و خوبی را در آن ببیند، مانند کسی است که به خدا قسم در رکاب قائم آل محمد - علیه السلام - با شمشیر خود جهاد کرده باشد». سپس فرمود: «بلکه والله مثل کسی است که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیرش جهاد کرده باشد». و بار سوم فرمود: «بلکه به خدا قسم همچون کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد».

۶۹ - ثواب گرامی داشت و ادای حق عالم

امیر المؤمنین علیه السلام در بیان حق عالم فرمود: «باید در حضور و غیاب، احترام او حفظ شود و حق او شناخته گردد، که عالم از روزه داری که شبها را به عبادت به سر برد و در راه خدا جهاد کند اجرش بیشتر است».

بنابراین چون دعا کردن حفظ حرمت آن حضرت است در حضور و غیاب، بر مؤمن لازم است که به آن اهتمام ورزد.

۷۰ - محشور شدن در زمرة امامان علیهم السلام

حضرت سید الشهداء علیه السلام در شب عاشورا فرمود: «به تحقیق که جدم خبر داد که فرزندم حسین علیه السلام در طّف کربلا غریب، تنها و تشنه کشته خواهد شد، پس هرکس او را یاری کند، مرا یاری کرده و فرزندش قائم علیه السلام را یاری نموده و هرکس به زبانش ما را یاری کند روز قیامت در حزب ما خواهد بود».

۷۱ - بالا رفتن درجات در بهشت

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر می خواهید محمد و علی - علیهما السلام - نزد خداوند منزلت های شما را والا سازند، پس شیعیان محمد و علی - علیهما السلام - را دوست بدارید

و در برآوردن حوائج مؤمنین جدیت نمایند...» [تا آنجا که فرمود:] «هر کدام که محبتش نسبت به شیعه بیشتر و در ادای حقوق برادران مؤمن پیش قدم تر بوده، درجاتش در بهشت بالاتر خواهد بود، تا آنجا که در بین آنان کسی باشد که از دیگری به مقدار پانصد سال راه در کاخ‌ها و بهشت‌های بالاتری قرار گیرد»^۱.

و مخفی نیست که دعا برای امام زمان علیه السلام ادای قسمتی از حقوق زیاد آن حضرت است.

۷۲ - ایمنی از سختی حساب قیامت

زیرا این دعا صلۀ رحم آل محمد علیهم السلام می‌باشد، و خدای تعالی فرموده:

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾^۲؛ و آنان که به پیوندی که خداوند به آن امر فرموده می‌پیوندند و از عذاب پروردگارشان و سختی حساب می‌ترسند.

عمر بن مریم گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ سؤال کردم. فرمود: «از جمله آن، صلۀ رحم است و نهایت تأویل آن این که با ما پیوند داشته باشی».

۷۳ - رستگاری به عالی‌ترین درجات شهدا

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «از برترین درجه‌داران شهدا در روز قیامت، کسی است که خدا و رسول او را در غیاب یاری نموده و از خدا و رسولش دفاع کرده باشد».

۱. تفسیر امام عسکری، ۱۵۵؛ چاپ جدید، ۴۰۱

۲. سوره رعد، آیه ۲۱.

۷۴ - رستگاری به شفاعت صدیقه کبری علیها السلام

پیغمبر صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی طولانی فرمود: «... جبرئیل می گوید: ای فاطمه! حاجات خود را بخواه، پس می گویی: خدایا! شیعیانم. خدای تعالی خواهد فرمود: آنان را آمرزیدم. پس می گویی پروردگارا! شیعیان فرزندانم. خداوند فرماید: البسته آنان را آمرزیدم. پس خواهی گفت: پروردگارا! پیروان شیعیانم. آنگاه خداوند خواهد فرمود: برو! هرکس به تو پناه جسته، با تو در بهشت باشد. در آن هنگام است که خلائق آرزو کنند کاش که فاطمی می بودند».

بدون تردید دعا درباره صاحب الزمان علیه السلام از واضح ترین اقسام پناه جستن به سیده زنان است، اضافه بر اینکه از نشانه های تشیع و محبت می باشد.

۷۵ - ثواب احسان به مولا صاحب الزمان علیه السلام

این مطلب به چند وجه قابل بیان است:

اول: دعا، تعظیم و گرامی داشت افراد و از اقسام احسان و نیکی است.

دوم: دعا کردن در تعجیل فرج و ظهور، تأثیر و مدخلیت دارد، لذا اهتمام ورزیدن به تمام آنچه در این امر عظیم مؤثر است، احسان به مولای خائف و غائب از نظرمان می باشد.

سوم: این دعا، اطاعت از امر آن حضرت است، و فرمان برداری نسبت به مولا، به هرگونه که باشد، احسان به او است. بلکه دعا برای آن حضرت احسان به خاتم انبیا و امامان معصوم و تمام پیغمبران و رسولان علیهم السلام - و همه مؤمنان است. و نظر به اینکه دعا در پیش افتادن فرج و ظهور مؤثر است، بنابراین در روا شدن حاجت ایشان نیز مدخلیت دارد. زیرا تمام حوایج ایشان در گرو استجابت این دعا است. بنابراین تمام ثواب ها و نتایجی که در روایات

برای برآوردن حاجت مؤمن ذکر شده، بر دعا برای تعجیل فرج مولا حضرت صاحب الزمان علیه السلام به نحو اتم و اکمل مترتب می‌باشد. به همین مناسبت اموری که در روایات برای برآوردن حاجت مؤمن ذکر شده در ذیل می‌آوریم:

الف) ثواب حج و عمره و اعتکاف و روزه دو ماه

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس که در برآوردن حاجت برادر مسلمان خود گام بردارد و در آن جدیت کند، و خداوند برآورده شدن آن حاجت را به دست او قرار دهد، خدای -عزوجل- برایش ثواب یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام و روزه آنها را می‌نویسد، و اگر در آن تلاش کند ولی خداوند برآورده شدن آن حاجت را بر دست او قرار ندهد، خدای -عزوجل- ثواب یک حج و یک عمره برای او خواهد نوشت».^۱

ب) قبول شدن شفاعت و روا شدن هزار حاجت او در قیامت

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «ای مفضل! بشنو چه می‌گویم و بدان حق است و آن را انجام ده و برادران بزرگوارت را از آن خبر کن».

عرض کردم: فدایت شوم برادران بزرگوارم کیانند؟ فرمود: «آنان که در رواساختن حوایج برادران خود راغب هستند». سپس فرمود: «و هر کس برای برادر مؤمن خود حاجتی روا سازد، خداوند برای او روز قیامت صد هزار حاجت برآورده سازد، از جمله اولین آنها بهشت است و اینکه خویشاوندان و آشنایان و برادرانش را - به شرط اینکه ناصبی نباشند - داخل بهشت گرداند...».^۲

ج) ثواب ده طواف خانه کعبه

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هفت شوط خانه کعبه را طواف کند، خداوند

برایش شش هزار حسنه می نویسد و شش هزار سیئه از او محو می سازد». سپس فرمود: «برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از طوافی و طواف دیگر، تا ده طواف برشمرد».^۱

د) ثواب آزاد کردن بردگان

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای من گام برداشتن در راه حاجت برادر مسلمانم خوش تر است که هزار برده آزاد کنم و هزار اسب زین و لجام کرده فرستم».^۲

ه) حمایت هفتاد و پنج هزار فرشته

امام باقر علیه السلام فرمود: «هرکس در راه رو ساختن حاجت برادر مسلمانش قدم بردارد، خداوند او را با هفتاد و پنج هزار فرشته سایه می دهد، و هیچ گامی بر نمی دارد مگر اینکه به خاطر آن حسنه ای برایش نوشته شود و گناهی از او دور گردد و درجه ای بالا رود، پس هرگاه از انجام حاجت او فراغت یافت، خدای -عزوجل- برای او به خاطر آن، پاداش یک حج و یک عمره می نویسد».^۳

و) ثواب هزار سال خدمت پروردگار

از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکه در جهت روا ساختن حاجت برادر مؤمن خویش که رضای خدای -عزوجل- در آن باشد و برای او مصلحتی در آن هست، تلاش کند، مثل آن است که خدای -عزوجل- را هزار سال خدمت کرده که یک چشم برهم زدن در معصیت او نیفتاده باشد».^۴

ز) ثواب نه هزار سال نماز و روزه

میمون بن مهران گوید: در محضر مولایم حضرت حسن بن علی علیه السلام بودم

۱. کافی، ۲ / ۱۹۴.

۲. کافی، ۲، ۱۹۷.

۳. کافی، ۲ / ۱۹۷.

۴. کمال الدین، ۲ / ۵۴۱.

که مردی آمد و عرضه داشت: ای پسر رسول خدا ﷺ! فلانی از من پولی طلب‌کار است و می‌خواهد مرا زندان کند. فرمود: «به خدا سوگند! مالی ندارم که از سوی تو بپردازم».

عرضه داشت: پس با او سخن بگو. فرمود: «من که با او دوستی و انسی ندارم، لیکن از پدرم شنیدم از جدم رسول خدا ﷺ حدیث گفت که آن جناب فرمود: هر کس در روا ساختن حاجت برادر مؤمن خود سعی کند، چنان است که نه هزار سال خداوند را عبادت کرده، روزها روزه‌دار و شب‌ها به نماز اشتغال داشته باشد»^۱.

بخش ششم

اوقات و حالات تأکید شده برای دعا

در این بخش مواردی که دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام و درخواست ظهور آن جناب از درگاه خداوند، در آن وقت سفارش و تأکید بیشتری شده، و از آیات و روایات و دلیل عقل، شواهدی بر آنها هست، بیان می شود:

۱ - بعد از هر نماز واجب

امام صادق علیه السلام فرمود: «از جمله حقوق ما بر شیعیان این است که بعد از فریضه، دست بر چانه بگیرند و سه مرتبه بگویند: «یا رَبِّ مُحَمَّدٍ! عَجَلُ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ، یا رَبِّ مُحَمَّدٍ! اخْفِظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ، یا رَبِّ مُحَمَّدٍ! انْتَقِمْ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»؛ ای پروردگار محمد! فرج آل محمد علیهم السلام را زودتر گردان. ای پروردگار محمد! [دینت را در] پنهانی محمد صلی الله علیه و آله حفظ کن. ای پروردگار محمد! برای دختر محمد علیه السلام - انتقام بگیر.

جمیل بن درّاج گوید: مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای آقای من! ستم بالا رفته و خویشانم مرده اند، و من می ترسم که مرگ مرا دریابد در حالی که کسی را نداشته باشم، تا با او انس بگیرم و به او مراجعه نمایم.

امام علیه السلام فرمود: «از برادران ایمانی تو کسی هست که از قرابت نسب یا سبب به تو نزدیکتر است، و انس تو به او از انس به خویشانت بیشتر است، با این حال بر تو باد دعا، و اینکه پس از هر نماز بگویی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنَّ الصَّادِقَ الْأَمِينَ علیه السلام قَالَ: إِنَّكَ قُلْتَ: مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَكْرَهُ مَسَائِتَهُ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِأَوْلِيَائِكَ الْفَرَجَ وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ وَلَا تُسَوِّنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَجِبَتِي» و اگر خواهی یک یک بستگان را نام ببری، و یا به طور پراکنده یا همه را یک جا یاد کن». آن مرد می‌گوید: به خدا قسم! آن قدر عمر کردم تا اینکه از زندگی خسته شدم.

ابو محمد هارون بن موسی گوید: محمد بن الحسن بن شمون بصری این دعا را می‌خواند و صد و بیست و هشت سال با فراخی عمر کرد. تا از زندگی ملول شد و این دعا را ترک کرد، سپس از دنیا رفت، خدایش رحمت کند.^۱

تذکر: سر مطلب [تأکید بر دعا بعد از نماز] در این است که حقیقت عبادت و اصل آن و شرط قبولی اش معرفت امام علیه السلام و دوستی او است، پس لازم است که مؤمن بعد از هر نماز، حقیقت ایمان خود و راستی و لایش را نسبت به مولایش ابراز دارد، و با دعا برای او و تقاضای تعجیل فرجش از درگاه خدای عزّ و جلّ ارادتش را اظهار نماید، تا نمازش با سبب قبولی مقترن گردد.

۲ - بعد از نماز ظهر

از اوقاتی که دعا برای تعجیل فرج مولا صاحب الزمان -عجل الله فرجه الشریف- تأکید بیشتری دارد، بعد از نماز ظهر است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس بعد

از نماز صبح و ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»،
نمی‌میرد تا اینکه قائم علیه السلام را دیدار کند»^۱.

و نیز از عبّاد بن محمد روایت شده که گفت: بر امام صادق علیه السلام در مدینه
وارد شدم، هنگامی که از نماز واجب ظهر فراغت یافت، در حالی که
دست‌هایش را به سمت آسمان بلند کرده بود، می‌گفت: «أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ،
أَيُّ جَامِعٍ كُلِّ فَوْتٍ، أَيُّ بَارِيٍّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، أَيُّ بَاعِثٍ، أَيُّ وَارِثٍ، أَيُّ سَيِّدِ
السَّادَاتِ، أَيُّ إِلَهٍ الْإِلَهَةِ، أَيُّ جَبَّارِ الْجَبَابِرَةِ، أَيُّ مَالِكٍ (مَلِكِ) الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَيُّ
رَبِّ الْأَرْبَابِ، أَيُّ مَلِكِ الْمُلُوكِ، أَيُّ بَطَّاشٍ، أَيُّ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، أَيُّ فَعَّالٍ لِمَا يُرِيدُ،
أَيُّ مُخْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ، أَيُّ مَنْ السَّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ، أَيُّ مُبْدِيٍّ، أَيُّ
مُعِيدٍ! أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيَّ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيَّ نَفْسِكَ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفِكَارِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
وَأَنْجِزْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِابْنِكَ وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ
وَخُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ وَعَدَّةُ، اللَّهُمَّ أَيِّدُهُ بِنَصْرِكَ وَأَنْصُرْ عَبْدَكَ
وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَمْكِنُهُ مِنْ
أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۲؛

راوی گفت: فدایت شوم! آیا چنین نیست که برای خودت دعا کردی؟
فرمود: «برای نور آل محمد علیهم السلام و سابق ایشان و انتقام گیرنده از دشمنانشان به امر
خداوند، دعا کردم». عرضه داشتیم: خداوند مرا فدایت سازد، چه هنگام
خروجش خواهد شد؟ فرمود: «هرگاه کسی که خلق و امر به دست او است
(خدا) بخواهد».

۱. بحار الانوار، ۸۶ / ۷۷.

۲. بحار الانوار، ۸۶ / ۶۲: فلاح السائل، ۱۷۰.

۳- بعد از نماز عصر

سومین وقتی که دعا برای تعجیل فرج حضرت صاحب الامر -عجل الله فرجه الشریف- تأکید شده بعد از نماز عصر است.

یحیی بن الفضل نوفلی گوید: بر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم، هنگامی که نماز عصر را پایان داده بود، آن‌گاه دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرد و شنیدم که می‌گفت: «أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْصَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقَ الْقَبْلِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقَ الْبَعْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللُّغَاتُ وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ، كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُخَيِّبِ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يُخَيَّبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»؛

راوی می‌گوید: عرض کردم: دعا برای چه کسی بود؟ فرمود: «او مهدی آل محمد علیهم السلام است». سپس فرمود: «پدرم قربان آن فربه شکم، پیوسته ابرو، باریک ساق که شانه‌هایش پهن است، گندم‌گونی که با وجود آن از اثر شب زنده‌داری به زردی نیز آمیخته است، پدرم فدای کسی که شب خود را با رکوع و سجود به شمارش ستارگان می‌گذراند، پدرم قربان کسی که در راه خدا ملامت هیچ

ملامت‌کننده‌ای بر او اثر نمی‌کند، چراغ تاریکی، پدرم فدای کسی باد که قائم به امر خداوند است»^۱.

۴ - بعد از نماز صبح

یکی دیگر از مواقعی که دعا برای تعجیل فرج تأکید بیشتری دارد، پس از نماز صبح است. در تعقیب نماز صبح آمده: پس از نماز صبح پیش از آنکه حرفی بزند صدبار بگوید: «يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»؛ پروردگارا! بر محمد و آل او درود فرست و گشایش کار آل محمد را زودتر برسان و گردنم را از آتش [دوزخ] رهایی بخش.

۵ - در قنوت نمازها

سید اجل علی بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «مهج الدعوات» قنوت تعدادی از ائمه عليهم السلام را در مورد دعا برای تعجیل فرج حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - آورده است. که ما به ذکر قنوت حضرت حجّت عليه السلام اکتفا می‌نمائیم:

مولای عزیزمان حضرت حجّت عليه السلام در قنوت فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ وَبَلِّغْهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمُرُونَ مِنْ نَصْرِكَ، وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَيَّ رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ وَاسْتِعَانِ بِرِفْدِكَ عَلَيَّ فَلْ حَدِّكْ وَقْصِدْ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِيكَ وَوَسَعْتَهُ حِلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَيَّ جَهْرَةً أَوْ تَسْتَأْصِلَهُ عَلَيَّ غَرَّةً، فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَارْتَبَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ، وَقُلْتُ: فَلَمَّا آسَفُونَا

اَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَإِنَّا لِعَظِيمِكُمْ غَاضِبُونَ، وَإِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ
 مُتَغَاضِبُونَ، وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ، وَإِلَاجُ نَجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ، وَلِحُلُولِ وَعِيدِكَ
 بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ. اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ بِذَلِكَ وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ وَوَطِّئْ مَسَالِكَهُ
 وَاشْرَعْ شَرَايِعَهُ وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ وَبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَابْسُطْ سَيْفَ
 نِقْمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ، وَخُذْ بِالْأَشَارِ إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَارٌ؛ خدایا! بر محمد و آل
 محمد درود فرست و اولیاءت را با منجز نمودن وعدهات گرامی بدار، و آنها را به آنچه از
 یاریات امید دارند برسان، و زیان کسانی را که برخلاف تو برخیزند از ایشان دور گردان،
 و اذیت کسی را که بر ممنوعیت ارتکاب مخالفتت سرکشی نموده و با کمک عنایات و
 نعمت‌های تو در صدد از هم گسستن حدّ تو برآمده و با همان نعمت‌های تو قصد نیرنگ با
 تو کرده از آنها بازدار، که تو او را با بردباری فراگرفته‌ای تا او را آشکارا برگیری، یا در
 حالی که مغرور شده باشد از ریشه برآوری، که البته ای پروردگار! تو فرموده‌ای و فرموده‌ات
 حقّ است: «تا اینکه وقتی زمین سبزی و زینت به خود گرفت و اهل آن پنداشتند که بر آن
 توان دارند، امر ما در شب یا روز آن را فرارسید، پس آن را درو کردیم انگار که دیروزش
 هیچ سبزه‌ای نداشته، این چنین آیات را برای قومی که اندیشه کند تفصیل می‌دهیم» و نیز
 فرموده‌ای: «پس چون ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم» و به راستی که آخرین
 فرصت نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو غضبناک هستیم، و ما بر یاری حق هم‌داستانیم
 و به آمدن فرمانت مشتاقیم و برای تحقق یافتن وعدهات در انتظاریم و حلول عذابت را بر
 دشمنانت متوقعیم. بارها! پس در آن امر ما را اذن بده و راه‌هایش را بگشای و نحوه
 بیرون شدنش را آسان کن و زمینه‌های پیمودنش را فراهم ساز و راه‌های آیین‌هایش را بگشای
 و سپاهیان و یاورانش را تأیید فرمای و عذابت را به ستمگران زودتر برسان و شمشیر
 نِقمتت را بر دشمنان معاندت بگستران و خونخواهی کن که تو بخشنده بسیار مکرکننده‌ای.

۶ - در حال سجده

ششمین هنگامی که دعا برای تعجیل فرج تأکید بیشتری دارد، حالت سجده برای خدای متعال است، زیرا نزدیک‌ترین حالات به خدای قاضی الحاجات است، پس شایسته است که بنده در حال سجده مهم‌ترین حاجت‌ها را بخواهد و به آن اهتمام ورزد، به خصوص در سجده شکر به جهت توجه داشتن و ملتفت بودن به اینکه هر چه خداوند به ما نعمت بخشیده به برکت مولایمان صاحب الزمان علیه السلام است.

در کتاب «تحفة الابرار» در خصوص سجده شکر آمده: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فَكُفِّنِي مَا أَهْمَنِي وَمَا لَمْ يُهْمَنِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ...»؛ پروردگارا! به سوی تو روی آوردم و به تو پیوستم و بر تو تکیه و اعتماد کردم. پروردگارا! تو پناه و امید منی، پس کفایت کن آنچه مرا اندوهگین ساخته و آنچه اندوهگین نساخته و آنچه تو بهتر از من، آن را می‌دانی. پناهنده به تو عزت یافت و ثنای تو والا است و هیچ خدایی جز تو نیست، بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و گشایش امر آنها را زودتر برسان....

۷ - هر صبح و شام

در توقیع رسیده از ناحیه مقدسه آن حضرت است که: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ»؛ و برای زودتر رسیدن فرج بسیار دعا کنید.

۸ - آخرین ساعت از هر روز

باید توجه داشت که هر روز به دوازده قسمت تقسیم می‌شود و هر قسمت را یک ساعت نامیده‌اند که هر ساعت آن منسوب به یکی از امامان برحق علیهم السلام

است، و به جهت توسل و عرض حاجت به آن امامی که ساعت منسوب به او است دعای مخصوصی دارد، این دعاها در کتاب‌هایی که برای بیان اعمال شب و روز تألیف شده آمده، که ساعت آخر به امام عصر و پیشوای غایب از نظر -عجل الله فرجه الشریف- اختصاص دارد و این دعا را برای آن ساعت ذکر کرده‌اند: «يَا مَنْ تَوَخَّذَ بِنَفْسِهِ عَنِ خَلْقِهِ...»^۱؛ ای آنکه به خود از خلقش یگانه است!

۹ - روز پنج‌شنبه

سید ابن طاووس در کتاب «جمال الأسبوع» آورده: ... و از وظایف روز پنج‌شنبه اینکه مستحب است انسان بر پیغمبر ﷺ هزار بار صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»؛ خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایش امر حکومتشان را زودتر برسان.

وی افزوده: و در روایت دیگری است که صد بار می‌گویی که فضیلت بسیار دارد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»؛ بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج آنها را زودتر برسان و دشمنان‌شان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.^۲

۱۰ - شب جمعه

از جمله اعمال شب جمعه آن است که صد بار گفته شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ».^۳

۱. این دعا در حاشیه کتاب مفاتیح الجنان ذیل «دعای ساعت دوازدهم» آورده شده است. و در بحارالانوار، ۸۶ / ۳۴۰ نیز آمده است. (ملخص)

۲. جمال الاسبوع، ۱۷۹. ۳. بحارالانوار، ۸۹ / ۲۸۹.

۱۱ - روز جمعه

در تمام ساعت‌های آن به طور عموم و به خصوص پس از نماز صبح و هنگام ظهر و هنگام رفتن به مسجد و بعد از نماز عصر و در قنوت نماز ظهر آن روز و در قنوت نماز جمعه و در خطبه نماز جمعه و در آخرین ساعت روز جمعه، گواه بر آنچه گفتیم آن است که دعا برای آن حضرت در آن اوقات مخصوص، از امامان معصوم علیهم‌السلام وارد شده است.

تکمیل: بدان که روز جمعه از چند جهت به مولایمان حضرت حجت‌الاسلام اختصاص و انتساب دارد، که مقتضی اهتمام ورزیدن بیشتر در این روز به دعا کردن برای آن بزرگوار است.

اول: واقع شدن ولادت باسعادت آن حضرت در این روز.

دوم: در این روز مقام مقدّس امامت به او منتقل گردیده.

سوم: ظهور و آشکار شدن آن جناب در این روز واقع خواهد شد.

چهارم: در این روز بر دشمنانش پیروز می‌گردد.

پنجم: روزی است که خداوند آن حضرت را، به لقب قائم اختصاص داد.

۱۲ - روز نوروز

روز نوروز هم از جمله اوقاتی است که در آن، دعا برای آن حضرت علیهم‌السلام و درخواست ظهور و فرجش از درگاه خداوند تأکید گردیده است، که در بحار^۱ و زاد المعاد^۲ مذکور می‌باشد.

۱. بحار الانوار، ۵۲ / ۳۰۸.

۲. زاد المعاد، ۵۲۳.

۱۳ - روز عرفه

شاهد بر آن، دعای امام چهارمین حضرت سید الساجدین علیه السلام، و نیز دعای مولایمان امام صادق علیه السلام است.^۱

۱۴ - روز عید فطر و عید قربان

شاهد بر آن، دعایی است که هنگام مهیا شدن برای رفتن به نماز عید فطر یا قربان روایت شده است.^۲ و نیز استحباب خواندن دعای ندبه در آن روز، بر این مطلب دلالت دارد.

از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «هیچ روز عید فطر و اضحی (قربان) نیست مگر اینکه اندوهی برای امامان علیهم السلام تجدید می‌گردد، چون که حق خود را در دست غصب‌کنندگان می‌بینند».^۳

۱۵ - روز غدیر

شاهد بر تأکید دعا در روز غدیر، ورود آن به طور خاص در دعایی است که در کتاب‌های اقبال و زاد المعاد^۴ یاد شده، اول آن دعا چنین است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيِّ وَلِيِّكَ وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَّصْتَهُمَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ»؛ خدایا! به حق محمد پیامبرت و علی ولایت و شأن و منزلتی که از بین خلایقت به آنها اختصاص داده‌ای از تو می‌خواهم....

و در آخر آمده: «اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاکْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُزُبَاتِ. اللَّهُمَّ اَمْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَأَنْجِزْ لَهُمْ

۱. اقبال الاعمال، ۳۵۰.

۲. اقبال الاعمال، ۲۸۳.

۳. مضمون این روایت در فروع کافی آمده.

۴. اقبال الاعمال، ۱/۴۹۲؛ زاد المعاد: ۳۴۲.

ما وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ»؛ خدایا! بر خاندان محمد پیامبرت فَرَج و گشایش ده و از آنها و نیز از مؤمنین به سبب آنها محنت‌ها و غم‌ها را برطرف ساز، خداوندا! زمین را به وجود آنها پر از عدل کن چنان که از ظلم و جور پر شده است، و آنچه به ایشان وعده فرموده‌ای تحقق بخش، به درستی که تو خُلف وعده نمی‌کنی.

۱۶ - روز دحو الارض (گسترده شدن زمین)

روز بیست و پنجم ماه ذی القعدة است، و دلیل بر اهتمام به دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام در این روز دعایی است که در کتاب‌های «اقبال» و «زاد المعاد»^۱ نقل شده است.

۱۷ - شب و روز نیمه شعبان

زیرا میلاد مسعود حضرت صاحب الزمان علیه السلام است، پس شایسته است اهل ایمان در آن شب به دعاگویی برای آن جناب اشتغال ورزند، و در روایات هم آمده که در این شب دعاها مستجاب می‌شود. اضافه بر اینکه دعا کردن در شب و روز نیمه شعبان اقتدا کردن به آن حضرت و تاسی جستن به او است، که هنگامی که از مادر متولد شد، سر به سجده نهاد و برای این امر دعا کرد: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَأَمْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا»؛ خداوندا! وعده‌ام را تحقق بخش و امرم (قیامم) را تمام گردان و گامم را استوار ساز و زمین را به (ظهور) من پر از عدل و داد کن.

۱۸ - تمام ماه رمضان

شاهد بر آن، دعاهایی است که از ائمه معصومین علیهم السلام در ماه مبارک رمضان

۱. اقبال الاعمال: ۳۱۲؛ زاد المعاد: ۲۳۶.

وارد شده است که بر متأمل مخفی نیست. از جمله دعایی که در کتاب «اقبال» و «زاد المعاد» از امام چهارم سید العابدین علیه السلام روایت شده که اولش چنین است: «اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ...» و در آن آمده: «أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْصُرَ خَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَوَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَغْطِفُ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ...»؛ خدایا! این ماه رمضان است... از تو می‌خواهم که جانشین محمد و وصی محمد و قیام‌کننده به عدالت از اوصیاء محمد - که درودهایت بر او و ایشان باد - را یاری نمایی، یاریات را بر آنان معطوف بدار.

و نیز از امامان علیهم السلام آمده که فرمودند: «این دعا را شب بیست و سوم ماه رمضان در حال سجده و برخاستن و نشستن و در هر حال تکرار می‌کنی، و نیز هر قدر که می‌توانی و هرگاه که به یادت آمد در دوران زندگی‌ات، پس از حمد خدای تبارک و تعالی و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بگو: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فَلَانَ بْنِ فَلَانَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَقَائِدًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»^۱؛ خداوند! برای ولی خودت فلان فرزند فلان^۲ در این ساعت و هر ساعت سرپرست و نگهدار و یاور و راهنما و پیشوا و مددکار باش، تا اینکه او را در زمین خویش (فرمانروای) مطاع گردانی و در آن دوران بهره‌مند سازی.

۱۹ - پس از گریستن از ترس خدای تعالی

منصور بن یونس بزرگ گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم درباره کسی که در نماز واجب، خودش را به گریستن بزند تا اینکه گریه کند [چه صورت دارد؟]

۱. الکافی، ۴ / ۱۶۲.

۲. در هر زمانی شیعیان نام امام عصر و نام پدرش را می‌گفتند و در زمان ما باید گفت: حجت بن

الحسن - علیه و علی آياته السلام - (مترجم)

فرمود: «به خدا سوگند! روشنی چشم است»، و فرمود: «اگر چنین حالی دست داد، مرا در آن حال یاد کن».

پوشیده نیست که این امر، به خاطر آن است که امام زمان او بود و بر وی حق داشت، پس برای هر مؤمنی شایسته است که این را نسبت به امام زمان خودش عمل کند، تا با دل و زبان، حق آن امام علیه السلام را ادا کرده باشد.

۲۰ - چهل روز مداومت به دعا برای فرج

امام صادق علیه السلام می فرمود: «چون اذیت و رنج بر بنی اسرائیل به طول انجامید، چهل روز به درگاه خداوند ناله و گریه کردند، پس خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از دست فرعون خلاص کند، که صد و هفتاد سال آزار را از آنها کاست». سپس فرمود: «همچنین شما هم اگر انجام دهید البته خداوند بر ما گشایش خواهد داد، ولی اگر این گونه نباشید، این امر تا آخرین حدّ خود به طول خواهد انجامید».

مکان‌هایی که دعا در آنها بیشتر تأکید شده

همان‌طور که دعا برای تعجیل فرج مولایمان حضرت حجّت علیه السلام در زمان‌های مخصوصی تأکید شده، در جاهای معینی نیز مؤکد است، یا از جهت تأسی جستن و اقتدا کردن به آن حضرت علیه السلام و یا به خاطر روایت شدن آن از امامان بزرگوار. از جمله:

۱ - مسجد الحرام

عبدالله حمیری گوید: از محمد بن عثمان عمّری رضی الله عنه پرسیدم: آیا صاحب این امر را دیده‌ای؟ گفت: آری. و آخرین باری که او را دیدم کنار بیت الله

الحرام بود، در حالی که می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي»؛ خداوندا! وعده‌ای را که به من داده‌ای، تحقق بخش.

اضافه بر اینکه گمان مستجاب شدن دعا در آن مکان قوی است.

۲ - عرفات

از امام صادق علیه السلام روایت شده که در آنجا دعایی خوانده شود، این دعا در کتاب «زاد المعاد» مذکور است.

۳ - سرداب

یعنی سرداب غیبت در شهر سامرا، و شاهد بر اهتمام به دعا در آن محل مقدّس، ادعیه و زیاراتی است که در کتب وارد شده.

۴ - حرم حضرت سید الشهداء علیه السلام

از جمله جاهایی که دعا برای تعجیل فرج در آنها مؤکد است، حرم مطهر مولای شهید مظلوممان حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام است. از امام صادق علیه السلام درباره زیارت آن حضرت علیه السلام آمده که فرمود: «پس از درود فرستادن بر حسین علیه السلام، بر همه امامان علیهم السلام درود می‌فرستی، همچنان که بر حسن و حسین علیهم السلام درود فرستادی، و می‌گویی: خداوندا! به واسطه آنها کلمات خویش را تمام گردان و وعده‌ات را به ایشان تحقق بخش...»^۱

و در جای دیگر، از همان زیارت فرموده: «... سپس گونه‌ات را بر آن بگذار و بگو: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ. اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ أَطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ...»^۲؛ خداوندا! ای پروردگار حسین! سینه حسین را شفا بده. خداوندا! ای

۱. کامل‌الزیارات، ۴۰۵.

۲. کامل‌الزیارات، ۴۱۴.

پروردگار حسین! برای حسین خونخواهی کن.

۵ - حرم مولایمان حضرت رضا علیه السلام

در «کامل الزیارات»^۱ روایت گردیده که پس از درود فرستادن بر یکایک امامان علیهم السلام آمده: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا...»؛ خداوند! بر حجت و ولی و قائم در خلقت درود فرست، درودی روزافزون و پایدار که به آن فرجش را زودتر کنی و به آن پیروزش گردانی.

۶ - حرم عسکرین علیهم السلام

در زیارتی که در همان کتاب^۲ برای ایشان روایت آمده: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَوَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ پروردگارا! فرج و گشایش [امر حکومت] ولیات و فرزند ولیات را زودتر برسان و گشایش وضع ما را با فرج ایشان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان.

۷ - جاهای منسوب به آن حضرت علیه السلام

اماکن شریف و مقدّسی که آن جناب در آنها توقف کرده و به آنجا قدم نهاده مانند حرم ائمه، مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه، مسجد جمکران و غیر آنها. چون شیوه اهل مودّت و عادت صاحبان محبت است که هرگاه جای درنگ و محلّ توقّف محبوب خویش را بنگرند، به یاد خوبی های او افتند و از فراقش متألّم شوند، و درباره اش دعا کنند، بلکه به محلّ توقّف و منزلگاه او مأنوس گردند.

۱. کامل الزیارات، ۵۱۷.

۲. کامل الزیارات، ۵۲۱.

بخش هفتم

چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام

این بخش از کتاب مشتمل بر سه مقصد است:

مقصد اول: در یادآوری مطالبی که سزاوار است پیش از شروع به مقصود

توجه داده شوند:

اول: دست‌یابی به تمام فواید، ثواب‌ها و نتایجی که در بخش پنجم یاد شده، متوقف بر مداومت و بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج مولایمان می‌باشد. زیرا قسمتی از فواید یاد شده، مترتب بر امثال و اطاعت فرمان مطاع آن حضرت در توفیق شریف گذشته است که: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ...».

دوم: شایسته و مؤکد است که دعاکننده خودش را از آنچه مانع از قبولی عبادت است پاک نماید، و نفس خویش را از خوی ناپسند و رفتار زشت و کارهای ناروا تهذیب کند، و از محبت دنیای پست و تکبر و حسد و غیبت و سخن‌چینی و مانند آنها پرهیزد، زیرا دعا بهترین عبادت‌های شرعی است، به ویژه دعا برای تعجیل فرج مولایمان حضرت حجّت - عجل الله فرجه الشریف - و خواستن ظهور و عافیت برای آن جناب. و می‌بایست نیت شخص در دعا از تمام آرایش‌های نفسانی و هواهای شیطانی خالص باشد، زیرا خلوص نیت از مهم‌ترین اموری است که رعایتش بر انسان واجب است.

سوم: کمال ثواب‌ها و مکارم یاد شده، بستگی به تحصیل تقوی دارد، به جهت فرموده‌ی خدای تعالی: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱؛ خداوند فقط از تقوایندگان می‌پذیرد. و همان‌گونه که تقوی درجات و مراتب مختلفی دارد، پذیرش و قبولی نیز درجاتی دارد.

چهارم: دعا به آنچه از امام معصوم علیه السلام روایت گردیده، بهتر و سزاوارتر است. و شرافت سخن به شرافت گوینده آن بستگی دارد، و از همین روی گفته‌اند: سخن بزرگان، بزرگ سخنان است.

پنجم: مستحب است در دعا برای تعجیل فرج حضرت خاتم الأوصیا امام زمان علیه السلام صدا بلند گردد، به ویژه در مجالسی که برای دعا فراهم شده باشد؛ زیرا نوعی از تعظیم شعائر خداوند است: ﴿وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۲؛ و هر آن کس که شعائر خداوند را تعظیم کند، همانا آن از تقوای دل‌ها است. و به جهت فرموده‌ی امام علیه السلام در دعای ندبه: «إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى»؛ تا کی برای تو ای سرورم با صدای بلند [دعا کنم و] استغاثه و زاری نمایم.

ششم: مستحب است که دعا کردن در حال اجتماع باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ گروه چهل نفری نیستند که با هم جمع شوند، پس به درگاه خدای -عزوجل- درباره‌ی امری دعا کنند، مگر اینکه دعایشان مستجاب می‌گردد، و اگر چهل تن نباشند، پس چهار نفر خداوند -عزوجل- را ده بار بخوانند دعایشان مستجاب می‌شود، و اگر چهار نفر هم نباشند، پس هرگاه یک شخص چهل بار خداوند را بخواند، خدای عزیز جبار دعایش را به اجابت می‌رساند».^۳

۱. سوره مائده، آیه ۲۷.

۲. سوره حج، آیه ۳۲.

۳. اصول کافی، ۲/۴۸۷.

هفتم: مستحب است که ثواب دعا برای آن حضرت علیه السلام را به مردگان هدیه کند. چون از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هرکس از مؤمنین عملی را از [طرف] مرده‌ای انجام دهد، خداوند دو برابر اجر آن را به او می‌دهد و مرده هم به آن عمل متنعم می‌گردد».^۱

مقصد دوم: در چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت علیه السلام **اول:** اینکه به صراحت از خدای تعالی این امر را مسألت نماید و به زبان فارسی یا عربی یا هر زبان دیگری تقاضایش را باز گوید، مثل اینکه چنین دعا کند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام»؛ بار خدایا! فرج مولای ما صاحب الزمان علیه السلام را زودتر برسان. یا بگوید: «عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَظُهُورَهُ»؛ خدای تعالی فرج و ظهور آن حضرت را تعجیل فرماید. یا اینکه درخواست نماید که موانع ظهور آن حضرت علیه السلام رفع و برطرف گردد. و شبیه آن.

دوم: اینکه بر دعای کسی که چنین دعایی کند. آمین بگوید، چون واژه «آمین: مستجاب کن» نیز دعا است، و دعا کننده و آمین‌گو، به طوری که در خبر آمده، هر دو در دعا شریکند.

مقصد سوم: در ذکر بعضی از دعاهای روایت شده از امامان علیهم السلام لازم به ذکر است دعاهایی که ذکر می‌شود، مؤلف محترم در کتاب خود ذکر نموده است، ولی ما به جهت اختصار به ذکر آدرس اکتفا می‌کنیم.

۱- دعای صلوات: در کتاب الغیبه، از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت شده و حکایتی طولانی دارد که به منظور رعایت اختصار آن را ترک کردیم.^۲

۱. وسائل الشیعه، ۳۶۹/۵.

۲. الغیبه، چاپ مکتبه نینوی الحدیثه، ۱۶۸ - ۱۷۰.

۲ - دعای امام رضا علیه السلام: از جمله دعا‌هایی که در این باب روایت شده دعایی است که سید بن طاووس رحمته الله روایت کرده، که اول آن دعا چنین است: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَوَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ عَلَيَّ خَلْقَكَ...»^۱؛ خداوند! دور گردان هرگونه بلا را از ساحت ولی و خلیفه و حجت بر مخلوقات...

۳ - دعای عصر غیبت: شیخ صدوق رحمته الله این دعا را در کتاب خود آورده که اول دعا این است: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ...»^۲؛ بار الها! خودت را به من بشناسان...

۴ - دعای قنوت: و از جمله دعا‌های رسیده در طلب فرج مولایمان حضرت مهدی علیه السلام دعای قنوت است که از مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده، که با این عبارات شروع می‌شود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَائِهِ...»^۳؛ حمد مخصوص خداوند است به جهت شکر نعمت‌هایش...

۵ - دعای ندبه: از جمله دعا‌های ارزنده‌ای که در این باب روایت شده دعای ندبه است، که در کتاب «زاد المعاد»^۴ از امام صادق علیه السلام روایت گردیده و خواندن آن در چهار عید - جمعه و فطر و قربان و غدیر - تأکید شده است.^۵

۶ - دعای دیگر: و از دعا‌های روایت شده، دعایی است که سید بن طاووس رحمته الله ضمن حدیثی که غیبت حضرت مهدی علیه السلام ذکر گردیده، چنین آورده: به امام علیه السلام عرضه داشتیم: شیعیان تو چه کار کنند؟ فرمود: «بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج کشیدن...» تا آنجا که راوی گوید: عرضه داشتیم: چه دعایی بکنیم؟ فرمود: «می‌گویی: اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ وَعَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ وَعَرَّفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَّفْتَنِي نَبِيَّكَ وَعَرَّفْتَنِي وُلاةَ أَمْرِكَ. اللَّهُمَّ لَا آخِذُ إِلَّا مَا أُعْطِيتُ»

۱. جمال الاسبوع، ۵۰۷ - ۵۱۱.

۲. کمال الدین، ۵۱۲/۲ - ۵۱۵.

۳. مصباح المتعجد ص ۱۳۷ - ۱۴۴.

۴. زاد المعاد، ۴۹۱ - ۵۰۴.

۵. این دعا در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی رحمه الله نیز آمده. (ملخص)

وَلَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ. اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَّائِكَ وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوْلَايَةِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ؛ بار خدایا! تو خودت را به من شناساندی و فرستاده‌ات را به من معرفی فرمودی و فرشتگان را به من شناساندی و پیغمبرت را به من شناساندی و والیان امرت را به من شناساندی. بار خدایا! من نمی‌پذیرم جز آنچه تو فرمایی و نپرهیزم جز از آنچه تو پرهیز داده‌ای. بار خدایا! از منازل دوستان مرا دور مدار و دلم را پس از آنکه هدایت کرده‌ای منحرف مگردان. خداوندا! به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته‌ای، هدایت فرمای.

و از دعاهای مهمی که برای روا شدن حاجت روایت شده که مشتمل بر دعا برای تعجیل فرج آخرین امامان می‌باشد و توسل به آن حضرت، برای دفع هر نوع گرفتاری است، دعایی است که حضرت صاحب الزمان علیه السلام به ابوالحسن محمد بن احمد رضی الله عنه، هنگامی که به مقابر قریش فرار کرده و از ترس کشته شدن به آن جا پناهنده شده بود، تعلیم فرمود، پس به برکت این دعا از کشته شدن نجات یافت. ابوالحسن گوید: آن حضرت علیه السلام به من آموخت که بگوییم: «اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَبَرِحَ الْخَفَاءِ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكِي وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَضَّضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلْمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَانصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي».

بخش هشتم

تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت علیه السلام

دیگر وظایف بندگان نسبت به آن حضرت علیه السلام

۱ - تحصیل شناخت صفات و آداب و ویژگی‌های آن جناب

به دلیل عقلی و نقلی شناخت صفات و آداب امام علیه السلام لازم می‌باشد.

اما به دلیل عقل: چون آن حضرت علیه السلام امامی است که اطاعتش فرض و

واجب می‌باشد، و هر کس که اطاعتش واجب است باید صفاتش را شناخت،

تا با شخص دیگری که مقام او را به دروغ و ستم مدعی گردد اشتباه نشود،

بنابراین شناخت و دانستن صفات مولایمان حضرت علیه السلام واجب است.

و اما به دلیل نقل: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «هرکس در چهار

چیز شک کند، به تمام آنچه خدای - تبارک و تعالی - نازل فرموده کفر ورزیده است...

یکی از آنها شناختن امام در هر زمان از جهت شخص و صفات او می‌باشد».

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «امام خودت را بشناس که اگر او را شناختی بر تو

زیان نرساند که این امر پیش بیفتد یا تأخیر یابد».^۱

توجه: در آغاز این کتاب، بخشی را در مورد وجوب شناخت آن حضرت

قرار دادیم، و در آنجا، منظور بیان وجوب شناخت شخص آن حضرت بود که

باید نام و نسب شریفش را بشناسیم، و اینکه اعمال جز با معرفت امام علیه السلام تمام نمی‌گردد، و در اینجا مقصود، اثبات وجوب شناخت صفات و آداب آن جناب فی الجمله می‌باشد.

۲- رعایت ادب نسبت به یاد او

یعنی مؤمن، آن حضرت علیه السلام را با القاب شریف مبارکش یاد کند، مانند: حجّت، قائم، مهدی، صاحب الامر، صاحب الزمان و غیر اینها، و تصریح به نام شریف اصلی آن حضرت که اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله «م ح م د» است، نکند. و علمای ما - علیهم السلام - در حکم نام بردن مولایمان حضرت مهدی علیه السلام به نام اصلی، اختلاف کرده‌اند، بعضی از آنها به طور کلی - جز در حال تقیه - آن را جایز شمرده‌اند، برخی به طور مطلق آن را ممنوع دانسته‌اند، بعضی به طور مطلق آن را حرام شمرده‌اند مگر در دعاهای رسیده از معصومین علیهم السلام، و برخی آن را جایز ولی مکروه دانسته‌اند.

بدون تردید شایسته‌تر و محتاطانه‌تر آن است که آن حضرت علیه السلام با القاب شریفش یاد گردد و اسم معهود ذکر نشود، تا از شبهه مخالفت با دستور شرع خلاص شویم و نیز این خود، نوعی احترام و تعظیم امام است، بلکه این روش در سخنان امامان و پیروان ایشان متداول بوده است.^۱

۳- محبت او به طور خاص

در وجوب محبت تمام ائمه معصومین علیهم السلام تردیدی نیست، و اینکه دوستی

۱. البته در مورد حکم شرعی بردن اسم آن حضرت علیه السلام باید از مراجع تقلید سؤال شود و هر کس طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل کند. (ملخص)

ایشان بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است. و در این باره اخبار متواتری وجود دارد، ولی در اهتمام به محبت مولایمان حضرت حجّت علیه السلام خصوصیتی هست که سبب شده به طور مخصوص به آن امر گردد و این از دو جهت است؛

اول: عقل

توضیح اینکه: فطرت و سرشت انسان بر محبت کسی که به او نیکی کند و یا واسطه احسان به او باشد، ساخته شده است، از همین رو در حدیث از تفسیر امام علیه السلام آمده که: «خدای تعالی به موسی وحی فرمود که مرا نزد خلقم محبوب کن و خلقم را نزد من محبوب گردان. موسی گفت: ای پروردگارا چگونه این کار را انجام دهم؟ فرمود: به آنان نعمت‌ها و بخشش‌های مرا یادآوری کن تا مرا دوست بدارند».

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند را به جهت آنچه از نعمت‌های خویش به شما می‌دهد دوست بدارید و مرا به جهت دوستی خدای - عزوجل - دوست بدارید و اهل بیتم را به خاطر دوستی من دوست بدارید».

از آنچه در بخش‌های این کتاب آوردیم، پاره‌ای از احسان مولایمان حضرت حجّت علیه السلام نسبت به ما و حقوقش بر ما دانسته شد و اینکه تمام آنچه از نعمت‌های فراوان و عناوین بی‌پایان خداوند ما را فراگرفته به برکت مولایمان و به واسطه او است، پس عقل حکم می‌کند که او را دوست بداریم، بلکه فطرت ما بر محبت او سرشته شده است.

دوم: نقل

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «خداوند تعالی در شب معراج به من وحی فرمود: ای محمد! چه کسی را در زمین بر امتت جانشین کرده‌ای؟ - و حال آنکه

او بهتر می دانست - گفتم: ای پروردگارا! برادرم را. فرمود: علی بن ابی طالب را؟
گفتم: آری پروردگارا! فرمود: ای محمد! من به زمین نظری افکندم، پس تو را از آن
برگزیدم، پس من یاد نمی شوم تا اینکه تو با من یاد شوی، من محمود هستم و تو
محمد هستی. پس بار دیگر بر آن نظر افکندم و از آن علی بن ابی طالب را برگزیدم،
پس او را جانشین تو قرار دادم، که تو سید پیغمبرانی و علی سید اوصیا و برای او
اسمی از اسم هایم را قرار دادم که من اعلی هستم و او علی است.

ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم آن قدر مرا پرستش نماید تا اینکه به هلاکت
رسد، سپس در حالی که منکر ولایتان باشد مرا ملاقات کند، او را به جهنم خواهم
برد، سپس فرمود: ای محمد! آیا می خواهی آنان را ببینی؟ گفتم: آری. فرمود: در
پیش رویت بپاخیز. چون پیش رفتم، ناگاه دیدم علی بن ابی طالب را و حسن بن
علی و حسین بن علی و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی
بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و
حجّت قائم :- که همچون ستاره درخشانی در میان آنها بود.

گفتم: ای پروردگارا! اینان کیستند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این قائم است،
حلالم را حلال و حرامم را حرام می نماید و از دشمنانم انتقام می گیرد. ای محمد! او
را دوست بدان، که من او را و دوست دارنده او را دوست دارم».

مؤلف گوید: این حدیث دلالت دارد بر اینکه در محبت آن حضرت
ویژگی ای هست که مقتضی امر مخصوص از سوی خداوند گردیده، با اینکه
محبت همه امامان علیهم السلام واجب است و سرّ این مطلب چند چیز است، از جمله؛
۱. محبت و شناخت آن حضرت از محبت و معرفت امامان دیگر علیهم السلام جدا
نمی گردد، ولی عکس آن چنین نیست (یعنی ممکن است کسی نسبت به

امامان دیگر محبت و معرفت داشته باشد، ولی نسبت به آن حضرت معرفت و محبت نداشته باشد).

۲. چیره شدن دین و غالب گردیدن مسلمین بر کافرین به دست آن حضرت و با ظهور آن جناب به طور کامل انجام می‌گردد، و این چیزی است که موجب محبت آن حضرت به طور خاص می‌باشد.

۴ - محبوب نمودن او در میان مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند رحمت کند بنده‌ای که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشمنی و کینه‌توزی آنان قرار ندهد. همانا به خدا سوگند! اگر سخنان ما را برای مردم روایت می‌کردند، به سبب آنان عزیزتر می‌شدند»^۱ و نیز از آن حضرت آمده که فرمود: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که مودت مردم را به سوی ما کشاند و به آنچه می‌شناسند، با آنان سخن بگوید و آنچه را منکرند، واگذارد»^۲.

۵ - انتظار فرج و ظهور آن حضرت علیه السلام

سخن در این باره در چند مبحث واقع می‌شود؛

مبحث اول: فضیلت انتظار و ثواب منتظر

روایات بسیاری بر فضیلت انتظار دلالت دارد، از جمله؛

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس از شما بر این امر در حال انتظار آن بمیرد، همچون کسی است که در خیمه قائم علیه السلام بوده باشد»^۳.

۲. آمالی، ۶۱.

۱. روضة الكافی، ۲۲۹ ح ۲۹۳.

۳. کمال الدین، ۲/۶۴۴ باب ۵۵ ح ۱.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خوشا به حال کسی که درک کند قائم اهل بیت مرا در حالی که هنگام غیبت و پیش از قیامت به او اقتدا کند و دوستانش را دوست بدارد و از دشمنانش بیزارى جوید، که او از همراهان و دوستان و گرامی ترین امّت در روز قیامت خواهد بود».^۱

۳. امام صادق، از پدرانش علیهم السلام - نقل می کند که فرمودند: «منتظر امر (حکومت) ما بسان آن است که در راه خدا در خون غلتیده باشد».^۲
و در این باره همین بس که حضرت سید الساجدین علیه السلام در دعای عرفه بر منتظران درود فرستاده و برای آنان دعا کرده است.

مبحث دوم: در وجوب انتظار حضرت قائم علیه السلام بر همه افراد

اسماعیل جعفی گوید: مردی بر امام باقر علیه السلام وارد شد و صفحه ای در دست داشت، امام باقر علیه السلام به او فرمود: «این نوشته مناظره کننده ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است». عرض کرد: رحمت خداوند بر تو باد! همین را خواسته ام. امام باقر علیه السلام فرمود: «گواهی دادن به اینکه هیچ معبود حقّی جز خداوند نیست و اینکه محمد بنده و رسول او است و اینکه اقرار کنی به آنچه از سوی خداوند آمده و ولایت ما خاندان و بیزارى از دشمنان و تسلیم به امر ما و پرهیزکاری و فروتنی و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد».^۳

مبحث سوم: معنی انتظاری که در این اخبار به آن امر گردیده است

انتظار، حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می کشیم، از

۲. کمال الدین، ۲/۶۴۵

۱. کمال الدین: ۱/۲۸۶

۳. اصول کافی، ۲/۲۲ ح ۱۳

آن بر می آید و ضد آن یأس و ناامیدی است، پس هر قدر که انتظار شدیدتر باشد، آمادگی و مهیا شدن قوی تر خواهد بود، بنابراین مؤمنی که منتظر آمدن مولایش می باشد، هر قدر که انتظارش شدیدتر است، تلاشش در آمادگی برای آن به وسیله پرهیز از گناه و کوشش در راه تهذیب نفس و پاکیزه کردن درون از صفات نکوهیده و به دست آوردن خوی های پسندیده بیشتر می گردد، تا به فیض دیدار مولای خویش و مشاهده جمال انورش در زمان غیبتش رستگار شود، همچنان که برای عده بسیاری از نیکان اتفاق افتاده است. و لذا امامان معصوم علیهم السلام به پاکیزگی صفات و مقید بودن به انجام طاعات امر فرموده اند. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس بنخواهد از یاران قائم علیه السلام شود، باید منتظر باشد و باید در حال انتظار به پرهیزکاری و خوی های پسندیده عمل نماید، که هرگاه بمیرد و قائم به پس از مردنش بپا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد...».

و بی تردید هر قدر انتظار شدیدتر باشد، صاحب آن، مقام و ثواب بیشتری نزد خدای -عزوجل- خواهد داشت. خدای تعالی ما را از مخلصان منتظرین مولایمان صاحب الزمان -عجل الله فرجه الشریف- قرار دهد.

۶ - اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار

و این از نشانه های دوستان و موالیان آن جناب است. و در دعاهای روایت شده برای آن حضرت، این معنی آمده است. علاوه بر این امیرالمؤمنین علیه السلام اشتیاق به دیدارش را داشت، چنان که در حدیث روایت شده از آن حضرت در وصف حضرت مهدی علیه السلام پس از آنکه قسمتی از صفات و نشانه های او را بیان فرمود و به بیعت کردن با او و اجابت نمودن دعوتش امر کرد، اظهار

داشت: «بار خدایا! با تحقق بخشیدن بیعت او غم و اندوه را از میان بردار و پراکندگی امت را به سبب او جمع گردان». آن‌گاه اشاره به سینه خود کرد و با آه کشیدن، شدت اشتیاق خود را بازگو نمود.^۱

۷ - ذکر مناقب و فضایل آن حضرت ﷺ

میسر گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «آیا با هم خلوت می‌کنید [و دور از چشم دشمنان می‌نشینید] و برای هم حدیث می‌گویید و آنچه معتقد هستید، برای هم بازگو می‌نمایید؟» عرضه داشتم: آری. به خدا سوگند! ما با هم در خلوت می‌نشینیم و برای هم حدیث می‌گوییم و آنچه معتقدیم برای هم باز می‌گوییم. امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! من دوست داشتم در بعضی از آنجاها با شما می‌بودم، به خدا سوگند! من بوی شما و جان‌های شما را دوست می‌دارم و البته شما بر دین خداوند و دین فرشتگان او هستید، پس با پرهیز از گناه و جدیت در امر دین [ما را] یاری کنید».^۲

و از امام موسی کاظم علیه السلام آمده که فرمود: «هیچ چیز بر ابلیس و لشکریانش دشوارتر نیست از اینکه برادران ایمانی با یکدیگر دیدار کنند و همانا دو مؤمن با یکدیگر دیدار می‌نمایند که به یاد خدا باشند، آن‌گاه فضایل ما را یادآوری کنند، در این حال گوشت سالمی بر صورت ابلیس باقی نمی‌ماند، تا جایی که روح پلیدش به التماس می‌افتد از فرط آنکه درد می‌کشد».^۳

۸ - تشکیل مجالس فضایل و مناقب آن حضرت ﷺ

امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: «آیا می‌نشینید و حدیث می‌گویید؟» فضیل

۲. اصول کافی، ۱۸۷/۲ ح ۵.

۱. بحار الانوار: ۱۱۵/۵۱.

۳. اصول کافی، ۱۸۸/۲ ح ۷.

عرضه داشت: آری. فدایت شوم! امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا من آن مجالس را دوست می‌دارم، پس امر ما را احیا کنید. ای فضیل! خداوند رحمت کند کسی که امر ما را احیا نماید».^۱

و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «همانا خداوند کسی را که در مجلس اهل ذکر می‌نشیند، می‌آمزد و او را از آنچه می‌ترسد، ایمن می‌دارد. پس فرشتگان گویند: [پروردگارا!] فلانی در میان آنان است و او تو را یاد نکرد، خداوند می‌فرماید: او را به خاطر همنشینی با آنان آمرزیدم، زیرا یادکنندگان حق چنین هستند که همنشین ایشان از جهت آنها بدبخت نگردد».^۲

۹ - اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت علیه السلام

اندوهگین و مهموم بودن از فراق آن حضرت علیه السلام از نشانه‌های دوستی و اشتیاق به آن حضرت است. در دیوان منسوب به سرور و سالارمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان دلایل و نشانه‌های دوستی راستین چنین آمده:

وَمِنَ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مِنْ شَوْقِهِ	مِثْلَ السَّقِيمِ وَفِي الْفُؤَادِ غَلَائِلُ
وَمِنَ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مِنْ أُنْسِهِ	مُسْتَوْحِشاً مِنْ كُلِّ مَا هُوَ شَاغِلُ
وَمِنَ الدَّلَائِلِ ضِحْكُهُ بَيْنَ الْوَرَى	وَالْقَلْبُ مَحْزُونٌ كَقَلْبِ الثَّائِلِ

و از نشانه‌ها [ی دوستی]، این است که از شدت شوقش همچون بیماری دیده شود که دلش از شدت درد می‌جوشد. و از نشانه‌ها، این است که از فرط اُنس گرفتن با محبوب دیده شود که از هر چه او را از وی مشغول می‌دارد وحشت کند [و گریزان باشد]. و از نشانه‌ها، خندیدنش در میان مردم است، در حالی که دلش مالا مال از اندوه است همچون زن جوان از دست داده.

۱. بحارالانوار، ۴۴/۲۸۲.

۲. عدةالداعی، ۲۳۸.

امام صادق علیه السلام فرمود: «شخصِ مهموم به خاطر ما، که غم و اندوهش از جهت ظلمی باشد که بر ما رفته، نفس کشیدنش تسبیح گویی است و هم او به خاطر امر ما عبادت است».^۱

۱۰ - سرودن و خواندن شعر در فضایل آن حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس درباره ما یک بیت شعر بگوید، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت خواهد ساخت».^۲ و نیز فرمود: «هیچ کس درباره ما بیت شعری نگوید، مگر اینکه به روح القدس تأیید و یاری شده باشد».^۳

و از حضرت رضا علیه السلام روایت است که فرمود: «هر فرد مؤمنی که درباره ما شعری بسراید که ما را به آن مدح گوید، خداوند برای او در بهشت منزلگاهی خواهد ساخت که هفت برابر وسعت دنیا باشد، که هر فرشته مقرب و هر پیغمبر فرستاده شده‌ای او را در آن جا دیدار خواهد کرد».^۴

۱۱ - قیام، هنگام یاد شدن نام یا القاب آن حضرت علیه السلام

روایت شده: روزی در مجلس امام صادق علیه السلام از صاحب الزمان علیه السلام یاد شد، پس امام صادق علیه السلام به منظور تعظیم و احترام اسم آن حضرت به پا ایستاد.^۵

۱۲ - گریستن و گریانیدن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن بر

فراق آن حضرت علیه السلام

امام رضا علیه السلام فرمود: «هرکس مصیبت ما را متذکر شود، پس به خاطر آنچه بر ما

۱. اصول کافی، ۲/۲۲۶ باب کتمان ح ۱۶.

۲. وسائل الشیعه، ۱۰/۴۶۷. ۳. وسائل الشیعه، ۱۰/۴۶۷.

۴. وسائل الشیعه، ۱۰/۴۶۷ ذیل ح ۳. ۵. بحار الانوار، ۴۴/۲۷۸.

وارد شده است بگریید و بگریاند، روز قیامت با ما، در درجه‌مان خواهد بود و هرآنکه مصیبت‌مان برایش یادآوری شود، پس بگریید و بگریاند، روزی که چشم‌ها اشکبار خواهند بود دیدگانش گریان نشود».

و امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس ما را یاد کند یا نزد او یاد شویم، پس از چشمش همچون بال پشه‌ای اشک بیرون آید، خداوند گناهانش را می‌آمرزد هرچند که همچون کف دریا باشد».^۱

۱۳ - درخواست معرفت امام عصر - ارواحنا له الفداء - از خداوند

امام صادق علیه السلام درباره فرموده‌ی خدای - عزوجل - : ﴿وَمَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛ و هرکس که حکمت به او داده شود، خیر بسیار به او داده شده. فرمود: «[حکمت یعنی] طاعت خداوند و معرفت امام علیه السلام».^۲

و از ابوبصیر نقل شده که امام باقر علیه السلام به من فرمود: «آیا امام خود را شناخته‌ای؟» عرضه داشتم: آری. به خدا سوگند! پیش از آنکه از کوفه بیرون بیایم. فرمود: «همین تو را کفایت می‌کند».^۳

و از امام باقر علیه السلام آمده که فرمود: «بلندی و رکن و کلید امر و در اشیا و خشنودی خدای - تبارک و تعالی - بعد از معرفت او اطاعت امام است».^۴

۱۴ - مداومت به خواندن دعای غریق

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس از این، شبهه‌ای شما را خواهد رسید، که بدون نشانه دیده شدنی و امام هدایت‌کننده‌ای خواهید ماند و از آن نجات نمی‌یابد، مگر

۱. بحارالانوار، ۴۴/۲۷۸ ح ۳.

۲. اصول کافی، ۱/۱۸۵.

۳. اصول کافی، ۱/۱۸۵.

۴. اصول کافی، ۱/۱۸۵.

کسی که دعای غریق را بخواند». راوی گوید: عرضه داشتیم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: «چنین بگوید: یا اللَّهُ یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ؛ ای خداوند! ای رحمان! ای مهربان! ای دگرگون کننده دل‌ها! دل مرا بر دینت پایدار کن».

۱۵ - شناختن علامت‌های ظهور آن حضرت علیه السلام

شناختن علامت‌های ظهور آن حضرت علیه السلام به ویژه علایم حتمی که امامان بر حق علیهم السلام آنها را خبر داده‌اند، از وظایف مهم شیعیان است؛ زیرا اطاعت از دستورات آن حضرت علیه السلام بر ما واجب است، به دلیل فرموده خدای تعالی: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱؛ اطاعت کنید خداوند را و اطاعت کنید فرستاده خداوند را و والیان امر را. بنابراین بر مؤمن واجب است علائم ظهور آن حضرت را بشناسد، تا هرگاه ظاهر شد او را اطاعت کند و حق را از باطل تشخیص دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «علامت را بشناس، پس هرگاه آن را شناختی، پیش افتادن یا تأخیر کردن این امر تو را ضرر نرساند...»^۲.

علامت‌های ظهور آن حضرت علیه السلام

در اینجا قسمتی از آنچه در کتاب الغیبة^۳ روایت شده، می‌آوریم:
امام صادق علیه السلام فرمود: «ندا [صدای آسمانی] از نشانه‌های حتمی است و سفیانی از نشانه‌های حتمی است و یمانی از علائم حتمی است و کشته شدن نفس

۱. سوره نساء، آیه ۵۹. ۲. اصول کافی، ۱/۳۷۲.

۳. الغیبة، نعمانی؛ باب علامات الظهور، ۱۳۳ به بعد.

زکّیه از علائم حتمی است و کفِ دستی که از آسمان بیرون می‌آید، از علائم حتمی است». سپس فرمودند: «و امر ترسناکی که در ماه رمضان پیش می‌آید، شخص خوابیده را بیدار می‌کند و بیدار را می‌ترساند و دوشیزه را از پردهٔ حجاب بیرون می‌اندازد».

و امام باقر علیه السلام فرمود: «سفیانی و قائم علیه السلام در یک سال خواهند بود». و از امام باقر علیه السلام آمده که فرمود: «هرگاه آتشی از سوی مشرق همچون هُردی عظیم [بسیار زرد] مشاهده کردید، که سه یا هفت روز برمی‌آید منتظر فرج قائم آل محمد علیهم السلام باشید. ان شاء الله که خداوند توانا و حکیم است». سپس فرمود: «صیحه جز در ماه رمضان نخواهد بود...».

آن‌گاه فرمود: «نداکننده‌ای از آسمان به نام حضرت قائم علیه السلام بانگ می‌زند، پس هرکه در مشرق است و هرکه در مغرب، آن را خواهد شنید، هیچ خوابیده‌ای نخواهد ماند، جز اینکه بیدار شود و هیچ ایستاده‌ای، مگر اینکه بنشیند و هیچ نشسته‌ای، مگر اینکه بپا خواهد ایستاد بر اثر ترس از آن صدا...».

و فرمود: «صدا در ماه رمضان، شب جمعه شب بیست و سوم خواهد بود، دربارهٔ آن تردید مکنید و بشنوید و اطاعت نمایید و در آخر روز صدای ابلیس لعین است که بانگ بر می‌آورد: توجه کنید که فلانی مظلوم کشته شد، تا مردم را به شک اندازد و آنها را فریب دهد. در آن روز، چه بسیار افراد به شک و حیرت خواهند افتاد که در آتش سقوط کنند، پس هرگاه صدا را در ماه رمضان شنیدید، در آن تردید مکنید که آن صدای جبرئیل است و نشانه‌اش آن است که او به نام حضرت قائم علیه السلام و نام پدرش ندا می‌کند، تا آن‌جا که دوشیزهٔ پس پرده هم آن را می‌شنود و پدر و برادرش را تشویق می‌نماید که خروج کنند».

و فرمود: «ناچار باید که این دو صدا پیش از خروج حضرت قائم علیه السلام انجام گردد، صدایی از آسمان که صدای جبرئیل است به نام صاحب این امر و نام پدرش، و صدای دوم که از زمین است صدای ابلیس لعین می باشد، به نام فلانی ندا می کند که مظلوم کشته شد، منظورش از این کار فتنه گری است. پس از صدای اول پیروی کنید و مبادا به صدای بعدی فریفته شوید».

بدر اسدی گوید: در خدمت ابوجعفر محمد بن علی باقر علیه السلام بودم، پس آن جناب دو نشانه ای که پیش از ظهور حضرت قائم علیه السلام خواهد بود و از هنگام فرود آمدن آدم به زمین هیچ گاه واقع نشده را بیان فرمود، اینکه خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر آن خواهند گرفت.

۱۶ - تسلیم بودن و عجله نکردن

عبدالرحمن گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مهزم بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم! خبر ده مرا از این امری که منتظرش هستیم، چه وقت خواهد بود؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «ای مهزم! وقت گذاران دروغ گویند و عجله کنندگان هلاک گردند و تسلیم شدگان نجات یابند».^۱

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «همانا دین خداوند با عقل های ناقص و آرای باطل و معیارهای فاسد درک نمی شود و جز با تسلیم به دست نمی آید، پس هرکس به ما تسلیم گردد، [از هلاکت دین] سالم ماند و هر آنکه به ما اقتدا نماید، هدایت یابد و هرکس به قیاس و رأی خود عمل کند، هلاک می گردد و هرکس از آنچه ما می گوئیم یا حکم می کنیم در سینه خود تنگی احساس کند، به آن [خدایی] که سبع مثانی و قرآن عظیم را نازل فرموده کافر شده است، در حالی که خود متوجه نیست».^۲

۱. اصول کافی، ۱/۳۶۸ و ۳۶۹.

۲. کمال الدین، ۲/۳۲۴.

امام صادق علیه السلام در بیان شرافت آن حضرت علیه السلام فرمود: «اگر دوران او را دریابم تمام مدت زندگانی ام در خدمت او خواهم بود».

از این سخن معلوم می شود که اهتمام به خدمت کردن حضرت قائم علیه السلام برترین طاعات و بالاترین وسایل تقرّب به خداوند است. چون امام صادق علیه السلام که عمر شریفش را جز در انواع طاعت و عبادت خداوند سپری نمود، و شب و روز خویش را در این راه گذرانید، بیان می کند که اگر قائم علیه السلام را درک می کرد عمر خود را در خدمت کردن به او صرف می نمود.

بنابراین معلوم می شود که پیروان امام قائم علیه السلام بهترین پیروان هستند، و برترین افراد هر زمان می باشند. همچنان که امت حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله افضل امت ها می باشند، و شواهد بسیاری در روایات براین مطلب می باشد: از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده که ضمن حدیثی طولانی در سفارش به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ای علی! و بدان که شگفت آورترین مردم در ایمان و مهم ترین ایشان از لحاظ یقین مردمانی در آخرالزمان هستند که پیغمبر را ندیده اند [و حجّت از آنان محجوب گردیده] و دلیل روشن از میانشان رفته است، [در عین حال] به سیاهی بر روی سفیدی [که از آثار گذشتگان بر جای مانده] ایمان آورده اند.^۱

حضرت سید الساجدین علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمود: «ای ابو خالد! به درستی که اهل زمان غیبت او که معتقد به امامتش و منتظر ظهورش باشند برتر از اهل هر زمانند، زیرا خداوند - تعالی ذکره - به آنان از عقل ها و فهم ها و معرفت آن قدر عطا فرموده که غیبت نزد ایشان همچون مشاهده گردیده، و آنان را در آن زمان در منزلت

و مرتبه مجاهدان شمشیر زده در پیش روی رسول خدا ﷺ قرار داده است، آنان به حق مخلصانند و شیعیان راستین ما، دعوت کنندگان به دین خداوند مخفیانه و آشکارا می‌باشند»^۱.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «به زودی قومی پس از شما خواهند آمد که یک مرد از آنان پاداش پنجاه تن از شما را خواهد داشت». گفتند: یا رسول الله ما در غزوات بدر و أحد و حنین با تو بودیم و قرآن درباره ما نازل گشت. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا اگر آنچه بر آنان وارد می‌شود بر شما وارد گردد، همچون آنان صبر نخواهید کرد»^۲.

ای برادران من! اکنون که قسمتی از فضیلت و برتری اتباع و سعی کنندگان در خدمت مولایمان صاحب الزمان علیه السلام را دانستید، پس بر شما باد که در اطاعت و خدمت آن جناب سعی و کوشش کنید، و آن نعمت بزرگ و موهبت سترگ را سپاسگزاری نمایید، و با جدیت و تلاشتان به آن دوام بخشید، و یاد آن حضرت را با طولانی شدن مدت آن فراموش نکنید. خداوند تعالی به فضل و کرمش ما را از چنین کسانی قرار دهد.

۲۱ - اهتمام ورزیدن به یاری آن جناب علیه السلام

هر کس آن حضرت را یاری نماید، در حقیقت خدای - عزوجل - را یاری نموده، و خدای تعالی فرموده است: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۳؛ و به تحقیق که خداوند یاری می‌کند کسی که او را یاری نماید، همانا خداوند در منتهای قدرت و توانایی است.

۲. غیبت، شیخ طوسی / ۲۷۵.

۱. کمال الدین، ۱ / ۳۲۰.

۳. سوره حج، آیه ۴۰.

البته منظور از یاری نمودن آن حضرت علیه السلام، اقدام کردن و همکاری نمودن در هر کاری است که شخص بداند مورد نظر و خواست آن بزرگوار است، و لذا چگونگی یاری کردن بر حسب زمانها و احوال و مکانها متفاوت می شود. گاهی یاری کردن به وسیله تقیه انجام می شود، و گاهی با دعوت به اوست، و گاهی با جهاد کردن در رکاب او، و گاهی هم به دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهورش، و گاهی با ذکر فضایل و صفات و دلایل و معجزات و نشانه های آن جناب علیه السلام.

۲۲ - تصمیم قلبی بر یاری آن جناب در زمان حضور و ظهور

مولای متقیان امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «در آنچه خداوند آن را زود برایتان نیاورده شتابزدگی مکنید، که هر یک از شما هرگاه حق پروردگار و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان او را شناخته باشد چنانچه بر رختخواب خود بمیرد، شهید مرده است، و پاداش او با خدا است، و شایستگی ثواب عمل صالحی را که در نیتش بوده خواهد یافت، و این نیت به جای شمشیر کشیدن او خواهد بود، و به درستی که هر چیزی را مدت و زمان معینی هست»^۱.

و از عبد الحمید واسطی روایت شده که به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم: ... اگر پیش از آن که قائم علیه السلام را درک کنم، بمیرم چه؟ فرمود: «به درستی که هر کس از شما نظرش این باشد که هرگاه قائم آل محمد علیه السلام را دریابد، او را یاری خواهد کرد، مانند کسی است که در حضور او با شمشیر خود جهاد کرده باشد، و شهادت در رکاب آن حضرت دو شهادت است»^۲.

۱. نهج البلاغه، صبحی، خطبه ۲۳۲ ص ۲۸۲.

۲. روضه کافی

۲۳ - تجدید بیعت با حضرت بعد از فرایض همه روزه و هر جمعه

بیعت و مبايعت به معنی هم عهدی و عقد بستن با یکدیگر به کار می رود.^۱ بنابراین بیعت با امام علیه السلام یعنی تصمیم قلبی محکم و ثابت بر اطاعت امر ایشان و یاری کردن او با نثار جان و مال، چنان که در آیه شریفه فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾^۲؛ خداوند از مؤمنین جانها و اموالشان را خریداری فرمود تا در مقابل بهشت را به آنها عطا کند....

بیعت به این معنی بر همه افراد از مرد و زن، برده و آزاد واجب است، بلکه ایمان جز به آن تحقق نمی یابد، چون اصل ایمان همان التزام به اطاعت فرمان پیغمبر و امام و تسلیم بودن به ایشان و یاری نمودن آنان با جان و مال می باشد و مستحب است بیعت یاد شده هر روز تجدید گردد. لذا سید اجل ابن طاووس دعایی را ذکر کرده که هر روز بعد از نماز صبح خوانده شود که با این عبارات شروع می شود: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ...؛ بارخدا یا بر مولایم صاحب الزمان علیه السلام درودها و سلامها فرست». ^۳ که در حقیقت نوعی تجدید بیعت با امام زمان علیه السلام است.

مرحوم مجلسی گوید: در بعضی از کتب قدیمه دیده ام که بعد از این دعا، دست راست خود را بر دست چپ بزند مثل دست زدن به بیعت.^۴ و از جمله دعاهای رسیده که مشتمل بر تجدید بیعت برای حضرت صاحب الامر علیه السلام است، دعای عهد می باشد که از امام صادق علیه السلام روایت شده،

۱. مجمع البحرین، ۲ / ۳۴۵، ماده (بیع).

۲. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۳. این دعا را شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان بعد از دعای ندبه ذکر کرده که به خاطر اختصار به

آوردن ابتدای این دعای شریف اکتفا کردیم. (ملخص)

۴. بحار الانوار، ۱۰۲ / ۱۱۰ باب ۷.

و فرموده: «هر کس چهل روز این دعا را بخواند، از یاوران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن جناب جهاد نماید و به شماره هر کلمه از آن هزار حسنه برایش نوشته می شود و هزار کار بد از او محو می گردد، که ابتدای آن دعا چنین است: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ...» خدایا! ای پروردگار نور با عظمت، و ای پروردگار کرسی بارفعلت...»^۱

۲۴ - صله آن حضرت علیه السلام به وسیله مال

صله به این است که مؤمن بخشی از دارایی خود را برای امام زمانش هدیه کند، یعنی در مصارف و مخارجی که می داند آن حضرت علیه السلام به آنها رضایت دارد و محبوب اوست مصرف کند، و هر سال به این عمل مداومت نماید، و در این عمل شریف، غنی و فقیر و حقیر و شریف یکسانند، جز اینکه هر کس به مقدار استطاعت خود وظیفه دارد. ظاهراً این عمل از مستحبات مؤکده‌ای است، چون در سخنان امامان علیهم السلام به عنوان «فریضه» از آن تعبیر آمده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از اختصاص دادن درهم به امام علیه السلام نیست، و همانا خداوند درهم را برای او (پرداخت‌کننده) در بهشت همچون کوه احد قرار دهد». سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند در کتابش فرموده است: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾^۲؛ چه کسی به خداوند وامی نیکو می دهد تا خداوند [عوض] وام را چندین برابر، بسیار سازد. امام فرمود: «به خدا سوگند! که این در

۱. این دعا را نیز شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان ذکر کرده است. (ملخص)

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۵.

خصوص صلۀ امام است»^۱ و از آن حضرت در حدیث دیگری آمده که فرمود: «همانا خداوند آنچه را که مردم در اختیار دارند، از جهت نیاز به آن قرض نخواسته است و هر حقی که خداوند دارد برای ولیّ اوست»^۲.

و نیز از آن حضرت علیه السلام روایت شده که فرمود: «یک درهم که امام به وسیله آن صلّه شود از یک میلیون درهم که در مورد دیگری در راه خدا صرف گردد بهتر است». و در باب فضایل حج روایت آمده: «یک درهم خرج کردن در راه حج از یک میلیون درهم در غیر آن بهتر است، و یک درهم که به امام برسد مانند خرج کردن یک میلیون درهم در حج است»^۳.

شایسته است در اینجا دو نکته را تذکر دهیم:

نکته اول: اینکه صلۀ امام علیه السلام در مثل این زمان از صلۀ امام در زمان ظهور دولت حقّه و تسلط یافتن آن جناب بهتر است. عمّار سباباطی گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: کدام یک بهتر است، عبادت پنهانی با امام پنهان شده شما در دولت باطل یا عبادت در دوران ظهور حق و دولت آن با امام آشکار از شما؟ فرمود: «ای عمّار! به خدا که صدقه در سرّ از صدقه آشکارا بهتر است، همین طور به خدا قسم! عبادت شما در پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنان و یا در حال متارکه [مخالفان] با او بهتر است از کسی که خدای عزّوجلّ - را در زمان ظهور حق با امام برحق ظاهر در دولت حق عبادت نماید، و عبادت توأم با ترس در دولت باطل همچون عبادت و امنیت در دولت حق نیست».

نکته دوم: صلۀ شیعیان و دوستان صالح امامان علیهم السلام بمنزله صلۀ امام است.

۲. اصول کافی، ۱ / ۵۳۷.

۱. اصول کافی، ۱ / ۵۳۷.

۳. فروع کافی، ۴ / ۲۶۰، ح ۳۱.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرکس نتواند ما را زیارت کند، پس صالحین از دوستان ما را دیدار نماید، ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود، و هرکس نتواند ما را صیله نماید، صالحین از دوستان ما را صله کند، ثواب صله ما برای او نوشته می شود».^۱

۲۵ - خیر خواهی برای آن حضرت علیه السلام

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدای - عزوجل - به هیچ دوست خود که جانش را به اطاعت و خیرخواهی امامش به زحمت انداخته نظر نیفکند مگر اینکه او در رفیق اعلی [دسته پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحین که در بهشت قرین هم باشند] با ما باشد».^۲

و از امام صادق علیه السلام آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خیف برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: «خداوند خرم بدارد بنده ای را که سخن مرا بشنود و آن را در دل جای دهد و حفظ نماید و به کسی که آن را شنیده برساند... سه چیز است که دل هیچ فرد مسلمانی در آنها خیانت نکند: اخلاص عمل برای خدا، و نصیحت و خیراندیشی برای امامان و پیشوایان مسلمین، و ملازمت جماعت آنها».^۳

۲۶ - زیارت کردن آن حضرت علیه السلام

به وسیله توجه نمودن به آن جناب و سلام کردن بر او در هر مکان و زمان به طور عموم، و در بعضی از مکانها و زمانها به طور خاص.

۲۷ - درود فرستادن بر آن حضرت علیه السلام

درود و صلوات از اقسام دعا کردن است و صلوات از ناحیه ما درخواست

۱. کامل الزیارات، ۳۱۹، باب ۱۰۵.

۲. اصول کافی، ۱ / ۴۰۴.

۳. اصول کافی ۱ / ۴۰۳.

رحمت از خداوند - عزوجل - است، و با رحمت او امور دنیا و آخرت سامان می‌گیرد. بنابراین هرگاه ما بر امام زمان علیه السلام درود فرستیم، به اینکه بگوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا صَاحِبِ الزَّمَانِ» یا با امثال این عبارت صلوات بفرستیم، این کار طلب رحمت برای آن حضرت است در تمام اموری که در دنیا و آخرت متعلق به اوست. پس در این خواسته از خداوند - عزاسمه - حفظ آن جناب و حفظ یاران و دوستانش از هرگونه گزند، و زدودن هرگونه هم و غم از قلب مقدّسش و دل دوستانش و تعجیل فرج و ظهورش و... را می‌خواهیم.

۲۸ - هدیه کردن ثواب نماز به آن جناب علیه السلام

از امامان علیهم السلام نقل شده که فرمودند: «هر کس ثواب نماز خود را برای رسول خدا و امیر المؤمنین و اوصیای بعد از آن حضرت - علیهم السلام - هدیه کند، خداوند ثواب نمازش را آن قدر افزایش می‌دهد که از شمارش آن نفس قطع می‌گردد و پیش از آنکه روحش از بدنش برآید به او گفته می‌شود: ای فلان! هدیه تو به ما رسید، پس امروز روز پاداش و تلافی کردن [نیکی‌های] تو است، دلت خوش و چشمت روشن باد به آنچه خداوند برایت مهیا فرموده، و گوارایت باد آنچه را به آن رسیدی».

راوی گوید: [به امام علیه السلام] عرض کردم: چگونه نمازش را هدیه نماید و چه بگوید؟ فرمود: «نیت می‌کند ثواب نمازش را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله...»^۱

۲۹ - اهدای قرائت قرآن به آن حضرت علیه السلام

علی بن المغیره گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: هرگاه روز فطر شود، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله یک ختم قرآن، و برای علی علیه السلام ختمی دیگر، و برای

فاطمه علیها السلام ختمی دیگر، سپس برای ائمه علیهم السلام تا به شما رسد، قرار می‌دهم، که از آن هنگام که در این حال بوده‌ام یک ختم قرآن برای شما قرار داده‌ام. به سبب این کار چه پاداشی برایم هست؟ امام کاظم علیه السلام فرمود: «پاداش تو آن است که روز قیامت با آنان باشی». عرض کردم: الله اکبر! چنین پاداشی برای من است؟ سه مرتبه فرمود: «آری»^۱.

۳۰ - توسل و طلب شفاعت و عرض حاجت بر آن حضرت علیه السلام

امام رضا علیه السلام فرمود: «هرگاه سختی و گرفتاری بر شما وارد شود، به وسیله ما از خداوند کمک بخواهید، و این است [معنی] فرموده خدای - عزوجل -: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾^۲؛ و برای خداوند نیک‌ترین نام‌ها است، او را با آنها بخوانید. و از سلمان فارسی آمده که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همانا خداوند می‌فرماید: ای بندگان من! آیا چنین نیست که هر کس حاجت‌های بزرگی از شما بخواهد آنها را برای او برآورده نمی‌سازید مگر اینکه به وسیله محبوب‌ترین افراد نزد شما واسطه بیاورد که آن حاجت را به گرامیداشت شفاعت کننده برای ایشان بر می‌آورد، توجه کنید و بدانید که گرامی‌ترین و برترین مخلوق نزد من محمد صلی الله علیه و آله و سلم و برادر او علی علیه السلام است و بعد از او امامانی که وسائل به سوی خداوند هستند، همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد که نفع آن را خواستار است یا حادثه بزرگی بر آن پدیدار شود که می‌خواهد ضرر آن از او دفع گردد، باید که مرا به [وسیله] محمد و خاندان معصوم او دعا کند، به بهترین گونه‌ای که عزیزترین کسانش را نزد او شفیع می‌برید آن را بر می‌آورد، آن حاجت را برای او خواهم برآورد».

۱. سوره اعراف، یه ۱۸۰.

۲. بحار الانوار، ۹۴ / ۲۲.

۳۱ - دعوت کرن مردم به آن حضرت علیه السلام

و این کار از مهم‌ترین طاعات و واجب‌ترین عبادات است. امام هادی علیه السلام فرمود: «اگر نبودند کسانی از علما که بعد از غیبت قائم - عجل الله فرجه الشریف - به او دعوت کنند و بر او دلالت نمایند، از دین او با دلایل خداوند دفاع کنند، و بندگان ضعیف خداوند را از دام‌های ابلیس و سرکشان او رها سازند، و از شبکه‌های ناصبیان خلاص نمایند، [اگر اینان نبودند] هیچ کس نمی‌ماند مگر اینکه از دین خدا برمی‌گشت، ولی اینان هستند که زمام دل‌های شیعیان ضعیف را به دست می‌گیرند، همچنان‌که ناخدای کشتی سگان آن را در دست دارد، آنان برترین کسان نزد خدای - عزوجل - می‌باشند.

و در این مقام همین بس که امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر فرموده خدای تعالی: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ﴾^۱؛ و یاد آرید هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدای را نپرستید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان احسان و نیکی کنید. فرمود: «و اما فرموده خدای - عزوجل - : (و یتیمان) همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند نیکی به یتیمان را تأکید فرموده چون از پدرهایشان جدا شده‌اند، پس هر آنکه آنان را حفظ و نگهداری کند خداوند او را مصون خواهد ساخت... و هر کس از روی مهر دست خود را بر سر یتیمی بکشد، خداوند برای او در بهشت به هر مویی که از زیر دستش گذشته، کاخی قرار دهد که از دنیا و هر چه در آن است بزرگ‌تر باشد». و امام علیه السلام فرمود: «و سخت‌تر از این یتیمی، حال آن یتیم است که از امامش جدا گردد، نتواند به حضور او برسد و نداند حکم او در آنچه از شرایع و احکام

دینش دچار می‌گردد چیست؟ توجه کنید! هر آنکه از شیعیان ما علوم ما را بداند، و کسی که نسبت به شریعت ما جاهل، و از دیدن ما محروم مانده را هدایت نماید، یتیمی بر دامان نشانیده است، آگاه باشید هر کس او را هدایت و ارشاد کند و شریعت ما را به او بیاموزد، در رفیق اعلیٰ [منزلگاه مخصوص بهشت] با ما خواهد بود، این را پدرم از پدرانش از رسول خدا ﷺ برایم حدیث گفت».

حضرت علیؑ فرمود: «یک زن به حضور صدیقه کبری فاطمه زهراؑ شرفیاب شد، و به آن حضرت عرضه داشت: من مادر ناتوانی دارم که در امر نمازش مسایلی بر او مشتبه گردیده، مرا به خدمت شما فرستاده تا آنها را از شما پرسم. پس حضرت فاطمهؑ از سؤال اولش پاسخ فرمود. سؤال دیگر مطرح کرد و آن حضرت جواب داد. سپس سومین بار سؤال کرد و پاسخ شنید تا ده سؤال مطرح نمود و جواب گرفت. آن‌گاه از کثرت سؤال خجالت کشید و عرضه داشت: ای دخت رسول خدا ﷺ دیگر زحمتتان ندهم.

حضرت فاطمهؑ فرمود: «بگو و آنچه می‌خواهی سؤال کن، آیا اگر کسی یک روز اجیر شود که بار سنگینی را به بام ببرد و کرایه‌اش صد هزار دینار باشد، آیا بر او سنگینی می‌کند؟» دختر گفت: هرگز. حضرت زهراؑ فرمود: «من برای هر مسأله [که جواب می‌دهم] بیش از مقدار مرواریدی که زمین تا عرش را پر کند اجرت دارم، پس سزاوار است که بر من سنگینی نکند، شنیدم پدرم فرمود: همانا علمای شیعیان ما محشور می‌شوند پس بر آنها از خلعت‌های کرامت به قدر بسیاری علومشان و کوشششان در راه ارشاد بندگان خدا عنایت می‌شود، تا آنجا که بر یکی از ایشان یک میلیون حُلّه از نور پوشانیده می‌شود».

سپس فرمود: «ای‌کنیز خداوند به درستی که یک تار از آن خلعت‌ها از آنچه

آفتاب بر آن می تابد (دنیا) یک میلیون بار بهتر و برتر است، زیرا این [امور دنیا] به کم شدن و ناراحتی آمیخته است».

و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «یک فقیه که یتیمی از یتیمان ما که از ما و دیدن ما جدا شده‌اند را نجات دهد، به اینکه آنچه را به آن نیاز دارد، به او بیاموزد، از هزار عابد بر ابلیس مؤثرتر است، زیرا عابد فقط هم خودش را دارد، و آن عالم اضافه بر خودش هم بندگان خدا را نیز دارد که از چنگال ابلیس و سرکشان او برهاند، لذا او نزد خداوند از یک میلیون عابد بهتر است».

۳۲ - رعایت حقوق آن حضرت علیه السلام و مواظبت بر ادای آنها

حق امام علیه السلام پس از خدا و رسول از همه حقوق بر تمامی اهل عالم مهم‌تر است، نظر به مراتبی که خدای تعالی به او اختصاص داده، و او را از سایر خلائق برگزیده است، و او واسطه رسیدن هرگونه فیض به آفریدگان می باشد. از امامان علیهم السلام روایت آمده: «هر حقی که برای خدای تعالی هست از آن ما می باشد».^۱ و نیز حاصل روایتی چنین است که: قدر و منزلت مؤمن نزد امام علیه السلام به حسب منزلت امام نزد او است.

۳۳ - عالم باید علمش را آشکار سازد

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بدعت‌ها در امت من ظاهر شد، پس باید عالم دانش خود را آشکار نماید، و هر کس این کار را نکند لعنت خدا بر او باد».^۲

۳۴ - تهذیب نفس

پاکسازی درون از صفات پلید، و زیور دادن آن به وسیله اخلاق پسندیده، و

این امر در هر زمان واجب است، ولی یاد کردن آن به طور خاص در وظایف زمان غیبت حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - از این جهت است که درک فضیلت صحبت او و قرار گرفتن در عداد اصحاب آن جناب بستگی به آن دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس دوست می‌دارد از اصحاب قائم علیه السلام باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم علیه السلام بپا خیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند!»^۱

۳۵ - پیوسته به یاد آن حضرت بودن و به آدابش عمل کردن

تردید نیست که امام علیه السلام ناظر و شاهد بر ماست، و بر حالات و حرکات و سکنتات ما اطلاع دارد، و روایات متواتر از اهل بیت علیهم السلام بر این مطلب دلالت دارد. حال اگر این را دانستی و یقین داشتی که تو در پیش چشم و جلو رویش قرار داری، حتماً آن جناب را در جلو چشمت قرار می‌دهی، و با دیده دل به او نظر می‌نمایی که در این صورت همّتت در جهت رعایت آداب آن جناب، و مراسم ادب و انجام وظایفی که نسبت به آن حضرت داری به حسب مراتب معرفت مصروف خواهد شد، هر چند که با چشم سر آن بزرگوار را نبینی.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «... اگر شخص او [امام علیه السلام] از مردم در حال صلح و متارکه با مخالفین غایب ماند، به درستی که علم و آداب او در دل‌های مؤمنین ثبت است که آنان به آنها عمل می‌کنند»^۲.

۱. غیبت نعمانی، ۱۰۶.

۲. کمال الدین، ۱ / ۳۰۲، باب ۲۶، ذیل ۱۱.

۳۶ - مقدم داشتن خواسته آن حضرت بر خواسته خود

منصور بزرگ گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: ای سرور من، چه بسیار یاد سلمان فارسی را از شما می شنوم؟ فرمود: «مگو سلمان فارسی، بلکه بگو: سلمان محمدی، آیا می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟» عرض کردم: نه. فرمود: «برای سه صفت: مقدم داشتن خواسته امیر مؤمنان علیه السلام بر خواسته خودش. دوست داشتن فقرا و برگزیدن آنها بر اهل ثروت و مکننت. و دوست داشتن علم و علما، همانا سلمان بنده صالح درستکار مسلمانی بود و از مشرکین نبوده است.»^۱

۳۷ - احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت علیه السلام

خواه قرابت و خویشاوندی و وابستگی آنان جسمانی باشد و خواه روحانی، مانند: سادات علوی، و علمای دینی و برادران ایمانی؛ زیرا احترام و تجلیل ایشان در حقیقت احترام و توقیر آن جناب علیه السلام است.

۳۸ - بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت علیه السلام زینت یافته اند

مانند: مسجد سهله، و مسجد اعظم کوفه، و سرداب مبارک در شهر سامره، و مسجد جمکران و غیر اینها از مواضعی که بعضی از صلحا، آن حضرت را در آنجاها دیده اند، یا در روایات آمده که آن جناب در آنجا توقف دارد، مانند: مسجد الحرام، و تعظیم و احترام سایر چیزهایی که به او اختصاص دارد و منتسب می باشد، مانند: نامها و القاب و کلمات و توقیعات آن حضرت علیه السلام و کتابهایی که احوالات آن بزرگوار و آنچه متعلق به اوست یا در آنها یاد گردیده، و مانند اینها.... چون این کارها از مصادیق تعظیم شعائر است و

خداوند - عزوجل - فرموده: ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱؛ و هر کس شعائر خداوند را بزرگ و محترم دارد، پس به درستی که این از [صفات] دل‌های باتقوا است.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «نَحْنُ الشَّعَائِرُ وَالْأَصْحَابُ^۲؛ ما ایم شعائر و اصحاب».

البته تعظیم این مواقع و مشاهد گونه‌های مختلفی دارد. مانند نماز تحیت و ذکر و دعا، و یا زینت کردن و بوسیدن و پای برهنه در آنها داخل شدن و امثال اینها

۳۹ - وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقت‌گذاران

مفضل بن عمر گوید: از سرورم امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا ظهور مهدی منتظر وقت معینی دارد که مردم آن را بدانند؟ فرمود: «حاشا که خداوند برای آن وقتی تعیین کرده باشد یا شیعیان ما برای آن وقتی معین کنند».

و ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: فدایت گردم، خروج قائم علیه السلام کی خواهد بود؟ فرمود: «ای ابو محمد! ما خاندانی هستیم که وقت نمی‌گذاریم، و همانا حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: وقت‌گذاران دروغ گویند».

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «خداوند جز این نخواهد کرد که خلاف وقتی را که وقت‌گذاران تعیین کنند ظاهر سازد».^۳

از این روایات معلوم می‌شود که علم به وقت ظهور مولا یمان صاحب الامر علیه السلام از اسرار خداوند است و حکمت الهی بر این است که وقت ظهور

۲. مرآة الانوار، ۱۹۸.

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

۳. غیبت نعمانی، ۱۵۵.

صاحب الامر علیه السلام را پیش از فرا رسیدن آن از بندگان مخفی بدارد، به خاطر اموری که بر ما پوشیده است، ولی آنچه از کلمات ائمه علیهم السلام در مورد عدم تعیین وقت ظهور استفاده می شود، چند وجه است:

وجه اول: بندگان نمی توانند آن را تحمل کنند و بر کتمان صبر نمایند. بیان مطلب اینکه: مؤمنین طبقات مختلفی دارند: بعضی از آنان به خاطر ضعف ایمان از تحمل اسرار ناتوان هستند، چنین کسی نمی تواند بر آن اسرار مطلع شود، بلکه هرگاه بعضی از اسرار برایش یاد شود، به سبب ضعف ایمان شکها و شبهه‌هایی به دلش راه می یابد.

وجه دوم: حکمت الهی مقتضی آن است که مؤمنین در همه زمانها منتظر ظهور مولایمان صاحب الزمان علیه السلام باشند، پس اگر وقت ظهور آن حضرت را بدانند، پیش از رسیدن وقت معین از ظهورش مأیوس می شوند، و این مصالح متعددی را از بین می برد.

وجه سوم: بررسی و امتحان مردم می باشد، همین حکمت مقتضی مخفی داشتن علم به وقت ظهور حضرت حجت علیه السلام از ایشان است، و گرنه بررسی و امتحان نسبت به بسیاری از افراد که به ایمان داشتن تظاهر می کنند ناتمام می بود، تا اینکه شتاب‌زدگان از دیگران جدا شوند.

وجه چهارم: این کار (= مخفی داشتن وقت ظهور) تفضل کامل و عنایت خاص نسبت به مؤمنانی است که در زمان غیبت صاحب الزمان علیه السلام هستند. توضیح اینکه: ظاهر از روایات آن است که وقت ظهور فرج از امور بدائیه است که ممکن است به سبب بعضی از مصالح و حکمت‌ها، و به سبب تحقق یافتن یا نیافتن بعضی از شرایط که بر مردم مخفی است، زودتر یا دیرتر شود،

پس اگر امامان علیهم السلام وقتی را به مردم خبر می دادند، سپس آن وقت به خاطر بعضی از اسباب و حکمت‌ها تأخیر می افتاد، بسیاری از مردم به تردید می افتادند، چون به نظرشان می آمد که آن برخلاف وعده خداوند - تعالی شانه - می باشد یا شک‌ها و شبهه‌ها به دل‌هایشان راه می یافت.

فضیل بن یسار گوید: به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم: آیا برای این امر وقتی هست؟ فرمود: «وقت‌گذاران دروغ گویند، دروغ گویند، دروغ گویند، همانا موسی علیه السلام وقتی به دعوت پروردگارش رفت، قوم خود را سی روز وعده داد، و چون خداوند ده روز بر آن سی روز افزود، قوم او گفتند: وعده‌ای که موسی داده بود، برخلاف شد، و کردند آنچه کردند».^۱

۴۰ - تکذیب مدعیان نیابت خاصه در زمان غیبت کبری

شیعه امامیه متفقند که با فوت شیخ جلیل علی بن محمد سمري رضی الله عنه وکالت منقطع شده و نیابت خاصه ختم گردیده است، شیخ سمري چهارمین تن از نواب چهارگانه است که در زمان غیبت صغری مرجع شیعیان بوده‌اند، و پس از درگذشت سمري تا زمان ظهور حضرت حجّت - عجل الله فرجه الشریف - نایب خاصی از آن حضرت در میان شیعیانش نخواهد بود، و مرجع شیعیان در زمان غیبت کبرای آن جناب علمای عامل هستند که حافظ احکام الهی می باشند، و هر کس نیابت خاصه را ادعا کند دروغگو و مردود است، بلکه این مطلب از ضروریات مذهب امامیه است که به آن شناخته می شوند، و هیچ یک از علمای ما در این باره مخالفت ننموده است.

و در دعای عمّری که از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت شده، چنین آمده: «اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ؛ بار خدایا! از تو مسئلت دارم که ولیّ امرت را به من بنمایی در حالی که فرمانش نافذ باشد...».

و در دعای ندبه است: «و [ای خدا] سرور این بنده کوچکت را به‌وی بنمایان». امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه کسی از شما تمنای [دیدن] قائم علیه السلام را داشت پس آرزویش چنین باشد که در عاقبت آن جناب را ببیند، زیرا خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را رحمت فرستاد و آمدن قائم علیه السلام نعمت خواهد بود».^۲

و در بعضی از اخبار است که آن حضرت علیه السلام در میان مردم آمد و شد می‌کند، پس او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند. و برای من و بعضی از اخیار، بعضی از اسرار اتفاق افتاده است.

از سدید آمده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا در صاحب این امر سنتی از یوسف هست». راوی گوید: عرضه داشتم: گویی ما را از غیبت یا حیرتی خبر می‌دهید؟ فرمود: «چه انکار می‌کنند این خلق ملعون خوک‌صفت از این امر؟ همانا برادران یوسف افراد عاقل و چیزفهم بودند بر یوسف وارد شدند و با او سخن گفتند و با او معامله کردند و رفت و آمد نمودند و او برادر آنان بود با وجود این تا خودش را به آنان معرفی نکرد او را نشناختند و وقتی گفت من یوسف هستم، او را شناختند. بنابراین امت سرگردان چه انکار می‌کنند که خدای - عزوجل - در وقتی از اوقات بخواد حجّت خودش را بر آنان مخفی بدارد، یوسف پادشاهی مصر را داشت و فاصله بین او و پدرش هیچ‌ده روز راه بود، اگر خداوند می‌خواست با حجّت خویش همان‌کند که با یوسف کرد، و اینکه صاحب مظلوم شما که حقّش

۱. بحار الانوار، ۹۰/۱۰۲.

۲. روضة الكافی، ۲۳۳، ح ۳۰۶.

انکار شده صاحب این امر در میان آنها آمد و شد کند، و در بازارهایشان راه برود، و بر فرش‌هایشان پا بگذارد، ولی او را نشناسند؟ تا هنگامی که خداوند او را اذن دهد که خودش را معرفی کند، چنان‌که به یوسف اجازه داد، وقتی برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: من همان یوسفم»^۱.

تذکر: بین فرموده امام علیه السلام در توقیع شریف به اینکه: «در شیعیان من کسی یا کسانی خواهد آمد که مدعی شود مرا مشاهده می‌کند، آگاه باشید هرکس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کرد، دروغگوی تهمت‌زننده است» و بین داستان‌هایی که دلالت دارد بعضی افراد خدمت حضرتش رسیده‌اند، منافاتی نیست؛ چون منظور امام از ادعای مشاهده، گونه مخصوص آن است که برای سفرای چهارگانه آن حضرت علیه السلام در زمان غیبت صغری صورت گرفته بود، نه مطلق مشاهده. مانند فرموده خدای عزوجل: ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ﴾^۲، بگو [ای پیغمبر] ما ایمان آورده‌ایم به خدا و شریعت و کتابی که بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده است. در این آیه اسباط لفظ عامی است و مقصود از آن خاص است؛ زیرا بر همه اسباط (= نوادگان یعقوب) کتاب و وحی و حکم نازل نگشت، بلکه فقط بر بعضی از آنها نازل شد.

۴۲ - اقتدا و تأسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت علیه السلام

حقیقت مأموم بودن و شیعه بودن در پیروی کردن از آن جناب و الگو قرار دادن او در اخلاق و اعمال است.

۱. غیبت، نعمانی، ۸۴

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۴

از حضرت زین العابدین علیه السلام آمده که فرمود: «آگاه باشید که مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند کسی است که به سنت و مذهب امامی بوده باشد و به اعمالش اکتفا نکند»^۱.

۴۳ - حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن

و این کار هرچند در هر زمان خوب و پسندیده است، ولی چون انسان در زمان غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام بیشتر در معرض خطر و زیان و فتنه و امتحان است، اهتمامش به این امر مؤکدتر و مهم‌تر از سایر زمان‌هاست.

امام باقر علیه السلام فرمود: «زمانی بر مردم فرا می‌رسد که امام آنها از نظرشان غایب می‌شود، خوشا به حال آن کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت بمانند...» جابر گوید: عرضه داشتم: ای زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله! بهترین کاری که مؤمن در آن زمان انجام دهد، چیست؟ فرمود: «حفظ زبان و خانه‌نشینی»^۲.

۴۴ - نماز آن حضرت ۷

نماز حجت قائم - عجل الله فرجه الشریف - دو رکعت است، در هر رکعت سوره حمد را تا ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ می‌خوانی، سپس صد بار می‌گویی: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ آن‌گاه بقیه سوره حمد را می‌خوانی، و بعد از آن سوره اخلاص ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را یک بار می‌خوانی و پس از نماز می‌گویی: «اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ...» بارها! فتنه و بلا بزرگ شد و مخفی بودن (امام علیه السلام یا راه چاره) سخت گردید...»^۳.

۱. روضه الکافی، ۲۳۴، ح ۳۱۲. ۲. کمال الدین، ۱ / ۳۳۰.

۳. این دعا در اصل کتاب و نیز در مفاتیح الجنان آمده است. (ملخص)

۴۵ - گریستن در مصیبت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

زیرا این کار از اموری است که به وسیله آن حق امام علیه السلام ادا می‌گردد، و بدون تردید ادای حق آن حضرت از عظیم‌ترین و مهم‌ترین وسایل تقرب یافتن به اوست. امام صادق علیه السلام فرمود: «... و هیچ دیده و هیچ اشکی نزد خداوند محبوب‌تر از چشمی نیست که بر او بگرید و اشک بریزد، و هیچ گریه‌کننده‌ای بر او نگیرد، مگر اینکه فاطمه علیه السلام را صله کرده و حق ما را ادا نموده است، و هر بنده‌ای [روز قیامت] با دیدگان گریان محشور می‌شود، مگر گریه‌کنندگان بر جدم حسین علیه السلام که [هر آنکه بر او گریسته] در حالی محشور می‌گردد که دیده‌اش روشن است و مژده به او می‌رسد و شادمانی بر چهره‌اش نمودار است، و خلائق در بیم و هراس هستند در حالی که اینان [گریه‌کنندگان بر امام حسین علیه السلام] ایمن باشند، و خلائق [در هنگامه عرصات محشر] عرضه می‌شوند، ولی اینان زیر عرش و در سایه عرش با حسین علیه السلام هم‌سخن خواهند بود».^۱

۴۶ - زیارت قبر مولا یمان امام حسین علیه السلام

زیرا این کار صله حضرت صاحب الزمان علیه السلام و نیکی نسبت به آن جناب و سایر امامان علیهم السلام می‌باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس قبر ابی عبد الله علیه السلام را زیارت کند، همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله را صله نموده و پیوند ما را گرامی داشته، و غیبتش حرام، و گوشتش بر آتش [دوزخ] حرام می‌شود...».^۲

۴۷ - بسیار لعنت کردن بر بنی امیه در آشکار و پنهان

در مجالس و منابر در صورتی که ترس و تقیه در کار نباشد، چون این کار از

۱. کامل الزیارات، ۸۱، باب ۲۶.

۲. کامل الزیارات، ۱۲۷، باب ۴۶.

اموری است که مایه تقرب به مولایمان علیه السلام می باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «همانا شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! بنی امیه تو را لعنت خواهند کرد، و فرشته‌ای به شمار هر لعنت آنان، هزار لعنت برایشان بر می گرداند، پس هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد، چهل سال آنها را لعنت خواهد کرد...»^۱

و امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه نماز واجبی را به پایان بردی، جز با لعنت کردن بنی امیه از جای خود حرکت مکن»^۲.

۴۸ - مهیا کردن سلاح در انتظار ظهور آن جناب

امام صادق علیه السلام فرمود: «لِيُعَدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لِأَنْ يُنْسِيَ فِي عُمُرِهِ^۳؛ هر یک از شما برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی] مهیا کند هر چند یک تیر باشد، که خدای تعالی هرگاه بداند که شخصی چنین نیتی دارد، امیدوارم عمرش را طولانی کند».

۱. خصال، ۲ / ۵۷۹، باب السبعین، ح ۱. ۲. تهذیب، ۲ / ۱۰۹، ح ۱۷۹.

۳. غیبت نعمانی، ۱۷۳.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

خط نیریزی / الهی قمشہای	قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی	۱
خط نیریزی / الهی قمشہای	قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی	۲
خط نیریزی / الهی قمشہای	قرآن کریم / وزیری	۳
خط عثمان طہ / الهی قمشہای	قرآن کریم / وزیری (با ترجمہ)	۴
خط عثمان طہ	قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمہ)	۵
خط افشاری / الهی قمشہای	کلیات مفاتیح الجنان / وزیری	۶
خط افشاری / الهی قمشہای	کلیات مفاتیح الجنان / جیبی	۷
خط افشاری / الهی قمشہای	کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی	۸
خط افشاری / الهی قمشہای	منتخب مفاتیح الجنان / جیبی	۹
خط افشاری / الهی قمشہای	منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی	۱۰
واحد تحقیقات	ارتباط با خدا	۱۱
حسین کریمی قمی	آئینہ اسرار	۱۲
واحد تحقیقات	آخرین خورشید پیدا	۱۳
محمد حسن سیف اللہی	آقا شیخ مرتضای زاهد	۱۴
واحد پژوهش	آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)	۱۵
واحد تحقیقات	از زلال ولایت	۱۶
واحد پژوهش	امامت، غیبت، ظهور	۱۷
علم الہدی / واحد تحقیقات	امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام	۱۸
سہراب علوی	امام رضا علیہ السلام در رزمگاہ ادیان	۱۹
واحد تحقیقات	انتظار بہار و باران	۲۰
عزیز اللہ حیدری	انتظار و انسان معاصر	۲۱
محمد محمدی اشتهاردی	اہمیت اذان و اقامہ	۲۲
حسین ایرانی	با اولین امام در آخرین پیام	۲۳
محمد جواد مروّجی طبسی	بامداد بشریت	۲۴
محمد محمدی اشتهاردی	پرچمدار نینوا	۲۵
محمد رضا اکبری	پرچم ہدایت	۲۶
شیخ عباس صفایی حائری	تاریخ پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم / دو جلد	۲۷

۲۸	تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام / دو جلد	شیخ عباس صفایی حائری
۲۹	تاریخ سیدالشهداء علیه السلام	شیخ عباس صفایی حائری
۳۰	تاریخچه مسجد مقدس جمکران / فارسی	واحد تحقیقات
۳۱	تاریخچه مسجد مقدس جمکران / عربی	واحد تحقیقات
۳۲	تاریخچه مسجد مقدس جمکران / انگلیسی	واحد تحقیقات
۳۳	تاریخچه مسجد مقدس جمکران / اردو	واحد تحقیقات
۳۴	تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام	سید جعفر میرعظیمی
۳۵	جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام	حسین علی‌پور
۳۶	چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام	حسین گنجی
۳۷	چهل حدیث / امام مهدی در کلام امام علی علیه السلام	سید صادق سیدنژاد
۳۸	حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت	محمد محمدی اشتهاردی
۳۹	حکمت‌های جاوید	محمد حسین فهیم‌نیا
۴۰	ختم سوره‌های یس و واقعه	واحد پژوهش
۴۱	خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)	عباس حسینی جوهری
۴۲	خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)	رضا استادی
۴۳	خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)	محمد علی مجاهدی (پروانه)
۴۴	دار السلام	شیخ محمود عراقی میثمی
۴۵	داستانهایی از امام زمان علیه السلام	حسن ارشاد
۴۶	داغ شقایق (مجموعه اشعار)	علی مهدوی
۴۷	در جستجوی نور	صافی، سبحانی، کورانی
۴۸	در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)	شیخ عباس قمی / کمره‌ای
۴۹	دلشده در حسرت دیدار دوست	زهرا قزلقاشی
۵۰	رسول ترک	محمدحسن سیف‌اللهی
۵۱	روزنه‌هایی از عالم غیب	سید محسن خرازی
۵۲	زیارت ناحیه مقدسه	واحد تحقیقات
۵۳	سحاب رحمت	عباس اسماعیلی یزدی
۵۴	سرود سرخ انار	الهه بهشتی
۵۵	سقا خود تشنه دیدار	طهورا حیدری

۵۶	سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی	محمد علی مجاهدی (پروانه)
۵۷	سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی	دکتر عبداللهی
۵۸	ظهور حضرت مهدی علیه السلام	سید اسدالله هاشمی شهیدی
۵۹	عریضه نویسی	سید صادق سیدنژاد
۶۰	عطر سیب	حامد حجّتی
۶۱	عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی	المقدس الشافعی
۶۲	علی علیه السلام مروارید ولایت	واحد تحقیقات
۶۳	علی علیه السلام و پایان تاریخ	سید مجید فلسفیان
۶۴	فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام	سید محمد واحدی
۶۵	فرهنگ اخلاق	عباس اسماعیلی یزدی
۶۶	فرهنگ تربیت	عباس اسماعیلی یزدی
۶۷	فوز اکبر	محمد باقر فقیه ایمانی
۶۸	کرامات المهدی علیه السلام	واحد تحقیقات
۶۹	کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام	واحد تحقیقات
۷۰	کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)	شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان
۷۱	کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)	حسن بیاتانی
۷۲	گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)	علی اصغر یونسیان (ملتجی)
۷۳	گفتمان مهدویت	آیت الله صافی گلپایگانی
۷۴	گنجینه نور و برکت، ختم صلوات	مرحوم حسینی اردکانی
۷۵	مشکاة الانوار	علّامه مجلسی رحمه الله
۷۶	مفرد مذکر غائب	علی مؤذنی
۷۷	مکیال المکارم (دو جلد)	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
۷۸	منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ	شیخ عباس قمی رحمه الله
۷۹	منشور نینوا	مجید حیدری فر
۸۰	مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات	عزیزالله حیدری
۸۱	مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی	العمیدی / محبوب القلوب
۸۲	مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد	علّامه مجلسی رحمه الله / ارومیه‌ای
۸۳	مهر بیکران	محمد حسن شاه آبادی

سید مهدی حائری قزوینی	۸۴	میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
واحد تحقیقات	۸۵	ناپیدا ولی با ما / فارسی
واحد تحقیقات	۸۶	ناپیدا ولی با ما / انگلیسی
واحد پژوهش	۸۷	ناپیدا ولی با ما / بنگالا
واحد پژوهش	۸۸	ناپیدا ولی با ما / ترکی استانبولی
میرزا حسین نوری رحمه الله	۸۹	نجم الثاقب
محمد خادمی شیرازی	۹۰	نشانه‌های ظهور او
مهدی علیزاده	۹۱	نشانه‌های یار و چکامه انتظار
سید رضی رحمه الله / محمد دشتی	۹۲	نهج البلاغه / وزیری
سید رضی رحمه الله / محمد دشتی	۹۳	نهج البلاغه / جیبی
الهه بهشتی	۹۴	و آن‌که دیرتر آمد
واحد تحقیقات	۹۵	وظایف منتظران
سید نورالدین جزائری	۹۶	ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام
میرزا احمد آشتیانی رحمه الله	۹۷	هدیه احمدیه / جیبی
میرزا احمد آشتیانی رحمه الله	۹۸	هدیه احمدیه / نیم جیبی
محمد خادمی شیرازی	۹۹	یاد مهدی علیه السلام
محمد حجّتی	۱۰۰	یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)
عباس اسماعیلی یزدی	۱۰۱	ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد

جهت تهیه و خرید کتابهای فوق، می‌توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران

مکاتبه و یا با شماره تلفن‌های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.